اللّهمّ عجّل لولیّک الفرج

چاپ دوم

احمدی نژاد

معجزه هزاره سوم

نویسنده: فاطمه رجبی

بسم الله الرحمن الرحیم

احمدی نژاد

معجزه هزاره‌یِ سوم



نشر دانش آموز

چاپ دوم

رجبی، فاطمه، ۱۳۳۲ ـ
احمدی‌نژاد معجزه هزاره سوم / تألیف و گردآوری فاطمه رجبی. ـ تهران: دانش‌آموز، ۱۳۸۵.
۳۲۰ ص.
ISBN 964 - 6316 - 41 - 7
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. احمدی‌نژاد، محمود، ۱۳۴۴ ـ . ۲. روسای جمهور ـ ایران ـ انتخابات ـ ۱۳۸۴. ۳. ایران ـ سیاست و حکومت ـ ۱۳۸۴ ـ. ۴. مشارکت سیاسی ـ ایران. الف. عنوان.
۳ الف ۳ ر / DSR ۱۷۲۲ ۹۵۵/۰۸۴۴
کتابخانه ملی ایران ۸۵-۳۵۳۰ م



نشر دانش آموز

احمدی‌نژاد معجزه هزاره‌ی سوم

▣ نویسنده: فاطمه رجبی

▣ چاپ: چاپخانه بزرگ قرآن

▣ نوبت چاپ: چاپ دوم، آبان ماه ۱۳۸۵

▣ شمارگان: ۱۵۰۰۰ نسخه

▣ بها: ۲۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

تقدیم به همه منتظران فرج، عاشقان دولت مهدوی (عج) بویژه نسل سومی‌هایی که شیاطین داخلی و خارجی به آرای آنان چشم امید داشتند

«بسم اللّه الرّحمن الرّحیم»

مقدمه

انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری ایران از منظر همگان، یک شگفتی یا اعجاز بود. صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی، سیاستمداران و سیاسی‌کاران، ناظران و مغرضان در داخل و خارج با حیرت بی‌نهایت این رخداد را نظاره کردند. تحلیل‌ها و تفسیرهای جزئی و کلی رسانه‌های خبری جهان، با نگاه‌های متفاوت این مسأله را ارزیابی کرده و پی درپی بر این اعجاز ملت ایران تأکید نمودند.

در یک واقعیت عینی پدیده دکتر احمدی‌نژاد، هزاره سوم را غافلگیر کرد و آمار و ارقام، اطلاعات علمی و فناوری‌های تکنولوژیک در زمینه سیاسی ـ اجتماعی پیرامون مسایل ایران را فلج کرد. این امر تکرار حقیقی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (س) بود، که مورد اعتراف همگان واقع شد.

بدیهی است که رخدادهای بزرگ در تاریخ یک کشور و ملت تعیین کننده است. به همین دلیل، مرور و بررسی و تفسیر دقیق و مستند این

وقایع، مسأله‌ای ضروری است. کوتاهی در این موضوع برای یک ملت زیانی بزرگ و جبران ناپذیر به همراه دارد.

یقیناً کالبد شکافی واقعی و مستند از رویدادهای سرنوشت‌ساز، برای نسل‌های آتی، عبرت‌های بسیاری در پی خواهد داشت.

در تاریخ ملت ایران اتفاقات و حوادث تلخ و شیرین بسیار روی داده است. بدون شک بسیاری از این حوادث تأثیرات تعیین کننده‌ای در سرنوشت ایرانیان داشته که بر مورخ و پژوهشگر تیزبین روشن است. اما رویداد «مشروطیت» بنا به دگرگونی بنیادین عرصه سیاست و فرهنگ سرزمین تشیع امری منحصر به فرد بوده است. متأسفانه باگذشت بیش از صد سال از این واقعه، پژوهشگران واقع‌نگر و دین‌مداری که عمیقاً به این دگرگونی بنیان‌فکن بپردازند، آن‌گونه که باید و شاید ظهور نکرده‌اند.

واقعیت آن است که کمتر کسی جسارت و شهامت پرداختن به مبنای «دهــر»ی مشروطه را داشته تا بتواند دیدگاه‌های شریعتمدارانه و هوشمندانه‌ی شیخ شهید (شیخ فضل الله نوری) را حلاجی کند. این معضل علت مبهم ماندن واقعه مشروطه است. و تاریخ ایران در گذرگاه‌هایی شاهد تکرار گوشه‌هایی از آن بوده است. مهمترین ضربه ماندگار مشروطه بر پیکر ملت مسلمان و فرهنگ پایدار ایران اسلامی، «بیماری روشنفکری» است. این بیماری در عرصه سیاست، دین و فرهنگ و در لباس‌های مختلف کماکان باقی مانده است. از این روی ملت ایران در دهه دوم انقلاب اسلامی، و در حاکمیت نظام اسلامی، به‌گونه‌ای هولناک تکرار فاجعه آمیز آن را در «حاکمیت دینی» خود شاهد بود. شگفتا که هنوز هم طرح بنیان دین ستیز مشروطه، و تبیین

اندیشه الهی و روشنگر شیخ شهید، برای بسیاری باعث خجلت قلمی و بیانی و حتی فکری است!!

این جریان سبب گردیده تا دوران حاکمیت توسعه اقتصادی و توسعه سازندگی نیز با اغماض، تساهل، تعارفات جناحی و یا همان شرمگینی یاد شده، چیرگی یابند، و پس از انجام اهداف ویژه، صحیح و سالم و با تمجید و تشویق بدرقه شوند!

به هر حال انتخابات نهم برای ملتی که ۲۷ سال ایثار و جانفشانی را پشت سر نهاده، معیار سنجش و آزمونی الهی بوده، این انتخابات که پس از شانزده سال حاکمیت گروه کارگزاران سازندگی و جریان موسوم به اصلاح‌طلب انجام گرفت، به دلیل وجود فضا و شرایط فکری و سیاسی خاص و کردار و رفتار غیرمتعارف سیاست‌پیشگان، نیز هزینه‌های سرسام آور داخلی و خارجی که به منظور جهت دهی آرای مردم هزینه می‌شد و بی‌نتیجه ماندن آنها، یک «اعجاز حقیقی» به شمار می رود.

دنیاطلبی محضِ حاصل از دوران حاکمیت کارگزاران سازندگی و اوج‌گیری آن در دوره‌ی حکومت اصلاح‌طلبان، ظاهر جامعه اسلامی را چنان می‌نمایاند که جز استمرار همان افکار و اعمال، گزینه‌ای برای ملت باقی نمانده است. در واقع باید گفت هشت سال حاکمیت کارگزاران سازندگی جدایی و دوری از اسلام و فرهنگ اسلامی را برای ملت به ارمغان آورد، و ۸ سال اصلاح‌طلبی، تقابل، تضاد و گسست نسل سوم را با نظام اسلامی و شریعت محمدی (ص) دنبال نمود. تلاش بی‌وقفه حاکمان و دست اندرکاران عرصه‌های اقتصاد و سیاست و فرهنگ در این دوران، در یک علت اساسی نهفته بود که باید آن را بیگانگی و بیزاری از

«عدالت علوی» دید.

حاکمانی که در دولت اسلامی نه دوستدار تئوریک این سنت الهی بودند، و نه اجرای جزئی‌ترین احکام آن را بر می‌تابیدند. چنین بود که فرهنگ انقلاب اسلامی برگرفته از اندیشه ناب حضرت امام خمینی(س) به انزوا و تخطئه محکوم شد، و وفاداران به آن نیز به ترور شخصیت محکوم شدند. این مهم اتفاق افتاد تا عرصه برای اراذل فکری و سیاسی آماده باشد و «تروریسم ایمانی» باورهای دینی مردم را مورد هدف قرار دهد.

بدین ترتیب علاوه بر تمامی معضلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، باید از منظر فرهنگ، حاکمیت سازندگی را دوران «مرزبندی» میان امام(س) و امت از سوی حاکمان دانست؛ و اصلاح‌طلبی را، به دلیل یورش آشکارتر فرهنگی و ناکارآمدی افزون‌تر اقتصادی و سیاسی، «یأس بزرگ ملی» نامید. این واقعیات بیش از داخل، نگاه شیطانی بیگانگان آن سوی مرزها راکه اربابان دستوری «توسعه» بودند، متوجه خود می کرد. از این روی انتخابات نهم را پایان اسلامیت نظام دانسته، و در مسیر بیرون آمدن نامزد مطلوب در این جهت هزینه‌های بسیاری متحمل شدند. در داخل هم برای جناح‌ها، احزاب و گروه‌ها و افراد قدرت‌طلب که آسوده و طلبکار، «مافیای قدرت و ثروت» را عامل حیات خود می‌دیدند، «انقراض سلطنت در قوه اجرائیه» پس از شانزده سال امری دردناک و باور نکردنی بود.

با این وجود اراده الهی بر بالندگی نظام اسلامی و پویایی و حیات ملت مسلمان ایران در پرتو انقلاب اسلامی و زعامت رهبری معظم انقلاب

اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تعلق گرفت. آرای آگاهانه، کیفی و ارزشمند ملت، این اراده آسمانی را زمینی کرد و بار دیگر انقلاب اسلامی سال ۵۷ تکرار شد.

دکتر احمدی‌نژاد گزینه مطلوب ملت ایران در یک فضای ملتهب و مسموم و نابرابری و بی‌عدالتی کامل، وارد میدان انتخابات شد و در کمال شگفتی قلب‌های ملت را با آرای آنان به صندوق‌ها برد. ۲۷ خرداد ماه پیروزی معجزه‌آسای احمدی‌نژاد، نامزدها و جریانات عقبه آنها را به اغما فرو برد. و سوم تیرماه عزم ملی در عدالتخواهی به اوج رسید، و این اعجاز را به کمال رسانید.

درخشش دکتر احمدی‌نژاد در عرصه بین‌الملل و جهان اسلام نیز بیش از پیش شگفت‌آفرین شد.

احمدی‌نژاد پس از استقرار در ریاست جمهوری، با رفتار انقلابی و اسلامی، به احیای سنت‌های علوی پرداخت و به عنوان «پدیده منحصر به‌فرد»، علاوه بر ملت‌های مسلمان و حتی برخی دولت‌های آزادی خواه مسلمان و غیرمسلمان، قلوب ملل دیگر را به خود متمایل کرد.

بی‌گمان در مدت کوتاهی که از انتخاب دکتر احمدی‌نژاد می‌گذرد، در کنار یورش و ترور شخصیت و اندیشه‌ی وی و منتخبین او از سوی شیاطین خارجی و داخلی، در جهان تحلیل‌ها، تفسیرها، تمجیدها و ستایش‌های بسیاری نیز از او به‌عمل آمده است.

این کتاب با اشاره‌ای گذرا به برخی مسائل انتخابات تلاش دارد تا رمز و راز شکفتن احمدی‌نژاد را به عنوان «معجزه هزاره‌ی سوم» پیگیری کند. پیگیری به عمل آمده بر اساس مستندات و واقعیاتی است که هنوز در

چشم و ذهن ملت از هر قشر و صنف و جنس زنده و حاضر است.

امید می‌رود این گام در راهی برداشته شود که رهروان بسیار داشته باشد. به طور قطع کالبد شکافی انتخابات نهم می‌تواند در راهیابی ملت به «درستی‌ها» و پیشگیری از تعمیق و گسترش «نادرستی‌ها» در عرصه حاکمیت، کارگشا باشد. إن‌شاءاللّه

در پایان از برادر ارجمندی که در مراحل جمع‌آوری برخی اسناد، تایپ مطالب و چاپ آن مرا یاری نمود و به ذکر نامش رضایت نداد بسیار سپاسگزارم.

مقدمه چاپ دوم

سپاس بی‌کران خداوند متعال را که امدادهایش در فاصله‌ای بسیار کوتاه موجب چاپ دوم کتاب «احمدی نژاد معجزه هزاره سوم» گردید و با تشکر و تقدیر از مردم حقیقت‌جویی که با استقبال کم نظیر از این کتاب، چاپ مجدد آن را ضروری ساختند. مردمی فهیم و آگاه که با ملاحظه واقعیات مندرج در کتاب، اعتماد کامل به آن را در شکل‌های گوناگون ابراز داشتند.

از سوی دیگر تلاش بی‌امان تخریب‌گران و تروریست‌های شخصیت و عقیده در هر دو جناح قابل تأمل است. آنان که با برپایی فتنه‌های گوناگون، ایجاد فضای ناسالم، و فراهم سازی عدم امنیت و مصونیت برای نویسنده، به گمان خود به تطهیر مافیای قدرت و ثروت پرداختند. موج بی‌سابقه و هولناک تخریب که صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز پوشش مکرر آن را در سطح کشور برعهده داشت. همه اینها مصداق کامل علایم آخر الزمانی در بیان حق است.

ظاهراً مقاله‌های انتقادی، اعتراضی و افشاگرانه این جانب پیرامون مسائل سرنوشت‌ساز ملی، موج تخریب و ترور را علیه جبهه‌ی حق پدید آورد. اما دقت در ورود چهره‌های شاخص جناح اصول‌گرایان به عرصه تخریب، و بی‌باکی آنان در دروغ‌پردازی، اتهام زنی، ناسزاگویی، کندوکاوی بیشتر را می‌طلبد. علاوه بر این که در برخی دشنام نامه‌های این افراد، کینه‌ورزی توأم با تهمت و افترا آشکارا کتاب «احمدی نژاد معجزه هزاره سوم» را هدف قرار داد!

با این وجود منت پروردگار بی‌همتا را که ملت سربلند و هوشمند، بی‌توجه به ویرانگری‌های سیاسی دو جناح، هم‌چنان نسبت به واقعیات کتاب اعتماد و اطمینان کامل دارند! این موج عظیم فتنه‌های پی‌درپی راهکار فریب ساده‌اندیشان و سطحی نگران را هم از نظر دور نداشت. از جمله آن که نام کتاب را محملی برای شبهه آفرینی قرار داده، تا بتوان «فتنه اعتقادی» از آن به‌دست آورد. الطاف الهی، آگاهی دینمدارانه و تیزهوشی سیاسی ملت بویژه شاگردان امام صادق(ع) در حوزه‌های علمیه و فرهیختگان واقع‌نگر، این توطئه را خنثی نمود.

در مرحله‌ای دیگر سیاست‌پیشگان حرفه‌ای و صاحبان حرفه‌های چند منظوره که در سال‌های سیاه اصلاح‌طلبی شاهد و ناظر موهن‌ترین حملات به رکن رکین ولایت فقیه، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بودند، واژه «معجزه» را عامل تحت‌الشعاع قرار دادن حضرت روح الله و مقام عظمای ولایت خواندند. این دل نگرانی‌های حیله‌گرانه هم البته مؤثر واقع نشد، گرچه می‌تواند دسیسه‌ای در دستان کارگزاران مافیایی برای آینده باشد.

بی‌پرده باید گفت فجایع و مصایب ١٦ سال گذشته، با هیچ ترفند و راهکار سیاسی قابل اغماض نیست. آن‌چه از فقر، بیکاری، فساد، تبعیض، قبیله‌گرایی، ایجاد مافیا و... در جامعه وجود دارد، و همه آنها ناجوانمردانه دستاویزهای شکست خوردگان در انتخابات نهم علیه دکتر احمدی نژاد قرار گرفتند، ثمره حاکمیت توسعه و اصلاحات است. شِبه کودتایی که در تبلیغات مخرب انتخابات نهم به وقوع پیوست، علتی جز استمرار این وضع اسف بار نداشت. به همین جهت گروه‌های رسوا و شکست‌خورده، پس از پیروزی معجزه‌آسای ملت در انتخاب احمدی‌نژاد حتی یک لحظه از کار تخریب باز نمانده‌اند.

اما در نگاهی واقع‌بینانه، عنایات ویژه حضرت صاحب الامر(عج)، عزت و افتخار ملی را در سطح جهانی توسط احمدی نژاد به ملت سر بلند ایران بازگردانیده است. شکسته شدن تعلیق ذلیلانه غنی سازی و تحقیقات هسته‌ای پس از حدود سه سال، فلج شدن دیپلماسی سلطه‌گر غرب به سرکردگی آمریکا در برابر ایران، شکست راهکارهای فرعونی شیطان بزرگ و اذناب او، در همه عرصه‌های ضد ایرانی ـ اسلامی، بویژه رژیم ددمنش اسرائیل، پیروزی شگفت‌انگیز احمدی نژاد در افکار عمومی جهان، در ارتباط با فرو ریختن بنای فاسد هولوکاست و طرح ابتکاری او برای نابودی اسرائیل جنایتکار، و گفتمان افتخار آفرین وی در طرح عزتمند مبانی اسلام و قرآن و تشیع، یک سال گذشته را با کاربردی چندین ساله به پایان رسانید. آیا می‌توان حرکت مهدوی احمدی‌نژاد را با حضور مکرر در سازمان ملل، با تخریب‌های مافیایی از ذهن تاریخ تشیع محو کرد؟ و یا آزاداندیشان جهان را نسبت به این رفتار عزتمند و خالصانه و معتقدانه منحرف نمود؟ و یا می‌توان این رفتار اصیل فاطمی(ع) را با غربزدگی و ذلت‌پذیری گفتمان اصلاح‌طلبی، و خفت و خواری عدول از گفتمان دینی با هدف پذیرفته شدن در جرگه روشنفکری و غربگرایی به قیاس گذاشت؟ و آیا می‌شود تلاش‌های تئوریک و عملی دکتر احمدی‌نژاد را برای ایجاد جامعه عدالت محور، بر مبنای مکتب «انتظار» با تحریف و تخریب از اذهان منتظران فرج زدود؟ برچیدن اشرافیت سلطنتی از قوه مجریه، صداقت در گفتار و رفتار با مردم، همدلی واقعی و تلاش در کوتاه کردن دست‌های پلید مافیاگران، نشاط و شادابی حقیقی را در میان مردم آشکار ساخته و موجی از امید به آینده را ایجاد کرده است. بدین جهت کوشش بی‌وقفه تضعیف کنندگان، تخریب گران، و تخطئه کنندگان در پوشش‌های مختلف از سوی دو

جناح، نه تنها کمترین اثر را در بین ملت نداشته بلکه واکنش معکوس نیز در پی داشته است.

در عوض یک نکته اساسی بر ملت آگاه بیش از پیش روشن گردیده، و آن این که ظهور احمدی نژاد، برای مافیای قدرت و ثروت یک خطر جدی است. از این روی دو جناح به ظاهر مخالف، با راهکارهای واحد در جایگاه‌های مختلف به کار شکنی آشکار، و تضعیف و مانع تراشی پی در پی پرداخته‌اند.

بدیهی است تا پیش از انتخابات نهم تعویض دولت‌ها در ماهیت مافیایی کارگزاران هیچ گونه تأثیری نداشته است. آیا نمی‌توان سخن یکی از بی‌نقاب‌ترین این افراد را به طور جدی به تحلیل نشست. آنگاه که با اطمینان می‌گوید: دیگر سیکل چرخش قدرت ۸ ساله نیست؟

اما در میان همه فتنه‌ها و موج آفرینی‌ها، کلام اطمینان بخش و حیات آفرین مقام معظم رهبری را باید در اندیشه و دل نگاه داشت که فرمود: این دولت محبوبترین دولت‌ها پس از مشروطیت است. گرچه دمکراسی فریبکار با ابزار رسانه‌ای خود، با افزودن کلمه «از» به ابتدای جمله آن حضرت، دلجویی از دست اندرکاران مصایب گذشته را دنبال کرد!!

در خاتمه، بار دیگر الطاف فاطمی (ع) را که امدادرسان مردم در آرای پیروزشان بود، سپاس می‌گویم، و بر آستان مقدس آن عصمت کبرای حق، و فرزند منتقمش حضرت صاحب الامر(عج) سر تعظیم فرود می‌آورم، و خدای سبحان را بر نعمت مقاومت در برابر خیل عظیم تخریب و فتنه، شکر گزارم. الحمد الله الذی یؤمن الخائفین و ینجی الصالحین و یرفع المستضعفین و یضع المستکبرین و یهلک ملوکاً و یستخلف آخرین.

دمکراسی در جمهوری اسلامی

«دمکراسی» به لحاظ مبنا، انگیزه و هدف بشر انگارانه با ادیان الهی، بویژه «اسلام» ناسازگاری دارد. دمکراسی پدیده‌ای غربی است و به جدایی «دین از سیاست» می‌اندیشد. حاکمیت بشر بر سرنوشت خویش و انقطاع از وحی، مدار چرخش دمکراسی است.

دمکراسی، دور کردن دین از صحنه سیاست و اجتماع را مد نظر دارد و خواست‌ها و امیال «انسان» را جایگزین شریعت آسمانی می‌کند. وقوع رنسانس در غرب، و عریانی کامل آن در «تجددگرایی» رویکرد سیاسی خود را در «دمکراسی» آشکار نمود.

اومانیسم پایه و خمیرمایه دمکراسی است که سیطره بشر بر کائنات را در سر می‌پروراند. فراخوان اومانیسم برای بشر «حاکمیت بر خویش» است که در «عرصه سیاست» دمکراسی اجرای آن را بر عهده می‌گیرد.

آیا می‌توان در این بستر، «ادیان الهی» را زنده و پویا یافت؟ آیا در غرب مسیحی اثری از آموزه‌های اخلاقی مسیحیت و یا شریعت یهود موجود است؟ بنابراین چگونه می‌توان ساختار حکومت اسلامی را ـ که با استمرار امامت در «ولایت فقیه» شکل می‌گیرد ـ با ساز و کارهای

دمکراسی تحقق یافته دانست.

پژوهشگران غربی دمکراسی را «زاییده پول و باروت» خوانده‌اند. بنابراین از بدو پیدایش این اساس تاکنون، دمکراسی در عمل حاکمیت سرمایه و سرمایه‌خواران بر جوامع بوده است.

واژگان دمکراسی اسلامی، مردم‌سالاری دینی، اصلاح‌طلبی دینی، و... تنها در عرصه سیاست صِرف، کارآمدی دارد. کارنامه ۱۶ سال گذشته ایران اسلامی مؤیّد ادعای فوق است. نمی‌توان از این قالب غربی، انتظار محتوایی اسلامی داشت و نباید و نمی‌توان نواقص، چالش‌ها و پیامدهای دین‌ستیز این ظرف را در همین قالب و محتوا پی‌گیری کرد و به نتیجه رسید.

بحث پیرامون ناسازگاری و تضاد دمکراسی با اسلام گسترده است. بدون شرمندگی روشنفکرانه، با پی‌گیری ویرانی‌های به‌جا مانده از ۱۶ سال گذشته، این تضاد و تقابل باید کالبد شکافی شود. معرفت‌شناسی معتقدانه و عمیق اسلامی، و غرب‌شناسی عالمانه همراه با خودباوری و بالندگیِ هویت اسلامی راهگشای حل این معماست.

هرگونه خود باختگی، مرعوبیت و وجود رگه‌های روشنفکرانه، مانعی جدی بر سر راه این کالبد شکافی خواهد بود. معرفت‌شناسی دقیق و امانتدارانه از آموزه‌های حضرت امام خمینی (س)، پیرامون «دمکراسی» در تئوری و عمل، بهترین راه برای رسیدن به حقیقت مورد بحث است.

با این وجود، واقعیت آن است که جمهوری اسلامی در استقرار خود، نحوه‌ای از دمکراسی را پذیرفته است. این امر در مسائلی چون «تفکیک قوا» و «انتخابات» نمایان است. قانون اساسی نظام مقدس اسلامی، بر مسائل فوق تأکید و تصریح داشته و راه‌های قانونی آن را برشمرده است.

ایران اسلامی بیش از سه دهه عمر پر افتخار جمهوری اسلامی را با به‌کارگیری شیوه‌های نوین سپری کرده است.

انتخابات بارزترین نماد دمکراسی

انتخابات به عنوان بارزترین نماد دمکراسی در عمر پر برکت جمهوری اسلامی، مراحل مختلفی را پشت سر نهاده است. در این مراحل، جهت‌دهی و هدفمند کردن جامعه، حول محور دین، آشکار و موفق بوده و تقریباً ثمره‌ای مطلوب داشته است.

از دهه دوم به بعد، با دگرگونی فرهنگی و یورش تفکر غربگرایانه، که تسلیم شدن در برابر غرب را دنبال می‌کرد، پیامدهای ناخوشایند دمکراسی، چونان که هست، نمایان گردید.

به سخن رساتر، بنابر آموزه‌های حضرت امام خمینی (س) باید دین‌مداری محور و مبنای انتخابات باشد، و منتخبین از میان افراد «متعهد و متدین و کارآمد» با هدف «خدمتگزاری» انتخاب شوند. این معیارها در تمامی مراحل انتخابات حتی «همه‌پرسی‌ها» یک اصل بدون تغییر بوده است.

در دهه آغازین حاکمیت جمهوری اسلامی، تقریباً چنین ثمره‌ای داشت حاصل می‌شد؛ ولی در همان دوران نیز، ضعف‌ها و لغزش‌ها، دخالت‌ها و قدرت‌طلبی‌ها سبب گردید تا گوشه‌هایی از باطن دمکراسی آشکار گردد.

انتخاب و راهیابی چهره‌هایی ناصالح به مجلس خبرگان قانون اساسی اولین ظهور معایب دمکراسی بود. و نخستین رئیس جمهوری ایران، با داشتن زمینه فکری غربزده که به تقابل او با قانون اساسی، حضرت

امام(س) و نظام اسلامی انجامید، یکی دیگر از پیامدهای شوم دمکراسی را به نمایش گذارد. اولین دوره مجلس شورای اسلامی نیز که در بهترین شرایط و فضای اسلامی و انقلابی جامعه تشکیل شد، سبب شد تا اعضای نهضت آزادی و وابستگان به «بنی‌صدر» به مجلس راه یابند.

نکته اساسی دیگر تعیین کنندگی نقش «احزاب» و «سازمان‌ها» و «گروه‌ها» در فرآیند انتخابات است. از آنجاکه در آغاز برپایی جمهوری اسلامی «حزب» به معنای کامل آن وجود نداشت، «سازمان‌ها» و «گروه‌ها» و «تشکّل‌ها» و حتی «چهره‌های» آشنا نقش‌آفرینان انتخابات بودند. اینکه تأثیرپذیری مثبت یا منفی مردم از این عناصر تا چه میزان بوده، بحثی است که در بررسی «انتخابات» چندگانه آشکار خواهد شد. اما اشاره به نکاتی گذرا در این باره ضروری است.

چنانکه پیش‌تر گفته شد، پیروزی و حاکمیت نظام اسلامی را نمی‌توان دوران فعالیت «حزبی» نامید. این امر ناشی از حاکمیت استبداد سلطنتی و عدم حضور حزب‌های ملی و دینی بود. با این وجود حزب‌ها و سازمان‌هایی که در سلطنت ننگین به صورت مخفی فعالیت داشتند، و در آزادی‌های پربرکت پس از پیروزی مدعیان اسلام‌خواهی شده یا در برابر ملت مسلمان، انقلابی شده بودند، حضوری گسترده داشتند. این حزب‌ها و گروه‌ها، با ایجاد «حزب جمهوری اسلامی» و فعالیت «جامعه مدرسین حوزه علمیه» و «جامعه روحانیت مبارز» در دو طیف اسلام خواهان ولایت مدار و صاحبان دیگر اعتقادات عمل می‌کردند.

حضور و نقش این حزب‌ها و سازمان‌ها در انتخابات و حتی «همه‌پرسی‌ها»، کارکردی دو سویه داشت:

الف ـ طرد و نفی آنها از سوی مردم، و ستیزه‌جوییِ انتقام گیرانه آنها از ملت

ب ـ اعتماد و اطمینان مردم به حزب‌ها و سازمان‌های اسلامی، ونقش فعالانه آنها در جهت‌دهی سیاسی جامعه

گرچه با پیدایش «مجمع روحانیون مبارز» و آشکار شدن تدریجی ماهیت «سازمان مجاهدین انقلاب» دوگانگی در طیف دین‌گرا علنی شد، اما دهه دوم انقلاب با ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن دگرگونی کامل را به تصویر کشید. طرح و اجرای برنامه توسعه در حاکمیت «سازندگی» اثرات طبیعی خود را در عرصه‌های سه گانه فرهنگ، اقتصاد و سیاست آشکار ساخت. تضعیف و حذف تدریجی مبانی فکری و شیوه علمی حضرت امام (ره) سرفصل نگرش جدید پیرامون مبانی اسلام و حاکمیت شریعت بود. در این میدان دو رویداد نامطلوب پدیدار شد:

ـ ظهور و میدان‌یابی سکولارها در بستر سکولاریسم.
ـ تولد بی‌رویه سازمان‌ها و تشکل‌ها و تریبون‌های مختلف وابسته به آنها.

این رویدادها در بستر برنامه توسعه ظاهر گشت و بتدریج رشد کرد. دوران سازندگی در هشت سال حاکمیت خود میدان عمل هر چه بیشتر آن شد و هشت سال اصلاح‌طلبی یا حاکمیت «توسعه سیاسی» شاهد اوج‌گیری آنها بود.

رشد بیش از پیش مطبوعات با منابع و پشتوانه‌های مالی و سیاسی نامعلوم، در کنار پیدایش حزب‌های دولتی و مطبوعات آنها، خارج از هر تصدی گری، از پدیده‌های نامیمون شانزده سال گذشته است که به نحوی در انتخابات تأثیرگذار بوده‌اند.

از آنجاکه موضوع کتاب حاضر «انتخابات نهم» است، پرداختن کامل و مشروح به جزئیات انتخاب‌های گذشته از موضوع آن خارج است. ولی

گذر از مقاطع مختلف و بررسی اجمالی مسائل پیرامونی آنها، بر حسب ضرورت دنبال می‌شود. به منظور بررسی ریشه‌ای انتخابات نهم، عبور از مسأله انتخابات در جمهوری اسلامی از نخستین همه‌پرسی تا آخرین انتخابات که به پیروزی معجزه‌آسای «دکتر احمدی‌نژاد» انجامید، ضرورتی است که باید به آن پرداخت.

الف ـ همه‌پرسی جمهوری اسلامی

آغاز مشارکت سیاسی مردم ایران با شیوه مرسوم و پذیرفته شده در دنیای نو است. مبارزات مردم مسلمان در راه سرنگونی سلطنت ننگین پهلوی و برپایی جمهوری اسلامی، مشارکت گسترده و معنادار ملت بود که جهانیان را حیرت زده کرد و آنان را به قبول و تمکین از آن وادار نمود. با این وجود «همه‌پرسی جمهوری اسلامی» در چارچوب قانونی به عنوان نخستین مشارکت سیاسی ثبت گردید.

همه‌پرسی فروردین ماه سال ۵۸ فراخوان ملت پیروز در انقلاب اسلامی به تعیین سرنوشت و اعلام نظر نسبت به نظام جایگزین سلطنت بود.

این همه‌پرسی در روزهای دهم و یازدهم فروردین ماه انجام شد و نتیجه آن در روز دوازدهم اعلام گردید.

حضرت امام خمینی (س) رهبر انقلاب و بنیانگذار نظام اسلامی، نظام مطلوب و مورد نظر خویش را براساس تئوری «ولایت فقیه» مطرح و تبیین نموده بودند. در مبارزات دوران انقلاب اسلامی، طرح مذکور، ابتدا با عنوان «حکومت اسلامی» و سپس «جمهوری اسلامی» مبنای خواسته فراگیر ملت واقع شد. این‌که چه عامل یا عواملی در این تغییر شرکت

داشتند و یا چگونه و براساس کدام ارزیابی‌ها و بررسی‌ها این تغییر و تبدیل صورت گرفت، موضوعی است که به بررسی‌های عمیق و ریشه‌ای نیاز دارد.

حضرت امام (س) در جهت‌دهی و آگاهی مردم نسبت به همه‌پرسی، فعالانه عمل نمودند. جمله بسیار مشهور ایشان «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» اعلام موضع آشکار و صریح آن حضرت بود. حضرت امام (س) با این اعلام نظر به طرح‌ها و ادعاهایی که پاسخ به همه‌پرسی را در گزینه‌هایی چون «جمهوری دمکراتیک، جمهوری دمکراتیک اسلامی و...» تبلیغ می‌کردند پاسخ دادند. بدیهی بود که با اعتماد و ایمان مردم به امام، موضع رهبری انقلاب اسلامی ملاک عمل واقع شود، و براساس آن همه‌پرسی انجام گیرد.

حضرت امام (س) بارها «جمهوری اسلامی» را تبیین فرمودند. نمونه ذیل، یکی از تعریف‌های آن حضرت است:

«ما آن چیزی را که می خواهیم، حکومت الله است. حکومت خدا را می‌خواهیم. ما می‌خواهیم قرآن بر ما حکومت کند. ما می‌خواهیم قوانین اسلام بر ما حکومت کند. ما هیچ حکومتی را جز حکومت الله نمی‌توانیم بپذیریم، و هیچ دستگاهی را که برخلاف قوانین اسلام باشد، نمی‌توانیم بپذیریم.»[۱]

در همه‌پرسی مذکور علاوه بر حزب‌ها و سازمان‌ها و چهره‌هایی که نظر مخالف دادند، حزب‌های الحادی چون فدائیان خلق، کومله و دمکرات کردستان و... با ترور و آتش سوزی و دزیدن صندوق‌های آرا به مقابله با خواست ملت برخاستند.

---

۱. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۸۲.

با این وجود بیش از ۹۸٪ آرای ملت «جمهوری اسلامی» را جایگزین سلطنت گردانید. نتیجه به‌دست آمده یک امر طبیعی و استمرار مبارزاتی بود که با زندان، تبعید، شکنجه و شهادت‌ها آغاز شده بود.

حضرت امام (س) در پیام رادیو ـ تلویزیونی عصر ۱۲ فروردین، تشکر خود را به مناسبت حضور مردم در همه‌پرسی چنین بیان فرمودند:

«من از عموم ملت ایران تشکر می‌کنم که در این رفراندوم شرکت کردند و رأی قاطع خودشان را که باید گفت صددرصد پیروزی بوده، و رأی داده شده است، به طور قاطع رأی به جمهوری اسلامی‌دادند. هم رضایت دادند و هم رأی دادند، چنانچه قبلاً هم داده بودند.

ما احتیاجی نمی‌دیدیم در این مسأله به رفرنداوم. لیکن چون برای قطع بعضی حرف‌ها و بعضی بهانه‌ها، بنابراین شد که رفراندوم بشود.»[۱]

همه‌پرسیِ تأیید قانون اساسی

همه‌پرسی دوم مربوط به تأیید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. مردم در این مرحله نیز مشارکت گسترده داشتند. همه‌پرسی تأیید قانون اساسی در فضائی متشنج برگزار شد. فضائی که مملو از حمله تئوریک به قانون اساسی اسلامی بود که از سوی گروه‌های ملحد همگام با ملی‌گراها و نهضت آزادی انجام می‌گرفت.

جریان مقابله با قانون اساسی ـ با «محوریت ولایت فقیه»، صف‌آرایی دیدگاه غربزدگان را در برابر امام و امت ملموس‌تر کرد. علاوه بر مهاجمان بیرونی، افرادی چون «بنی‌صدر» و «مقدم مراغه‌ای» و «گلزاده غفوری» در درون مجلس خبرگان قانون اساسی نیز به معارضه با آن

---

۱. صحیفه نور، ج ٦، ص ۴۵۷.

برخاسته بودند. تشنج آفرینی تئوریک می‌توانست در راه آگاهی ملت از محتوای قانون اساسی مانعی جدی ایجاد کند. از سوی دیگر شایعات، شبهه‌آفرینی، حمله به اسلام و ولایت فقیه، مردم انقلابی را با فضائی ناسالم مواجه کرده بود. در این میان سه عامل مهم سبب شد تا تصمیم‌گیری آگاهانه و آزادانه ملت در همه‌پرسی به تأیید قانون اساسی بینجامد.

۱ ـ نقش پیامبرگونه حضرت امام (س) در بیداری ملت نسبت به محتوای قانون اساسی.

۲ ـ پخش مذاکرات مجلس تدوین کننده قانون اساسی از صدا و سیما.

۳ ـ برپایی مناظرات و سخنرانی‌ها و درج مقالات و مصاحبه‌ها و نظریات مختلف درباره قانون اساسی در حال تدوین، در مطبوعات.

از این رو همه‌پرسی قانون اساسی، در شرایطی انجام شد که ملت از محتوای کلی آن آگاهی داشتند. بالاترین آگاهی مردم نسبت به محتوای قانون اساسی به اصل «ولایت فقیه» مربوط بود؛ یعنی اصلی که بیشترین تعارضات و تقابل‌های تئوریک و عملی حزب‌ها و سازمان‌ها و افراد متوجه آن بود.

بدین ترتیب مردم در تاریخ دوازدهم آذر سال ۵۸ به پای صندوق‌های رأی آمده و قانون اساسی منبعث از انقلاب اسلامی را با اکثریت قاطع آرا تأیید کردند. این همه‌پرسی نیز مانند همه‌پرسی تعیین نظام اسلامی، تقابل و طرد و نفی ملت را نسبت به احزاب و سازمان‌ها و تئوری‌های مغایر با اسلام به تصویر کشید.

همه‌پرسی متمم قانون اساسی

در سال ۱۳۶۷ با گذشت یک دهه از انقلاب اسلامی، ضرورت تجدیدنظر در موادی از قانون اساسی روشن شد. تعدادی از مسؤولین و دست‌اندرکاران نظام به طرح مسأله پرداختند و از حضرت امام (س) رهنمود قانونی خواستند. پاسخ امام (س) که مجوز انجام آن بود دو مسأله را در بر داشت:

ـ اعلام مسائل مورد بررسی و پیشنهادهای آن حضرت برای تجدیدنظر.

ـ تعیین افراد ذی‌صلاح برای بررسی و تدوین متمم قانون اساسی.

بزودی مجلس بررسی قانون اساسی آغاز به‌کار کرد. پیش از پایان کار، بیماری حضرت امام (س) اعلان شد و سپس روح ملکوتی حضرتش به ملأ اعلی پیوست. بر حسب تأکید ایشان در حکم، مرحوم حاج احمد خمینی، به منظور ارائه گزارش جلسات به امام (س) در آن مجلس حضور می‌یافت. بنابراین تقریباً متمم قانون اساسی طبق فرمان و نظر آن حضرت، بررسی و تنظیم گردید. همه‌پرسی آن توسط ملت، همزمان با پنجمین انتخابات ریاست جمهوری بود که در مرداد ماه سال ۱۳۶۸ انجام شد و متمم قانون اساسی به تأیید اکثریت ملت رسید. به این ترتیب مردم ایران با سه مرحله همه‌پرسی، در تعیین سرنوشت اساسی خود، مبنی بر تعیین نوع نظام، قانون اساسی، و متمم قانون اساسی به طور گسترده مشارکت نمودند.

در این سه مرحله، تمامی راهکارهای قانونی و ملزومات آن از سوی مجریان امر به اجرا گذارده شد و مردم با مشارکت خود، نظام اسلامی را به صورت قانونی سه بار مورد تأیید قرار دادند.

نخستین انتخاب

تعیین خبرگان قانون اساسی نخستین انتخاب ملت به شمار می‌رود. نظام اسلامی که براساس همه‌پرسی در قالب «جمهوری اسلامی» رسمیت یافته بود، به قانون اساسی جدید، مبتنی بر تفکر و اهداف اسلامی ملت، نیاز داشت. بر این اساس انتخاب اول، ملت را به برگزیدن نمایندگانی از «خبره‌های دینی و کارشناسان اسلامی» در مسائل مختلف فراخواند.

بدیهی بود که فردی خارج از دایره کارشناسان متعهد و معتقد به مبانی اسلامی و احکام شریعت، در این مجلس جایی نداشته باشد. متأسفانه بر خلاف این حقیقت روشن، چند نماینده غیرصالح، حتی با تفکر الحادی و ضد ملی به عنوان «خبره» انتخاب شدند؛ هر چند که در این مجلس امکان حضور نیافتند.[1]

علاوه بر این، افرادی که اساساً تفکر غربی داشته و یا با داشتن لباس روحانیت، پذیرای «ولایت فقیه» نبودند در مجلس خبرگان قانون اساسی وارد شدند. حضور این افراد در مجلس تدوین قانون اساسی، به کارکرد حزبی برمی‌گشت. «حزب جمهوری اسلامی» و تشکّل‌های ائتلاف کننده

---

۱. «قاسملو» و «عزالدین حسینی» رهبران احزاب الحادی و جنایتکار دمکرات و کومله، با وابستگی آشکار به بیگانگان، به عنوان نمایندگان کردستان از صندوق‌های رأی بیرون آمدند. قاطعیت حضرت امام (س) در پاسداری از ارکان اسلامی نظام، موضع‌گیری مسؤولانه ایشان را در پی داشت. آن حضرت در ملاقات با برگزیدگان مجلس خبرگان قانون اساسی که دو نفر مذکور در جلسه حاضر نبودند، صریحاً فرمودند: «قاسملو را ملت انتخاب کردند یا خودکردها هم با او مخالفند؟ خوب او سرنیزه داشت و همه‌جور اسبابی داشت. خودش را معرفی کرد. و کاهی آمده بود، نیامد. من خیال داشتم که بیاید، همین جا نگهش دارم. یک ماهی یا بیشتر.» (صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۲۴).
در بیانات دیگر هم این دو نفر را با تعابیر عزالدین حسینی فاسد، و قاسملوی فاسد نام بردند. صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۹۸.

با آن، از نخستین انتخابات با ارائه فهرست نامزدها فعالیت داشتند، و اعتماد مردم به آنها سبب می‌شد تا افراد معرفی شده با آرای ملت انتخاب شوند. این مسأله یعنی ورود حزب‌ها و تشکّل‌های مورد اعتماد مردم به صحنه انتخابات ثمره‌ای دو سویه داشت:

- از یک سو دشواری انتخابات را برای مردم آسان می‌نمود. به این معنی که ناآشنایی بسیاری از نامزدها برای ملت با پشتوانه حزبی که اعتماد ملت را جلب کرده بود، جبران می‌شد.
- از سوی دیگر راه‌یابی عناصر غیرصالح به مراکز تعیین‌کننده به وسیله اطمینان و اعتماد مردم به حزب‌ها و گروه‌های اسلامی انجام می‌گرفت.

در نتیجه افرادی چون «ابوالحسن بنی‌صدر» و «عزت‌الله سحابی» با دیدگاه «ملی گرایانه» و وابستگی فکری به غرب، به مجلس خبرگان رهبری راه یافتند. افرادی حتی در لباس روحانیت با رویکردی مغایر با مبانی اسلام ناب محمدیِ(ص) حضرت امام، در تدوین قانون اساسی شریک شدند. از این گروه می‌توان «گلزاده غفوری» و «علی تهرانی» را نام برد. افراد ذکر شده در فهرست نامزدهای حزب جمهوری اسلامی جای داشتند و همین امر سبب جذب آرای ملت به سود آنان گردیده بود.

همانگونه که پیشتر آمد، «دمکراسی» و لوازم آن به هر تقدیر نتایج خاص خود را دارد. به همین جهت حتی در شرایط ویژه انقلابی سال پنجاه و هشت، و با وجود رهنمودهای صریح حضرت امام (س)، و تبعیت محض مردم، صاحبان تفکر نامطلوب در زمره «خبرگان قانون اساسی» جای گرفتند. «مقدم مراغه‌ای» از ملی‌گراهای غیرمذهبی هم توانست به عنوان خبره در مجلس قانون اساسی حضور یابد، که سرانجام

اسناد ارتباط و مبادلات اطلاعاتی این فرد از لانه جاسوسی آمریکا به‌دست آمد.

پیروزی حزب جمهوری و گروه‌های همسو با آن را باید در تأثیرپذیری مردم از گروه‌هایی با رهبری روحانیون سرشناس پیرو امام ارزیابی نمود.

حزب‌ها، سازمان‌ها، گروه‌های الحادی، منافق و ملی ـ مذهبی را باید از منظر و زاویه‌ای دیگر مورد بررسی قرار داد.

از این منظر حتی حزب خلق مسلمان با ظاهر دینی و وجود چهره‌های روحانی در رأس آن مشاهده می‌شود که هیچ پایگاهی در بین ملت پیدا نکرد، و حتی با رویکرد منفی و طرد مردم روبه‌رو شد.

تلاش مخرب چنین گروه‌هایی علیه نظام و قانون اساسی، عکس خواسته آنان را نتیجه می‌داد. بنابراین هم در انتخابات خبرگان قانون اساسی نامزدهایشان مورد پذیرش مردم واقع نشد، و هم تشنج آفرینی و شبهه افکنی‌های آنان نسبت به قانون اساسی، فاقد کمترین تأثیر بود.

ثمره انتخابات نخست به سود نامزدهای حزب جمهوری، امید این حزب را برای تلاش‌های آتی افزایش داد. اما این کارکرد بتدریج ماهیت غربی حزب را در بلبشوی دمکراسی نمودار ساخت. آنچه بعدها پیش آمد این پرسش را به‌گونه اساسی مطرح کرد که آیا در متن جامعه اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، می‌توان «حزب» را حتی با عنوان اسلامی و راهبران متعهد، ظرفی دانست که با محتوای اسلام ناب محمدی(ص) سازگار باشد؟

پس از انتخاب اول، مراحل انتخابات غالباً در سه محور ذیل بوده

است:

الف : انتخابات مجلس شورای اسلامی

ب : انتخابات ریاست جمهوری

ج: انتخابات شوراهای اسلامی شهر

لازم به ذکر است علاوه بر سه محور فوق تاکنون انتخابات «خبرگان رهبری» در سه مرحله انجام گرفته است.

انتخابات مجلس شورای اسلامی

انتخابات دوره‌های هفت‌گانه مجلس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی، مسائل بی‌شماری را در پی داشته است. به‌گونه بدیهی گذر زمان و تغییر شرایط فضای سیاسی ـ فرهنگی کشور انتخابات مجلس را تحت تأثیر قرار می‌داد.

تأثیرگذاری جریان‌ها و حزب‌های سیاسی مورد اعتماد مردم در دوره‌های اول و دوم به دلایل ذیل امری طبیعی بود:

ـ حضور شخصیت‌های سیاسی آشنا و مطمئن برای ملت، و نگرش ولایی جریانات و گروه‌های مذکور، مهمترین نکته در تأثیرپذیری مردم از آنها بود.

ـ عدم آشنایی ملت با راهکارهای انتخاباتی سالم و آزاد، و هجوم مخرب گروه‌های منافق و ملحد، عامل موثر دیگری در گرایش ملت به جناح‌ها و حزب‌ها و سازمان‌ها می‌شد.

به همین جهت حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و گروه‌های ائتلافی با آنها، مرجع و منبع

مهم تصمیم‌گیری مردم بودند. آرایش مجلس اول و دوم این ویژگی را به‌خوبی نشان می‌دهد. می‌توان گفت تقریباً نامزدهای مورد حمایت صریح و تلویحی این گروه‌ها، راه‌یافتگان به مجلس با آرای مردم بودند. اما باز هم عناصری خارج از این لیست‌ها، و حتی در تقابل با این دیدگاه در مجلس شورای اسلامی حضور می‌یافتند. این امر نشان می‌داد که همه مردم خود را به انتخاب لیستی کامل ملزم نمی‌دانند. از این روی افراد شاخص نهضت آزادی یا افراد وابسته به جریان بنی‌صدر به مجلس اول راه یافتند. البته افراد مذکور در آن زمان، هنوز به‌طور کامل ماهیت سیاسی ـ فکری خود را افشا نکرده بودند. بنابراین در جریان رأی مجلس به عدم کفایت سیاسی «بنی‌صدر» در مجلس شورای اسلامی، همین افراد به تقابل با ملت و نظام اسلامی برخاستند. برخی چون اعظم طالقانی و محمد جواد حجتی کرمانی در دفاع از بنی‌صدر سخن راندند. دیگرانی چون غضنفرپور و سلامتیان از باند بنی‌صدر، مانورهای ضد ملی دادند. این موضع‌گیری در حالی بود که هزاران نفر از مردم متحصن در جلوی مجلس پس از شنیدن سخنان حمایتی افراد فوق با ذکر نام نماینده شعار مرگ بر... را سر می‌دادند. فقدان دیدگاه واحد در بین جریان‌های سیاسی کشور، امری طبیعی بود، اما اختلافات ناشی از دیدگاه ولایتمدار و عناصر چپ‌گرا از انتخابات سومین مجلس شورای اسلامی، آشکار شد. ارائه لیست‌های دوگانه و جوسازی جناحی، کار را با مشکل مواجه کرد. انتخابات مجلس سوم، درگیری آشکار گروه‌ها بود، و در این میان عناصر چپ بشدت گام بر می‌داشتند. این گروه بدون توجه به جنگ تحمیلی، و شرایط خطیر کشور و بهره‌برداری دشمنان داخلی و خارجی، دامنه

اختلاف را گسترده‌تر می‌کردند. به این ترتیب موضوع تقلب در انتخابات مطرح شد و دخالت حضرت امام (س) را ضروری ساخت. آن حضرت به منظور پایان دادن به درگیری سیاسی و عدم تأثیر آن بر جبهه‌های جنگ تحمیلی و... محمد علی انصاری را به عنوان نماینده خود برای حل اختلاف انتخاب کردند. وی مأموریت یافت تا برگزاری انتخابات را بررسی نماید و گزارش آن را به اطلاع امام (س) برساند. او در گزارش خود سلامت انتخابات را تأیید نمود و حضرت امام (س) نیز آن را پذیرفتند.

بنابراین مجلس سوم با اکثریت چپ‌گرا تشکیل شد، اما در کارنامه خود مصوباتی چون ایجاد مدارس غیرانتفاعی ـ مناطق آزاد تجاری، وام خارجی و... ثبت کرد؟!

در مجلس چهارم جناح موسوم به راست اکثریت را به خود اختصاص داد. انتخابات مجلس پنجم با ظهور و ورود حزب دولتی کارگزاران سازندگی برگزار شد. این مجلس تعداد زیادی نماینده از ائتلاف کارگزاران و جناح چپ را در خود داشت. هزینه گزاف تبلیغاتی، کاربرد شیوه‌های بی‌سابقه در تبلیغات، طرح معیارهای خلاف ارزش توسط نامزدها و حامیان آنها از ابداعات این دوره بود. آیا این امور نگرش و مشی مردم رأی دهنده را بیان می‌کرد؟

در مجلس پنجم افرادی چون «فائزه هاشمی» بدون داشتن جایگاه سیاسی یا علمی در کرسی نمایندگی مردم جای گرفتند. در این مجلس برای نخستین بار موج ارزش‌ستیزی و دین‌زدایی به راه افتاد. در واقع راهبردهای تئوریک اصلاح‌طلبی در مجلس پنجم رقم زده شد، و در

حیات آن انتخابات هفتم ریاست جمهوری انجام گرفت و «خاتمی» با هزینه بالای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کارگزاران رئیس جمهور شد.

بررسی و ارزیابی دقیق مجلس پنجم از ضروریاتی است که باید به آن پرداخته شود. اشاره به این نکته کافی است که تنها موضع‌گیری‌های دین‌ستیز فائزه هاشمی، بارها موجب راهپیمایی معترضانه مردم علیه وی شد.

انتخابات مجلس ششم در فضای فرهنگی ـ سیاسی اصلاح‌طلبان با مجریان دولتی آن برگزار شد. عواملی چون برآمدن فهرست حزب دولتی از صندوق‌ها مردم را پیشاپیش نسبت به سلامت انتخابات بدبین و مأیوس کرده بود. از این روی مشارکت سیاسی تقریباً از معنای اصیل و انقلابی تهی بود و پیروزی احزاب دولتی امری طبیعی به نظر می‌رسید. تجربه نامطلوب پیروزی و عملکرد حزب کارگزاران در مجلس پنجم موجب نگرانی مردم بود که در ششمین دوره هم تکرار شد و حزب دولتی مشارکت، وابسته به دولت خاتمی، پیروز میدان گردید. ائتلاف کارگزاران و مشارکت در انتخابات مجلس ششم، سبب گردید تا تبلیغات گسترده برای ارزش‌زدایی محض با هزینه‌های سرسام‌آور بدون مانع جدی ادامه یابد.

برآمدن لیست دوم خردادی‌ها به استثنای هاشمی رفسنجانی که در لیست جناح مقابل هم حضور داشت، رأی دهندگان را به مجریان دولتی بی‌اعتماد نمود. گرچه در پی شکایت حداد عادل و بررسی شکایت او، وی علی‌رغم میل حاکمان بالأخره به مجلس راه پیداکرد، اما این امر هم نتوانست اعتماد ملی را جلب کند. این مسأله سبب گردید تا از همان ابتدا

مجلس ششم در منظر مردم، مجلسی واقعی و مردمی نباشد. افشای ماهیت فکری ـ سیاسی و بر ملا شدن اغراض و انگیزه‌های اصلاح‌طلبان در مجلس، ملت را به نتیجه دیگری رسانید. این نتیجه «بیگانه» بودن مجلس ششم با ملت بود که در پایان کار ننگ تقابل و ستیز با ملت را هم از خود بر جای گذارد.

یکی از علل عدم اعتماد ملت به سلامت انتخابات مجلس ششم، حضور چهره‌های سرشناس و موجه در فهرست جناح مقابل اصلاح‌طلبان بود. به عنوان مثال برخی از نامزدهای این فهرست در تهران عبارت بودند از دکتر احمدی‌نژاد، دکتر توکلی، دکتر الهام، مهندس جهرمی، دکتر محسن رضایی، دکتر دانش جعفری و... این اسامی در برابر منتخبینی که اکثراً ناشناخته بوده و به لحاظ اعتقادی و سیاسی مورد قبول مردم نبودند، حیرت ملی را به وجود آورد.

شرایط و فضای فکری و سیاسی، جامعه را به انتخاب معیارها و ملاک‌های انقلاب اسلامی در مجلس هفتم و انتخابات‌های پس از آن سوق داد. از آنجا که انتخاب شوراهای دوم شهرها و مجلس هفتم، آغاز راه ملت در انتخاب دکتر احمدی‌نژاد بود، بحث مجلس هفتم در بخش دیگری خواهد آمد.

انتخابات ریاست جمهوری دهه اول

تفاوت فاحش شرایط و فضای دهه اول با دهه دوم انقلاب اسلامی، جدا سازی بحث انتخابات ریاست جمهوری در این دو دهه را ضروری می‌نماید. ذکر اشاراتی به عنوان مقدمه در این بحث ضروری به نظر

می‌رسد.

بروز اختلافات فکری ـ سیاسی در روند تدوین قانون اساسی، صف‌آرایی دو جریان فکری را آشکارتر کرد.

ـ جریانی که به مبانی دینی انقلاب اسلامی به رهبری و ولایت حضرت امام خمینی (س) اعتقاد و پای بندی داشت.

ـ جریان دیگری که متشکل از غربزدگان و عناصری با فقدان پایه قوی اعتقادی بود و در طیف روشنفکری جای می‌گرفت.

به گونه طبیعی و بدیهی ملت پشتیبان جریان نخست، یعنی صاحبان تفکر «دین‌مدار» بود و چهره‌های شاخص آن را معتمدین حضرت امام(س) می‌دانست.

در میان جریان دوم نیز کسانی بودند که از حضرت امام (س) برای اجرای امری حکم دریافت کرده بودند، و یا در ابتدای پیروزی انقلاب به عنوان حامیان انقلاب اسلامی شناخته می‌شدند.

محور چالش‌های فکری و شبهه‌های نظری در صف‌آرایی دو گروه «ولایت فقیه» بود، که بتدریج به رویارویی شدید سیاسی انجامید. این مسأله در جریان انتخاب نخستین رئیس جمهوری آشکارتر شد، و تلاش‌های قدرت‌طلبانه در غصب قدرت از سوی جریان دوم صورت گرفت.

از سوی دیگر مردم ایران که در نظام ستم شاهی ننگین، هرگز انتخابات واقعی و آزاد را تجربه نکرده بودند، اینک می‌بایست برای انتخاب اولین رئیس جمهور به پای صندوق‌های رأی بروند. مردمی که با آرمان‌های دینی و اهدای شهیدان بسیار نظام اسلامی را برپا کرده بودند، اکنون

ناباورانه با ده‌ها نامزد طالب قدرت رویارو می‌شدند. نهایتاً صلاحیت ده نفر از نامزدها تأیید شد و محدوده انتخاب برای ملت مشخص گردید. افراد تأیید شده که از حیث تفکر و گرایشات سیاسی و انتخاب شیوه‌های غربی حکومتداری تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند، عبارت بودند از:

حسن حبیبی، ابوالحسن بنی‌صدر، احمد مدنی، داریوش فروهر، صادق طباطبایی، کاظم سامی، صادق قطب‌زاده...

از میان گروه‌های معارض، منافقین به نفوذ در ارکان نظام اسلامی امید داشتند. آنها تلاش نمودند تا برای انتخابات نامزد خود را معرفی کنند. امام (س) نفاق بدتر از کفر آنان را با موضع‌گیری صریح و شفاف چنین پاسخ دادند:

«کسانی که به قانون اساسی رأی نداده‌اند حق معرفی نامزد برای ریاست جمهوری ندارند.»

انتخاب نخست: ابوالحسن بنی‌صدر

در این مرحله غربزدگان با ساز و کارهای دمکراسی به طمع «قبضه قدرت» افتادند. گرچه نامزدها در یک دسته‌بندی خاص و ریزه کاری با دیدگاه‌های مختلف دیده می‌شدند اما وابستگی به تفکر و راهکارهای غربی ویژگی عمومی آنها بود.

در انتخاب نخستین رئیس جمهور؛ وحدت حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز شکسته شد. حزب جمهوری اسلامی «جلال‌الدین فارسی» را با سابقه انقلابی و دینی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، و مشارکت فعالانه در تدوین قانون اساسی، نامزد خود معرفی کرد. مشکل این فرد در ایرانی الاصل بودن او بود که با شرایط مندرج در

قانون اساسی جمهوری اسلامی مغایرت داشت. پافشاری حزب بر روی این نامزد ـ که البته از حیث دارا بودن صلاحیت و امتیازات از دیگر نامزدها متمایز بود ـ چالش‌های بسیاری به وجود آورد. علاوه بر مخالفین غربزده، برخی از افراد و گروه‌های داخل در طیف دین‌مدار نیز به مشکل قانونی این نامزد اعتراض داشتند.

حضرت امام (س) در قانون‌گرایی خارق‌العاده که راهکار همیشگی حضرتش بود، مشکل ایرانی الاصل بودن نامزد مذکور را مانع قانونی ورود او به عرصه انتخابات اعلام نمودند. از سوی دیگر جامعه روحانیت مبارز با رأی به نامزدی «حسن حبیبی» و معرفی او راه جداگانه‌ای را در پیش گرفت. بروشنی پیدا بود، شرایط و امکانات برای فردی مهیا می‌شود که با طرح و برنامه از پیش تعیین شده، فرصت‌های گذشته را به منظور بهره گیری بهینه به کار گرفته باشد. این فرد «ابوالحسن بنی‌صدر» بود، که از آغاز ورود به ایران در دوازدهم بهمن ۵۷، در مراکز و محافل دانشگاهی و مردمی، سخنرانی‌های متعدد ایراد نموده بود. بنی‌صدر که از آغاز سودای ریاست جمهوری در سرداشت، گام به گام هدف خویش را دنبال کرده، و در طول این مدت توانسته بود خود را به عنوان یک «اقتصاددان برجسته» به مردم معرفی کند. استفاده وی از آیات قرآن کریم، او را فردی متخصص و متعهد جلوه می‌داد، گرچه طبق نظر عالمان دینی برداشت‌های نادرست او از آیات قرآن و مبانی دینی، چیزی جز تفسیر به رأی نبود. اما شیوه بیان عامه‌پسند وی ابزار مؤثری در پیشبرد مقاصدش گردید و بر ترفندهای دیگر سرپوش گذارد.

در زمان انتخابات ریاست جمهوری «بنی‌صدر» به شهرهای بسیاری

سفر کرده و خود را به مردم شناسانده بود. مناظره‌های تلویزیونی او نیز سبب شد تا بسیاری از مردم وی را بشناسند. وجود نام بنی‌صدر در فهرست نامزدهای حزب جمهوری برای مجلس خبرگان قانون اساسی، سبب اطمینان بیش از پیش مردم به وی شد. با این که در عرصه انتخابات ریاست جمهوری «بنی‌صدر» علیه روحانیت و بویژه شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی به مبارزه برخاست، اما فرصت‌های استفاده شده توسط او و پشتیبانی پنهان و گسترده غربزدگان از وی، و فعالیت عوامل نقابدار، سبب جذب آرا به سود او گردید.

باید افزود که حضور جنایتکارانه گروهک‌های ملحد و جنایات بی‌شمار آنها در ترور و آتش‌سوزی و انفجار و تخریب که وحشت مردم را در پی‌داشت و مخالفت‌های صوری بنی‌صدر با این اعمال، بی‌تجربگی مردم در امر انتخابات، و شایعه‌سازی‌ها و سیاسی‌کاری‌های تبلیغاتی گسترده عوامل «بنی‌صدر» در توانمند نشان دادن وی، آرای ۱۱ میلیونی وی را رقم زد. بدین ترتیب شخصی که هرگز با مبانی دینی مردم پیرو «ولایت فقیه» هم‌خوانی نداشت و دارای دیدگاهی کاملاً غرب گرایانه بود، بر مسند نخستین ریاست جمهوری ایران اسلامی تکیه زد.

از شگردهای به‌کار رفته در این زمان، ترویج شایعاتی درباره نظر مثبت حضرت امام (س) نسبت به بنی‌صدر بود. این شایعات به میزانی قوّت گرفت که شایع شد حضرت امام به بنی‌صدر رأی داده است! حساسیت این مسأله به حدی بود که سال‌ها بعد، حضرت امام در نامه‌ای به آقای منتظری صراحتاً اعلام نمودند:

«والله قسم من با نخست وزیری بازرگان موافق نبودم. والله قسم من به ریاست

جمهوری بنی‌صدر رای ندادم.»[۱]

با قرار گرفتن بنی‌صدر در مسیر ریاست جمهوری، ماهیت فکری و سیاسی او برای مردم افشا شد.

بی‌اعتقادی به احکام شریعت، عدم پای‌بندی به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، بی‌مبالاتی فرهنگی، ستیز با نیروهای اصیل انقلاب، صف‌آرایی در برابر روحانیت و مرجعیت، تقابل با سپاه پاسداران و بالاتر از آن پیوند با منافقین و نهضت آزادی و ملی‌گراها، سبب شد مردم اجازه ادامه کار را به وی ندهند.

با گذشت یکسال و اندی، رأی‌دهندگان نسبت به عزل بنی‌صدر مصمم شدند و گزینش نامطلوب خود را در نخستین انتخابات ریاست جمهوری، اعلام کردند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا برای مردم امکان نداشت از موضع‌گیری‌های فکری «بنی‌صدر» در مجلس خبرگان، باطن اندیشه و اعتقاد وی را دریابند؟ شاید علت تکرار این آزمون و خطا آن باشد که انتخابات به عنوان بزرگترین ابزار دمکراسی، در ایجاد شرایط و فضای مبهم و غیرشفاف حربه‌های بسیاری دارد. این حربه‌ها در جوامع دینی کاربردهای بارز داشته و متأسفانه در حاکمیت جمهوری اسلامی بارها به اجرا در آمده است.

انتخاب دوم شهید بزرگوار رجایی

تقابل بنی‌صدر با اصول و ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی، در مسأله انتخاب نخست وزیر، عملاً بر همگان آشکار شد. در این مورد

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، نامه ۶۸/۱/۶.

کشمکش‌ها و چالش‌های تئوریک و عملی «بنی‌صدر» و حامیان وی، به رویارویی با انقلاب اسلامی و مردم انقلابی منجر شد. نتیجه این امر آشکارتر شدن تضاد اعتقادی غرب‌گرایان با اصول و آرمان‌های امام(س) و مردم بود، اما به بن‌بست رسیدن «بنی‌صدر» در پیشبرد اغراض و اهداف مغایر با خواست ملی، موجب عقب‌نشینی اجباری او شد و سرانجام شهید رجایی به نخست وزیری رسید.

ویژگی‌های انقلابی و اسلامی، تواضع و در عین حال اقتدار عملی رجایی در برابر کبر و غرور بنی‌صدر بزرگی شخصیت نخست وزیر را در مقایسه با رئیس جمهور به تصویر کشید.

از نگاه دیگر، تحمل و تعهد، وظیفه‌شناسی و قانونمداری، خدمتگزاری و مردم‌گرایی رجایی، وی را در جایگاهی فراتر از نخست وزیری، مقبول مردم ساخت. علنی‌تر شدن قانون‌گریزی و قانون‌شکنی، تکبر و خودمحوری، غربزدگی و ترشرویی بنی‌صدر، عوامل مضاعف در محبوبیت بیش از پیش رجایی بود.

از این روی، پس از عزل بنی‌صدر، ریاست جمهوری شهید رجایی در نگاه مردم، گزینه‌ای بی‌رقیب بود.

مسأله مهم دیگر افشای ماهیت فکری، سیاسی و عملکرد بنی‌صدر و باند وی بود. آگاهی مردم نسبت به این مسأله، سبب رویگردانی مردم از غربزدگان شد و شعارهای تخصص‌گرایانه و عناوین اعتباری نظیر دکتر و مهندس، دیگر در چشم ملت امتیاز و اعتبار محسوب نمی‌شد. به این ترتیب رجایی، بدون نیاز به تبلیغات، گزینه اصلح برای جانشینی بنی‌صدر، بود.رجایی «مکتبی» بودن خود را بر تخصص اولویت می‌داد و

دین‌مداری را در برابر غربزدگی و غرب‌گرایی آشکارا نمایان می‌ساخت. آقایان عسکر اولادی و پرورش نامزدهای رقیب «رجایی» از حیث امتیازات، شناخت ملی و محبوبیت، با وی قابل مقایسه نبودند. به همین جهت شهید بزرگوار رجایی، در واقع «نامزد بی‌رقیب» دومین انتخابات ریاست جمهوری بود.

نحوه تعامل گروه‌های ذی‌نفوذ با شهید رجایی در انتخابات

چنانکه گفته شد شهید رجایی، برای ملت شناخته شده و محبوب بود، اما گروه‌های ذی‌نفوذ هم به صورت واحد از او حمایت کردند. حرکت سیاسی حزب جمهوری اسلامی در مورد «رجایی» به معنای واقعی «اصول‌گرایانه» بود. حزب که در واقعیت امر، از اندیشه سیاسی شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی متأثر بود «رجایی» را نامزد خود معرفی کرد و توانست دو مسأله مهم را در عالم سیاست زیر پا گذارد:

۱ ـ انتخاب فردی خارج از حزب؛ زیرا شهید رجایی وابستگی حزبی نداشت هر چند از علاقه‌مندان، یاران و دوستداران شهید بهشتی و دیگر اعضای سرشناس و مؤثر حزب بود.

۲ ـ گزینش رقیب حزب؛ زیرا نامزدهای رقیب رجایی، اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بودند!

گروه‌های تأثیرگذار دیگر «جامعه روحانیت مبارز» و «جامعه مدرسین حوزه علمیه» هم از نامزدی شهید رجایی حمایت کردند. ائمه جمعه و جماعت نیز مردم را در انتخاب او همراهی نمودند.

بدین‌سان شهید رجایی در انتخابات ریاست جمهوری مورد قبول و

حمایت همه گروه‌های ذی‌نفوذ در عرصه سیاسی آن روز واقع شد. گروه‌هایی چون «نهضت آزادی» یا بقایای گروهک‌های محارب و ملی به حدی منفور و مطرود ملت بودند، که زمزمه‌های تفرقه افکن و مخالفت‌هایشان به وسیله مردم خاموش شد.

بیش از ۱۲ میلیون آرای رجایی، پیام دوگانه داشت:

- افزایش مشارکت ملی در حادترین شرایط، نسبت به دور نخست، علاوه بر تقویت جایگاه رئیس جمهور، استحکام نظام اسلامی را ترسیم کرد.
- رجزخوانی بنی‌صدر که ۱۱ میلیون رأی مردم را بهانه خودخواهی‌ها و قانون شکنی‌هایش قرار داده بود به مصاف گرفت.

رجایی با داشتن بیش از ۱۲ میلیون رأی، دومین رئیس جمهور ایران شد. در حالی که نه تنها با تخریب و تخطئه حزبی و گروهی در انتخابات و پس از آن مواجه نبود، بلکه گرایش‌های مختلف سیاسی وفادار به نظام اسلامی، به حمایت از او و برنامه‌ها و دولتش پرداختند.

انتخاب سوم، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

شهادت شهید بزرگوار رجایی که عمر دولتش توسط جنایتکاران منافق کوتاه شد، انتخاب سومین رئیس جمهور را امری گریزناپذیر کرد. فرهنگ‌سازی انقلابی رجایی در مسؤولیت‌های نخست وزیری و ریاست جمهوری، الگوی «مدیریت دین‌مدارانه» و «مسؤول مکتبی» را از خود به‌جای گذارد.

ضربه‌های غربزدگان پرتفرعن با الگوهای نظری و عملی لیبرالی هم به کمک آمد، تا «الگوی رجایی» در انتخاب ریاست جمهوری قطعیت

یابد. تأکید و تصریح حضرت امام (س) بر امتیاز «مکتبی» بودن رجایی، و اولویت دهی آن بر «تخصص» ادعایی بنی‌صدر، فهم و باور مردم را به «الگوی رجایی» عمیق‌تر کرده بود. طبیعی بود که بستر «انتخاب اصلح» با معیارها و ارزش‌های فوق برای مردم آماده باشد و با حضور نامزدی دارای این امتیازات، اقبال عمومی ملت به‌سوی او متمایل شود.

سال ۱۳۶۰ هم در بیداری و آگاهی مردم برای انتخاب اصلح مؤثر بود. انفجار حزب جمهوری اسلامی که به شهادت جانسوز سیدالشهدای انقلاب «شهید مظلوم بهشتی» و ۷۲ تن از مسؤولان کشور انجامید فاجعه‌ای ملی شد. این جنایت برای عاملان آن نتیجه‌ای معکوس داشت و روح مقاومت آگاهانه را در کالبد مردم دمید. عزل و فرار بنی‌صدر با لباس زنانه به همراه مسعود رجوی رهبر منافقین عامل جنایات بی‌شمار سال ۶۰ به کشور فرانسه هم، خشم و نفرت ملی را افزایش داد. روی دیگر سکه، افشای همدستی و همکاری باند بنی‌صدر با منافقین در ماجراهای حدود سال گذشته بود. حمایت آمریکا و کشورهای غربی از بنی‌صدر و رجوی، و اعطای پناهندگی از سوی دولت فرانسه به آنها، ملت ایران را از اصول و ارزش‌های غربی بیش از پیش متنفر کرد.

انفجار دفتر نخست وزیری و شهادت مظلومانه شهید رجایی رئیس جمهور محبوب و دکتر باهنر نخست‌وزیر توسط منافقین، عامل دیگری در جهت افزایش نفرت عمیق و آگاهانه مردم شد.

مردم بروشنی کینه و دشمنی آمریکا و غرب و پیروان داخلی آنها را از حاکمیت مسؤولان دین‌مدار در جمهوری اسلامی دریافتند. بنابراین «انتخاب اصلح» در سومین انتخابات ریاست جمهوری در یک روال

طبیعی حول محور «دین‌مدارترین سیاستمدار» حرکت کرد.

در سومین دوره انتخابات، حزب جمهوری اسلامی و همسویان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را نامزد کردند، هر چند که شخصیت محبوب ایشان به معرفی و حمایت حزبی نیاز نداشت. آیت‌الله خامنه‌ای از اعضای منتخب حضرت امام (ره) در شورای انقلاب بودند، و به عنوان نماینده ایشان در شورای‌عالی‌دفاع حضور داشتند. حضور مستمر ایشان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، نمایندگی مردم در اولین مجلس شورای اسلامی و امامت جمعه تهران، امتیازات ویژه ایشان به شمار می‌رفت. برجستگی‌های شخصیتی آیت‌الله خامنه‌ای به ایشان، به عنوان روحانی سیاستمدار و دین‌محور مشروعیت و محبوبیتی فراگیر و خاص بخشیده بود. دبیر کلی حزب جمهوری اسلامی مقام معظم رهبری که پس از شهادت شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی، و شهید دکتر باهنر به ایشان واگذار شده بود نیز از امتیازات برجسته ایشان به شمار می‌آمد.

به همین جهت این چهره محبوب و ممتاز در روز ششم تیرماه سال ۶۰ مورد سوء قصد منافقین واقع شد. خبر ماجرا، سراسر کشور را به هیجان آورد. حضور ده‌ها هزار نفر در خیابان‌های کشور به منظور محکومیت این جنایت، و تجمع هزاران نفر مردم تهران پشت درب بیمارستانی که مقام معظم رهبری در آن بستری شدند، محبوبیت گسترده ایشان را نزد مردم نشان داد.

از جمله خبرهایی که در نخستین لحظات از رسانه‌ها شنیده شد، داوطلبی ده‌ها تن از مردم برای اهدای قلب به امام جمعه تهران بود. پیام حضرت امام (س) به مقام معظم رهبری، امتیازات ویژه ایشان را در منظر مردم بالاتر برد.

چنین بود که فضا و شرایط مطلوب برای انتخاب مقام معظم رهبری به ریاست جمهوری از سوی مردم کاملاً مهیا شد.

از آنجا که انتخاب اصلح برای ملت، پیش از برگزاری انتخابات مشخص شده بود، آیت‌الله مهدوی کنی نامزدی رقیب مقام معظم رهبری هنگام انداختن رأی به صندوق، در پاسخ به خبرنگار تلویزیون که خواهان معرفی نامزد انتخابی ایشان شده بود اظهار داشت:

«معلوم است آقای خامنه‌ای!» نتیجه انتخابات در این مرحله بیش از ۱۴ میلیون رأی ارزشمند مردم به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود.

انتخاب چهارم

انتخابات چهارمین رئیس جمهوری ایران یک ویژگی داشت. این ویژگی‌ها در نامزدی خلاصه می‌شد که برای نخستین بار یک دوره چهار ساله مسؤولیت قوه مجریه را پشت سر گذارده بود. مسأله دیگر به فضا و شرایط جامعه مربوط می‌شد که نسبت به دوره گذشته تغییری نداشت، علاوه بر اینکه جنگ و نعمات فرهنگ سازی آن هم بستری مطلوب را فراهم ساخته بود. میزان کار آمدی و امتیازات مقام معظم رهبری در چهار سال اول برهمگان محرز گردیده و انتخاب ایشان از سوی مردم در این دوره نیز از قبل پیش‌بینی می‌شد.

بدین ترتیب ملت منصب چهارمین رئیس جمهوری ایران را بار دیگر با آرای خود به مقام معظم رهبری واگذار نمود.

انتخاب پنجم، هاشمی رفسنجانی

پایان هشت سال ریاست جمهوری مقام معظم رهبری، با رحلت

جانسوز حضرت امام خمینی (س) همزمان گردید. فقدان عظیم بنیانگذار بی‌بدیل جمهوری اسلامی ایران، با تصمیم «خبرگان رهبری» جبران گردید. براساس جلسه اضطراری خبرگان، جایگاه رفیع ولایت فقیه به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سپرده شد.

به هر حال در موعد مقرر می‌بایست رئیس جمهور پنجم انتخاب می‌شد. شرایط جامعه در این مرحله از انتخابات ویژگی بسیار داشت. فضای آکنده از غم و اندوه رحلت امام (س) از یک سو، و اضطراب و نگرانی ملت از این خلأ و توطئه‌های داخلی و خارجی از سوی دیگر فضای جامعه را تشکیل می‌داد.

مردم ده سال حاکمیت جمهوری اسلامی را با زعامت و رهبری پیامبرگونه حضرت امام (س) به یادگار داشتند. وجود رئیس جمهور، نخست وزیر، هیأت‌دولت و قوای مقننه و قضائیه، تحت‌الشعاع این رهبری مقتدرانه و الهی بود. این واقعیت محض دل نگرانی‌های مردم را در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری کاهش می‌داد. همین نقطه و مرکز و پشتوانه عظیم الهی سبب شده بود تا جنگ هشت ساله نیز با شادابی و نشاط اعتقادی سپری شود.

در شرایط پنجمین انتخابات وضع کاملاً دگرگون شده بود. گرچه انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به ولی امری مسلمین سبب اطمینان و امید ملت گردید، اما مسائل بسیار دیگری در تصمیم‌گیری مردم تأثیر قطعی داشت.

از جمله این مسائل می‌توان به فضا و شرایط پس از جنگ اشاره کرد که از چند منظر قابل ملاحظه بود:

ـ بازماندگان شهدا و اسرا و جانبازان و خسارت دیدگان از جنگ و آینده

آنان.

- ویرانی‌های برجا مانده از جنگ که باری مضاعف بر مسائل جاری کشور بود.

- پی‌گیری مواد قطعنامه ۵۹۸ و اجرای کامل آنها.

مسائل فوق ضرورت وجود رئیس جمهوری آشنا به مسائل جنگ را ایجاب می‌کرد که در دیگر عرصه‌ها هم سابقه حضور داشته باشد.

با ورود آقای هاشمی رفسنجانی به عرصه انتخابات، کاملاً محسوس بود که منتخب مردم کسی جز او نمی‌تواند باشد. «هاشمی رفسنجانی» از اعضای شورای انقلاب بود و سابقه مبارزاتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی را در کارنامه خود داشت. ریاست ۱۰ ساله او در سه دوره مجلس شورای اسلامی نیز نشان از مدیریت او داشت و دیدگاه چپ‌گرایانه در مسائل اقتصادی، در آن شرایط امتیاز دیگر وی به‌شمار می‌رفت.

رقیب هاشمی، دکتر شیبانی مبارز پیش از انقلاب و نماینده مردم تهران در چند دوره مجلس شورای اسلامی بود. نحوه حضور وی در این انتخابات مانند دیگر دوره‌های ریاست جمهوری برای همگان روشن می‌ساخت که وی با هدف خاصی به میدان می‌آید. که همان پیش‌گیری از انتخابات تک نامزدی است. عدم اقدام انتخاباتی، نداشتن تلاش تبلیغی و بی‌تفاوتی پس از انتخابات از سوی دکتر شیبانی این حدس را به یقین تبدیل می‌کرد. به این ترتیب «هاشمی» نامزدی بی‌رقیب در پنجمین انتخابات رئیس‌جمهوری ایران بود.

پیش‌بینی‌ها و تصمیمات از پیش گرفته شده ملت به انتخاب «هاشمی رفسنجانی» منجر گردید.

انتخاب ششم

انتخاب مکرر یک رئیس جمهور در دوره دوم تقریباً امری متداول است؛ اما میزان آرا و محبوبیت رئیس جمهور در دوره دوم ارزیابی مردم را از عملکرد او در چهار سال اول بازگو می‌کند.

در ششمین انتخابات همانگونه که تصور می‌شد، هاشمی رفسنجانی در میدان سیاست باقی ماند؛ اما نگاه مردم به وی بسیار تغییر یافته بود. هاشمی رفسنجانی در اولین دوره ریاست قوه مجریه از خود تصویری بسیار متفاوت باگذشته ارائه داد و تصورات ملت از خود را باطل کرده به‌طوری که عملکرد او در تغییر نگرش توده‌های مردم از وی تأثیر بسیاری گذاشت. ثمره این دوران حاکمیت او «دگرگونی ارزش‌ها»، «خدشه در اصول»، «ترویج لیبرالیسم» و «به‌کارگیری مدیرانی غیرانقلابی» بود. علاوه بر آنکه دیدگاه اقتصادی «هاشمی» این‌بار در عمل و نظر به سرمایه‌داری محض گرایش پیداکرده بود.

مهمترین چرخش «هاشمی رفسنجانی» در اصول، رویکرد به «خردگرایی» و جایگزینی آن به جای «دین‌مداری» بود. شاید «خواص» و «آگاهان» این امر را از رفتار و گفتار پیشین او دریافته بودند، اما اعتماد توده به وی، به عنوان یک پیرو محض اندیشه حضرت امام (س) در این چهار سال تغییر نمود و کاهش یافت.

در دیپلماسی خارجی اصل «نه شرقی ـ نه غربی» به «مصلحت‌گرایی» تبدیل شد.

در عرصه سیاست و فرهنگ، دنیاگرایی و سپس دنیاطلبی ترویج شد؛ و فرهنگ انقلابی و بسیجی که آموزه و سیره حضرت امام (س) بود به

اضمحلال رفت. دنیای عزتمند و افتخار آفرین بسیج با «دنیاطلبی سرمایه‌داری» جابه‌جا گردید و «توسعه اقتصادی» با همه ارکان و لوازم جای آن راگرفت.

ظاهراً سازندگی پس از جنگ، نیاز به توسعه را قطعی کرده بود؛ اما هاشمی رفسنجانی بهای این «سازندگی» را با پذیرش تمامی تبعات و پیامدهای توسعه غربی و البته از سرمایه انقلاب اسلامی پرداخت.

در پایان ۴ سال اول ریاست جمهوری او، این انحرافات و عدول از هنجارها در جامعه مشاهده می‌گردید:

- رواج خرنده و تدریجی فرهنگ توسعه و استحاله فرهنگ انقلاب اسلامی.
- حاکمیت گام‌به‌گام سرمایه‌داری لیبرالی و ایجاد شکاف طبقاتی.
- تغییر فاحش دیپلماسی خارجی از اقتدار و عزت‌طلبی به عقب‌نشینی، تسلیم و پذیرش‌های مصلحت‌گرایانه و پی در پی.
- عدول تدریجی از اصل «عدالت» و پیش رفتن به سوی «سرمایه‌سالاری» و ترویج فرهنگ سرمایه‌داری در سیاست و اقتصاد و فرهنگ.

در بررسی اجمالی ایران دوران سازندگی، ارزیابی یک پژوهشگر چنین است:

«جمهوری اسلامی ایران تحت مدیریت رئیس جمهور هاشمی رفسنجانی به تلاش برای جست‌وجوی گزینه‌های رادیکال در راهبردهای توسعه اقتصادی، پایان داده و در تعقیب سیاست اقتصادی مطابق با الگوهای کشورهای جهان سوم سرمایه‌داری غرب برآمد.»[1]

---

۱. سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی. ص ۱۸ انوشیروان احتشامی. ترجمه: دکتر ابراهیم متقی، زهره پوستین‌چی.

در همان دوران کارشناسان بر این باور بودند که توسعه جاری در کشور، غرب محور است. آنان ـ چه موافقان و چه از گروه مخالفان ـ این امر را بدیهی می‌دانستند. حاکمیت اقتصاد سرمایه‌داری و پیامدهای فرهنگی و سیاسی آن در جامعه اسلامی برای هر دو گروه فوق قطعی و حتمی بود. به همین جهت برخی افراد زمزمه‌های مخالفت با توسعه و مجری آن هاشمی رفسنجانی را سر دادند. گروه‌هایی از دین‌مداران نیز با مشاهده بازتاب‌های سازندگی بویژه موضع‌گیری‌های چرخشی و صریح هاشمی در مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به سرخوردگی و تردید رسیدند. تا زمان حاضر هاشمی رفسنجانی به دل نگرانی‌ها و دل سوزی‌های کارشناسان و اعتراضات مردمی وقعی ننهاده و با فاصله گیری مردم نسبت به خود و برنامه‌هایش بی‌اهمیت برخورد کرده است. با کمال حیرت در انتخابات نهم نیز هاشمی رفسنجانی بر برنامه‌های توسعه تأکید نمود و آینده را نیز استمرار آن عنوان کرد. پژوهشگر یاد شده در راستای تغییر و دگرگونی سیاست جمهوری اسلامی ایران در پرتو توسعه و سازندگی تصریح کرده است:

> حتی اگر مدل خاصی از توسعه اقتصادی در ایران انقلابی وجود داشته باشد، این الگو بعد از سال ۱۹۸۹ کنارگذاشته شد. بنا به گفته آقای ولایتی وزیر امور خارجه در کابینه آقای هاشمی، ملاحظات اقتصادی، اولویت سیاسی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. سیاست‌های جدید برآن بود تا روش‌های توده گرایی دهه ۱۹۸۰ راکنارگذاشته و همگرایی مستحکم‌تری را در سیستم اقتصاد سرمایه‌داری جهان پیدا کند.[۱]

این مطلب یکی از اعترافات و تحلیل‌هایی است که بعدها با صراحت

---

۱. سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ص ۱۸.

بیشتر اعلان شد. خدشه در مبانی حضرت امام (س) با تخریب سیاست‌های اقتصادی دوران طلایی حضرتش، عرصه فرهنگ و سیاست را نیز در بر گرفت. آقای هاشمی و کارگزاران حکومتی او بتدریج تحت عنوان خردگرایی، گذشته تابناک انقلاب و اندیشه ملکوتی حضرت امام(س) را صراحتاً مورد تهاجم نظری و عملی قرار دادند. تخریب فرهنگ بسیج در پوشش و روش و نگرش در خطبه‌های هاشمی مطرح شد. تضعیف ارزش‌ها در عرصه فرهنگ دینی و انقلابی، رواج تجمل‌گرایی و اسراف‌کاری، سوق به سوی انباشت ثروت و طمع‌ورزی اقتصادی، بی‌بند و باری و اباحه‌گری اخلاقی و سیاسی در سیاستگذاری‌های دولت، بازتاب‌های بارز دوران سازندگی بود. آیا آقای هاشمی که خود را سردار کبیر سازندگی می‌نگریست، و هرگونه نظر کارشناسی را با روش‌ها و لحن‌های گوناگون از میدان به در می‌کرد، حتی دیدگاه پژوهشگران و کارشناسان غربی را نیز قابل توجه نمی‌دید؟

«ژان لویی‌ریفرز» در نتیجه‌گیری توسعه اقتصادی، معتقد است:

> هر چند توسعه اقتصادی براساس رشد سرانه تولید سنجیده می‌شود، ولی توسعه فقط به این شاخص کمّی محدود نیست. برای نیل به توسعه، اصلاح و دگرگونی محسوس کلیه ساختارهای اقتصادی و اجتماعی ضروری است. ساختارهایی که مکمل رشد هستند و امکان آن را فراهم می‌آورند.[۱]

در چهار سال اول ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، بازگشت برخی افراد طاغوتی به کشور و حضور مراکز و منابع سلطه‌گر بین‌المللی در داخل کشور آغاز گردید. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در

---

۱. فرهنگ و توسعه دوپوئی. گز اویه. مترجمان: فراهانی. فاطمه. زرین قلعه. عبدالحمید. ص ۳۹.

برنامه‌های اقتصادی این دوران مسیر نفوذ آنها به نظام اسلامی را بازگشایی کرد. وام گرفتن و کمک خواستن از این دو منبع مالی سلطه گر، نتیجه طبیعی سیطره گام به گام بر عرصه‌های مختلف سیاست، اقتصاد و فرهنگ توسط آنها را نوید می‌داد. آیا بازسازی جنگ و رویکرد شتابزده به دنیاگرایی محض، ارزش آن را داشت که چنین بهای زیانباری از سوی نظام اسلامی، پرداخت شود؟

آیا هاشمی رفسنجانی که به عنوان یک مغز اقتصادی و سازنده ایران بر الگوی ژاپن، معرفی و ترویج می‌شد از این امر واضح غافل بود که:

هنگامی که ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم در جایگاه یک ابر قدرت قرارگرفت. اندیشمندان علوم اجتماعی این کشور نیز همگی در جهت مطالعه مسائل توسعه در جهان بسیج شدند. این امر منجر به پیدایش مکتب نوسازی گردید.[۱]

تاریخ پیدایش مکتب نوسازی به دهه ۱۹۵۰ باز می‌گردد؛ یعنی زمانی که ایالات متحده به یک ابر قدرت جهانی تبدیل شد. لذا محققین علوم اجتماعی در آمریکا بسیج شدند تا برنامه‌ای برای پیشبرد نوسازی در کشورهای تازه به استقلال رسیده جهان سوم تنظیم و ارائه کنند. در نتیجه دانش‌پژوهان علوم اجتماعی در آمریکا به کشورهای جهان سوم، توصیه می‌کردند که به نسخه‌برداری از ارزش‌های آمریکایی پرداخته و برای ایجاد دگرگونی در نهادهای سنتی خود، بر روی وام‌ها و انواع کمک‌های اقتصادی آمریکا نیز حساب کنند.[۲]

---

۱. تغییر اجتماعی و توسعه، ص ۲۰۷؛ آلوین. ی. سو. ترجمه: محمود حبیبی مظاهری.
۲. تغییر اجتماعی و توسعه، ص ۲۰۷.

نامزدهای دوره ششم و نتیجه انتخابات

در دوره دوم هاشمی رفسنجانی با رقیب‌هایی چون احمد توکلی، عبدالله جاسبی و طاهری به صحنه آمد. طاهری فردی کاملاً ناشناخته بود، عبدالله جاسبی رئیس دانشگاه آزاد یکی از مدیران هاشمی بود و یقیناً گزینه‌ای برای رقابت نبود. وی نه تنها مقبولیت مردمی نداشت، بلکه شهریه‌های بالای دانشگاه آزاد، نارضایتی دانشجویان و خانواده‌های آنان را به همراه داشت. با این وجود هاشمی در خطبه نماز جمعه‌ای که پیش از انتخابات ایراد کرد با یک سخن و لحنی طنزگونه وی را از صحنه رقابت احتمالی بیرون راند.

بنابراین باید احمد توکلی را تنها رقیب هاشمی در این دوره دید. توکلی از مبارزین پیش از انقلاب بود و در سال‌های آغازین حاکمیت جمهوری اسلامی، مدتی به وزارت کار اشتغال داشت. اما خاطره ملت از او بویژه کارگران در دیدگاه حمایت از سرمایه‌داری وی خلاصه می‌شد.

توکلی در بحث‌ها و چالش‌هایی که با برخی مسائل رفاهی کارگران داشت، سبب ایجاد چنین برداشتی شده بود. پس از وزارت، او در گردانندگی روزنامه «رسالت» وابستگی یا همسویی فکری و سیاسی خود را به جناحی خاص آشکار کرد. سپس با گرفتن بورسیه تحصیلی در دوران نخست ریاست جمهوری هاشمی، برای ادامه تحصیل عازم انگلستان شد. توکلی مخالفت با برنامه‌های هاشمی را پس از پایان تحصیلات و بازگشت به کشور آغاز نمود. توکلی در تبلیغات انتخاباتی، برنامه‌های «توسعه و سازندگی» را به‌حق مورد حمله قرار داد. شعارهای تند وی در دفاع از عدالت اجتماعی و بازگویی برخی از بازتاب‌های

زیانبار توسعه اقتصادی، نظر بسیاری را جلب کرد.

دکتر احمد توکلی از نسل انقلاب، زندان کشیده و مبارز دوران ستم شاهی بود و این برای او یک امتیاز محسوب می‌شد، ولی چرخش دیدگاه اقتصادی وی، اطمینان به ثبات‌نظر او را در عرصه‌های مختلف، برای آگاهان خدشه دار ساخته بود.

به هر روی، هاشمی رفسنجانی با خصلت‌های ویژه در تحلیل، و نوع نگاه به مردم و مطالبات آنها و پافشاری بر صحت برنامه توسعه که به آن اعتقاد داشت، هرگز توکلی را رقیب جدی تلقی نمی‌کرد. شاید تبلیغ گسترده سازندگی و تأکید بر درستی و آینده درخشان آن، که از سوی شخص هاشمی و کارگزارانش صورت می‌گرفت، دلیلی مضاعف بر چنین تصوری گردیده بود.

انتخابات پنجم برگزار شد؛ اما نتیجه شمارش آرا برای هاشمی و حامیانش حیرت‌آور بود. دکتر توکلی توانسته بود شکست بزرگی در آرای هاشمی ایجاد کند.

چهار میلیون آرای توکلی رویگردانی گسترده مردم از هاشمی و برنامه‌هایش را نشان می‌داد.

همچنین این آرا دلیل بارز ناخشنودی مردم از تضعیف فرهنگ اسلامی و ارزش‌های انقلابی در چهار سال اول ریاست جمهوری هاشمی بود.

این برداشت بدان جهت بود که توکلی در انتقاد به سیاست‌های اقتصادی هاشمی، بر باد رفتن ارزش‌های انقلاب اسلامی در دوران او را به عنوان تبعات توسعه اقتصادی می‌دانست.

کاهش شدید آرای هاشمی هم سؤال برانگیز بود و هم پیام‌های بسیار داشت! ولی وی در حرکتی سیاسی یک خطبه از خطبه‌های نمازجمعه را به تحلیل انتخابات اختصاص داد، و در آن تعطیلی دو روزه و مسافرت مردم را که سبب می‌شد شناسنامه‌هایشان همراهشان نباشد، علت کاهش آرای پایین خویش دانست!!

به هر صورت هاشمی برای دومین بار رئیس جمهور ایران شد و برنامه توسعه یا سازندگی وی ادامه یافت. در این دوره ابعاد توسعه اقتصادی با شتاب بیشتر اوج گرفت و به‌گونه طبیعی پیامدهایش را نیز بسرعت آشکار می‌ساخت.

در کتاب سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی آمده است:

> **موفقیت در انجام اصلاحات اقتصادی می‌تواند رونق را برای نظام سیاسی ارمغان داشته باشد.**
>
> **اما اگر این موفقیت‌ها با بازگشت تعداد قابل توجهی از ایرانیان خارج ازکشور همراه گردد، می‌تواند به عنوان نقطه پایانی برای اهداف جمهوری اسلامی باشد.[1]**

به طول کلی چهار سال دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، استمرار اجرای برنامه توسعه بود که بازتاب‌های ذیل را در پی داشت:

- تغییر فاحش و دگرگونی فرهنگی، که اصول و ارزش‌های دینی و انقلابی را مسخ کرد. می‌توان دگرگونی فرهنگی را که در پروژه عقلانیت یا خردگرایی ترویج و عمل می‌شد، بزرگترین عامل فاصله یا گسست تقریبی مردم از دولت برشمرد.
- بروز گسترده پیامدهای توسعه اقتصادی در ابعاد مختلف که سطح‌های

---

۱. سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ص ۶۰.

میانی و پایین جامعه را در برگرفت. شکاف طبقاتی و ایجاد طبقات فقیر و غنی مشخصه نمادین این دوره بود، که در دولت‌های بعد نیز عمیق‌تر و گسترده‌تر شد.

ـ حاکمیت خویشاوندی یا تبارگرایی برای نخستین بار در نظام اسلامی، توسط هاشمی رفسنجانی به اجرا درآمد.

ـ عرصه دیپلماسی در پرتو مصلحت‌های مبتنی بر توسعه دگرگون شد. پذیرش تعهدات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به عنوان یک اصل مسلم سیاست این مراکز، در دولت‌های سازندگی مورد پی‌گیری قرار گرفت. تضعیف احکام شریعت که علاوه بر عمل در سطح جامعه، از سوی رئیس این دولت بصورت تئوریک ترویج می شد، از تبعات سیاست دولت هاشمی بود.

ـ به کارگیری مدیران غیر مسؤول، غیرانقلابی و اولویت تخصص بر تعهد، آن هم براساس روابط و نه ضوابط، از شاخصه‌های این دوران است که دولت‌های اصلاحات نیز از آن پیروی کردند. سرخوردگی گروه‌های بسیاری از دولت، نتیجه وجود این افراد و عملکرد آنها بود. نمونه‌ای چون کرباسچی که حتی در محاکمات خود مورد حمایت هاشمی بود، و حمایت تأکیدی بر تخلفات مدیریتی، با توجیه «لیاقت مدیران»، یکی دیگر از فجایع چهار سال دوم ریاست جمهوری هاشمی به‌شمار می‌رود.

انتخاب هفتم: محمد خاتمی

هفتمین انتخابات ریاست جمهوری در فضا و شرایطی انجام می‌گرفت که جامعه با مسائلی که اشاره شد دست و پنجه نرم می‌کرد. فعالان در

میدان، معتقدان و پرورش یافتگان توسعه و سازندگی بودند. فاصله بسیار آنها با اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی از یک سو و درگیری نسل انقلاب با تردیدها و سرخوردگی‌ها از سوی دیگر، ویژگی‌های انکارناپذیر این دوره به‌شمار می‌رفتند. دگرگونی اصول، تضعیف ارزش‌ها، دنیاطلبی قدرت‌طلبان و سیاسی‌کاری سیاستمداران و جناح‌بندی غیردینی، فضای سیاسی برای نامزدها و حامیان آنان بود.

نامزدها، گرایش‌ها و تبلیغات دوره هفتم

علی‌اکبر ناطق‌نوری، محمد خاتمی، محمد ری‌شهری و رضا زواره‌ای چهار کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری بودند.

«محمد خاتمی» نامزد طیف غربزدگان و روشنفکرانی بود که اساس تفکر اسلام ناب محمدی(ص) را به چالش گرفته بودند. شعارهای نمادین این طیف «آزادی» و «آزادی‌خواهی» بود. این شعارها با تفسیر، تأویل، بحث و غوغا، ارکان و مبانی نظام جمهوری اسلامی را به مصاف می‌گرفت. تیره سازی «فرهنگ انقلاب اسلامی» و متهم نمودن و محکوم کردن عملکرد دوران طلایی حضرت امام (س)، از برنامه‌های بنیادین این گروه بود که «اسلام و احکام شریعت» را مورد تهاجم قرار می‌دادند. انقلاب اسلامی و فرهنگ درخشان آن که دوره سازندگی آن را مورد خدشه، تضعیف و استحاله قرار داده بود، در فضای انتخابات هفتم، در «استبداد» و «استبدادزدگی» خلاصه گردید. در این فضا غوغاسالاری و موج‌سازی از شعارهای فریبنده، با حمله به ارزش‌های فرهنگ انقلاب اسلامی، میدان دروغ‌پردازی و تحریف را در نوردید و «آزادی» به

عنوان ارمغان خاتمی و حامیانش در تبلیغات انتخاباتی تبلیغ شد. تبلیغات پرهزینه، و تقلیدهای غربی، محتوای این دوره انتخابات بود و دمکراسی مبتنی بر پول و فریب جهت دهنده آرای مردم شد. کارگزاران سازندگی به عنوان یک حزب دولتی با تمام توان و منابع سیاسی و مالی تبلیغات خاتمی را بر عهده گرفتند.

از طیف مقابل گروه‌هایی با طرفداری از انقلاب اسلامی، «ناطق نوری» را به صحنه آورند. اما این گروه‌ها به لحاظ سابقه حمایت از هاشمی و برنامه‌های او در ۸ سال گذشته، مقبولیت مردمی نداشتند. باید افزود که دیدگاه، برنامه‌ها و شعارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و عملکرد طیف مذکور و نامزد آنها با تفکر و برنامه‌های هاشمی تفاوت نداشت.

مسأله تأثیرگذار دیگر، راهکار انحرافی و مخرب‌گرایانه خاتمی و حامیانش بود. این راهکار جریان غیر خود را «استبدادگر» و «ضد مردم» جلوه می‌داد و بر طبل «آزادی» چنان می‌کوبید که مردم را در بمباران تبلیغاتی بر سر دو راهی انتخاب «استبداد» و «آزادی» قرار می‌داد!

چهره جدید «خاتمی» برای بسیاری از مردم جالب بود و امید به آینده را در رفع مشکلات قطعی می‌نمود. جدا بودن خاتمی از طیف موسوم به راست و نبود او در مدیریت‌های دهه دوم هم علتی دیگر و انگیزه قوی مردم برای انتخاب وی بود. آنان می‌پنداشتند که با برگزیدن خاتمی «دولت خویشاوند سالار» و «مدیریت تبارگرای» دوران هاشمی پایان خواهد یافت!

در یک سخن: خواست مردم حاکمیت عدالتِ فراموش شده، از بین

رفتن شکاف طبقاتی، رفع تبعیض‌ها و حاکمیت ضابطه با زدودن رابطه بود. این اهداف به وسیله دست‌های پنهان و تبلیغات غیرواقعی و هزینه گزاف سیاسی، مردم را به سوی خاتمی سوق داد.

در این شرایط گروه‌هایی از مردم دین‌مدار از ده سال عملکرد بد و ناموفق خاتمی در وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی غفلت کردند و گروه‌های زیادی از سر لج‌بازی رأی‌هایشان را برای او به صندوق‌ها ریختند. مسائل فوق آرای ۱۸ میلیونی خاتمی را رقم زد.

به طور کلی عوامل مهم پیروزی خاتمی را می‌توان در نکات ذیل دید:

ـ عدم حضور یک وزنه سیاسی معتبر و غیرجناحی در صحنه.

ـ عدم تبلیغات دینی و مردم‌گرایانه در جناح مقابل خاتمی.

ـ عوام فریبی تبلیغاتی ساده زیستی و نشان دادن چهره دور از نخوت و تکبر از خاتمی و امیددهی به مردم نسبت به استمرار آن در حاکمیت.

ـ القای این ذهنیت که خاتمی از دایره تبارگرایی در دولت سازندگی هاشمی خارج بوده است و امید مردم به پاک‌سازی قوه مجریه از این امر نامطلوب و فاجعه بار.

ـ ناآشنایی ملت نسبت به دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی خاتمی و عدم شناخت مدیریت وی در گذشته؛ نیز تصور اینکه خاتمی دنیاگریز است! دور دیدن او از مسائل به عنوان مثال مردم هرگز نمی‌دانستند که خاتمی در مراسم تودیع از وزارت ارشاد میلیون‌ها تومان هدیه دولتی دریافت کرده بود!

ـ سیادت و داشتن پشتوانه روحانی در خانواده که در تبلیغات انتخاباتی مهمترین برگ برنده او بود. به این معنا که به موازات تلاش‌های فراوان

تبلیغاتی در معرفی خاتمی به عنوان مظهر «روشنفکری» مسأله «سیادت»، «روحانی بودن» و «روحانیت خانوادگی» وی تبلیغ می‌شد. تیراژ بالای انتشار پیام حضرت امام (س) به مناسبت رحلت آیت‌الله خاتمی، پدر محمد خاتمی، در انتخابات یکی از این ترفندها بود. علاوه بر آن شجره نامه او به بازار سیاسی آمد تا با انتساب وی به اجداد طاهرینش مردم معتقد را به سوی وی متمایل سازد.

ـ عامل مهم دیگر، مستقل و غیر جناحی تصورکردن خاتمی از سوی مردم بود. برای ملت هاشمی و ناطق نوری از حیث دیدگاه، برنامه و راهکار دو روی یک سکه بودند و به جناح خاصی وابستگی داشتند. خاتمی ظاهراً چهره‌ای مستقل با برنامه‌ها و راهکارهای جدید دیده می‌شد. علاوه بر اینها محتوا، هزینه و شیوه تبلیغات ناطق نوری بود، که در رقابت با خاتمی همگونی بسیار داشت. این مسأله بسیاری از دردمندان را هم به واکنش منفی وا داشت.

«ری‌شهری» برای برخی خواص مایه امیدواری بود. نه غربزدگان و دین‌ستیزان حامی خاتمی در آن دوران او را می‌پسندیدند و نه هم سویی در شعارها و برنامه‌های وی با هاشمی علنی بود. ده سال تصدی وزارت اطلاعات، بررسی پرونده‌های مفسده انگیز و تقابل با جریان‌های انحرافی خطرناک، برای بسیاری از افتخارات گذشته «ری‌شهری» به‌شمار می‌رفت؛ اما در عرصه تبلیغاتی این گذشته انقلابی از سوی ری‌شهری نادیده گرفته شد! علاوه بر این که شعار و برنامه امیدوارکننده‌ای هم از سوی او برای توده‌ها ارائه نگردید. هزینه پایین تبلیغاتی وی در حاکمیت فرهنگ دنیازدگیِ محض، نه تنها امتیازی برای او محسوب نشد، بلکه

موجب ناشناخته ماندن وی گردید. نامزد چهارم دیگر آقـای زواره‌ای، اصولاً در میدان رقابت چهره‌ای قابل ملاحظه نبود.

گریز از تکبر و تفرعن و رویکرد به مسؤول مردم‌گرا از مطالبات قطعی انتخابات هفتم بود. این عامل تعیین کننده در معرفی و تبلیغات خاتمی به وی نسبت داده شد و او را به ریاست جمهوری رسـانید. نـقش شـخصِ هاشمی رفسنجانی علاوه بر حزب او (کارگزاران سازندگی) بسیار تعیین کننده بود. راهکار سیاسی و آشکار او در خطبه‌های نماز جـمعه آرای بسیاری را برای خاتمی به صندوق‌ها ریخت.

وی در این خطبه، شبهه تقلب انتخاباتی را طرح نمود، و طـبق روال همیشگی ناصحانه، خواهان پرهیز مجریان از این تخلف شـد! بـی‌گمان آرای مردم از آن ساعت به بعد تحت تأثیر مستقیم این شبهه و در واکنش نسبت به آن بود.

هاشمی بعدها، به تأثیرگذاری سرنوشت سـاز ایـن راهکـار خـود در انتخابات ۷٦، اعتراف نمود!

انتخاب هشتم

نگاه به گذشته و تحلیل فضای حاکم بر کشور، انتخاب «خاتمی» را برای چهار سال دوم قطعی می‌نمود. وجود نامزدهای ده‌گانه، نه تنها کار ساز نبود، بلکه پراکندگی گروه‌های مقابل اصلاح‌طلبی و ناتوانی از معرفی یک نامزد مشخص و عدم حضور نامزد مطلوب همه به سود خاتمی تمام شد. شعارهای بمبارانی و تبلیغات عوام‌فریبانه نیز کارساز بود. صرف‌نظر از آنکه راهکارهای سیاسی مخالفان اصلاح‌طلبی در سکوت، تأیـید یـا

محافظه‌کاری چهار سال گذشته، اعتماد ضعیف پیشین را هم از آنها سلب کرده بود. احمد توکلی، علی شمخانی، عبدالله جاسبی، محمود کاشانی، غفوری فرد، رضوی، صدر، فلاحیان و هاشمی‌طبا رقبای خاتمی در هشتمین انتخاب بودند. برخی از این افراد ناشناخته بودند و ورود آنها به عرصه انتخابات سبب پایین آمدن وزن انتخابات شد. هزینه بالای تبلیغاتی در این دوره بیش از گذشته سرسام‌آور بود! همه‌ی ده نامزد با صرف مبالغ هنگفتی، دیوانه‌وار تبلیغ می‌کردند. غافل از اینکه برخی از آنها حتی از کمترین پایگاه مردمی برخوردار نبودند.

توکلی با شعارها و برنامه‌های متفاوت از گذشته به میدان آمد. حساسیت‌های دینی، تأکید بر ارزش‌های انقلابی و... در تبلیغات او رنگ نداشت. گوشزدهای وی به تبعیض و فقر و فساد لیبرالی دوران گذشته، تنها برجستگی فکری و سیاسی وی بود.

نبود پیام اسلام‌خواهی و فقدان راهکار جدی و بنیادین عدالت‌طلبی در برنامه‌ها و شعارهای توکلی برای مردم امیدواری عملی را به‌همراه نداشت.

به طور کلی نامزدهای این دوره با رویکردی تخصص‌گرایانه وارد عرصه شده بودند. این رویکرد گرچه به لحاظ محتوایی در بیشتر موارد، واقعیت نداشت! اما موجب فراموشی و حذف هرگونه اندیشه و جریان دین‌خواهی شده و دوری از ارزش‌ها و بیگانگی با امام (س) و اسلام را جایگزین آن ساخته بود.

حزب کارگزاران سازندگی با همزاد خود، یعنی حزب دولتی مشارکت که مولود چهار سال اول ریاست جمهوری خاتمی بود، فعالانه در عرصه

تبلیغات به‌نفع خاتمی حضور داشت. برخورداری از امکانات دولتی و بهره‌گیری از گستره میدان تبلیغی و حلقه تعیین کننده خویشاوند سالاری دولت‌های «هاشمی» و «خاتمی» در سیاست، از مؤثرترین ابزارهای انتخاباتی این دوره بود.

مردم چهار سال اول ریاست جمهوری خاتمی را با ثمرات زیانبار تحمل کردند. دین‌ستیزی و میدان‌دهی بیش از حد به ستیزه‌گران با شریعت اسلامی، گسترش روز افزون فساد اقتصادی، حاکمیت تبارگرایی و خویشاوند سالاری، حیف و میل بی‌حد و حصر بیت‌المال، افزایش بی‌رویه سفرهای خارجی دولتمردان و سنگینی بار هزینه‌های بالای آن بر دوش ملت، فساد اداری و گستاخی حاکمان در دفاع از این وضع یا بی‌تفاوتی در قبال آن، حاکمیت بلامنازع حزبی بر ادارات، سیاسی نمودن مسائل مبتلا به مردم و بهره‌برداری از آن توسط دست‌اندرکاران حزبی، و... از جمله نتایج دولت اصلاح‌طلب!! در چهار سال اول حاکمیتش بود. واژگونی مطالبات واقعی مردم و تبدیل آن به اغراض و اهداف دولتی، و عدم پاسخگویی با فریب و تمسخر ملت، برجسته‌ترین ویژگی دولت خاتمی در چهار سال اول بود. این دو نکته مورد انتقاد و اعتراض مردم - با هر سلیقه، اعتقاد و نگرش - واقع شده بود.

با وجود تمامی واقعیاتی که به‌گوشه‌هایی از آن اشاره شد، روند حساب شده تبلیغات «خاتمی» در دور دوم، کسب قدرت مجدد را نتیجه داد. برخی از راهکارها و ابزارهای به‌کار گرفته شده در انتخابات هشتم ریاست جمهوری عبارت بودند از:

- مظلوم نمایی و فریبکاری که در تمام دوران ریاست جمهوری اساس

کار دولت خاتمی قرار داشت: در این مسیر تولید و رشد دشمن موهوم و بحران‌های شبح‌گونه، ابزارهای بزرگ سیاسی خاتمی بود. بحران سازی‌های شِبه کودتایی به وسیله عوامل دولتی یا حزب دولتی عامل مهمی در این راستا بودند که راه را برای دنبال کردن هر مطالبه واقعی ملت سد می‌کرد.

پروژه مظلوم نمایی «خاتمی» در فیلم تبلیغاتیش بیش از پیش آشکار بود. در این فیلم صحنه‌ای از گریه خاتمی به نمایش گذاشته شد. به این ترتیب تبلیغاتی که دور اول را با «خنده» خاتمی پیش برده بود، در دور دوم ابزار «گریه» را وسیله پیروزی قرار داد!

شاید پیروزی مجدد خاتمی که به اعتقاد کارشناسان تبلیغاتی، از این صحنه فیلم متأثر بوده، هاشمی را بر آن داشت که در انتخابات نهم به تقلید از خاتمی در فیلم دوم روی آورد!

- ترویج این فریب که «دست‌هایی نمی‌گذارند کار انجام بشود»، بدون آنکه هرگز به صاحبان آن دست‌ها حتی اشاره شود! و یا کار مورد نظر معرفی گردد! همراهی و همسویی هاشمی و عوامل او را با دولت خاتمی که در رأس آن کارگزاران بودند، و نیز سکوت، انزوا و حذف کاملِ اجباری یا داوطلبانه دیگر گروه‌های رقیب یا مخالف اصلاح‌طلبان از صحنه را باید براین ابزار افزود.

- بمباران خسته کننده و فریبکارانه واژه‌های «نشاط»، «شادابی»، «آزادی» و «مردم» فارغ از هر برنامه یا گام عملی، و علاوه بر آن حاکمیت اباحه‌گری در پروژه آزادی که به فساد و فحشا در سراسر کشور انجامید. این مسأله بسیاری از جوانان و نوجوانان را که ابزار قدرت‌طلبی واقع شده بودند، به نفع اصلاح‌طلبان به پای صندوق‌های رأی می‌کشانید.

- اجرای پر هزینه پروژه نهضت سخنرانی در سراسر کشور، که با استفاده از امکانات و اموال دولتی و هزینه کردن اوقات مسؤولان و کارگزاران نظام به اجرا در می‌آمد و نتایج هدفمند و سودجویانه سیاسی آن به سود خاتمی و حزب‌های دولتی واریز می شد.

- دروغ‌پردازی و فریب مردم درباره دستاوردهای بزرگ در دیپلماسی خارجی و جهانی جلوه دادن شخصیت خاتمی، که با ترفندهای هدفمند ذیل انجام شد:

۱ - انحراف افکار عمومی از ناکارآمدی و فریبکاری دولتمردان در انجام مسؤولیت‌های اصلی و گریز از پاسخگویی پیرامون مطالبات اساسی مردم.

۲ - بت سازی از خاتمی به عنوان چهره‌ای «اندیشه گر» و «سیاستمدار» در سطح جهانی و امیدواری ملت به توانمندی‌های او در آینده‌ای موهوم - مثلاً طرح بی‌محتوای گفت‌وگوی تمدن‌ها که نخستین کشور استقبال‌کننده از آن آمریکا بود - در داخل کشور محملی برای توجیه سیر ذلت و عقب‌نشینی از منافع و مصالح ملی در عرصه سیاست خارجی گردید. مهاجرانی وزیر معزول از سوی خاتمی رئیس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها شد. او با استفاده از امکانات بسیار دولتی در این مرکز، اعمال ضداخلاقی خود را در کمال امنیت و آرامش دنبال کرد. تاکنون کمترین اثری از بازدهی این مرکز پرهزینه در خارج از کشور گزارش نشده است. غافل از اینکه «کهنگی» این طرح که با عنوان «گفت‌وگوی فرهنگ»ها از سوی همسر شاه معدوم مطرح و پیگیری می‌شد، بر آشنایان به تاریخ معاصر معلوم و آشکار است! لذا بسیاری از صاحب‌نظران آزاداندیش طرح «گفت‌وگوی تمدن‌ها»ی خاتمی را تقلید و رونویس از طرح

«گفت‌وگوی» فرهنگ‌های فرح دیبا دانستند.

۳ ـ به‌کارگیری ابزاری دانشگاه و دانشگاهیان در راستای اهداف صرفاً سیاسی. در این عرصه طیف روشنفکری و گروه‌هایی از دانشجویان در فضاسازی و ایجاد فرهنگ بحران و نتیجه‌گیری سیاسی، و ساختن ادبیات سیاسی فریبکارانه به نتیجه بخشی انتخابات هشتم به سود خاتمی بسیار کمک نمودند.

با وجود مسائل فوق، واقعیات نامطلوب و ملموس جامعه، و فاجعه آمیز بودن توسعه فقر و فساد و تبعیض، همراه با رویکرد اشرافیت‌گرایی و تجمل‌پرستی خاتمی و دولت او، سرخوردگی مردم را نشان می‌داد. این واقعیات بیانگر آن بود که اگر در عرصه انتخابات نامزدی کارآمد، مورد اعتماد، ثابت قدم در شعارها و برنامه‌های دین محور حضور داشته باشد به طور قطع خاتمی مورد قهرآرای ملت واقع خواهد شد.

اما عدم وجود چنین چهره‌ای، چنانکه گذشت بار دیگر خاتمی را گزینه مطلوب کرد.

آرای ۲۲ میلیونی خاتمی، اعلام چهار میلیون افزایش نسبت به دور قبل بود که دستاویز بیشتر اصلاح‌طلبان شد. پرسش‌های مطرح درباره میزان آرای خاتمی آن بود که:

ـ اگر آرای مردم به خاتمی با چشم‌پوشی از کاستی‌ها، ناکارآمدی‌ها، خلف وعده‌ها، سوءاستفاده‌ها، تشنج آفرینی‌ها و... در حاکمیت قابل قبول باشد، آیا یورش مغولانه دین‌ستیزان، و تهاجم به اصول و ارزش‌ها نیز از منظر آنها با عطوفت همراه بوده است؟

ـ آیا ملت در چهار سال نخست ریاست جمهوری «خاتمی» او را در

میدان خدشه و تضعیف اصول و ارزش‌ها پیشگام و پیشرو نمی‌دید؟
- آیا تئوریزه کردن آزادی از سوی خاتمی دو جمله نامیمون و فاجعه بار او را در کارنامه فکری و اعتقادیش ثبت ننمود که: اگر دین در مقابل آزادی بایستد در هم خواهد شکست. و نیز: اگر عدالت هم در برابر آزادی ایستادگی کند، در هم شکسته خواهد شد؟
- آیا همین تئوری‌پردازی به تنهایی کافی نبود تا خاتمی را در تقابل با اعتقادات و باورهای دین‌مدارانه مردم قرار دهد؟ اقدامات و عملکرد هولناک او در چهار سال حاکمیت بر قوه مجریه را باید بر این موارد افزود.
- آیا سعید حجاریان در سمت مشاور رئیس جمهور در روزنامه‌اش مقدساتی چون ساحت مقدس سرور آزادگان و عاشورای او را مورد هجوم قرار نداد؟ آیا ملت ایران نسبت به این مسأله حیاتی هم بی‌تفاوت بودند یا با آن سازگاری داشتند؟
- بنابراین باید پرسید آرای ۲۲ میلیونی خاتمی در دوره دوم چگونه به‌دست آمد؟ ریشه‌یابی این ماجرا، قطعاً نیازمند بررسی‌های بسیار در زمینه‌های گوناگون است. اما دو مطلب اساسی و آشکار در همان دوره، این انتخاب را کاملاً مخدوش جلوه می‌داد که با تردستی مسؤولان و مسامحه و سیاسی بازی طیف مقابل نادیده گرفته شد. این دو مسأله اساسی، عبارت بودند از:

۱ - «محمدرضا خاتمی» برادر رئیس جمهور و رئیس حزب دولتی مشارکت، پیش از انجام انتخابات هشتم اعلام کرده بود «محمد خاتمی باید با ۲۲ میلیون رأی پیروز شود» این سخنان که در مطبوعات نیز درج

گردید، هم بدون استدلال منطقی ادا شد و هم به نظرسنجی از مردم در این باره اشاره‌ای نداشت.

۲ ـ در آخرین هفته مانده به انتخابات، رئیس سازمان ثبت‌احوال کشور در مصاحبه‌ای نسبت به وجود پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) شناسنامه اموات در دست مردم هشدار داد!

با توجه به دو مورد فوق نگارنده در یکی از نشریات مقاله‌ای با عنوان «آرای ارواح کمیت و کیفیت» نوشت و در آن مقاله آرای خاتمی را ارزیابی کرد.[۱]

به این ترتیب خاتمی منادی اصلاح‌طلبی شد و طی دو دوره، در هشت سال پروژه «اصلاحات»! را در نظام اسلامی به اجرا گذارد.

پیش درآمدهای انتخابات نهم

انتخابات نهم، پیش درآمدهایی سیاسی داشت که بدون گذر و توجه به آنها، بررسی و ارزیابی انتخابات نهم ثمره چندانی ندارد.

نخستین گام مردم در مسیری که پیروزی معجزه‌آسای احمدی‌نژاد را آفرید، انتخابات دومین دوره شورای اسلامی شهر و روستا بود. انتخاب نمایندگان مجلس هفتم دومین گام مردم در این مسیر بود.

بنابراین بحث انتخابات دو دوره شورای شهر و روستا و پس از آن مجلس هفتم، در این بخش قرار گرفته است.

---

۱. نک: نشریه حریم، خرداد ۸۴

نخستین انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا

فعالیت نخستین دوره شوراهای شهر و روستا همزمان با کار مجلس پنجم آغاز شد. مجلس پنجم به گونه‌ای که پیش‌تر اشاره شد، نماد حاکمیت توسعه اقتصادی یا دوران سازندگی بود. تولد و رشد سریع حزب دولتی کارگزاران و موج سواری آن، مجلس پنجم را با تعداد قابل توجهی از نمایندگان وابسته به خود شکل داد.

هزینه‌های گزاف کارگزاران با پشتوانه اقتصادی و سیاسی دولت، پس از مجلس، شوراهای شهر را مدنظر قرار داد. روشن بود در پایان دوره هشت ساله ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، حزب وابسته به او در صدد باقی ماندن بر مسند قدرت است. با شگفتی تمام فهرست نامزدهای کارگزاران کنار همزاد خود، حزب دولتی مشارکت وارد عمل شد. برگزاری انتخابات توسط دولت اصلاح‌طلب، جز برآمدن فهرستی از ناآشناترین و غیرموجه‌ترین نامزدها از صندوق‌ها، نتیجه‌ای برای مردم نداشت. انتخاب افرادی چون سعید حجاریان، جمیله کدیور، اصغرزاده و... از شهر تهران که سابقه‌ای در حریم شکنی اصول و ارزش‌ها داشتند امری طبیعی به نظر نمی‌رسید. در اکثر شهرهای ایران انتخاب شدگان وابسته به دو حزب نامبرده بودند. با این وجود تجربه نخستین دوره شورای شهر، بسیار نامطلوب و حتی مشمئز کننده بود. مواردی چون افشای مفاسد اخلاقی برخی اعضا در چند شهر، مفاسد اقتصادی حین کار توسط تعدادی از اعضای شورای شهرها و بالاخره گریختن تعدادی از آنها به خارج از کشور ثمره نخستین دوره شورای شهر بود.

شورای شهر تهران به عنوان نماد شوراهای شهر، با شاخص‌ترین

چهره‌های سیاسی بدترین عملکرد را داشت. علاوه بر سودجویی مالی، تبدیل خدمتگزاری به میدان ستیز سیاسی تنها ثمره این شورا بود. بهره گیری از جایگاه نمایندگی مردم در شورای شهر در مسیر دین‌ستیزی و ارزش‌زدایی[1] از دیگر اقدامات این شورا بود.

بدیهی است که احزاب کارگزاران و مشارکت پشتوانه قوی و مؤثر چنین اقدامات ضد ملی بودند. عمده فعالیت‌های شورای شهر تهران عبارت بود از جنجال آفرینی، تنش زایی و ایجاد اختلافات قدرت‌طلبانه، که به دور از کمترین خدمت به مردم استمرار داشت. اعضای شورای شهر تهران با داشتن پایگاه وابسته به قدرت، شورا را تریبون سیاسی و ابزار کار جناحی قرار داده بودند. مرور بر کارنامه شورای شهر تهران که الگویی برای شوراهای دیگر شهرها بود، نشان می دهد که اعضای آن از همان ابتدا در خدمتگزاری به مردم ناتوان بوده‌اند.

نکته قابل تأمل، قصد اعضا در بهره گیری‌های بیشتر از شورا بود. سعید حجاریان رئیس شورای شهر تهران در روزنامه صبح امروز خود جریان دین‌ستیزی را در بدترین شکل ممکن به نمایش می‌گذارد. در واقع او که پیش‌تر مشاور رئیس جمهور (خاتمی) بود، مبارزه با اصول و ارزش‌های اعتقادی ملت مسلمان را وظیفه اصلی خود می دانست. دیگرانی هم در این کار به او کمک می‌کردند.

تهاجم وی به دین تا مرز اهانت به قیام جاوید کربلای حسینی پیش رفت. بیدادی که حجاریان رئیس شورای شهر تهران و عضو مرکزیت

---

۱. حذف نام «خالد اسلامبولی» که انورسادات رئیس جمهور مزدور مصر را به هلاکت رسانید، از یک خیابان تهران، یکی از اقدامات ضدانقلابی و ارزش ستیز این شورا بود.

حزب مشارکت، علیه دین و فرهنگ ملت بر پا کرد، به ترور او منجر شد، این کار با تمام فضا سازی و تشنج آفرینی و تخریب‌گری دولتیان که در رأس آنها شخص رئیس جمهور خاتمی قرار داشت، کمترین واکنش مردمی را در پی نداشت!

انتخابات دوره دوم شورای شهر

انتخابات دومین دوره شورای شهر بویژه در تهران، پیام مهمی در برداشت. در این انتخابات ائتلاف بزرگ دوم خرداد به سرکردگی کارگزاران سازندگی، مجاهدین انقلاب و حزب مشارکت، با هزینه کلان و پشتوانه عظیم دولتی به صحنه آمدند. نبود ابزار نظارتی در این انتخابات، پلیدترین عناصر فکری و سیاسی را در فهرست گروه‌های مذکور جای داد. از عنصری چون «تاج‌زاده» با محکومیت تخلفات و تقلبات انتخاباتی گرفته تا اعضای نهضت آزادی و... نامزدهای شاخص دوم‌خردادی شورای شهر در تهران بودند. غلامحسین کرباسچی رئیس کارگزاران و شهردار سابق تهران با سابقه محاکمات علنی و محکومیت در غارتگری بیت‌المال بی‌پرده وارد میدان شد.

جالب است که تابلوهایی از عکس‌های بسیار بزرگ کرباسچی، فهرست برخی نامزدهای دوم خردادی را حمایت می‌کرد!!

سران نهضت آزادی با امضا و تصویر، از نامزدهای مشهور خود حمایت کردند و آن را در پارچه نوشته‌های بزرگ در خیابان‌ها آویختند! در این غوغای سیاسی گروه تازه نفس «آبادگران ایران اسلامی» هم به ارائه فهرست پرداخت. در این فهرست برخی افراد شناخته شده از

دینداران حضور داشتند، و دیگرانی که ناشناخته بودند، به آن دلیل که مردم گروه پشت صحنه فهرست را اصول‌گرا می‌پنداشتند، مورد پذیرش مردم واقع شدند. بروشنی پیدا بود، کارنامه نامطلوب شورای شهر نخست، و علاوه بر آن یأس گسترده ناشی از ناکارآمدی دولت خاتمی کاهش عظیم مشارکت را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر عدم اطمینان مردم به دولت مجری انتخابات، علت دیگر مشارکت ضعیف آنان بود. با این وجود فهرست نامزدهای آبادگران به استثنای یک نفر دومین شورای شهر تهران را از آنِ خود کرد. در دیگر شهرها نیز نامزدهای وابسته به دوم خرداد بشدت از سوی مردم به عقب رانده شدند.

به این ترتیب سکان دومین دوره شوراها در دست مردم اصول گرا قرار گرفت. پیام مهم این انتخابات برای اصلاح‌طلبان یک فاجعه بود، و آن اخراج تفکر، نگرش، روش و افراد اصلاح‌طلب از «قدرت» توسط اراده ملت بود.

انتخابات دومین دوره شوراها آغاز مبارزه سیاسی مردم برای بازگرداندن عرصه‌های حاکمیت به جایگاه اصلی آن بود. مردم دین باور بر آن شده بودند تا با آرای خود شانزده سال انحراف دولت اسلامی توسط دولتمردان را به صراط مستقیم بازگردانند. این تصمیم در هفتمین دوره انتخابات مجلس آشکارتر شد و در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری حماسه آفرید.

مجلس هفتم

پیروزی اصول‌گرایان در دومین انتخابات شورای شهر، دو پیام

داشت:

- یأس مردم اصول‌گرا به امید تبدیل شده، و انگیزه بیشتری برای آینده به آنان داده است.

- پیام اصلی این پیروزی شکست اصلاح‌طلبی و حذف و زوال قدرت اصلاح‌طلبان بود.

مردم پس از شانزده سال حاکمیت توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی، با برنامه‌ها، انگیزه و هدف چنین طرح‌هایی آشنایی کامل پیدا کرده بودند. مجریان شانزده سال گذشته نیز بروشنی برای مردم شناخته شده بودند، از این روی ملت در پی افراد، شعارها و برنامه‌های جدیدی می‌گشت تا آینده نظام اسلامی و منافع کشور اسلامی خود را تضمین نماید.

حضور «آبادگران» در پیروزی شورای شهر نماد چنین خواسته‌ای بود.

انتخاب دکتر احمدی‌نژاد از سوی شورای شهر و انجام مسؤولیت وی در شهرداری تهران، برگ برنده بزرگی بود. این امر هم مردم را به اصول‌گرایی نزدیک و علاقه‌مند و امیدوار کرد، و هم برای جناح پشت صحنه «آبادگران» بازتاب سیاسی مثبت و عظیمی داشت.

آگاهان سیاسی به‌درستی می‌دانستند که «آبادگران» طیف بزرگی را تشکیل می‌دهد و برخی گروه‌ها و حزب‌هایی که در گذشته با عدم اقبال مردم مواجه بوده‌اند در پس این نام قرار گرفته‌اند. در میان آبادگران چهره‌ها و خط مشی جدیدی از اصول‌گرایی هم قابل ملاحظه بود. همین جریان به انتخاب احمدی‌نژاد موفق شد. عملکرد دکتر احمدی‌نژاد در دو سال شهرداری تهران، وی را «نماد اصول‌گرایی محض» معرفی نمود. امری که جز در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، هرگز در میان

مسؤولین سابقه نداشت. نسل سوم که اصلاح‌طلبان با بمباران تخریبی فرهنگی ـ سیاسی خود آنان را هدف قرار می‌داد و پیوسته به گسست این خیل عظیم از مبانی و ارکان نظام اسلامی و فرهنگ قرآنی انقلاب اسلامی تأکید می‌کرد، احمدی‌نژاد را سمبل آرمان‌ها و اهداف خویش یافت!

ساده‌زیستی شهردار پایتخت، مردم‌گرایی واقعی و مخلصانه، خدمتگزاری خستگی‌ناپذیر، حذف تجملات و تشریفات، قاطعیت و تدبیر در مدیریت و علاوه بر این مهرورزی نظری و علنی او به سرعت موجب جذب گروه‌های مردمی شد. افتخار به شعارها و ارزش‌های اسلامی، تقریباً برای ملت یک پدیده بدیع در مدیریت بود.

محبوبیت و شهرت احمدی‌نژاد نه تنها در تهران، بلکه در سراسر کشور پراکنده گردید.

اقدامات او در مسیر رفاه حال شهروندان تهرانی که زیباسازی و طراوت شهر را همراه با احیای شعائر مذهبی ارائه می‌کرد، از برجستگی‌های بی‌نظیر شهرداری تهران بود.

حرکت بی‌سابقه دکتر احمدی‌نژاد را علت بزرگ دیگری برجسته‌تر می‌کرد و آن پیشینه فرهنگ مدیریت در شهرداری تهران بود. به سخن روشن‌تر، دکتر احمدی‌نژاد جانشین شهردارانی چون ملک‌مدنی، الویری و غلامحسین کرباسچی بود.

فرهنگ مدیریتی در شهرداری تهران از زمان کرباسچی اوج تجمل گرایی، اشرافیت، مردم‌ستیزی و... بود. محاکمه کرباسچی نمایانگر مفاسد بسیار مالی و... در شهرداری تهران بود که در دوره الویری و ملک‌مدنی

هم دنبال شد.

به این جهت بود که احمدی‌نژاد، اسطوره احیای فرهنگ انقلاب اسلامی پس از دو دهه حذف آن از حیطه دولت و روند دولتمردان، گردید.

ویژگی‌های شخصیت احمدی‌نژاد و باورهای اصیل او نسبت به امام(س) و اسلام ناب، در سیره عملی وی متجلی شد. این ظهور و بروز، وی را مظهر «مدیریت و مسؤولیت» اسلام انقلابی نمود.

از آنجا که احمدی‌نژاد منتخب شورای شهری بود که با نام «آبادگران» به صحنه آمده بودند او پایه و مایه آبرو و اعتلای سیاسی و دینی این گروه شد. گرایش شدید مردم به آبادگران، به دور از شناخت احزاب و گروه‌های پشت صحنه آن، بیش و پیش از هر مسأله با محوریت احمدی‌نژاد بود. حضور مجدد آبادگران در انتخابات مجلس هفتم ،ناشی از «جاذبه» و «محبوبیت مشروع» احمدی‌نژاد بود، که در سراسر کشور به ثمر رسید.

واقعیت آن است که مردم بیشتر اسامی موجود در لیست مجلس هفتم را نمی‌شناختند و از ماهیت فکری و نگرش سیاسی آنها اطلاع دقیقی نداشتند. اما آرای ملت به آن نوع اصول‌گرایی بود که احمدی‌نژاد منتخب نخست آبادگران نماد برجسته آن بود.

«محمدرضا باهنر» نایب رئیس مجلس در ایام انتخابات ریاست جمهوری به پرسش‌های بی‌شمار درباره کنار نهادن دکتر احمدی‌نژاد از سوی شورای هماهنگی چنین پاسخ داد:

- واقعیت آن است که ۹۰ درصد موفقیت آبادگران در انتخابات مجلس هفتم، مدیون شخص دکتر احمدی‌نژاد است. با این وجود نامزد، برای ریاست

جمهوری دکتر لاریجانی است ؟!

بنابراین مجلس هفتم در برابر چشمان حیرت‌زده اصلاح‌طلبان و حامیان خارجی آنها، با اصولگرایان شکل گرفت. اما آیا در عمل این مجلس طریق اصول‌گرایی را پیمود؟ یا اینکه حرکت مجلس با انتظار و امید ملت همخوان و همسو بود؟ اینها پرسش‌هایی است که در آرای ملت به مجلس هشتم پاسخ داده خواهد شد. گرچه عدم رویکرد مردم به نامزدهای مورد حمایت گروه‌های مجلس در انتخابات ریاست جمهوری، بزرگترین پاسخ صریح و شفاف بود.

شرایط و فضای نهمین انتخابات ریاست جمهوری

عملکرد اصلاح طلبی در چهار سال دوم، اثرات نامطلوب بیشتری برجای گذاشت. این در حالی بود که بمباران شعارهای فریب‌کارانه اصلاح‌طلبان، تأثیر خود را از دست داده بود. باآشکار شدن کامل باطن اصلاح‌طلبی، ناکارآمدی شعارها و بی‌مسؤولیتی دولتمردان، قدرت‌طلبی، اشرافی‌گری و خویشاوند سالاری آن هم از پرده برون افتاد. که نتیجه آن، خروج آخرین گروه‌های حامی خاتمی، یعنی برخی تشکل‌های دانشجویان از جبهه اصلاحات بود.

واقعیت آن است که دولت خاتمی با نگاه ابزاری به دانشگاه و دانشجو و به خدمت گرفتن روشنفکری غربزده توانسته بود بهره‌های گوناگون نصیب خود کند. این دولت در سال‌های پایانی عمر خود بتدریج ابزار دانشجویی را از دست داد. حضور خاتمی در دانشگاه‌ها که پیش‌تر حربه بزرگ سیاسی او بود، در آخرین سال دولتش، افشاگر ابزاری آن

شد. بدین ترتیب در یک نگاه عمیق می‌بایست دولت خاتمی را دولت «یأس» خواند. چرا که سرخوردگی گروه‌های مختلف ملت را از دولت پدید آورده بود.

نگرش و رویکرد قهرآمیز ملت نسبت به برنامه‌ها، راهکارها و اهداف خاتمی و دولت او، در سال‌های پایانی دوره هشتم امری واضح بود. از این روی برخی از روشنفکران و سیاسی‌کاران حامی وی به منظور بقای خود، چرخشی «منتقدانه» نمودند! سیاسی‌کاران حرفه‌ای نیز که تئوری‌پردازان و بحران سازان دوران اصلاح‌طلبی بودند در صف منتقدان قرار گرفتند! این گردش حاکی از پیش‌بینی آینده‌ای بود که شکست کامل اصلاح‌طلبی و کارگزاران آن را به نمایش می‌گذارد.

براساس این پیش‌بینی شخص خاتمی هم وارد عمل شد. او نه در مقام مسؤولی دولتی که هشت سال بالاترین مسؤولیت اجرایی را داشته، بلکه در قالب یک تئوریسین و نظریه‌پرداز به نقادی پرداخت!! تلاش وی و دیگران در جهت نجات اصلاح‌طلبی از امواج متلاطم قهر ملی بود که البته مؤثر واقع نگردید. رویکرد دین‌گرایانه خاتمی در سال‌های پایانی، از راهکارهایی بود که واکنش ناباورانه مردم را در پی‌داشت.

در جناح مقابل تکاپوی بسیاری آغاز شد. گروه‌ها، حزب‌ها و تشکل‌های این جناح همراه با چهره‌های شاخص آن فعالانه وارد میدان تبلیغات گردیدند.

در آخرین سال دولت اصلاحات، تلاش سیاسی جناح مقابل بخوبی نمایان بود. این طیف هشت سال گذشته را با یکی از روش‌های ذیل پشت سر نهاده بود:

- تأیید صریح یا ضمنی خاتمی با توجیه جدا ساختن وی از اصلاح‌طلبان!!
- سکوت یا تأیید برنامه‌ها و راهکارهای دولت اصلاح‌طلب در اقتصاد و سیاست.
- انتقاد یا نقد محافظه‌کارانه برخی دین ستیزی‌ها و دورکردن آن از مسؤولیت خاتمی.
- ورود رقابتی و جناحی، و نه مبنایی و اصول‌گرایانه، در نخستین شورای شهر.

علاوه بر مسائل فوق پذیرش و تحمل شرایط و فضای مسموم اصلاح‌طلبی یکی دیگر از روش‌های آنان بود.

تمامی شواهد و قراین تبلیغات انتخاباتی زودرس نشان می‌داد که جناح رقیب اصلاح‌طلبان استمرار گفتمان اصلاحات را دنبال می‌کند. کاربرد واژگان باردار اصلاح‌طلبی، طرح شعارهای مغایر با اصول، وعده‌های ناکارآمد و مشکوک اصلاح طلبانه از سوی این طیف تکرار می‌شد.

به نظر می‌رسید افراد ذی‌نفوذ، چهره‌های شاخص، حزب و گروه تأثیرگذار و تریبون‌های وابسته به این جناح توان درک واقعیات را ندارند. بی‌گمان فاصله‌گیری آنها از اصول و آرمان‌های اسلام ناب محمدی(ص)، و غوطه‌ور شدن در سیاست زدگی، آنان را به جاده اصلاح‌طلبان سوق داده بود. این امر در حالی بود که مؤسسه تحقیقاتی «بارتلزمان» با انتشار گزارشی بخشی از کارنامه اصلاحات را به تصویر می‌کشید:

ایران طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ در میان ۱۶ کشور در حال توسعه دنیا، از نظر شاخص پرستیژ سیاسی - اقتصادی در رتبه هفتاد و هفتم قرار داشت. بر پایه این

گزارش مؤسسه بارتلزمان شاخص پرستیژ سیاسی ـ اقتصادی کشورها را براساس ۱۲ معیار می‌سنجد، که هفت معیار اقتصادی و پنج معیار سیاسی است. معیارهای اقتصادی عبارتند از سطح توسعه اقتصادی ـ اجتماعی، ساختار بازار و میزان رقابتی بودن آن، ثبات قیمت‌ها و نرخ ارز، وضعیت بخش خصوصی در اقتصاد، نظام رفاهی، قدرت اقتصادی و نهایتاً توسعه پایدار و حفظ محیط زیست.

قدرت دولت، مشارکت سیاسی، حاکمیت قانون، ثبات نهادها و سازمان‌ها و انسجام سیاسی و اجتماعی نیز معیارهای سیاسی مورد بررسی هستند.[1]

در این دوره انتخابات راهبرد این جناح که به جناح راست موسوم بود، پی‌گیری شعارها و برنامه‌های اصلاح‌طلبان بود.

گرچه حمله به برنامه‌های اقتصادی و اعتراف به وجود فقر، فساد و تبعیض از مسائل مهم تبلیغی آنها به‌شمار می‌آمد، اما برنامه‌های ارائه شده، بر محور گفتمان اصلاح‌طلبی استوار بود.

وعده‌هایی چون استمرار توسعه اقتصادی، آزادی‌های فرهنگی و سیاسی در داخل، تسلیم پذیری دیپلماتیک در سطح بین‌المللی و اجرای تعهدات زورمدارانه غربی کم و بیش از سوی همه نامزدهای جناح می‌شد.

مردم بروشنی در می‌یافتند که تفاوت‌های کوچک این جناح با اصلاح‌طلبان چیزی نیست جز ابزار تبلیغاتی برای حذف رقیب قدرتمند کارگزارانی! و دربرنامه‌های آتی راهبردی کارآمد نخواهد بود.

از دیگر سو حضور چند نامزد با شعار واحد اصولگرایی، فضا را مغشوش‌تر می‌کرد. درگیری حزبی و جناحی برای خارج ساختن

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۵/۲

نامزدهایی که از دید سران حزبی مستقل بودند، هم موجب بدبینی مردم شد و هم نهایتاً به افتراق گروه‌ها و تشکل‌ها انجامید. در این میان بعضی از تشکل‌ها در معرفی و حمایت از یک نامزد چرخش چند نوبتی داشتند. عدم ثبات در راهکارهای سیاسی، ضعف مبانی و اصول دست‌اندرکاران را به مردم گوشزد می‌کرد و آنان را نسبت به چنین مسأله‌ای هوشیارتر می‌ساخت.

نامزدها هم برای کسب حمایت حزبی و جناحی تلاشی وافر داشتند. در این میان دکتر احمدی‌نژاد مسیری جداگانه را پیش گرفت. او با عدم حضور در نخستین جلسه علنی جناح راست، استقلال و بی‌نیازی خود را از وابستگی حزبی و جناحی به اطلاع مردم رسانید.

اصلاح‌طلبان نیز که هم قدرت را از دست رفته می‌دیدند، و هم قهر و خشم مردم را نسبت به خود احساس می‌کردند، به تلاش فزاینده‌ای اقدام نمودند. آنان با آوردن چند نامزد به میدان انتخابات، امید به بقای قدرت را برای خود زنده نگه داشتند. بدین ترتیب فضای آرام و سالم مورد نیاز انتخابات به غوغاسالاری رقابتی و آلودگی سیاسی تبدیل شد و انتخاب مردم را با مشکل روبه‌رو ساخت.

نتیجه این اقدامات سردی چشمگیر فضای جامعه در استقبال از انتخابات بود. کارشناسان دردمند ناظر این امر عجیب بودند و از آینده هراسان بودند.

این نکته مهم که مشارکت ضعیف مردم را هشدار می‌داد همه نامزدها و حامیان آنان را در توجه به واقعیات برای پی‌گیری «گفتمان اصلاحات» مصمم‌تر می‌کرد.

خلاصه کردن مطالبات مردم در دایره گفتمان اصلاح‌طلبی راه‌حل پیش گرفته توسط سیاسیون بود، که در برخی موارد تا ارتجاع فرهنگ شاهنشاهی پیش رفت. سیاسیون حرفه‌ای در هر دو جناح با این باور غیر واقعی که مردم و بویژه نسل سوم از اسلام، انقلاب اسلامی و امام (س) فاصله گرفته و یا در برابر آن ایستاده‌اند، برنامه‌های غرب محور را به‌خصوص در عرصه فرهنگی و سیاسی شعار خود قرار دادند.

به طور کلی فضای تبلیغاتی نامزدها و گروهای حامی آنها تقریباً از دین‌مداری، شریعت‌طلبی، ارزش‌خواهی و عدالت‌محوری تهی بود. نکته مهم دیگر آن بود که مردم با ملاحظه محتوا و راهکارهای تبلیغاتی نامزدها و طیف‌های حامی آنان، علی‌رغم برخی شعارهای بسیار تند بقای مافیای قدرت و ثروت را در آینده همچنان حاکم می‌دیدند.

با نزدیک شدن زمان انتخابات با آنکه دیوارها، درخت‌ها و فضای شهرها و روستاها از تبلیغات پر هزینه بیشتر رنگ می‌گرفت، شور و نشاط انتخاباتی کمتر دیده می‌شد. تنها یک «اتفاق» می‌توانست آینده را امیدوار کننده نماید.

تنها یک پدیده یا اتفاق می‌توانست سرنوشت انتخابات را دگرگون کند نامزدی با پشتوانه الهی و برخوردار از صداقت و صراحت که بتواند با پشت پا زدن به قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی در مسؤولیت‌ها، دل‌های پاک مردم را جذب کرده و اطمینان آنها را جلب نماید. آیا چنین کسی در میان نامزدها حضور داشت و مردم با حرکت خاموش خود او را کشف کرده و آرای خود را برایش رقم زده بودند؟

روند و نحوه حضور نامزدهای این دوره نیز مانند دیگر مسائل

انتخاباتی بی‌سابقه و مسأله ساز بود؛ به‌طوری که اشاره کوتاه به آن ضروری است.

الف : حضور و انصراف دو نامزد

«علی‌اکبر ولایتی» نخستین فردی بود که خیلی زود در اوایل تیر ۸۳ اعلام حضور کرد. او برای مردم چهره‌ای شناخته شده بود و گرایش‌هایی همسو با هاشمی رفسنجانی داشت. سابقه شانزده سال وزارت خارجه، دیدگاه و بینش وی را برای مردم کاملاً تبیین کرده بود. گرچه در هشت سال حاکمیت اصلاح‌طلبی مسؤولیت اجرایی نداشت، ولی حضور گاه و بیگاه در مجامع و محافل و تلویزیون، مانع انزوای او شده بود.

«ولایتی» با شتاب تبلیغات زودرس خود را آغاز کرد. این کار اعتراض همسویان وی را برانگیخت. ابتدای امر او نامزد جناح اصول‌گرا تلقی می‌شد. این تلقی حتی با حضور دیگر نامزدهای اصول‌گرا تداوم یافت. در زمستان ۸۳ جدا شدن ولایتی از شورای هماهنگی اتخاذ یک ژست استقلال‌طلبانه و غیرجناحی بود. ولایتی با وجود آنکه به صورت گسترده و علنی در غیر موعد مقرر، به فعالیت انتخاباتی پرداخته بود، اما پیوسته یک شرط را بازگو می نمود. آن شرط این بود که: اگر هاشمی رفسنجانی در انتخابات حاضر شود قطعاً من خارج خواهم شد!

هنگامی که هاشمی نامزدی خود را آشکار کرد ولایتی هم شرط خود را انجام داد. وی هزینه‌های پرداخت شده و تلاش‌های گسترده تبلیغاتی را در یک لحظه نادیده گرفت و اعلام انصراف نمود!

احمد توکلی نامزد دیگری بود که ورود و خروجی هزینه بر داشت.

وی که نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بود، بخاطر نامزدی در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری از حیث شخصیتی، شعارها و برنامه و تفکر برای مردم ناشناخته نبود. ورود او به صحنه انتخابات طبیعی و قابل انتظار بود.

توکلی چون دوره‌های پیش، برنامه‌های توسعه اقتصادی را سخت به باد انتقاد گرفت. ادبیات تند و حمله‌های او و نمایندگانش به برنامه اقتصادی دوران سازندگی بشدت دنبال می‌شد.

اما آیا توکلی که سابقه چرخش‌های کلان نگرشی داشت و رفتارها و شعارهایش در انتخابات گذشته با آنچه پس از انتخابات از او مشاهده می‌شد در تعارض بود، می‌توانست گزینه نهایی مردم باشد؟ حضور چند نامزد همسو با توکلی شانس او را در انتخابات نهم بشدت کاهش می‌داد. نقطه عطف تبلیغات گذشته و این دوره توکلی در انتقاد، اعتراض و حمله به دوران سازندگی بود که در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری این امر از سوی «مهدی کروبی»، «لاریجانی»، «محسن رضایی» و «قالیباف» هم با شدت و ضعف دنبال می‌گردید.

«قالیباف» در این عرصه پیشتازی بیشتر داشت و از این حیث عرصه را برای فردی چون توکلی تنگ می‌کرد. قالیباف به منظور پیشی گرفتن بر رقیبان، حتی هاشمی را به مناظره تلویزیونی هم دعوت کرد.[۱]

او علاوه بر آنکه چهره‌ای جدید بود و حامیان جدیدی هم داشت در نهایت با اعلام انصراف توکلی از نامزدی، با اظهار اینکه انصراف توکلی راه انتخاب نامزد نهایی اصول‌گرایان را برای مردم هموار می‌سازد،

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۷

دومین رقیب را از صحنه خارج ساخت.

ب : تأیید صلاحیت نامزدها و مسائل پیرامونی آن

ثبت نام بیش از ۱۰۰۰ نامزد ریاست جمهوری نقطه ضعف بزرگ انتخابات نهم بود. زنان و مردانی که از ابتدایی‌ترین شرط لازم برخوردار نبودند. بطوری که فردی از بقایای ساواک، رئیس گروهک غیرقانونی آزادی، مجرمین و محکومین کیفری، ضد انقلاب خارج‌نشین و... جزء ثبت‌نام‌کنندگان بودند! طبیعی بود که غیر از معدودی انگشت شمار، تأیید صلاحیت نشوند.

در روند تأیید صلاحیت نامزدها دو مسأله اتفاق افتاد که در خور توجه است:

۱ ـ ورود «قالیباف» به صحنه انتخابات یکی از این دو مسأله بود که چالش‌های بسیاری را موجب شد. «قالیباف» یک نظامی بود که در سه سال اخیر فرماندهی نیروی انتظامی را بر عهده داشت و اینک با سودای ریاست جمهوری به عرصه آمده بود. پیش‌تر «محسن رضایی» و «علی شمخانی» با حضور در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری هشتم، مرز شکنی کرده بودند. «محسن رضایی» بهای گزاف استعفا از سپاه پاسداران را هم پرداخته بود اما «علی شمخانی» از پرداخت چنین هزینه‌ای جان سالم به در برده بود؟!

اینک سومین نظامی به میدان می‌آمد تا بار دیگر مرز بین نظامیان و سیاسیون را در هم بشکند. اقداماتی که با فرماندهی «قالیباف» در نیروی انتظامی انجام گرفته بود و در همان زمان با تبلیغات بسیار همراه بود،

ابزارهای مدیریت و توانمندی او شد، اما آیا «رجل سیاسی» بودن و اشراف به دیگر سیاست‌های مدیریت کشور همین ابزارها را نیاز داشت؟

علاوه بر این افکار عمومی پس از حضور قالیباف در انتخابات، خاطره گویی او را در برنامه «صندلی داغ» که زمستان ۸۳ از شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی پخش شده بود تبلیغاتی زودهنگام دانستند و نسبت به آن واکنش مثبت نشان ندادند!

این راهکارها همراه با تلاش گسترده حامیان وی در مدیر، مدبر، مبتکر و اندیشمند نمایاندن او نمی‌توانست نظامی بودن وی را بدون بحث‌های چالشی، به رجل سیاسی تبدیل کند.

نحوه حضور «قالیباف» و تحلیل‌های ناخوشایند مردم از آن هم سبب مضاعفی شده بود.

شایعاتی هم پیرامون بحث انگیز شدن تأیید صلاحیت او با عنوان رجل سیاسی در شورای نگهبان، منتشر شد. قالیباف با استعفای کامل از سپاه پاسداران قاطعانه خود را مهیای گرفتن پست ریاست‌جمهوری کرد. این کار گرچه اجرای قانون بود ولی از دید افکار عمومی و از منظر شاخص‌های ارزشی مردم نامطلوب تلقی گردید.

واقعیات گذشته نشان داده بود علی شمخانی در انتخابات هشتم و محسن رضایی در مجلس ششم نتوانسته بودند آرای قابل قبول مردم را جذب کنند. چشم‌انداز فضای موجود هم حاکی از تکرار این ماجرا توسط قالیباف بود تا تجربه دیگری را به نمایش گذارد!

بحث‌های بسیار فکری و سیاسی در این باره انجام گرفت. مخالفان، منتقدان و معترضان با استدلال‌های گوناگون رجل سیاسی بودن نظامیان را

نفی می‌کردند. گرچه در این تلاش‌ها انگیزه‌های مثبت کمتر دیده می‌شد اما پاسخ هواداران «قالیباف» هم فاقد پشتوانه فکری یا حقوقی قوی بود. این گروه تلاش می‌کردند تا با بزرگ نمایی اقدامات قالیباف در نیروی انتظامی، یک شبه از او «سیاستمداری مدیر و خلاق» بیافرینند. به هر حال قالیباف نیز از سوی شورای نگهبان تأیید شد؛ ولی این بحث در اذهان مردم باقی ماند.

طرفداران «قالیباف» که خود را از استدلال ناتوان می‌دیدند، به تخریب متوسل شدند تا افکار عمومی را به جهت دیگری سوق دهند. ستاد حامیان قالیباف با بهره گیری از ابزارهای مخرب، سعی می‌کرد تا صلاحیت سیاسی نامزد خود را حتی بالاتر از تأیید شورای نگهبان معرفی کند!

اطلاعیه این ستاد که در راستای اعتراض به عدم تأیید صلاحیت «معین» صادر شد تلاش ویرانگر علیه احمدی‌نژاد را آغاز و پایان کار خود قرار داد. در این شاه کار آمده بود:

> **شورای نگهبان براساس کدام تحلیل معین را رد صلاحیت و براساس کدام دیدگاه و بینش احمدی‌نژاد را قابل صلاحیت برای حضور در انتخابات دانسته است.[1]**

از همین بخش اطلاعیه می‌شد «رجل سیاسی» بودن نامزد این طیف را سنجید، و با تردید به گرایش‌های فکری ـ سیاسی وی نگریست.

با اینکه «قالیباف» نهایتاً در شورای نگهبان تأیید صلاحیت شد، اما این پرسش سرنوشت‌ساز هم چنان باقی ماند که آیا مصلحت سنجی‌های

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲

مقطعی معضل ساز آینده نخواهد بود؟

۲ ـ مسأله دیگر عدم تأیید صلاحیت معین بود. بدیهی به نظر می‌رسید که معین با داشتن پرونده‌ای قطور از مسائل فکری و سیاسی و عملکرد نامطلوب در گذشته و حال و اتحاد با گروه‌های برانداز به عنوان راهکار تبلیغاتی، تأیید صلاحیت نشود. افراط کاری‌هایی که توسط حزب مشارکت و سازمان مجاهدین به او آموزش داده می‌شد، و ستیزه گری با اصول و ارزش‌های مقدس مردم، انقلاب اسلامی و حضرت امام (س) رد صلاحیت وی را قطعی‌تر می‌نمود. حداقل انتظار مردم این بود که معین با دفاع سرسخت از روابط با آمریکا و محکوم نمودن ملت به جرم دفاع از حق انرژی هسته‌ای و سر دادن شعارهای سلطنت طلبانه، رد صلاحیت شود، علاوه بر آنکه حکم بنیانگذار بزرگ جمهوری اسلامی را نیز در رد صلاحیت همه جانبه نهضت آزادی نفی می‌کرد!

اما با اعلام اسامی نامزدهای تأیید صلاحیت شده که نام معین در میان آنان نبود، یک حرکت عجیب و بی‌سابقه رخ داد. «حداد عادل» رئیس مجلس شورای اسلامی با نگاشتن نامه‌ای به محضر مقام معظم رهبری، تأیید صلاحیت برخی از رد صلاحیت شدگان را درخواست نمود! پاسخ مقام معظم رهبری تجدید نظر شورای نگهبان را نسبت به تأیید صلاحیت معین و مهرعلیزاده اعلام داشت. در نتیجه دو نفر مذکور در یک حکم حکومتی به عرصه انتخابات وارد شدند.

به این صورت نامزدهای حاضر در انتخابات نهم عبارت بودند از:

مهرعلیزاده، رضایی، هاشمی رفسنجانی، لاریجانی، احمدی‌نژاد، کروبی، قالیباف و معین.

ج : هاشمی رفسنجانی و روند ورود او به انتخابات

هاشمی برای عموم مردم کاملاً شناخته شده بود. تمام قشرهای ملت با سابقه و نگرش سیاسی و باورهای دینی، برنامه‌ها و راهکارهای وی به لحاظ تئوری و عملی آشنایی داشتند.

همین آشنایی برای عدم استقبال ملت از ورود مجدد این نامزد به انتخابات کافی بود.

با این همه هاشمی در یک روند پرمسأله به عرصه انتخابات آمد. پیش از حضور رسمی، حزب کارگزاران با تریبون‌های بسیاری که در اختیار داشت، به شکل‌های گوناگون زمینه حضور وی را آماده کرد. مطبوعات وابسته به هاشمی همراه با سایت‌های نزدیک به او در این عرصه تلاش بسیار به عمل آوردند. به طور کلی روشی که در حضور هاشمی دنبال شد، عبارت بود از خلق یک منجی فوق تصور که به خلق فضایی رعب‌آور و آینده‌ای تیره و هراسناک نیازمند بود. هاشمی شخصاً با حرکتی دور از انتظار نقش آفرینی بسیار داشت!

هاشمی از امکانات بی‌نظیری بهره‌مند بود. وی در جایگاه ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام بهترین ابزار تبلیغاتی را در اختیار داشت و از آن در راه انتخابات سود فراوانی برد.

این جایگاه می توانست از هاشمی نامزدی بیافرینند که قادر است مشکلات و معماهای لاینحل کشور را حل کند. با این وجود در میان ملت استقبال قابل توجهی از او به عمل نمی‌آمد.

روش هاشمی نیز دلیلی مضاعف بر بی‌علاقگی مردم نسبت به حضور وی شد. اما ترفندها و تعارف‌های حساب شده هاشمی درباره آمدن یا

نیامدن به صحنه انتخابات تحقیر و تخریب کامل و آشکار ملت و نامزدهای حاضر در صحنه بود. این مسأله که پیوسته تکرار می‌شد از نگاه تیزبین مردم دور نمی‌ماند و نتیجه‌ای عکس حساب‌های طراحان و مجریان را در پی داشت.

روند پیش گرفته شده درحضور هاشمی دو هدف مهم را در راه جهت‌دهی افکار عمومی مدنظر قرار داده بود:

- تحقیر و تخریب شخصیت، اندیشه، توانمندی و مقبولیت تمام نامزدها.
- بت‌سازی از هاشمی در برجستگی‌ها و قابلیت‌های انحصاری، و بی‌همتایی وی برای ریاست جمهوری.

واقعیت آن بود که بسیاری از نامزدها و طیف‌های حامی آنها، حملات گسترده‌ای به دوران توسعه می‌نمودند. استدلال‌های آنها پیرامون زیان‌های اساسی این دوران به کشور و ملت مورد تأیید مردم بود. هر چند که مردم روش‌های تند و خشونت بار و توهین‌آمیز برخی از این افراد و گروه‌ها را نمی‌پسندیدند.

هاشمی چندین بار مضمون این جمله تحقیرآمیز را تکرار نمود که «اگر وزنه‌ای را در میان نامزدها ببینم نخواهم آمد». مضمون این سخن هاشمی که تخریب و تحقیر دیگر نامزدها بود، در رسانه‌ها انعکاس بیشتری یافت که اگر کسی که توانایی و مقبولیت کافی داشته باشد در صحنه حاضر نشود، ناچار خواهم بود که بیایم.[۱]

«یاسر» فرزند او هم به صراحت گفت:

---

۱. سیاح، سید امیر، نقش‌آفرینان سوم تیر ص ۱۹.

چون نیروی کارآمدی در کشور وجود نداشت پدرم به سخن آمد.[1]

پس از طی یک مسیر نامطلوب، بالأخره هاشمی با سخنی که برای مردم و نظام اسلامی توهین‌آمیز بود، حضور قطعی خود را در نهمین انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد. وی پنجم اردیبهشت در جمع عده‌ای از کارشناسان کشاورزی گفت:

فکر می‌کنم باید داروی تلخ را مصرف کنم. اتفاقی که مایل نبودم بیفتد، ظاهراً در حال وقوع است.

راهکار نمادین هاشمی صدور بیانیه به منظور اعلام حضور در انتخابات بود. هاشمی در این حرکت که انحصاری بودن شخصیت وی را در بین دیگر نامزدها ترسیم می‌کرد، اظهار داشت که یکی از سخت‌ترین تصمیمات در سراسر زندگی سیاسی‌ام را گرفته‌ام.

فضا سازی رعب‌آور از شرایط داخلی و بین‌المللی، تحقیر و تخریب باورها، برنامه‌ها و توانمندی‌های دیگر نامزدهای رقیب، بزرگ‌نمایی منجی‌ساز از شخصیت هاشمی، تأکید بر ربع قرن تجربه مدیریت وی و حتی ایجاد شبهه زیر سؤال رفتن کار آمدی نظام اسلامی، اصلی‌ترین و برجسته‌ترین فرازهای بیانیه هاشمی بود که پاسخ تند کروبی اولین پی آمد آن بود.

ملت هم پرسش‌های گوناگونی پیرامون روند حضور و بیانیه هاشمی داشت که اگر چه از سوی او و ستادها و هوادارانش بدون پاسخ ماند ولی تصمیم ملت در انتخابات واکنش صریح، قاطع و شفاف مردم به آن بود.

از جمله پرسش‌های ملت این بود که چرا هاشمی منصب ریاست جمهوری را «خدمتگزاری» یا «مسؤولیت» نمی‌داند بلکه آن را داروی

---

۱. سیاح، سید امیر، نقش‌آفرینان سوم تیر ص ۱۱۴.

تلخ می‌خواند؟

ـ اگر این داروی تلخ منشأ خدمتگزاری و مسؤولیت‌پذیری و تکلیف شرعی نیست، کدام عامل و چه انگیزه و هدفی، وی را به مصرف آن مجبور کرده است؟

ـ چرا هاشمی با روش استثنایی و جدای از مسیر معمولی انتخابات در صدد است که این داروی تلخ را مصرف نماید؟

ـ آیا صدور اطلاعیه و به‌کارگیری جملات معنادار، ایثارگری هاشمی را می‌رساند، یا «فزون‌طلبی» و «ویژه» و «سوپرمن» دانستن او را به رخ می‌کشد؟

ـ آیا...

به طور کلی روند حضور هاشمی در انتخابات نهم علاوه بر نگاه هوشیارانه ملت، بیگانگان را هم به خود متوجه کرد.

رادیو فردا گفت:

هاشمی نامزدهای کنونی احراز ریاست جمهوری را کم تجربه و فاقد پایگاه مردمی می‌داند.[۱]

«بی بی سی» هم اظهار داشت:

تعلل هاشمی در نامزدی انتخابات، شگرد تبلیغاتی وی برای جذب است.[۲]

به‌طور قطع انتخابات نهم به‌لحاظ عدم سلامت فضا و شرایط سیاسی در تاریخ انقلاب اسلامی بی‌سابقه بوده است.

گرچه از انتخابات هفتم ریاست جمهوری، دگرگونی فاحش اصول و ارزش‌ها و واژگونی معیارها نمودار شده بود اما گسترش و عمق‌یابی آن در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بسیار هولناک بود.

---

۱. رادیو فردا ۸۴/۲/۱۵.
۲. بی بی سی ۸۴/۲/۱۵.

گوشه‌های ناچیزی که پیشتر آمد، پشت پرده‌های بسیار داشته و دارد که به بررسی ریشه‌ای و موشکافانه نیازمند است. تنها در این صورت شگفتی و معجزه‌گونه بودن پیروزی احمدی‌نژاد ملموس خواهد شد.

اما مهمترین مسأله‌ای که انتخابات نهم را در باور ملت یک معجزه کرد، و جهانیان را در شگفت‌آفرینی آن مبهوت نمود. شکست برنامه عظیم تئوریک و عملی شانزده سال گذشته بود. در این شکست ابزارها و راهکارهایی که به منظور حفظ و تداوم آن هزینه‌گزافی پرداخته شد، با رستاخیز الهی ملت از صحنه اخراج شد. در انتخابات نهم جناح‌ها، گروه‌ها، باندها و افراد بسیاری وارد عمل شدند و عرصه سیاست را به انحاء مختلف به آلودگی‌ها، پلیدی‌ها و زشتی‌ها آغشته نمودند. ظاهراً نامزدهای متعدد با گرایش‌های گوناگون در این انتخابات به رقابت پرداختند، اما چنین امری واقعیت نداشت.

اصل و مبنای رقابت در نهمین دوره انتخابات در ۲ میدان فکری ـ سیاسی خلاصه می‌شد:

ـ اصلاح‌طلبی با گرایشان ضعیف و شدید.

ـ دین‌مداری و ارزش‌خواهی.

احمدی‌نژاد نامزد منحصر به فرد میدان دوم بود. طبیعی بود که تمام ابزارها و ترفندها در جهت حذف، تضعیف و تخریب او به‌کارگرفته شود و این چنین هم شد.

برخی از افراد، راهکارها و ابزارهایی که با تمام قوا در میدان انتخابات تلاش نمودند، و نهایتاً به وسیله اراده آگاه ملت از پا در آمدند، عبارتند از:

الف ـ گفتمان اصلاح طلبی و شکست آن.

ب ـ ابزار دمکراسی در ستیز با دمکراسی.
ج ـ تبلیغات و ساز و کارهای آن.
د ـ مبارزه گسترده دولتی.

شکست گفتمان اصلاح‌طلبی

چنانکه گفته شد در انتخابات نهم نهادینه شدن گفتمان اصلاح‌طلبی، به صورت امری قطعی در ارزیابی سیاستمداران، حزب‌ها و جناح‌ها، جای داشت.

ساز و کارهای دو جناح و تحلیل‌های اندیشه‌گران و سیاسیون نیز غیر از این مسأله امری را نشان نمی‌داد. قطعی بودن حاکمیت گفتمان اصلاح‌طلبی در جامعه اسلامی ایران، هر دو جناح و نامزدهای آنها را بر آن داشت که در تأکید بر آموزه‌های اصلاح‌طلبی با هم رقابت کنند. به همین دلیل ادبیات و سیاست‌های اصلاح‌طلبانه در برنامه‌های آنها جاری و ساری شد.

همچنین در ساز و کارهای تبلیغاتی دو جناح بر تداوم فرهنگ و اقتصاد اصلاحات تصریح می‌شد. این مهم در حالی به انجام می‌رسید که یکی از مهمترین ویژگی‌های گفتمان اصلاح‌طلبی ایجاد شبهه و تردید در مبانی دین و احکام شریعت بود.

به هر حال برگ برنده در انتخابات نهم، توسل هر یک از نامزدها و طیف‌های حامی آنها، به گوشه‌ای از گفتمان اصلاح‌طلبی بود. عقب‌نشینی از اصول، انفعال در برابر ارزش‌ستیزی‌ها و تحریف و تضعیف و خدشه در دستاوردهای سیاسی و فرهنگی انقلاب قابل توجه بود.

در این میان برجسته‌ترین مطالب مبنایی که پی‌گیری مستمر و رایج آن

در انتخابات نهم نامزدها را به رقابت واداشت عبارت بودند از:

الف ـ عقلانیت یا خردگرایی

واژه عقلانیت یا خردگرایی یکی از شعارهای دوران سازندگی بود. آغاز روند سکولاریزه کردن جامعه در این دوران ارزش‌زدایی را می‌طلبید. از آفت‌های این دوره، ترویج خردگرایی به گونه‌ای بود که گویی در حاکمیت جمهوری اسلامی هرگز «عقلانیت» ظهور و بروز نداشته است.

در این حرکت آرمان‌خواهی، اصول‌گرایی و تقدس ارزش‌های دینی و انقلابی، با نشر و رواج خردگرایی به مصاف گرفته شد. سردمداران سازندگی با تلاش گسترده در این میدان، بر آن بودند تا جامعه شیعی را به فراموشی این نکته سوق دهند که «عقل» یکی از منابع چهارگانه مذهب شیعه بوده و هست. به این ترتیب آنچه تحت عنوان عقل‌گرایی مطرح می‌شد، با اصول مغایرت داشت و تنها با حذف ارزش‌ها به بار می‌نشست!

آنان با تکرار مکرر مدیریت خردمندانه، برنامه‌های عقلانی، برخوردها و مواضع مبتنی برخردورزی و... اهداف خاصی را دنبال می‌کردند. این حرکت شبیه شعار «تخصص» در برابر «تعهد» سال‌های آغازین پیروزی انقلاب بود. همانگونه که آن روزها تخصص‌گرایی، تعهد را به چالش می‌گرفت و دستاویز قرار دادن تخصص فقط برای خارج ساختن متعهدان از صحنه بود، عقلانیت نیز دین و دین‌مداری را متهم و سپس به اخراج از عرصه حاکمیت محکوم می‌نمود.

در این حرکت حاکمان بریده از مردم هرگز نتوانستند ارزیابی مردم را

نسبت به عملکرد و فرهنگ‌سازی سیاسی خود درک کنند. این فاصله فکری و اعتقادی در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، نامزدها را نیز در خود غرق کرد. از این روی به‌کارگیری واژه عقلانیت و وعده دادن به استفاده از خرد و خردگرایی، بیش و پیش از هر وعده دینی در تبلیغات نامزدها دیده شد.

برخی نامزدها و طیف‌های حامی آنها با برخورداری از تابلوی اصول‌گرایی، در پیشبرد گفتمان اصلاح‌طلبی زیاده‌روی می‌کردند. قالیباف از نامزدهایی بود که در بسیاری از این موارد بر رقیبانش پیشی گرفت، تا آنجا که یک روزنامه از جناح اصلاح‌طلب نوشت:

> **قالیباف یک نظامی است که به شکل نظری، دنبال پیاده‌کردن یک جامعه عقل سالار است. یعنی آنچه تا به حال نداشته‌ایم.**[۱]

قالیباف خود در دانشکده فنی تصریح کرد: برنامه اصلی من استفاده درست از «خرد ملی» مشارکت معنی‌دار در همه زمینه‌ها و رویکرد علمی در کنار استفاده از تجارب دیگر کشورهاست.[۲]

وی در تأکید دیگری گفت:

> **باکمک عقلانیت مردم، در برابر هاشمی پیروز می‌شوم.**[۳]

قالیباف در نشان دادن چهره اصلاح‌طلب از خود گام‌های زیادی برداشت، تا جایی که مانیفست انتخاباتی وی اینگونه منتشر شد:

> **اصولگرایی جامع، اصلاح‌طلبی معقول.**[۴]

قالیباف چنان محو اصلاح‌طلبی گردیده بود که حتی نتیجه صریح و قاطع مرحله اول انتخابات هم وی را به شکست و حذف این گفتمان آگاه

---

۱. مردم‌سالاری ۸۴/۲/۱۲.
۲. ۸۴/۲/۱۴.
۳. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۱۷.
۴. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۲۷.

نکرد. به همین دلیل او در رهنمود به مردم، برای مرحله دوم گفت: مردم به کاندیدایی رأی می‌دهند که به ملاک‌های اصول‌گرایان اصلاح‌طلب نزدیک است.[۱]

هاشمی رفسنجانی هم در تحلیل پیروزی و حاکمیت قطعی گفتمان اصلاح‌طلبی در انتخابات نهم چنین گفت:

> چیزی که در این مدت به‌دست آوردیم این بود که کشور ما خوشبختانه با عبور از مرحله احساسی و عاطفی انقلاب، وارد مرحله عقلانیت و خردمندی شده است. جامعه‌ای که عقل را بر احساس ترجیح داده، دیگر نمی‌تواند افراطی باشد و عقب‌گرد کند.[۲]

هاشمی در اظهارات خود بروشنی، دوران طلایی حضرت امام (س) را که حاکمیت نسبی اصول و ارزش‌های دینی بود، مرحله احساس و عاطفه و خارج از حاکمیت عقل و خردمندی دانست!

ب ـ آزادی، دمکراسی و حقوق بشر

حربه بزرگ جناح دوم خرداد، واژه آزادی بود. این حربه که در تبلیغات انتخابات سال ۷٦ با هدف سیاسی به میدان آمد بزودی باطن حقیقی خود را نمایان ساخت. بتدریج آزادی دو روی سکه خود را نشان داد. در یک روی این سکه دین‌ستیزی و ارزش‌زدایی بود و در روی دیگر آن دیکتاتوری، خشونت‌طلبی و ترور هر «آزاداندیش دین‌مدار» نقش بسته بود.

واقعیت این‌گونه بود که اصلاح‌طلبی به سردمداری محمد خاتمی از

---

۱. روزنامه ایران ۸۴/۲/۱۲.
۲. دیدار با اعضای کمیته فرهنگیان ستاد انتخاباتی

آزادی علیه دین و شریعت و ارزش‌های انقلاب اسلامی، یک چماق ساخت، و آن را مکرر بر فرق ملت فرود آورد.

میزان انطباق سازگاری و یا همگرایی آزادی اصلاح‌طلبانه با دین، شریعت و ارزش‌ها در تبیین آشکار شخص خاتمی آشکار شد، آنگاه که فریاد بر آورد:

اگر دین در مقابل آزادی بایستد در هم خواهد شکست. نیز اگر عدالت هم در برابر آزادی ایستادگی کند در هم شکسته خواهد شد. همانگونه که در مشروطه چنین شد.

در چهار سال اول حاکمیت اصلاح‌طلبی، خاتمی پیشگام این نوع آزادی بود! بمباران آزادی هم در اظهارات پی در پی خاتمی و هم در عملکرد وی و دولتش به هیچ روی از ذهن فعال ملت پاک نخواهد شد. همچنین با هر ترفند سیاسی و تحریف ادبی و فکری و... عریانی آزادی اصلاح‌طلبانه در هشت سال حاکمیت از متن تاریخ محو نمی‌گردد.

آزادی یکی از مفاهیم مبنایی اصلاح‌طلبی بود که در انتخابات نهم برای جناح‌ها و نامزدهایشان بسیار جذاب بود. از این روی هر دو جناح در تبلیغات انتخاباتی می‌کوشیدند بیش از دیگری از آزادی دم بزنند. نامزدها نیز با لحن‌های گوناگون مردم را به استمرار هر چه بیشتر آزادی در دولت خویش وعده می‌دادند! در چنین بستری وادادگان فکری و سیاسی، دوستداران قدرت، حتی با تفکر سنتی، سعی داشتند به این راهکار ارتجاعی متوسل شوند. آنها می‌پنداشتند که نباید در پیروزی قطعی و مجدد گفتمان اصلاح‌طلبی بی‌نصیب باشند.

هاشمی رفسنجانی در وعده انتخاباتی خود درباره آزادی این گونه

گفت:

باید اسلام واقعی را به مردم معرفی کنیم. سخت‌گیری در مسایل فرهنگی، پاسخگو نیست و جامعه را از درون منفجر می‌کند، من سخت‌گیری در مسائل فرهنگی و اجتماعی را نمی‌پسندم.

خبرگزاری رویترز نظر هاشمی را پیرامون آزادی چنین مخابره کرد:

من فکر می کنم نیاز به آزادی اجتماعی بیشتر است.[1]

معین از بعد دیگری به آزادی پرداخت و گفت:

من از افرادی که صلاحیتشان از سوی شورای نگهبان قانون اساسی رد شده، و نیز کسانی که بناحق در دادگاه محکوم شده‌اند در سطوح مختلف مدیریتی استفاده خواهم کرد.[2]

معین همچنین تأکید داشت: تمامی زندانیان سیاسی باید آزاد شوند. در صورت پیروزی در انتخابات، لایحه عفو عمومی را تقدیم مجلس می‌کنم.

دیگر نامزدها به ترتیب آزادی را در بعد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی لازمه حتمی دولت خود معرفی کردند؛ و تصریح آنها کم و بیش بر آزادی اصلاح‌طلبانه بود. پس از پیروزی دکتر احمدی‌نژاد در مرحله نخست انتخابات خبرنگار شبکه اول تلویزیون ایتالیا، توانست به گوشه‌ای از واقعیت پی‌برد. او با اشاره به اظهارات احمد منتظری که از وی با عنوان یک روحانی اصلاح‌طلب و مخالف احمدی‌نژاد نام برده یاد آور شد:

او به ما کمک کرد تا راز موفقیت احمدی‌نژاد را که باعث این همه هراس می‌شود درک کنیم. منتظری به ما گفت احمدی‌نژاد از فقرا سخن می گوید، وعده حقوق و سوبسید می‌دهد، به همین دلیل مردم حاضرند از اندک آزادی

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۲/۲۹ ۲. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۹

هم چشم‌پوشی کنند.[1]

گرچه اظهارات فوق سؤال برانگیز و ابهام‌زا است، ولی وجود فقر و عدم وجود آزادی مورد نظر اصلاح‌طلبان در مطالبات مردم، واقعیتی بود که از چشم گروه‌ها و نامزدها مخفی ماند.

نکته دیگر به شعارهای عدالتخواهانه و دین‌مدارانه‌ی دکتر احمدی‌نژاد بازمی‌گشت، که اولویت‌های مردم بود.

دمکراسی‌خواهی هم به کمک آزادی آمد و در انتخابات نهم یکی از شعارهای مردم فریب گردید. از آنجا که معین برنامه خود را بر محور دمکراسی‌خواهی و حقوق بشر متمرکز کرده بود، حزب مشارکت به عنوان اصلی‌ترین گروه حامی او با صدور بیانیه‌ای مفهوم مذکور را تبیین کرد. رساترین جملات این بیانیه چنین بود:

۲۷ خرداد روز به دریا زدن است و روزی است که دوباره اصلاحات می‌تواند در این سرزمین جان بگیرد و گامی به پیش رود. به‌خوبی می‌دانیم که ساختار حقیقی جامعه ما برای دست‌یابی به دمکراسی باید تغییرات بسیار کند تا از تولید استبداد و دیکتاتوری فاصله بگیرد، و سازماندهی تشکل‌های مدنی و نهادینه کردن آنها، جامعه مدنی به مفهوم واقعی شکل بگیرد.

کولایی هم که خود را سخنگوی شخص معین معرفی می‌کرد اظهار داشت:

بذر اصلاحات طی هشت سال اصلاحات کاشته شد و باید با حمایت از جبهه اصلاحات، منتظر جوانه زدن و رشد نهال اصلاحات بود. در فاز دوم اصلاحات، جامعه به سوی دمکراتیک شدن و هدایت آرمانی رهنمون می‌شود.[2]

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

۲. روزنامه مردم‌سالاری ۸۴/۳/۴

القای این مطلب که گفتمان اصلاح‌طلبی در مطالبات آینده ملت نیز مبنا و محور است به صدور اطلاعیه‌ای با امضای گروهی از فعالان سیاسی، فرهنگی و دانشگاهی انجامید. در این اطلاعیه آمده بود:

اکنون پس از یک دوره هشت ساله، زمان آن فرا رسیده که ملت ایران گام‌های مهمتری را به سوی هدف‌ها و مطالبات جنبش دمکراسی‌خواهی بردارد. در صدر چنین مطالباتی اصلاح ساختار نهادهای انتصابی که افزون بر تحمیلات و تضعیفات فراوان سیاسی، باعث هدر رفتن منابع ملی می‌شود، قرار دارد. در نخستین گام و پیش از هر حرکتی باید معضل شورای نگهبان حل شود.[1]

اظهارات مکتوب و شفاهی اصلاح‌طلبان به‌روشنی نشان می‌داد که:

- آزادی و دمکراسی با انگیزه و هدف و اهرم برون مرزی گام بر می‌دارند.

- در پروژه‌های مذکور که حقوق بشر هم بدان اضافه شده بود، بنیان و ارکان نظام مورد تهاجم قرار گرفته است. البته در تصمیمات آمریکائیان علیه نظام اسلامی حذف شورای نگهبان و... دستور کار جدی برای اصلاح‌طلبان بود که پیشتر افشا شده بود از این روی اعضای نهضت آزادی به عنوان گروه وابسته به بیگانگان و تشکلی غیرقانونی، از شعارهای حزب مشارکت و دیگر اصلاح‌طلبان دفاع کردند و در این بیانیه تأکید کردند:

بر این باوریم که پی‌گیری مطالبات منطقی و اصولی مردم ایران، تشکیل جبهه وسیع دمکراسی‌خواهی با شرکت تمامی نیروهای اصلاح‌طلب میهن‌دوست و معتقد به مردم‌سالاری را بیش از هر زمان ناگزیر ساخته است. بر این باوریم که هنگامی مردم آزادی واقعی انتخابات را باور خواهند کرد که اعضای شورای

---

۱. سایت امروز ۸۴/۲/۱۵

نگهبان از کار برکنار شده یا کناره گیری کنند. از روزنامه‌ها رفع توقیف شود. کلیه زندانیان سیاسی، حقوق‌دان و دانشجو بدون شرط آزاد شوند. فشار بر احزاب و گروه‌ها و فعالان سیاسی از بین برود. آنچه که مردم ما خواهانش هستند...[۱]

حزب مشارکت در یک تهاجم گسترده‌تر آزادی اراده مردم را اینگونه تحقیر و تهدید کرد:

مطمئن هستیم که همچون گذشته با انگیزه و باور به پیشبرد اصلاحات و دمکراسی عمل خواهید کرد. جبهه مشارکت برای جلوگیری از انحصار کامل قدرت و یک پارچه شدن حاکمیت و خطر ظهور فاشیسم دست به سوی همه نیروهای حامی آزادی، دمکراسی و حقوق مشارکت دراز می‌کند.[۲]

یکی از افراد نشاندار هم اعلام نمود:

در اصل ضرورت تشکیل جبهه دمکراسی که گمان نمی‌کنم اصولاً تردیدی وجود داشته باشد. این بایدی است که همه به سوی آن می‌رویم.

وی کروبی را به دلیل داشتن قدرت چانه‌زنی، شخصیتی دانست که دوستان دمکرات در سایه او بتوانند به تقویت جامعه‌مدنی بپردازند.

نجف‌قلی حبیبی از اعضای حزب مشارکت نیز چنین به میدان آزادی‌خواهی و دمکراسی‌طلبی آمد.

مردم برای آزادی و دمکراسی هزینه داده و زحمت فراوان کشیده‌اند. بنابراین با حضور در این عرصه از دستاوردهای آن مراقبت کنند و اجازه ندهند تفکری که قبلاً جواب نداده بار دیگر احیا شود.

این سخنان پس از پیروزی دکتر احمدی‌نژاد در مرحله نخست انتخابات ایراد شد.

بنابراین تفکری که قبلاً جواب نداده، تصریح بر اراده آگاه و پیروز

---

۱. سایت امروز ۸۴/۲/۱۵

۲. بیانه ۸۴/۳/۲۹

ملتی است که تفکر اسلام ناب و عدالت محور را در مصاف با اصلاح‌طلبی برگزیده بود.

در خارج از مرزها هم «آدام ارلی» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا این رهنمودها را داشت:

روند انتخابات، واقعی و قطعاً پاسخگوی چیزی که مردم ایران خواستار آن هستند نیست. مردم ایران مشارکت بیشتر و نه کمتر، آزادی بیشتر و نه کمتر و دمکراسی بیشتر و نه کمتر می‌خواهند.[۱]

در این میان دکتر احمدی‌نژاد هم تعریفی از آزادی داشت که در مراحل مختلف تبلیغات اظهار می‌داشت. وی در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی «لاریپوبلیکا» گفت:

مفهوم آزادی که یکی از ارکان انقلاب اسلامی است برای ما از ابعاد وسیع‌تری نسبت به آنچه شما آن را آزادی می‌خوانید برخوردار است.

واژه دیگری که در انتخابات نهم در کنار آزادی و دمکراسی کاربرد نمادین داشت «حقوق بشر» بود. این واژه بدون هیچ توجیه و پوششی، پذیرش سلطه غرب را آشکارا در تهاجم بنیادین فرهنگی تأیید می‌کرد. ابوالفضل بازرگان از اعضای نهضت آزادی درباره حقوق بشر چنین گفت:

تشکل ما در صورت رعایت حقوق و آزادی‌های واقعی ملت، بر پایه قانون اساسی و منشور جهانی حقوق بشر، آزادی مطبوعات توقیف شده و زندانیان سیاسی، مختومه شدن پرونده‌های در جریان اصحاب مطبوعات و همچنین حذف نظارت استصوابی و پایان دادن به اقدامات فراقانونی در هر سطح و مدیریت در انتخابات شرکت می‌کند. کاندید ما ابراهیم یزدی است. ولی حضور

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۱

در انتخابات الزاماً به معنی معرفی کاندید نیست. شرایط حاکم بر فضای انتخابات قابل پیش‌بینی نیست. باید صبر کنیم تا کاندیداها مشخص شوند. آقای رفسنجانی تصمیم خود را بگیرد، سپس اعلام موضع می‌کنیم.[۱]

معین هم در یک عصبانیت ویژه چنین گفت:

برای من به عنوان یک شهروند ایرانی باعث تأسف است که سال‌ها نام کشور ایران به عنوان یکی از ناقضین حقوق بشر در جهان مطرح شود!![۲]

در بمباران واژگان و مفاهیم گفتمان اصلاح‌طلبی پرسش‌هایی مطرح بود که با نتیجه انتخابات پاسخ داده شد. این پرسش‌ها عبارت بود از:

ـ باورها، شعارها و تأکیدات القایی و تحمیلی اصلاح‌طلبان براساس کدام مبنا بود و تا چه اندازه در جامعه واقعیت داشت؟

ـ این واژه‌ها و مفاهیم در مطالبات ملت دارای چه جایگاهی بود؟

ماهیت واژگان القائی مورد بحث، در سخنان عمادالدین باقی یکی از محکومین دادگاه‌های نظام اسلامی شفاف‌تر نمودار است. این فرد دشمنی با احمدی‌نژاد را به بنیان‌های فکری غیرغربی او مربوط دانست و گفت:

احمدی‌نژاد نماینده تندروهاست که اگر رئیس جمهور شود، مشکل‌ساز خواهد بود و حقوق بشر در ایران به خطر می‌افتد. احساس می‌کنم که حقوق شهروندی در شرف تهدید و نابودی است. چون وقتی خبرنگاران از این کاندیدا راجع به زندانیان سیاسی پرسیدند، وی می‌گفت: کدام زندانی سیاسی؟ منظورتان زندانی سیاسی در آمریکاست؟

اما باز هم معین گام تندتری برداشت و باطن دین‌ستیز حقوق بشر مورد قبولش را آشکارا به تصویر درآورد:

اینجا ایران است. جایی است که ۲۶۵۰ سال پیش نخستین منشور حقوق بشر از

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۲/۱۲

۲. سخنرانی در دانشگاه شیراز

سوی نیاکان ما به جامعه بشری ارائه گردید. من با همین نگرش دولتم را بنا می‌کنم و می‌آیم تا دیگر کسی را حتی با زور به بهشت راهی نکنند.[۱]

دکتر احمدی‌نژاد نامزدی که به اصول و ارزش‌های اسلام ناب پایبند بود، بی‌توجه به تحمیل و تلقین‌های اجباری گفتمان اصلاح‌طلبی، راه منحصر به فرد خود را می‌پیمود. آنچه او در شعارهای تغییر ناپذیرش تکرار می‌کرد، نویسنده واشنگتن پست را به نوشتن این مطلب واداشت:

احمدی‌نژاد با وفاداری به آرمان‌های مذهبی، وارد عرصه رقابت شده است. او برای تبدیل ایران به یک کشور نمونه، مطابق دیدگاه شیعه عمل می‌کند و خواستار خدمت به فقراست.

این واقعیت باعث شد تا «رامسفلد» وزیر دفاع وقت آمریکا در جنایات اشغال عراق، خشم خود را نسبت به پیروزی شگفت‌انگیز دکتر احمدی‌نژاد چنین ابراز کند:

رئیس جمهور جدید ایران نه دوست دمکراسی است و نه دوست آزادی است.[۲]

ج: آمریکا

گفتمان اصلاح‌طلبی در حاکمیت خود دیگر آمریکا را «شیطان بزرگ» و «تروریست بالذات» که دیدگاه الهی حضرت امام (س) بود، نمی‌دانست؛ بلکه امریکا در چشم اصلاح‌طلبان به یک کشور قدرتمند و پیشرفته و... تغییر ماهیت داده بود!

محمد خاتمی در مصاحبه‌ای که با «کریستین امانپور» گزارشگر سی‌ان‌ان انجام داد این تئوری‌پردازی هولناک را شخصاً برعهده گرفت.

---

۱. سایت معین ۸۴/۲/۱۳ ۲. روزنامه کیهان

وی در یک حرکت فاجعه بار چنان پیش‌رفت که آبراهام لینکلن یکی از رؤسای جمهور مقتول آمریکا را «شهید» خواند. خاتمی بارها اعلام داشت که در حضور او شعار مرگ بر آمریکا سر داده نشود! این دستور در هشت سال حاکمیت او اجرا شد!!

آغاز خدشه در دیپلماسی الهی حضرت امام (س) پیرامون آمریکا مانند دیگر مسائل به دوران سازندگی بازمی‌گردد. هاشمی رفسنجانی سال‌ها پیش، از ارتباط با آمریکا استقبال کرده و قطع آن را عاقلانه ندانسته بود. عطاءالله مهاجرانی که در دوره‌های سازندگی و اصلاحات همواره مصدر امور بود، با طرح «مذاکره مستقیم» در حاکمیت سازندگی، سد نفرت از شیطان بزرگ را شکست و کروبی رئیس مجلس ششم تنها مسؤول درجه اولی بود که با سناتورهای آمریکایی ملاقات نمود. البته ترفند به کارگرفته شده در این مسیر بسیار ماهرانه بود. بتدریج اندیشه گران اصلاح‌طلب، دوستی با آمریکا، رابطه با آمریکا و بهره‌گیری از دستاوردهای آمریکا (؟!) را به عنوان یک واجب سیاسی، اقتصادی و... ترویج کردند. شگفت‌آور آنکه به هر میزان که آمریکا ـ شیطان بزرگ ـ جنایات ضد بشری را در سراسر جهان و بویژه در سرزمین‌های اسلامی، گسترش می‌داد، شیفتگی اصلاح‌طلبان به دولت امریکا بیشتر می‌شد.

تئوریزه کردن ارتباط و نزدیکی به آمریکا از سوی دولتمردان، نمایندگان مجلس و دیگر سیاسیون اصلاح‌طلب، حتی در شرایط تجاوزات خونبار این کشور به افغانستان و عراق مسلمان هم به‌شدت دنبال می‌شد.

تلاش و باور اصلاح‌طلبان بر این بود که ملت ایران یکپارچه دوستدار

آمریکا است، و از این روی بارها مسأله رفراندوم یا نظرسنجی از ملت درباره رابطه با آمریکا را مطرح کردند.

این هدف و راه طی شده برای رسیدن به آن سبب گردید تا مسأله رابطه با آمریکا هم به عنوان سرفصلی از گفتمان اصلاح‌طلبی در انتخابات نهم حضوری پررنگ داشته باشد.

«کولایی» سخنگوی معین تسلیم و تعظیم در برابر آمریکا را حتی به قیمت بر باد دادن منافع و مصالح ملی لازم دانست و چنین گفت:

تاکی باید هزینه مرگ بر آمریکا را بپردازیم. آزمایش موشک شهاب ۳ در زمان انجام مذاکرات هسته‌ای از سوء تدبیرهای ما بود.[۱]

هاشمی رفسنجانی دیگر نامزدی بود که مواضعش نسبت به آمریکا در نشریه «اکونومیست» انگلیس چنین درج شد:

بر خلاف انتظار، هاشمی رفسنجانی که کاندیدای محافظه‌کار و البته مصلحت‌گرا بوده است و خواستار بهبود رابطه با آمریکا شده بود باید در مرحله دوم انتخابات با یک کاندیدای مذهبی و اصول‌گرا و نه یک اصلاح‌طلب، رقابت کند و اصلاح‌طلبان از این وضع ناراحت هستند.

نظرات هاشمی که پیش‌تر هم تکرار شده بود رهنمودی به آمریکا برای آغاز ارتباط بود. وی در گفت‌وگو با شبکه العربیه گفت:

در راستای ایجاد روابط با واشنگتن باید اولین گام از سوی واشنگتن برداشته شود این گام می‌تواند بازگرداندن اموال بلوکه شده ایران، یا هرکار مثبت دیگر که نشان دهنده حسن نیت آمریکا در قبال ایران باشد.[۲]

به‌روشنی پیداست که اولاً هاشمی رفسنجانی با یک نگاه سطحی و خلاصه شده در مادیات محدود به آمریکا می‌نگرد. ثانیاً بر خلاف

---

۱. سایت امروز ۸۴/۲/۱۵ ۲. روزنامه ابرار ۸۴/۳/۳۱

کلان‌نگری، عاقبت‌اندیشی و نگرش جهانی آمریکا را ارزیابی کرده و به آن اعتماد دارد.

این واقعیات رادیو فردا را به چنین نتیجه‌ای رسانید:

در صورت پیروزی هاشمی رفسنجانی برقراری رابطه با آمریکا از اولویت‌های سیاست خارجی اوست. این رادیو افزود با استقبال از حضور هاشمی رفسنجانی در عرصه انتخابات ایران، در محافل طرفدار او گفته می شود با توجه به مصلحت‌گرایی این چهره سیاسی، آمریکا آماده است با او در صورت انتخاب شدن وارد معامله شود و او مطلوب‌ترین رئیس جمهور برای معامله با آمریکا است.[1]

محسن رضایی که در جنگ تحمیلی هشت ساله فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را عهده‌دار بود، در فیلم تبلیغاتی خود وحشت از آمریکا را با این جمله اظهار کرد که: آمریکا پدر در می‌آورد.

اما احمدی‌نژاد در همه جا تنها یک «اصول‌گرای ثابت قدم» بود. شبکه تلویزیونی المنار لبنان اعلام کرد:

احمدی‌نژاد پیش از این اعلام کرده است که حاضر به تن دادن به فشارهای آمریکا و از سرگیری رابطه با آن کشور نیست.[2]

روزنامه هرالد انگلیس هم پس از انتخابات نوشت:

ایرانی‌ها به‌تازگی کاندیدای ضد آمریکایی را به عنوان رئیس جمهور برگزیده‌اند. به طوری که انتخاب محمود احمدی‌نژاد با ۶۲٪ آرا انتقاد واشنگتن را برانگیخته است.[3]

واشنگتن پست پس از پیروزی دکتر احمدی‌نژاد درباره نخستین کنفرانس خبری رئیس جمهور چنین نوشت:

---

۱. رادیو فردا ۸۴/۲/۲۵
۲. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۵
۳. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۷

احمدی‌نژاد موضع بیان شده در مبارزه انتخاباتی خود را درباره عدم برقراری روابط با آمریکا تکرار کرد و گفت: ایران نیاز چشمگیری به ایالات متحده ندارد.[۱]

ثبات فکری و باور مبنایی احمدی‌نژاد به اسلام ناب، بیگانگان را علاوه بر نمونه‌های بالا به این اعتراف هم واداشت:

پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ایران قبل از هر چیزی ضربه‌ای سخت بر جرج بوش رئیس جمهوری آمریکا و طرح خاورمیانه‌ای بزرگ او وارد کرد.[۲]

دکتر احمدی‌نژاد دور از هر مرعوبیت سرفراز و عزتمند در همین کنفرانس خبری، خبرگزاران غربی را متحیر کرد. آسوشیتدپرس حیرت عمیق خود را چنین نگاشت:

محمود احمدی‌نژاد در اولین کنفرانس خبری خود پس از انتخابات روز جمعه، در پاسخ به پرسشی درباره رابطه با آمریکا گفت: ایران در مسیر پیشرفتی بر مبنای استقلال و خود اتکایی قرار دارد. ایران بویژه در این مسیر نیازی به آمریکا ندارد.

احمدی‌نژاد در این کنفرانس با حفظ رفتاری بی‌تکلفانه و مورد قبول ۱۷ میلیون ایرانی که به وی رأی داده‌اند با اعتماد به نفس از عهدهٔ سؤالات برآمد.[۳]

مواضع منحصر به فرد دکتر احمدی‌نژاد در نادیده انگاشتن و بی‌اعتقادی به گفتمان اصلاح‌طلبی، پیروزی اعجازآور او را در پی داشت. از این روی بسیاری از کارشناسان جهان این امر اساسی بویژه در ارتباط با مسأله آمریکا را با تیزبینی نگریستند.

---

۱. روزنامه سیاست روز ۸۴/۴/۷
۲. روزنامه سیاست روز به نقل از یک روزنامه فرانسوی ۸۴/۴/۷
۳. روزنامه سیاست روز به نقل از یک روزنامه فرانسوی ۸۴/۴/۷

شیخ نعیم قاسم معاون دبیر کل حزب الله لبنان، پیروزی دکتر احمدی‌نژاد را در انتخابات اخیر سیلی دیگری به صورت آمریکا دانست.[۱] و فهمی هویدی تحلیل‌گر مشهور عرب در شبکه الجزیره گفت:

اوضاع داخلی ایران موجب این پیروزی شد. پیروزی دکتر محمود احمدی‌نژاد مبین دو مسأله است: اول بلند شدن صدای طبقه متوسط و محرومین، افراد و گروه‌هایی که به حاشیه رانده شده بودند. دوم: پیام خشم ایرانی‌ها به ایالات متحده.[۲]

اما در داخل کشور مخالفان تفکر اعتقادی و سیاسی دکتر احمدی‌نژاد که در راستای اهداف آمریکا حرکت می‌کردند در مرحله دوم در مخالفت با وی چنین تحلیل‌هایی ارائه دادند:

احمدی‌نژاد آمریکا را همچنان جنایتکار و شیطان می‌خواند. رفسنجانی بارها از سیاست تنش‌زدایی و جذب سرمایه‌های خارجی برای بهبود اقتصاد ایران صحبت کرده است. در حالی که احمدی‌نژاد با سیاست‌های خود باعث فراری دادن بسیاری از شرکت‌های اروپایی و بعضاً آمریکایی از ایران و از دست رفتن سرمایه‌های آنها می شود.[۳]

آرای ملت برای جهانیان پیام واحدی داشت. مرکز مطالعاتی نیکسون در آمریکا این پیام را بدین‌سان دریافت کرد:

این انتخابات نشان داد که مردم به کاندیدای سرسخت در مقابل آمریکا، یعنی احمدی‌نژاد رأی دادند، و آمریکا و اصلاح‌طلبان بی‌اعتبار شدند.[۴]

دکتر عبدالحمید انصاری رئیس سابق دانشکده قطر هم اعلام نمود:

ملت ایران با رأی به دکتر احمدی‌نژاد فشارها و باج خواهی‌های آمریکا و

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۷ ۲. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۶

۳. هفته‌نامه اعتدال و توسعه نقل از هفته‌نامه یا لثارات ۸۴/۴/۱۵

۴. روزنامه کیهان ۸۴/۹/۲۰

غرب علیه ایران را رد کرد.[1]

د : ادبیات اصلاح‌طلبی

یادگارهای فرهنگ اصلاح‌طلبی بیان‌کننده ابعاد خشونت، دین‌ستیزی و فرهنگ‌سوزی در ادبیات این مکتب است. به طور قطع گفتمان اصلاح‌طلبی بدون چنین ادبیاتی ادامه حیات نمی‌یافت. به سخن روشن‌تر ادبیات خشن، محکوم کننده و رعب‌آور اصلاح‌طلبی حربه کارآمد آن در دوران هشت سال حاکمیت بود.

تئوری‌سازی از سکولاریزم که گاه از مرز دین‌ستیزی هم می‌گذشت، مدیون همین ادبیات بوده و هست. تاکنون کلمات و واژگان جمود، تحجر، ارتجاع، واپسگرایی پیرامون هر نگرش دین‌مدارانه توسط اصلاح‌طلبان استمرار داشته و دارد. در این فرهنگ حرکت‌های دین‌مدارانه و ارزش‌خواه از سوی ملت، با بمباران واژه‌های پوپولیسم، توده‌گرایی و... مورد حمله قرار گرفته و می‌گیرد. ملت این راهبرد تهاجمی را که پیشتاز آن محمد خاتمی بود هرگز فراموش نخواهد کرد.

ادبیات اصلاح‌طلبانه علاوه بر بلندگوهای روشنفکرانه و ابزارهای دمکراسی، از برخی منبرها نیز ترویج می‌شد. شادی و نشاط، آزادی و ترقی هم در یک مسیر خشن و تشنج‌زا چاشنی فرهنگ و ادبیات اصلاح‌طلبی بود.

با وجودی که از سوی گروه‌های مردمی واکنش مثبت یا همگرایی قابل ملاحظه با چنین ادبیاتی به عمل نیامد، اما در انتخابات نهم نامزدها و

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۳/۳۰

جناح‌های حامی آنها، در این میدان هم رقابت داشتند. به‌کارگیری ادبیات اصلاح‌طلبی در قالب استفاده از کلمات و واژگانی که مفاهیم و مبنای ویژه‌ای داشتند، تمامی نامزدها را در یک خط قرار داد. به همین جهت ساز و کار احمدی‌نژاد در این زمینه هم منحصر به فرد بود و مورد توجه همگان واقع شد. در یکی از ارزیابی‌های پس از انتخابات این برجستگی انحصاری در خور تأکید قرار گرفته است. احمدی‌نژاد عملاً خارج از ادبیات و گفتمان دوم خرداد صحبت می‌کرد و صراحتاً ادبیات معمول در اوایل انقلاب را به‌کار می‌برد.

ه: استفاده ابزاری از زن و جوان

زن و جوان به عنوان ابزار پیشبرد اهداف سیاسی از دوران سازندگی به صحنه آورده شدند. اصلاح‌طلبی از این دو ابزار سودهای بسیار جست، و انتخابات نهم نیز این دو را دستاویز قرار داد.

تبلیغات نامزدهای انتخاباتی وعده‌ها و بحث‌ها و سهم‌خواهی‌ها در اظهارات حزبی و گروهی نشان می‌داد که زن و جوان به عنوان دو ابزار هدفمند مورد توجه قرار دارند.

حزب‌ها و گروه‌های به اصطلاح سنتی و مخالفان اصلاح‌طلبی در این حوزه، شتاب بیشتری داشتند.

زنان شاخص این گروه‌ها چون مریم بهروزی، نوبخت و... هم تعدادی وزرای زن را در کابینه آتی وعده می‌دادند و هم سهم‌خواهی می‌کردند!

رقابت آشکار در استفاده ابزاری از دو مقوله فوق در هر دو جناح کاملاً مشهود بود. در این میان ظهور یک موضوع چالشی و بنیادین،

بهترین فرصت را در اختیار رقبای انتخاباتی قرار می‌داد. این فرصت در تفسیر واژه رِجال از قانون اساسی فراهم آمد و زمینه‌ساز مانورهای تبلیغاتی گردید.

مهدی کروبی خیلی آسان و دور از هر تأمل و تعمق اعلام کرد: کلمه رجال سیاسی در قانون اساسی به معنای مرد نیست؛ بلکه شامل زنان نیز می‌شود. براین اساس من معتقدم نامزدی زنان برای انتخابات ریاست جمهوری هیچ ایرادی ندارد. وی نظر کلی خود را پیرامون حضور زنان نیز اینگونه مطرح نمود:

معتقدم هر چه امکان حضور خانم‌ها در عرصه سیاسی و اجتماعی بیشتر باشد جامعه نفع بیشتری از آن می‌برد.[1]

محتشمی‌پور از حامیان کروبی هم تصریح کرد: حضور زنان در کابینه کروبی چشم‌گیر خواهد بود.[2]

هاشمی رفسنجانی به پرسش خبرگزاری فرانسه درباره اینکه آیا شما موافق ریاست جمهوری زنان هستید پاسخ داد:

> **از نظر شرعی مخالفتی ندارم؛ ضمن اینکه معتقدم منظور از رجل مرتبت و جایگاه است و صرفاً مربوط به جنسیت نمی‌شود.**

او در پاسخ دیگر خود در خصوص حضور زنان در کابینه آتی‌اش گفت:

> **بله کسانی هستند که قابلیت این کار را دارند.**[3]

ولایتی هم که با حضور و تبلیغات زود هنگام بر دیگران پیشی گرفته بود، تا زمان کناره گیری پیوسته حضور تعداد قابل توجهی از وزیران زن

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۲/۲۸ ۲. روزنامه ایران ۸۴/۲/۱۲

۳. روزنامه ایران ۸۴/۲/۱۲

را در کابینه‌اش نوید می‌داد.

نامزد دیگر قالیباف بود که در این موضوع باز هم بیش از دیگران افراط می‌کرد و قطعیت حضور زنان وزیر در کابینه‌اش راگوشزد می‌کرد.

معین در حرکتی نمادین الهه کولایی را سخنگوی خود نمود.

محسن رضایی علاوه بر تصریح و تأکید بر وجود زن در کابینه خود، اعلام نمود که وزیر خارجه‌ای از میان زنان انتخاب خواهد کرد تا در مقابل خانم رایس وزیر خارجه آمریکا قرار بگیرد! وی دو وزارت‌خانه و یک معاونت رئیس‌جمهور را هم برای زنان کنار گذاشته بود!![1]

این تأکیدات ثمره‌ای چنین داشت:

با توجه به اینکه محسن رضایی در برنامه‌های خود اعلام کرده است که در دولت او از وزیر زن برای اولین بار استفاده خواهد کرد، ستاد بانوان محسن رضایی متشکل از عده‌ای هنرمندان، اندیشمندان و فرهیختگان جامعه بانوان آغاز به کار کرده است.[2]

علی لاریجانی به عنوان یک روشنفکر تمام عیار، حضور زنان را مانند مردان در همه سطوح قوه مجریه، ساز و کار اساسی دولت امید خود اعلام داشت.[3]

وی در فیلم تبلیغاتی خود گام تندتر برداشت و از «شیرین عبادی» به عنوان برنده جایزه نوبل نام برد و او را ستود. این حرکت که از نظر سیاسی و فرهنگی پیامدی منفی در پی‌داشت، بر خلاف انتظار او ضربه بزرگی به وی وارد کرد.

جوان و جوان‌گرایی نیز یکی دیگر از ابزارها و شعارهای نامزدها بود.

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۲۲
۲. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۲
۳. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۴

بدیهی بود جوانان که فرهنگ‌سوزی اصلاح طلبی هشت ساله را تجربه کرده بودند به ابزارگرایی در انتخابات نهم روی خوش نشان ندهند. ولی نامزدها چنان غرق سیاسی‌کاری بودند که از واقعیت‌های موجود جامعه غافل ماندند.

تشکیل کابینه جوان، استفاده از وزیران جوان، سپردن مدیریت‌ها به‌دست جوانان و... شعارها و وعده‌هایی بود که بدون هرگونه پشتوانه نظری و عملی مطرح می‌شد.

رقابت تبلیغاتی در این زمینه هم ساز و کار خود را داشت. وعده‌های جذب کننده تا آنجا پیش رفت که قالیباف اظهار داشت:

کابینه‌ام را از جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل خواهم داد.

محسن رضایی هم سهم ۳۰٪ درصدی جوانان در کابینه‌اش را وعده می‌داد!

در این میان احمدی‌نژاد همچنان بنیان‌های سیاسی ـ فکری خود را پاس می‌داشت و نسبت به این شعارهای ابزاری بی‌تفاوت بود.

وی به استفاده ابزاری از هیچ شعاری نپرداخت، در این میدان نیز زن و جوان سمبل کرامت و تعالی انسانیت را، ابزار تبلیغاتی قرار نداد.

ثبات نظر و قدم، وعدم استفاده ابزاری از موضوعات و مسائل و بنیان‌ها در تبلیغات، ویژگی منحصر به فرد دکتراحمدی‌نژاد بود. شیرین عبادی به عنوان یک اصلاح‌طلب اینچنین به این پدیده شگفت اعتراف کرد:

احمدی‌نژاد تنها کاندیدایی بود که حرف خود را هیچ‌گاه عوض نکرد. او از ابتدا بر اصولی که به آنها اعتقاد داشت پافشاری می‌کرد. این ثبات نظر آقای احمدی‌نژاد در حالی بود که افرادی که تا دیروز معتقد بودند حتی رنگ روسری

خانم‌ها باید تیره باشد، دیدیم هنگام انتخابات چقدر حرفشان عوض شد.[۱]

احمدی‌نژاد که به هیچ روی در میدان گفتمان اصلاح‌طلبان گام ننهاد، پرسش خبرنگاری راکه پرسیده بود: شنیده‌ایم اگر رئیس جمهور شوید به محدودیت‌های اجتماعی و اقدامات افراطی روی می‌آورید، چنین پاسخ داد:

من فردی ارزش‌گرا و اصول‌گرا هستم. اما ارزش‌هایی که به آن پایبندم، در تقابل با پیشرفت مردم نیست. من می‌خواهم مردم ایران از رفاه، پیشرفت و شادی لذت ببرند. من می‌خواهم با دست‌اندازی بر بیت‌المال مقابله کنم و در این راه نمایش بازی نمی‌کنم. من خود را از مردم و مردم را از خود می‌دانم.[۲]

و: جمهوریت

پیروزی انقلاب اسلامی حاکمیت «جمهوری اسلامی» را در پی‌داشت و «جمهوری اسلامی ایران» یادگار عزیز حضرت امام خمینی (س) است که بسیار مورد علاقه آن حضرت بود. امام (س) تا آخرین لحظات حیات پربرکت خویش بر حفظ، بقا، تداوم و عظمت جمهوری اسلامی تأکید داشتند و همگان را به پاسداری از آن امر می‌نمودند.

اما در گفتمان اصلاح طلبی اساس جمهوری اسلامی به خطر افتاد. پروژه جدا سازی جمهوریت از اسلامیت، ستیزه‌گری آشکار و مبنایی با مبانی اسلامی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بود. به‌کارگیری مجزای واژگان «جمهوریت» و «اسلامیت» و لزوم حفظ «جمهوریت» نظام از سازوکارهای فریبکارانه در این گفتمان به‌شمار می‌رود. منادیان و

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۲۹

۲. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۲۸

مروجان این طرح با موهوماتی چون جمهوریت نظام در خطر است، و یا افراطیون در صدد حذف جمهوریت هستند، هدف اصلاح‌طلبی را در براندازی دنبال می‌نمودند.

بتدریج مسأله جمهوریت و اسلامیت در حداقل «جمهوریت در کنار اسلامیت» به صورت یکی از ارکان غالب در گفتمان اصلاح‌طلبی درآمد. در انتخابات نهم، این نکته مانند دیگر تراوش‌های گفتمان اصلاح‌طلبی بمباران ملت را پی‌گرفت.

فضاسازی و آلوده ساختن شرایط ذهنی جامعه پیرامون به مخاطره افتادن جمهوریت نظام، در فاصله مرحله اول و دوم انتخابات نهم اوج گرفت. این روند به گونه‌ای پیش رفت که اضطراب و وحشت اصلاح‌طلبان از روی کار آمدن نامزد معتقد به «جمهوری اسلامی» در آن آشکارا قابل ملاحظه بود.

اصغرزاده که پیش‌تر راه‌پیمایی علیه خداوند را در بستر آزادی جایز دانسته بود، اعلام کرد:

باید از هاشمی حمایت کرد تا اندک روزنه جمهوریت نظام کور نشود.[۱]

میرحسین موسوی در اطلاعیه‌ای شتابزده خواهان آن شد که:

پیروز انتخابات ناگزیر از پایبندی به حفظ جمهوریت درکنار اسلامیت نظام و... است.[۲]

آقای صانعی هم در پایان درس خارج با جداسازی جمهوریت از اسلامیت اظهار کرد:

امام یک اصل فراموش شده در اسلام را زنده کرده اصل جمهوریت و...[۳]

---

۱. روزنامه اعتماد ۸۴/۴/۱ ۲. ۸۴/۴/۳۱
۳. ۸۴/۳/۹

ائتلاف گسترده‌ای که تخریب چهره دکتر احمدی‌نژاد و ملت انتخاب کننده او را در مرحله دوم رسالت خویش می‌دانست بیش از هر مسأله جمهوریت را سلاح برنده خود قرار داده بود. در این مسیر طیف حامیان هاشمی از تحریم کنندگان نظام گرفته تا نهضت آزادی و برون مرزی‌ها و... مرثیه خوان جمهوریت شدند!

وجه اشتراک و نقطه عطف هم‌آوازی و همدلی آنها، دل نگرانی برای جمهوریت در تقابل با اسلام بود. هاشمی این هم آوایی را، آوای زیبای مرحله دوم انتخابات خواند که گروه‌هایی که در گذشته با هم اختلاف نظر داشتند و متفرق بودند با همه تضادها به وفاق رسیدند.[۱]

نکته جالب توجه و در خور تأمل آن بود که مدعیان حراست از اندیشه حضرت امام (س) در این موضوع با غفلت و تغافل از این تأکید امام (س) گذشتند که:

> **ما جمهوری اسلامی لفظی نخواستیم، ما خواستیم که حکومت الله در مملکتمان و ان‌شاءالله در سایر ممالک هم اجرا شود؟[۲]**

و نیز:

> **مجرد بودن رژیم اسلامی، این مقصد نیست. مقصد این است که در حکومت اسلامی، اسلام حکومت کند. قانون حکومت کند و اشخاص به رأی خودشان، به فکر خودشان حکومت نکنند. رأی ندهند کسانی را که خیال می‌کنند خودشان صاحب رأی هستند. خودشان را متفکر می‌دانند. روشنفکر می‌دانند؛ به اینها رأی ندهند. برای اینکه رأی مردم در مقابل حکم خدا رأی نیست، ضلالت است.[۳]**

---

۱. سایت هاتف نیوز ۴/۵
۲. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۸۲
۳. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۸۱

به‌طور کلی تجمع، وحدت و حرکت یکپارچه اصلاح‌طلبان، محافظه‌کاران، سنت‌گرایان و یا هر طیف و جناحی که توسط اصلاح‌طلبی مورد اتهام واقع شده بودند، در انتخابات نهم، پیرامون گفتمان اصلاح‌طلبی بود. شفافیت این مسأله به حدی بود که سعید حجاریان هنگام انداختن رأی به صندوق گفت:

امروز مشاهده می‌کنیم که کاندیداها شعارهای اصلاح‌طلبانه مطرح می‌کنند، و شعارهای خاتمی ترجیع‌بند شعارهای همه کاندیداهاست؛ زیرا نیروی اجتماعی از پایین فشار می‌آورد تا همه به اصلاحات بپیوندند.

یکی از شگفتی‌های پیروزی احمدی‌نژاد، شکست کامل گفتمان اصلاح‌طلبی بود که به هیچ روی با دانش و بینش محدود و سطحی قابل پیش‌بینی نبود.

این واقعیت در بستر حقیقت اسلام ناب (گفتمان احمدی‌نژاد) به‌وقوع پیوست و گفتمان اسلام ناب را جایگزین گفتمان اصلاح‌طلبی نمود. اهمیت برجسته‌تر این شکست و پیروزی در آن بود که در آن اراده ملت ابزار قدرت الهی شد. یعنی همان جمهوریتی که اسلام‌ستیزان سنگ آن را به سینه می‌زدند و در تخریب احمدی‌نژاد به آن توسل جسته بودند بساط اصلاح‌طلبی را برچید و به گفتمان و حاکمیت آن پایان داد؛ که: وَ مکروا وَ مکرالله و الله خیر الماکرین!

ابزار دمکراسی در ستیز با دمکراسی

روزگاری مطبوعات ابزار مهم دمکراسی و فرزند آن به‌شمار می‌رفت. اما در روزگار حاضر با توسعه تکنولوژی، رسانه‌های دیگر نیز کاربردی همطراز، بلکه فراگیرتر از مطبوعات دارند. بدون شک رسانه‌های دیداری

و شنیداری به دلیل توانمندی در برقراری ارتباط تنگاتنگ با مخاطبان، بیش از رسانه‌های مکتوب، یعنی مطبوعات تأثیر گذارند. افکار عمومی هم قطعاً از طریق این رسانه‌ها سریع‌تر و بهتر از مطبوعات تأثیر می‌پذیرد.

سایت‌های اینترنتی ابزار جدیدتر اطلاع‌رسانی هستند که به علت سرعت عمل و امکان دسترسی آسان‌تر مراجعین به آنها، در این جهت بسیار کار آمد هستند. بنابراین امروزه رادیو و تلویزیون و شبکه‌های اینترنتی کار کردی وسیع‌تر از مطبوعات داشته، و همه آنها در بستر دمکراسی، ابزارهای دمکراسی هستند. در انتخابات نهم این ابزارها تقریباً همگام و با یک دستور ستیز با دمکراسی را در پیش گرفتند. شتاب و گستره حرکت وسایل اطلاع‌رسانی یا تنویر افکار، در فاصله مرحله اول و دوم، به حالتی فوق تصور و خارج از دایره عقل و منطق و انصاف، تخریب احمدی‌نژاد را وجهه همت خود قرار داد و انحراف افکار عمومی از تمایل به او را رسالت خود دانست.

وحدت رویه ابزارهای جناح راست و چپ که از آغاز انتخابات بر ستیز با دکتر احمدی‌نژاد استوار بود، دراین مرحله شگفتی آفرید. از انبوه عملکرد دستگاه‌ها و ابزارهای فوق، می‌توان به مواردی اشاره کرد که در بازخوانی پرونده قطور آنها راهگشاست.

نکته حائز اهمیت آن است که ابزارهای تئوریک و عملی دمکراسی در انتخابات نهم هم از جنبه کیفی و هم به لحاظ کمی از کار افتاد.

این فلج کامل چند علت داشت:

۱ ـ انتخابات الهی بود و اراده پروردگار بر این امر تعلق گرفته بود تا پس از شانزده سال حاکمیت لیبرالیسم و ترویج و رشد اباحه‌گری و

سکولاریسم، بازگشت توده‌ها و بویژه نسل سوم به اصول اسلام ناب محمدی(ص) در آرای آنان متجلی شود.

۲ ـ موج سازی و موج سواری و غوغا سالاری قبضه کنندگان قدرت، به فرموده حضرت امام (س) هیاهویی بیش نبود و حتی به لحاظ تعداد نفرات، فاقد پشتوانه ملی بود.

۳ ـ احزاب، گروه‌ها، روشنفکران، هنرمندان و دیگر افراد و جناح‌های به‌کار گرفته شده، نه تنها دلیل بزرگی و افزونی نیروی آنها نبود، بلکه آرای ملت نشان داد که این سازها، با آهنگ خارجی به صدا درمی‌آیند و گوش‌های شنوای قابل توجهی در داخل آماده شنیدن نواهایشان نیست.

بنابراین گرچه به منظور ترسیم ابعاد معجزه گونه پیروزی احمدی‌نژاد، ضروری است که صف‌بندی‌ها، و آرایش‌های سیاسی متقابل و مغایر و بیگانه با ملت گوشزد شود، اما به‌روشنی پیداست که این جنجال آفرینی‌ها و هزینه‌های گزاف آن در میان ملت خریدارانی ناچیز و اندک داشته و دارند. انتخاب دکتر احمدی‌نژاد با آرای اکثریت قاطع ملت، نمایانگر این ادعاست.

احزاب، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی

عدم وابستگی جناحی، حزبی و گروهی دکتر احمدی‌نژاد در انتخابات، امری مسلم بود. مستقل بودن این نامزد با توجه به جناح‌بندی همیشگی در عرصه سیاسی و خستگی و بی‌علاقگی مردم نسبت به جناح‌ها، یک امتیاز بزرگ به شمار رفته و می‌رود. اما این امتیاز، همدلی و همخوانی گسترده جناحی را علیه وی به وجود آورد.

دکتر احمدی‌نژاد یکی از اعضای مؤسس جامعه اسلامی مهندسین و عضو شورای مرکزی جمعیت ایثارگران بود، ولی اراده الهی در این انتخابات چنین رقم خورد که هر دو تشکل از نامزدهای دیگر حمایت کنند!

دو جناح اصلاح طلب و محافظه کار هم مسأله عدم حمایت دو تشکل مزبور از احمدی‌نژاد را نقطه ضعف وی دانسته و بشدت پیرامون آن مانور دادند. به طور کلی حرکت حزبی، گروهی و جناحی در انتخابات نهم و واکنش ملت به آن ایجاب می‌کند تا به برخی مسائل مربوط به آن اشاره شود.

الف - شورای هماهنگی متشکل از تمام گروه‌های مخالف اصلاح‌طلبان بود. این شورا در همایش بیست و هشتم خود نامزدهایی را معرفی کرد که نام احمدی‌نژاد در میان آنها وجود نداشت.

جامعه اسلامی دانشجویان تنهاگروه این شورا بود که در یک مقطع از دکتر احمدی‌نژاد حمایت کرد؛ اما این تشکل ابتدا به حمایت یکی از دو نفر لاریجانی و احمدی‌نژاد برخاست؛ سپس به ولایتی گروید! به این ترتیب حمایت از دکتر احمدی‌نژاد مورد توجه آنان نیز قرار نگرفت.

آبادگران شورای شهر در حرکتی مستقل از نامزدی احمدی‌نژاد اعلام حمایت نمودند. متأسفانه اعلام آنها با جبهه گیری، پرخاشگری و حمله تمام عیار جناح راست مواجه شد. مریم بهروزی و منیره نوبخت با لحنی تندتر از دیگران سخن راندند. آنان مهندس چمران، سخنگوی آبادگران شورای شهر را مورد هجوم قرار دادند، و آبادگران مجلس نیز از این حمایت اظهار برائت کردند!!

نهایتاً در جناح رقیب اصلاح‌طلبان آرایش احزاب و گروه‌ها چنین بود: تشکّل مؤتلفه و جامعه مهندسین و... از نامزدی لاریجانی حمایت کردند و آبادگران و ایثارگران مجلس قالیباف را نامزد ریاست جمهوری نمودند.

لازم به ذکر است که جمعیت ایثارگران در ابتدا به معرفی دکتر احمدی‌نژاد پرداخت. دارابی رئیس این جمعیت در مصاحبه‌ای تفصیلی با روزنامه شرق، علت اختلاف تشکل خود را با شورای هماهنگی، اختلاف نظر پیرامون معیارهای انتخاب اصلح دانست، که احمدی‌نژاد نماد آن بود.

ورود قالیباف به عرصه انتخابات، دگرگونی عجیبی در آرایش سیاسی این طیف به وجود آورد. جمعیت ایثارگران با طرح مسأله «مقبولیت» براساس نظرسنجی‌ها، وی را جایگزین احمدی‌نژاد کرد. در اطلاعیه جمعیت ایثارگران، برخی از معیارهای این تشکل در گزینه قالیباف، چنین آمده بود:

> **دکتر محمدباقر قالیباف که برخوردار از سوابق و خدمات درخشان انقلابی، و متصف به صفاتی چون هوش سرشار، نشاط و شادابی، کارآمد و با لیاقت، مؤمن و وفادار...[1]**

آبادگران مجلس هم که امید قطعی به پیروزی قالیباف داشتند، حامیان جدی و پرتلاش او شدند. به این ترتیب دو گروه فوق با چرخش بنیادین، اصول و معیارهای خود را به نمایش گذاردند. این چرخش، بی‌اعتمادی عمومی و ریشه‌دار ملت به حزب، گروه و تشکل و جناح را تقویت کرد.

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۸

افکار عمومی به‌روشنی شاهد آن بود که افرادی چون دکتر توکلی با شعارهای تند عدالتخواهی و انتقاد و اعتراض و حمله به حیف و میل و سوء استفاده از بیت‌المال توسط کارگزاران سازندگی، نامزدی چون قالیباف را برگزیده‌اند. این گزینش بار محتوایی داشت. پرسش اساسی و تأثیرگذار مردم این بود که چگونه ایثارگران و آبادگران، و اشخاصی مانند دکتر توکلی در مورد محتوا، شیوه و هزینه سرسام آور تبلیغاتی نه تنها به قالیباف اعتراض ندارند، بلکه او را مورد حمایت همه جانبه خود قرار داده‌اند؟!

ملت معیار مقبولیت را در نظر این گروه‌ها ارزیابی می‌کرد، و به لحاظ محتوایی و عملکردی آن را در نامزد معرفی شده آنان با شگفتی می‌نگریست. برای ملت پرسش مهم آن بود که بر فرض اگر چنین امری واقعی بود عدالتخواهی، ساده‌زیستی، و دیگر شعارهای مبنایی این دو گروه چه پایه تئوریکی داشت که نظر سنجی‌ها آن را دگرگون، بلکه واژگون نموده بود؟

مردم به‌درستی می‌دانستند که سیاست عرصه ثبات عقیده واصول‌گرایی نیست؛ اما آیا مسلمان متعهد می‌تواند در ورطه سیاست غوطه‌ور باشد؟

به هر حال دکتر توکلی در حمایت از قالیباف اظهار داشت:

> **چون در نظر سنجی‌ها قالیباف در میان اصولگرایان بیشترین بخت پیروزی را دارد، براساس میثاق چهار، از او حمایت می‌کنم.[۱]**

ستادهای انتخاباتی دکتر توکلی هم پس از انصراف او، برای حمایت

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۰۰

از قالیباف تجدید سازمان شدند.[1]

در جناح اصلاح‌طلب، ماجرا به گونه‌ای دیگر بود. هاشمی، کروبی، معین و مهرعلیزاده نامزدهای این جناح بودند. گرچه نامزد رسمی اصلاح‌طلبان معین اعلام شد، ولی دفاع از هاشمی به خصوص در پروژه تبلیغات رسانه‌ای از سوی این طیف امری روشن و واضح بود.

کروبی با حمایت گروه‌هایی از اصلاح‌طلبان از جمله «مجمع روحانیون مبارز»، نامزدی از اردوگاه اصلاح‌طلبان محسوب می‌شد.

به میدان آمدن احزاب و گروه‌ها و تشکل‌ها با تمام توان، و هزینه بالای سیاسی و مالی رقابت بی‌سابقه را در این انتخابات نشان می‌داد. از دیگر سوی امید قطعی احزاب و تشکل‌ها را به داشتن پایگاه اجتماعی قوی در مسیر پیروزی حکایت داشت.

در این میان راهکار بخشی از «جامعه مدرسین» دور از انتظار مردم بود. با توجه به سابقه حضور تشکل‌های روحانی در گذشته، امید آن بود که جامعه مدرسین و جامعه روحانیت مبارز به دعوت مردم برای مشارکت در انتخابات بسنده کنند. اما این امید نقش بر آب شد. جامعه روحانیت مبارز در یک اطلاعیه با ذکر شروطی حمایت خود را از هاشمی اعلام نمود و تعدادی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه نیز همین مسأله را تکرار کردند.

در اعلام حمایت این دو تشکل روحانی دو تفاوت وجود داشت:

۱ ـ در اطلاعیه جامعه روحانیت مبارز وجود شروط در عرف سیاسی، به معنی عدم حمایت کامل یا مطلق بود.

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۰۶

۲ ـ حمایت جامعه مدرسین حوزه عمومیت نداشت، و از امضاهای ذیل اطلاعیه مشخص شد که بسیاری از بزرگان این تشکل با صدور اطلاعیه مخالف بوده‌اند.

حضرات آیات جوادی آملی، استادی، معرفت، مؤمن، مسعودی، محمدجواد فاضل و فاکر مشهورترین امضاکنندگان این اطلاعیه بودند.

به هر حال انتخابات در روز ۲۷ خرداد ماه به انجام رسید. نتیجه شمارش آرا، شکست کامل حزب‌ها، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی بود.

پنج میلیون آرای هاشمی رفسنجانی ثمره امتیازات و امکانات بی‌نظیر او بود:

۱ ـ سابقه سیاسی وی در هشت سال ریاست جمهوری و پیش از آن سه دوره ریاست مجلس شورای اسلامی.

۲ ـ ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، که حضور پررنگ وی و بهره‌مندی از رسانه ملی و مطبوعات را به طور مداوم و استثنایی نصیب او می‌کرد.

۳ ـ داشتن حزب کارگزاران سازندگی و روزنامه‌های متعدد، بویژه شرق که با هزینه بالا، وی را تنها منجی ایران در سخت‌ترین شرایط ساخته شده خود معرفی می‌نمودند.

۴ ـ هزینه گزاف مالی در تبلیغات و گستره تبلیغاتی در سراسر کشور که به دلیل شناخته بودن وی برای ملت این امر بسیار عجیب به نظر می‌رسید.

آرای چهار میلیونی کروبی نیز به وعده پنجاه هزار تومانی او باز می‌گشت که بی‌نیاز از توضیح است. فقر گسترده حاصل از شانزده سال حاکمیت توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی این آرا را رقم زده بود.

رأی چهار میلیونی معین که اصلاح‌طلبان تندرو و تحریم‌کنندگان و براندازان و خارج‌نشینان را با اطلاعیه‌های صریح به حمایت از او واداشته بود، از حیث ائتلاف مخالفان نظام اسلامی در داخل و خارج قابل توجه بود!

آرای قالیباف با رقم چهار میلیون و سقوط به رده چهارم، با وجود حمایت حزبی و گروهی و چهره‌هایی چون افروغ، نادران، توکلی، دهقان، زاکانی و... نشان از بریدگی ملت از احزاب، گروه‌ها، سیاستمداران و بالعکس داشت.

از شمارش آرای قالیباف چند نکته روشن شد:

۱ ـ حزب‌هایی که در چرخش سریع و صریح، قالیباف را رئیس جمهور قطعی و حتمی می‌دانستند، فاقد پایگاه قابل توجه اجتماعی هستند.

۲ ـ چهره‌های شاخص حامی قالیباف که در کسوت نمایندگی مجلس، تمام توان خود را در حمایت از وی به کار بردند، دارای کمترین نقطه اشتراک و ارتباط فکری و سیاسی با ملت می‌باشند.

۳ ـ نکته مهم در آرای این نامزد مسأله مقبولیت مشروع از منظر مردم بود. این آرا نشان داد که ساز و کار تبلیغات، آن هم با هزینه سرسام‌آور و آمدن فعال چهره‌های سرشناس سیاسی به میدان تبلیغات، مقبولیت و مشروعیت ایجاد نمی‌کند.

۴ ـ تلاش‌های حزبی، جناحی و باندی در تبدیل یک نظامی به رجل سیاسی تأثیر تعیین کننده ندارد. پیشینه نگاه مردم به این مقوله در مورد رضایی و شمخانی هم مؤید این واقعیت بود.

۵ ـ تبلیغات پرشور قالیباف به لحاظ محتوا، شیوه و هزینه فوق تصور! میزان اعتماد و اطمینان موجود را نسبت به حزب و گروه و جریان حامی وی بشدت کاهش داد.

اما یک و نیم میلیون رأی لاریجانی هم در جای خود پیام‌هایی داشت:

۱ ـ ناخرسندی شدید و مبنایی مردم نسبت به عملکرد ده ساله وی بر رسانه ملی. این امرکه در سال‌های گذشته به‌روشنی از سوی گروه‌های مردمی ابراز می‌شد، تفاوت یا تعارض نگاه لاریجانی با مردم را در فرهنگ‌سازی تبیین می‌کرد. آرای بسیار پایین وی اعلام صریح و یکپارچه مردم به دیدگاه نامزد مذکور نسبت به اصول و ارزش‌های فرهنگی بود.

۲ ـ پیام دیگر در تنزل مقبولیت احزاب حامی لاریجانی نزد ملت جلب توجه نمود. گروه‌ها و حزب‌هایی که با تخریب نامزد مستقل، خود را قیّم مآبانه بر مردم تحمیل می‌کردند، با آرای ملت پیام جدایی و نبود پایگاه مردمی را دریافت کردند.

به طور کلی نتیجه مرحله نخست انتخابات نشان داد که حزب‌ها، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی با هر نام و نشان از سوی ملت طرد شده‌اند. آرای شگفتی‌ساز دکتر احمدی‌نژاد که از حمایت‌های حزبی و چهره‌های سیاسی به طور کلی محروم بود و حتی از سوی آنان تخریب و مورد حمله نیز واقع شده بود، «اراده آگاه ملت» را نمایان ساخت. این نماد اعلام عدم پذیرش قیومیت حزبی، مهمترین و اساسی‌ترین پیام ملت بود که در مرحله نخست به شکست کامل احزاب توسط مردم تبدیل گردید. دکتر

احمدی‌نژاد مستقل بودن خویش یا محرومیت از حمایت‌های حزبی را به زیباترین شکل ریشه‌یابی کرده است. وی پس از مرحله اول انتخابات خطاب به مخالفانش گفت:

کارهای ما در شهرداری تهران افتخارآمیز است؛ ولی شما همیشه توهین و مسخره کردید. چون من اهل این که زیر بار باندها و گروه‌ها بروم نیستم و این را با افتخار می‌گویم. من یک نفر هستم که اگر بخواهم انرژی بگذارم و زحمت را تحمل کنم فقط می‌خواهم به ملت خدمت کنم. دلیل ندارد من منافع ملت را فدای گروه‌ها و باندها و احزاب کنم و منطقی هم ندارد. وگرنه در دانشگاه می‌ایستم و درس می‌دهم. من علتش را می‌فهمم، احساس خطر کردند این معدود باندی که بر اقتصاد، سیاست و مراکز تصمیم‌گیری اداری، سیطره زده‌اند، در آن شکافی بیفتد و راه برای نیروهای مردمی و خدمت آنها باز شود و بشود کشور را بهتر اداره کرد.[1]

احمدی‌نژاد مکرر و با افتخار اعلام نمود:

مورد حمایت هیچ حزبی نبوده‌ام.

مرحله دوم و صف آرایی کامل حزب‌ها و جریان‌ها

اراده ملت در انتخاب دکتر احمدی‌نژاد و رسیدن او به مرحله دوم انتخابات، خشم احزاب و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را برانگیخت. حزب‌ها و گروه‌ها و جناح‌های سیاسی موسوم به راست به منظور جبران شکست بزرگ خود در برابر ملت، یکی از راه‌های ذیل را در مرحله دوم برگزیدند:

۱ ـ تغییر رنگ و جهت دادند.

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۱

۲ ـ بی‌طرفی، سکوت و عدم حمایت پیش گرفتند و به‌گونه‌ای خنثی عمل نمودند.

۳ ـ تخریب و کودتا را علیه ملت پی‌گرفتند. این راهکار در نماد برجسته و بارز از سوی اصلاح‌طلبان به انجام رسید؛ ولی در کاربردهای نیمه‌پنهان، برخی از چهره‌ها، گروه‌ها و یا مطبوعات طیف رقیب هم در آن وحدت عمل داشتند.

به‌طور کلی در راه‌ها و گزینه‌های بالا، راست و چپ، اصلاح‌طلب و محافظه‌کار و خودی و غیرخودی، یک دل و یک زبان همراه شدند. صف‌آرایی کامل حزب‌ها و جریان‌ها در مرحله دوم انتخابات، مصاف آشکار علیه ملت بود که شاید در نوع خود بی‌سابقه بوده است.

تغییر رنگ و جهت:

الف : جبهه رقیب اصلاح‌طلبان

پیش‌تر آمد که شورای هماهنگی، و گروه‌ها، سازمان‌ها و حزب‌های گرد آمده در آن، در مرحله نخست انتخابات دکتر احمدی‌نژاد را از لیست خود حذف نمودند. با آنکه قالیباف و لاریجانی نامزدهای دوگانه آنها اعلام شد، اما آنان نسبت به خارج ساختن کامل احمدی‌نژاد از عرصه انتخابات تلاش بسیار داشتند. در یک برداشت واقع‌گرایانه باید بنیاد مخالفت یا عدم استقبال جبهه رقیب اصلاح‌طلبان نسبت به احمدی‌نژاد را تضادهای فکری و باورهای اعتقادی و سیاسی آنها با وی دانست. این مسأله اساسی پس از پیروزی رئیس جمهور در حرکت‌های مجلس، مطبوعات و اظهار نظرهای به اصطلاح نقادانه، آشکار شد.

بررسی گردش و تغییر رنگ گروه‌های رقیب اصلاح‌طلبان دقت موشکافانه می‌خواهد؛ اما اشاره به آنها نیز می‌تواند بسیار مفید و راهگشا باشد.

- جمعیت ایثارگران بلافاصله پس از محرز شدن پیروزی شگفت‌آور احمدی‌نژاد در مرحله نخست، حمایت خود را از وی اعلام نمود.

اطلاعیه جمعیت ایثارگران در این باره عباراتی چنین داشت:

با حمایت قاطع خود از احمدی‌نژاد که نماد گفتمان عدالت و صداقت در گفتار و سلامت در عمل است، به وظیفه دینی و ملی خود عمل خواهیم کرد.[۱]

زاکانی از اعضای مرکزی این جمعیت و نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، که رئیس ستاد انتخاباتی جبهه اصول‌گرایان تحول‌خواه (حامیان قالیباف) بود گفت:

ما در چارچوب همیاری‌های اصول‌گرایی و تحول‌خواهی یک مدل مردم سالارانه داریم که در این مدل موضع سیاسی ما کاملاً تعریف شده و مشخص است.

وی حمایت خود را از دکتر احمدی‌نژاد اعلام نمود.[۲]

آبادگران مجلس هم که در دور نخست در کنار ایثارگران بشدت از نامزدی قالیباف حمایت کرده بودند، به‌سرعت تغییر جهت دادند. دکتر توکلی پس از تلاش بی‌وقفه تبلیغاتی برای قالیباف، در ساعت ۱۶/۵۹ روز ۲۸ خرداد، پس از آگاهی از حذف قالیباف در دور دوم، به احمدی‌نژاد روی آورد و اظهار کرد:

مردم با رأی به احمدی‌نژاد زمینه اساسی در روند انحرافی شانزده سال اخیر را

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۳/۳۰ ۲. همان

فراهم کنند.[1]

عماد افروغ، الیاس نادران، محمد خوش‌چهره، محمد دهقان و... هم نامزد دوره دوم خود را دکتر احمدی‌نژاد دانستند.

حمایت این گروه‌ها که در ناباوری تمام ملت از چرخش و تغییر رنگ آنها به وقوع می‌پیوست در کارکردهای زیر خلاصه شد:

- حضور افراد نامبرده در ستاد انتخابات کشور، پس از اطلاع از تقلّب و تخلّف در شمارش آرا. این افراد همراه با برخی دیگر از نمایندگان، چون از راهیابی قالیباف به مرحله دوم مأیوس شدند و از عدم امانتداری آرای احمدی‌نژاد توسط مجریان دولت اطلاع یافتند، به وزارت کشور رفته، نسبت به این مسأله اعتراض نمودند.
- محمد خوش‌چهره در یک مناظره تلویزیونی با نوبخت، نماینده هاشمی رفسنجانی شرکت کرد. داوری میزان تأثیرگذاری حضور خوش چهره در این برنامه بر عهده ملت و کارشناسان سیاسی است.

واقعیت آن است که هر دو رقیب راه‌یافته به مرحله دوم نیاز به تبلیغ نداشتند. مشخص بود مردم تصمیم خود را درباره هاشمی رفسنجانی گرفته‌اند. احمدی‌نژاد هم نفوذ صادقانه و صریح خود را در میان ملت ایجاد کرده بود. تجمیع آرای مردم برای احمدی‌نژاد، امری بدیهی و روشن بود. تنها سلاح تخریب و ارعاب مایه امید حامیان هاشمی بود که با تمام توان به میدان آمد.

با این وجود دو مناظره تلویزیونی از سوی نمایندگان دو رقیب در فاصله مرحله اول و دوم انجام گرفت. برداشت کلی از آن مناظرات و

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ۷۴

همچنین میزان تأثیرگذاری هر یک از نمایندگان در آرای دو نامزد، در یک واقع‌نگری ملموس چنین بود که بعدها، هم رسانه‌های حامی هاشمی و هم رسانه‌های حامی احمدی‌نژاد، دو مناظره یک‌شنبه و دوشنبه شب آن هفته تاریخی را در پیشی گرفتن احمدی‌نژاد از هاشمی مؤثر دانستند و معتقد بودند پوزخند متکبرانه مرعشی ضربه شدیدی بر محبوبیت و آرای هاشمی وارد کرد و حملات تند نوبخت هم تیر خلاص را زد.[1]

بدین ترتیب پرسشی که ذهن تاریخ را همچنان به خود مشغول می‌دارد، آن است که چگونه امتیازات و ویژگی‌های دکتر احمدی‌نژاد تا مرحله دوم بر آبادگران مجلس و جمعیت ایثارگران پنهان مانده بود؟!

همچنین ویژگی‌ها و ملاک‌های مورد نظر ایثارگران دارای چه میزان ثبات و مبنای قوی نظری و عملی بود که از احمدی‌نژاد به قالیباف و سپس به جانب احمدی‌نژاد چرخش داشت؟ آیا برای دو گروه فوق که شعار عدالتخواهی را در کنار دیگر شعارهایشان جای داده بودند، ویژگی قالیباف در رفتار، شعار، روش و هزینه تبلیغاتی سبب اصلح بودن وی شده بود؟

آیا ملت این تغییر و چرخش شتابزده دو گروه نامبرده را چقدر پاسخ داد و یا نسبت به آن توجه تعیین کننده داشت؟

پرسش پایانی اینکه آیا ملت موضع‌گیری‌های آتی این گروه‌ها را در برابر رئیس جمهور که نماد آن در مجلس شورای اسلامی به تصویر درآمد، در باطن مواضع متغیر آنان در عرصه سیاست نمی‌نگرد؟

ـ محمدرضا باهنر که بشدت از لاریجانی حمایت می‌کرد و با اعتراف به

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ۸۷

تأثیر بیش از ۹۰٪ احمدی‌نژاد در آرای آبادگران مجلس شورای اسلامی، همچنان او را از صحنه رقابت‌ها دور نموده بود، پس از ۲۸ خرداد به حمایت از این نامزد برخاست.

جهت‌گیری و تغییر رنگ گروه‌های فوق مبنای اصول‌گرایی را از سوی آنها در نگاه ملت بیشتر خدشه‌دار ساخت. برجستگی و غلبه سیاسی کاری بر اصول‌گرایی این گروه‌ها بیش از پیش نمایان شد و مردم را در برابر مواضع بعدی آنها آگاه‌تر نمود.

ب : اصلاح‌طلبان

موج پرشتاب تغییر رنگ و بی‌ثباتی مبانی و مواضع حزبی در اردوگاه اصلاح‌طلبان هم بیداد کرد.

بی‌ریشگی، بی‌اعتقادی، بریدگی از مردم و قدرت‌طلبی حزبی و جناحی در این طیف بروز بیشتری داشت. چرخش مضحک و سطحی اصلاح طلبان، بی‌اعتمادی بیش از پیش ملت را نسبت به آنها در پی‌داشت. حمایت مجاهدین انقلاب، حزب مشارکت، نهضت آزادی و دیگر حزب‌ها و گروه‌های اصلاح‌طلب از هاشمی رفسنجانی برای ملت هم مضحک بود و هم انگیزه و هدف تأسیس حزب را در این کشور هر چه بیشتر می‌نمایاند.

گروه‌های اصلاح‌طلب که چهره‌های مشهورشان با سخنان ارتدادی، تشیع، امامت، امام عصر(عج) و روحانیت را بارها مورد تهاجم آشکار قرار داده بودند در مرحله دوم انتخابات، هاشمی را نامزد خود معرفی کردند. حمایت تأکیدی و صریح آنها از هاشمی که لباس روحانیت بر تن

داشت بیان می‌کرد که طیف مطرود و منفور ملت در پی‌شکست فاحش از سوی مردم، قدرت و ثروت ملی را از دستان خود خارج می‌بینند. از این روی هاشمی را تنها ناجی افکار، عقاید، مشی و منافع سیاسی و اقتصادی خود دیده و پیرامون وی حلقه قدرتمندی تشکیل داده‌اند.

بی‌طرفی، سکوت و عدم حمایت

مرحله دوم انتخابات از منظر افکار عمومی داخلی و خارجی یک جنگ تمام عیار بود. جنگی نابرابر که در یک طرف احزاب، گروه‌ها، سازمان‌ها و چهره‌های سیاسی، مطبوعات و... با همه امکانات و ابزارها صف‌آرایی کرده بودند و در طرف دیگر ملتی آگاه، دین باور و عدالتخواه مصمم ایستاده بود. در این میان برخی تشکّل‌ها، حزب‌ها و گروه‌ها در حرکتی سؤال برانگیز سکوت اختیار کردند، یا بی‌طرفی خود را اعلام نمودند و یا با عدم حمایت از دو نامزد موضع سیاسی مبهمی اتخاذ کردند.

ـ جامعه روحانیت مبارز بیش از دیگران عملکردی دور از انتظار داشت. این تشکل که در مرحله نخست با صدور اطلاعیه هاشمی رفسنجانی را نامزد خود خوانده بود در مرحله دوم اعلام نمود که از هیچ یک از دو نامزد حمایت نمی‌کند؟!

ـ حزب مؤتلفه اسلامی که لاریجانی نامزد طیف گسترده این حزب با ۱/۵ میلیون رأی از صحنه خارج شده بود نیز در برخوردی تأمل‌انگیز هر دو نامزد را مساوی خواند؟!

ـ عسگر اولادی دبیرکل جبهه پیروان خط امام(س) و دبیر سابق مؤتلفه

اظهار داشت که هر دو نامزد حاضر در مرحله دوم انتخابات را اصول‌گرا تلقی می کنیم![1]

ـ اطلاعیه امضا شده توسط تعدادی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در حمایت از هاشمی، در مرحله دوم ریزش امضا داشت. تنها ٦ تن از امضا کنندگان مرحله نخست در مرحله دوم هم با صدور اطلاعیه به حمایت از هاشمی برخاستند. حضرات آیات جوادی‌آملی، مؤمن، استادی، مسعودی، معرفت و فاکر همچنان در صف حامیان هاشمی باقی ماندند.

به این ترتیب راهکار بی‌طرفی، سکوت، عدم حمایت و موضع خنثی در میان گروه‌های فوق پرسش‌های بی‌شماری مطرح کرد. از طرف دیگر هیچ یک از موضع‌گیری‌های حزبی، گروهی و سازمانی در آرای آگاهانه مردم به احمدی‌نژاد مؤثر نبود.

ج: تخریب و کودتا

راه سومی که حزب‌ها دنبال کردند، تخریب چهره احمدی‌نژاد بود که تا مرز کودتا علیه وی پیش رفت. هم آگاهان و هم مردم کوچه و بازار هرگز فضاسازی، رعب و وحشت، تهدید و ارعاب و تخریب گسترده علیه آرای ملت به احمدی‌نژاد را فراموش نخواهند کرد. در فاصله یک هفته، در دو مرحله انتخابات، «از زمین و هوا» بر سر احمدی‌نژاد آتش می‌بارید!

کاربرد ادبیات تخریبی، سخنرانی‌های تروریستی، موضع‌گیری‌های

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۲۸

تهاجمی، تصویرسازی انهدامی از انتخابات و... از جمله استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مجموعه اصلاح‌طلبان بود که در تاریخ ایران و تاریخ حزب‌گرایی این مرز و بوم ثبت و ضبط شد.

اکبر رضایی مسؤول ستاد هاشمی در مراغه گفت:

با پیوستن ستادهای مهرعلیزاده، کروبی، معین و قالیباف در این شهرستان به ستاد هاشمی فعالیت خود را آغاز کردند. در حال حاضر ۳۰۰ دفتر تبلیغاتی شهری و روستایی در این شهرستان برای ستاد هاشمی در دور دوم فعالیت می‌کنند.[1]

واقعیت آن است که در مرحله دوم، علاوه بر حزب‌ها، جناح‌ها و باندها، ستادهای تبلیغات نامزدهای شکست خورده هم وارد میدان شدند. این ستادها هم به مثابه حزب و گروه یا جریان سیاسی با هماهنگی کامل صف‌آرایی علیه احمدی‌نژاد را عملاً آغاز کردند.

محسن بهرامی سخنگوی ستاد قالیباف در گفت‌وگو با ایلنا، آشکارا در تخریب چهره احمدی‌نژاد این‌گونه گفت:

اصولگرایان و حامیان احمدی‌نژاد که در دور اول انتخابات، آرای قالیباف را به نفع خود مصادره کردند، قصد دارند در دور دوم نیز به همین روند ادامه دهند.

وی با بیان این که شایعه حمایت قالیباف و حامیانش را از احمدی‌نژاد بشدت تکذیب می‌کنیم، گفت:

آنچه مشخص و قطعی است این است که از احمدی‌نژاد حمایت نخواهیم کرد. ضمن اینکه احتمال حمایت از هاشمی را بررسی خواهیم کرد.[2]

در این گفته که عین واقعیت انجام شده است نکاتی در خور توجه

---

۱. خبرگزاری فارس	۲. روزنامه همبستگی ۳/۳۰

وجود دارد:

- احمدی‌نژاد نامزد ملت اصول‌گرا بود و قالیباف در این دایره حضور نداشت.

- مسأله‌ای که توسط اصلاح‌طلبان و هاشمی رفسنجانی و هوادارانش انتشار می‌یافت، مبنی بر تلاش گسترده و ویژه به نفع قالیباف بود و احمدی‌نژاد از آن بی‌نصیب بود.

- در تلاش‌هایی که پیرامون بررسی‌ها برای حمایت از هاشمی رفسنجانی در مرحله دوم به عمل آمد اقدامات ذیل صورت گرفت:

- خبرگزاری‌ها خبر ملاقات قالیباف با هاشمی رفسنجانی را در روز یکشنبه گزارش کردند.

- قالیباف پس از شکست انتخاباتی اعلام نمود:

> مردم به کاندیدایی رأی دهند که به ملاک‌های اصول‌گرایان اصلاح‌طلب نزدیک است.

همه می‌دانستند که احمدی‌نژاد اصول‌گرای اصلاح‌طلب نیست![1]

تلویزیون الجزیره هم موضع قالیباف را در مرحله دوم بدین نحو منعکس کرد که:

> محمد باقر قالیباف به‌طور ضمنی از مردم خواست به محمود احمدی‌نژاد نامزد محافظه کار تندرو رأی ندهند، و در مقابل حمایت خود را از هاشمی رفسنجانی محافظه کار واقع‌گرا اعلام کرد.[2]

تشکل‌های کم‌عضو مانند جامعه اسلامی دانشگاهیان، حزب تمدن اسلامی و... نیز همچنان به حمایت از هاشمی پرداختند.

شورای هماهنگی جبهه اصلاحات در بیانیه حمایت از هاشمی،

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۲۷   ۲. سایت آفتاب نیوز ۸۴/۶/۳

این‌گونه احمدی‌نژاد را تخریب کرد:

> برای مقابله با تحجر و واپس گرایی دینی، جلوگیری از انسداد سیاسی، تحقق حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و... در مرحله دوم از هاشمی حمایت می‌کنیم.

امضاکنندگان این بیانیه، این گروه‌ها بودند: مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه، حزب مشارکت، مجمع نمایندگان ادوار مجلس، انجمن اسلامی جامعه پزشکی، حزب کارگزاران سازندگی، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، مجمع نیروهای خط امام، حزب اسلامی کار، خانه کارگر، حزب همبستگی، انجمن اسلامی معلمان و فراکسیون خط امام مجلس شورای اسلامی.[1]

علاوه بر این گروه‌های مذکور به صدور اطلاعیه‌های مخرب دیگری نیز اقدام کردند. مجمع محققین و مدرسین قم در اعلامیه خود آورد:

> برای دفع اسلام طالبانی و سر بلندی عزت ایرانی لازم است از کاندیداتوری حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی حمایت کرد.[2]

ـ نهضت آزادی، گروهک غیرقانونی و اصلاح‌طلب، که در مرحله نخست از معین حمایت کرده بود در مرحله دوم به حمایت از هاشمی پرداخت. اطلاعیه این گروه، مردمی را که احمدی‌نژاد گزینه برتر آنها بود، به جنگ می‌طلبید:

> با توجه به خطر سهمناک تقویت استبداد و بسته شدن جامعه، به هیچ روی نباید قلمرو باقی مانده از قدرت را همانند شوراها و مجلس به فریب تحریم یا سراب قهر به رایگان باخت.[3]

---

۱. خبرگزاری فارس

۲. خبرگزاری فارس ۸۴/۴/۱

۳. سایت امروز ۸۴/۳/۳۰

حزب جوانان ایران اسلامی، هاشمی را تنها سرباز واقعی باقی مانده در سنگر اصلاح‌طلبان دانست و لزوم پیروزی او را در دور دوم برای ادامه حرکت اصلاح‌طلبی به آحاد ملت تأکید کرد.[۱]

حزب مشارکت ضمن بر شمردن خطر فوری بازگشت تحجر از عموم ملت خواست در دور دوم به هاشمی رأی دهند، و با رأی به هاشمی مانع از بروز فاجعه شوند.[۲]

حزب پاک ایران خواهان فعال شدن و تحرک همه اصلاح‌طلبان در این برهه از زمان شد و دخالت همه آزاداندیشان را در حمایت از هاشمی خواستار گردید.

این حزب در کارنامه خود دو سابقه نامیمون دارد:

اول: برپایی مراسم سوگواری برای کشته شدگان ۱۱ سپتامبر در آمریکا که اعضای پنتاگون بودند. دوم: برپایی مراسم شام غریبان حضرت سیدالشهدا که ضد اسلامی‌ترین حرکت‌ها را در توهین به ساحت مقدس آن بزرگوار به تصویر کشید.

در هر دو مراسم گروهی از رذل‌ترین زنان و مردان شمال شهر تهران با زننده‌ترین لباس‌ها و آرایش‌ها همراه سگ‌های خود در حالی که لباس سیاه بر تن داشتند و شمع‌های روشن حمل می‌کردند در یکی از میادین تهران تجمع کردند.

حزب مردم سالاری حمایت از هاشمی را جلوگیری از یکدست شدن حکومت اعلام کرد.

دبیر کل اتحادیه جهانی آشوری‌ها و کلدانی‌ها تأکید کرد این اقلیت

---

۱. سایت امروز ۸۴/۳/۳۱

۲. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۱

برای حفظ و تداوم روند مردم‌سالاری در ایران به هاشمی رأی خواهد داد. سازمان مجاهدین انقلاب نیز حمایت خود را از هاشمی بدین نحو اعلام نمود:

مشت آهنین اقتدار در دست‌کش حریر مردم‌سالاری بر سر مردم فرا رفته و آماده فرود آمدن است.

در کتاب نقش آفرینان سوم تیر آمده است:

جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب، حزب همبستگی، نهضت آزادی، جبهه دمکراسی و حقوق بشر ـ حامیان معین و... به سرعت ستادهای خود را برای حمایت از هاشمی تجدید سازمان کردند جلسات سخنرانی تاج‌زاده، حقیقت‌جو، باقی، مزروعی، آرمین، رهامی، کولایی، سحابی، توسلی، فولادوند، و... در حمایت از هاشمی در گوشه و کنار کشور سازماندهی و برگزار شد. هاشمی که تا اندکی پیش از نظر این عده چنان با دمکراسی دشمن بود که شعار آزادی اندیشه ـ با هاشمی نمی‌شه در سخنرانی‌هایشان فراموش نمی‌شد، ناگهان مظهر دمکراسی، آزادی بیان و... شده بود.[۱]

براستی چرا احزاب با هر نام، یا پسوند و پیشوند در تخریب احمدی‌نژاد و حمایت از رقیب او برخاستند؟ چرا یا سکوت کردند و یا با بی‌طرفی هر دو نامزد را مساوی دانستند؟ چرا حزب‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها و جریان‌ها در صف‌آرایی کامل، ملت را به مبارزه فکری ـ سیاسی طلبیدند؟ چرا رأی آگاهانه و آزادانه مردم که حکایت آشکار شکست گفتمان اصلاح‌طلبی و برگزیدن گفتمان عدالت محور به روایت احمدی‌نژاد بود، احزاب را به ائتلاف با هم و تقابل با مردم واداشت؟

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۱

از چه روی در این تقابل و صف‌آرایی علیه ملت، چپ و راست، اصلاح‌طلب و محافظه‌کار، سکولار و مذهبی، روحانی و ملحد در یک صف واحد، ملت را به زورآزمایی فراخواندند؟

این نکته یادآور نزدیکی و وحدت عملی کمونیسم روس و فاشیسم آلمانی در جنگ جهانی دوم بود، و به این مسأله اشاره داشت که در عرصه سیاست و قدرت، اعتقادات و فرهنگ و اصول برای سیاسی‌کاران حربه‌ای بیش نیست.

نکته دیگر آنکه باکدام توجیه، برخی گروه‌ها در چرخش شتابزده، مثلاً به حمایت از احمدی‌نژاد برخاستند. آیا فاصله یک هفته‌ای میان دو مرحله انتخابات به لحاظ کمی و کیفی می‌توانست تا این حد در آرای ملت تأثیرگذار باشد؟ آیا مردم انگیزه و هدف این گروه‌های متغیر و بی‌ثبات را شکست در مرحله نخست و حذف کامل نامزدشان از راه‌یابی به مرحله دوم ارزیابی نمی‌کردند؟ آیا در ارزیابی سنجیده ملت هدف آتی گروه‌های فوق «سهم خواهی» از احمدی‌نژاد نبود؟ مسأله‌ای که در صف‌آرایی آنها پس از پیروزی نهایی احمدی‌نژاد شفاف و صریح آشکار شد؟

نکته مهم و قابل توجه در این بحث آن است که شکست احزاب، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، از یک سو دست کم بی‌تفاوتی و نادیده انگاشتن آنان توسط ملت را می‌نمایاند، و از سوی دیگر علاوه بر عدم اعتماد و جبهه‌گیری ملت اصولگرا علیه احزاب، غوغا سالاری جناحی و حزبی را درباره تعداد حامیان ناچیز آنان نشان می‌داد.

در معجزه سوم تیرماه، مشخص گردید، حزب‌ها و گروه‌های بسیار، با

تمامی طبل‌های توخالی فاقد نیرویی قابل توجه هستند. همین امر در مورد صف‌بندی‌های قشری و صنفی صدق می‌کند.

به این ترتیب اکثریت قاطع ملت با وجود محروم بودن از ابزارهای تبلیغاتی، اما با برخورداری از ایمان قوی رستاخیز الهی سوم تیرماه ۱۳۸۴ را آفریدند.

اما ریشه‌یابی خطر و وحشتی که سبب چنین صف‌آرایی حزبی، جناحی وگروهی شده بود، در برداشت‌های بیگانگان، بازگوکننده مسائل بسیاری است. موارد ذیل اشارتی به این اظهارنظرهاست.

واشنگتن پست نوشت:

موقعیت احمدی‌نژاد زنگ خطری است که باعث وحشت اصلاح‌طلبان و حتی کسانی که سنتی فکر می کنند گردیده است تا آنها دست‌به‌دست هم دهند و از هاشمی حمایت کنند. احمدی‌نژاد گویا در همان سال‌های اولیه انقلاب جامانده است. فرهنگ سیاسی ـ اجتماعی او، همان فرهنگ سیاسی و اجتماعی ناخوشایند دهه ۶۰ است.[۱]

روزنامه تاکس اشپیگل آلمان هم اعتراف کرد:

احمدی‌نژاد دقیقاً از نکاتی در سخنان خود استفاده می‌کرد که سال‌های اول انقلاب، آیت‌الله خمینی بیان می‌داشت.[۲]

دکتر احمدی‌نژاد در فرازی از سخنان انتخاباتیش، به پرسش‌های بسیاری در این باره پاسخ می‌داد. از جمله اینکه:

این موضع عظیمی راکه ایجاد شده است، باید هدایت کرد و از آن استفاده نمود تا شاهد باشیم که ریشه فساد، خودخواهی و بهره‌برداری‌های غیرقانونی خشکانده شود.

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۷۸ ۲. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

وی انقلاب اسلامی را زمینه‌ساز نهضت جهانی امام عصر (عج) خواند و گفت:

باید به سرعت جامعه‌ای اسلامی پیشرفته، مقتدر و نمونه بسازیم تا سکوی پرش به جامعه مهدوی شود. ملت عزیز ما بار دیگر نشان داد که می‌خواهد مستقل، آزاد و در پناه ولایت و قرآن زندگی کند. انقلاب سوم آغاز شده است و این انقلاب، معیارها و آداب خاص خود را دارد.[1]

سوم تیر و شکست کامل احزاب، جریان‌ها و روشنفکران

معجزه سوم تیرماه و پیروزی دکتر «احمدی‌نژاد» ساختار حزب و حزب‌گرایی را در ایران اسلامی با شکستی فاحش روبه‌رو کرد. در واقع سوم تیرماه شکست کامل احزاب راکه در صف‌آرایی بی‌سابقه به مصاف ملت آمده بودند، به نمایش گزارد.

بدین جهت، پس از پیروزی شگفت‌آور دکتر احمدی‌نژاد، سردمداران سیاسی‌کار و حرفه‌ای‌کاران عرصه سیاست به تحلیل نشستند، تا رمز و راز این «شکست بزرگ از ملت» را بیابند. در میان تحلیل‌های حزب‌گرایان، اعتراف به شکست از سوی مردم، و تصریح و تأکید بر عدم اقبال مردم به «احزاب» و عناصر راست و چپ را می‌توان نمایان‌تر و برجسته‌تر یافت. بارزترین نمونه‌ها در اظهارات و اطلاعیه‌های آنان قابل ملاحظه است. در بخشی از اطلاعیه گروهک غیرقانونی نهضت آزادی که پس از سوم تیرماه صادر شده، آمده است:

شور حمایت از «کروبی» و «معین» در دور دوم به اضطرار، به حمایت از «هاشمی» تبدیل شد. طیف گسترده‌ای از روشنفکران، روحانیان و گروه‌های

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۷

سیاسی، از جمله نیروهای ملی ـ مذهبی برای پرهیز از یکدست شدن حاکمیت و پیامدهای آن رأی به «هاشمی» را توصیه کردند. اما این تدبیر کارساز نیفتاد و نتیجه انتخابات را به یک شگفتی مبدل ساخت.[۱]

«بهزاد نبوی» عضو مرکزیت سازمان مجاهدین در گفت‌وگو با «ایسنا» تصریح کرد:

به آرای مردم نگاه کنید، خیلی دقیق است از خط خیابان انقلاب به بالا در دوره اول، رأی دکتر «معین» و دور دوم رأی «هاشمی» حائز اکثریت است، و از این خط هر چه پایین‌تر می‌رویم رأی آقای احمدی‌نژاد بیشتر می‌شود.[۲]

برداشت واقع‌نگرانه «نبوی» نشان می‌دهد که «احزاب» با شکست عظیم از سوی ملت رویارو شده‌اند. این‌که اقلیت مردم شمال شهر تهران آرای‌شان به دو نامزد مشخص «حزبی» بوده و توده اکثریت پیرامون احمدی‌نژاد جمع گردیده‌اند، شکاف، فاصله و تضاد نگرش و انگیزه و اهداف احزاب را با ملت برملا می‌کند.

«حسین نجابت» نماینده تهران و سخنگوی فراکسیون اصول‌گرایان در مجلس نیز سخنانی درخور توجه دارد. او چنین می‌گوید:

انتخابات اخیر نشان داد که مردم به موضع‌گیری گروه‌ها و جناح‌ها کم توجه هستند، و این رویکرد مردم، ایجاب می‌کند تا گروه‌ها و اقشار در روند خود بازنگری داشته باشند.[۳]

در این میان، برداشت و موضع‌گیری «محمدنبی حبیبی» دبیر کل حزب مؤتلفه هم شنیدنی است. او با تلاشی بی‌نتیجه در پی گنجاندن آرای احمدی‌نژاد، در محدوده «حزبی» برآمده، و در این تلاش آشکارا

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۱۲
۲. روزنامه کیهان ۸۴/۱۲/۹
۳. خبرگزاری ایسنا ۸۴/۴/۱۲

واقعیات را نادیده گرفته است:

در انتخابات ریاست جمهوری مجموعه اصول‌گرایان پیروز شدند. نه این‌که فقط بگوییم آبادگران. آبادگران نیز در زیرمجموعه اصول‌گرایان جای می‌گیرند.[1]

شکست قاطع احزاب، آنچنان حزب‌گرایان را نگران ساخت که برخی از آنها به‌دور از استدلال و واقع‌نگری به هر تلاشی دست می‌زدند.

آیا واقعاً حمایت آبادگران، آن هم بخش کوچکی از آنان که تنها برخی از اعضای شورای شهر تهران را شامل می‌شد، عامل پیروزی معجزه‌آسای دکتر احمدی‌نژاد بود؟!

آیا مجموعه موسوم به اصول‌گرایان در دور اول با نامزدی «لاریجانی» و «قالیباف» دکتر احمدی‌نژاد را از لیست خود حذف ننمودند؟

آیا این مجموعه بنا بر آنچه گذشت، در مرحله دوم با ترفندهای سه‌گانه تغییر موضع و جهت، بی‌طرفی و سکوت و گرایش به هاشمی، توان تأثیرگذاری بر معجزه سوم تیرماه را داشتند؟ و آیا اصولاً انگیزه‌ای برای اعتماد و اطمینان توده‌ها به خود باقی گذارده بودند؟

بنابراین هم‌چنانکه در بخش‌های دیگر خواهد آمد، «سونامی» یا «شوک» احمدی‌نژاد در دو مرحله انتخابات نهم، تمامی صف‌آرایی‌های سیاسی را به‌طور کامل درهم شکست، که مهمترین آنها شکست «احزاب» بود که در مرحله دوم به‌گونه اعجازآور به وقوع پیوست.

واقعیت آن است که شانزده سال حاکمیت «سازندگی» و «اصلاحات»

---

۱. خبرگزاری ایسنا ۸۴/۴/۱۲

دوران تفرقه و تشتت بود. فرهنگ نابسامان این دوران، به گسست وحدت ملی انجامید، و هر گروه سیاسی را در برابر دیگری و همه آنها را در مقابل ملت قرار داد. تنها ثمره ساختن و پرداختن حزب و گروه و روشنفکری، هنرمندی و نخبگی، جدایی از ملت، و غیرخودی دانستن آنها توسط مردم بود. با یک نگاه گذرا به شانزده سال گذشته به‌آسانی می‌توان این لایه‌ها را بریده و بیگانه از مردم دید. انگیزه، هدف و مطالبات آنان هیچ پیوندی با خواست‌ها و دردها و اهداف ملی نداشت، بلکه در اکثر اوقات و در موضوعات مختلف، با خواست‌ها و مطالبات مردم نیز در تقابل بود.

در این میان تبدیل عرصه هنر، به هنر شاهنشاهی، محتوایی ضد ملی داشت و «منافع» مورد نظر و طرح شده از سوی روشنفکران و نخبگان با «منافع ملی» سازگار نبود. به عنوان مثال، مسائلی چون «رابطه با آمریکا» و حل مسأله «انرژی هسته‌ای بنا به خواست سلطه‌گران» و... از سوی روشنفکری و برخی نخبگان تا مرز «استقلال‌ستیزی» و «پذیرش سلطه» دنبال گردید. چنین مسائلی مردم را نسبت به واژه روشنفکری و نخبگی بی‌اعتماد نمود و کاربرد این واژگان را در قالب خاص غربی آن نمودار کرد. ملت به‌درستی فهمید روشنفکر و نخبه و هنرمند تنها در دایره محدود «دین‌ستیزی» و «ارزش‌زدایی» و تعارض با فرهنگ و اصول و آرمان‌های ملت می‌گنجد. کسی که از این دایره خارج باشد، با هر میزان توان علمی، هنری، پژوهشی و... در حصار ساخته شده توسط روشنفکری نمی‌گنجد. در انتخابات نهم این مبنا و محتوا، میدان تبلیغات و رقابت سالم را مسموم کرد، و عرصه انتخابات به میدان جنگ

گروه‌های مذکور با ملت بدل گردید؛ که در نهایت مغلوب اراده ملت شد.

از آن‌جا که در تقسیم‌بندی‌های سیاسی، نمایندگان مجلس در زمره روشنفکران و نخبگان علمی ـ سیاسی به‌حساب می‌آیند، و از آنجا که نمایندگان مجلس در انتخابات نهم موضعی کاملاً حزبی اتخاذ نمودند، لازم است که به موضع‌گیری این گروه در همین بخش اشاره شود. در گذر از موضع‌گیری‌های نمایندگان مجلس حد و مرز هماهنگی، همدلی و هم‌خوانی دیدگاه اعتقادی و سیاسی آنها با ملت روشن می‌شود.

نمایندگان مجلس

پیش از پرداختن به مصادیق مورد نظر، ضروری است از موضع‌گیری و صف‌بندی تعجب‌برانگیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی سخن گفت. بی‌گمان ملت توقع نداشت نمایندگانش در مجلس در جناح‌بندی و سیاسی‌کاری وارد عمل شود. ملت می‌پنداشت وکلای آنها در مجلس شورای اسلامی، با هر سلیقه و موضع سیاسی، به منافع اسلام و ملت و کشور می‌اندیشند، بویژه که مجلس هفتم با اکثریت موسوم به اصول‌گرا شکل گرفته بود. ورود نمایندگان مجلس به عرصه جناح‌بندی و حزب‌گرایی، مجلس را از استقلال تهی می‌ساخت و اعتبار گذشته و آینده آن را مورد تردید قرار می‌داد.

با این وجود انتخابات نهم نمایش گسترده موضع‌گیری سیاسی نمایندگان مجلس بود. در مرحله اول انتخابات آن‌گونه که گذشت، مجلس به چند گروه فعال سیاسی تقسیم شد:

ـ جمعیت ایثارگران و آبادگران حامیان قالیباف بودند.

ـ گروه وفاق و کارآمدی و گروه‌هایی از اقلیت و اکثریت که با جدیت تمام از «هاشمی» حمایت می‌کردند.
ـ گروه اکثریت که به حمایت از لاریجانی برخاستند.
ـ اقلیت مجلس نیز به حامیان معین و کروبی تقسیم می‌شدند؛ ضمن آنکه هاشمی اصلی‌ترین نامزد آنها بود!!

این مسأله هم بدعت بود و هم از نتیجه انتخابات حکایت می‌کرد که حداقل «جدایی مجلس از مردم» بود.

شگفت‌آور آن‌که برخی از نمایندگان آشکارا در ستادهای تبلیغاتی نامزدها فعالیت داشتند.

افرادی چون جبارزاده، کاظم جلالی، قدرت‌الله علیخانی و رضا عبداللهی هم در تلاش فزاینده برای هاشمی، دیدار وی را با گروهی از نمایندگان ترتیب دادند. هاشمی در این دیدار تعدادی از نمایندگان مجلس را به عنوان مشاوران خود منصوب کرد.[۱]

در مرحله دوم هم نمایندگان مجلس به صف‌آرایی پرداختند. به گفته «قدرت‌الله علیخانی» نماینده بوئین‌زهرا ۱۸۰ نماینده از هاشمی حمایت کردند. این فرد بهترین گزینه برای جلوگیری از افراط و تفریط در شرایط جامعه امروز را هاشمی دانست.[۲]

نمایندگان حامی هاشمی رفسنجانی در مرحله دوم، صف‌آرایی علیه آرای آگاهانه ملت را تدارک دیدند. تخریب، انحراف و بمباران القائی توسط این نمایندگان، دکتر احمدی‌نژاد را مورد تهاجم قرار داد.

«علیخانی» از فعالین انتخاباتی هاشمی در دور دوم بود. وی در

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۰۷ ۲. خبرگزاری ایسنا ۸۴/۳/۳۱

مراسمی در دانشگاه آزاد قزوین، توهین بـه احـمدی‌نژاد را مـوضوع و محتوای سخنرانی خود قرار داد. در این سخنرانی علیخانی به کلمه جلاله «الله» سوگند خورد که اگر احـمدی‌نژاد رأی بـیاورد از مـجلس اسـتعفا خواهم داد.

از آن‌جا که این نماینده لباس روحانیت به‌تن دارد، احتمالاً می‌دانست سوگند به کلمه جلاله «الله» ضامن عملی قطعی است. از ایـن‌روی مـلت می‌خواهد بداند چرا این فرد به انجام این حکـم شـرعی اقـدام نکـرد؟! علیخانی پس از سوم تیر در یکی از نطق‌های پیش از دستور با قلدرمآبی تمام به رئیس‌جمهور منتخب اهانت کـرد! حـرکت غـیراخـلاقی و غـیر اسلامی وی با سکوت کامل سردمداران اصول‌گرای مجلس روبه‌رو شد!

در مراسم، دانشگاه آزاد قزوین نماینده مجلس خبرگان رهبری استان قزوین هم با تخریب احمدی‌نژاد «ابرقدرتی» هاشمی را دلیل حمایت از وی تأکید کرد. فیلم این مراسم که با خنده، استهزا و اعتراضـات شـدید حضار همراه بود، تکثیر شد و هم اکنون در دسترس مردم قرار دارد.

در طیف دیگر نمایندگان مجلس، درباره حمایت از دکتر احمدی‌نژاد برای دور دوم «تردید» وجود داشت. «میرتاج‌الدیـنی» نـماینده تـبریز و عضو ستاد «لاریجانی» در جمع خـبرنگاران گـفت: هـنوز نـظر جـمعی نمایندگان اصول‌گرا در حمایت از احمدی‌نژاد اعلام نشده است.[۱]

در این بین ده‌ها تن از نمایندگان هر دو طیف مجلس به دیدار هاشمی رفسنجانی رفته، صراحتاً از وی حمایت کردند. این گروه، حـتی پس از پیروزی دکتر احمدی‌نژاد، در حرکتی نـمادین بـار دیگـر بـا «هـاشمی»

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۳/۳۰

ملاقات نمودند. این عده که برخی نمایندگان تهران در میانشان حضور داشتند، در واقع صف‌آرایی مجدد گروهی و حزبی علیه ملت را برای چندمین بار اعلام می‌کردند.

البته چرخش و تغییر جهت ایثارگران و آبادگران، نمایندگان وابسته به این دو تشکل را هم به تغییر موضع واداشت. آنان از روز ۲۸ خرداد تا سوم تیر ماه بتدریج از قالیباف عدول کردند و به دکتر احمدی‌نژاد متمایل شدند.

بدین‌ترتیب نمایندگان مجلس نه‌تنها برخلاف انتظار ملت در عرصه سیاست به حمایت گروهی و جناحی و حزبی پرداختند، بلکه با عدم حمایت از احمدی‌نژاد، تنها نامزد مستقل، فاصله خود را با آرا و مطالبات واقعی ملت آشکار ساختند.

- تعداد معدودی از نمایندگان مجلس مانند خانم‌ها آلیا وشایق در طول انتخابات از حامیان دکتر احمدی‌نژاد بودند.

با کمال تعجب پس از پیروزی دکتر احمدی‌نژاد ملت شاهد صف‌بندی مجلسیان در برابر او بود که به «نقد درون‌گفتمانی» و «انجام وظیفه نمایندگی» و غیره تعبیر شد. «عماد افروغ» به‌عنوان نماینده‌ای از آبادگران مجلس و حامی سرسخت قالیباف، در موضع‌گیری‌ها، با شیوه‌ای تند و زنجیره‌ای علیه برنامه، وزرا، تصمیمات و رفتارهای دکتر احمدی‌نژاد به رئیس جمهور حمله‌ور شد. این نماینده در اظهاراتی حیرت‌آور، فاصله اندک زمانی را در فراموشی اذهان ملت نسبت به واقعیات نادیده گرفت و گفت:

> **بنده شخصاً به‌عنوان یک فرد از جریان اصول‌گرا که در رأی آوردن احمدی‌نژاد به سهم خود نقش ایفا کردم، هیچ مشورتی با من نشد!**

وی در جمله‌ای متناقض با ادعای قبلی‌اش گفت:

الآن مرتب در معرض سؤال مردم هستیم که چرا به دولت کمک نمی‌کنید؟[۱]

از سوی دیگر «حاجی‌بابایی» نماینده همدان و عضو هیأت رئیسه مجلس در اظهارنظری، فاصله فاحش نگاه خود و هم‌فکرانش را با منظر احمدی‌نژاد نشان داد. وی درباره پیشنهاد رئیس‌جمهور دکتر احمدی‌نژاد، درباره نام‌گذاری سالی به‌نام «مهرورزی به بندگان خدا» گفت:

مهرورزی یعنی حقوق بشر، کمک به فقرا، عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و... این پیشنهاد می‌تواند مکمل پیشنهاد آقای خاتمی در نام‌گذاری سال گفت‌وگوی تمدن‌ها باشد. شاید به اندازه آن تأثیرگذار نباشد، اما بی‌تأثیر هم نخواهد بود.[۲]

در این اظهارنظرها روشن می‌شود که برخی از مجلسیان، شکست کامل گفتمان اصلاح‌طلبی را باور ندارند. علاوه بر آن‌که مسایل کهنه با کاربرد صرف سیاسی همچون گفت‌وگوی تمدن‌ها از سوی «خاتمی» در نگاه آنها «تأثیرگذار» هم هست!

در این صورت احتمال حمایت مقطعی گروه‌هایی از نمایندگان مجلس در دور دوم به‌صورت راه‌کاری سیاسی و مبتنی بر شائبه‌ی «سهم‌خواهی» از دولت احمدی‌نژاد، قوت بیشتری می‌گیرد.

موضع‌گیری‌های شدید مجلس در برابر رئیس‌جمهور که در معرفی اعضای کابینه، به ظهور رسید، و نمایندگان اکثریت، گوی سبقت را در مخالفت‌ها از اقلیت ربودند، مسأله تأمل‌برانگیز دیگری است.

پیش از آن دکتر حداد عادل، در یک سخنرانی به میهمان‌نوازی از

---

۱. روزنامه آفتاب یزد ۸۴/۹/۲۰ ۲. روزنامه حمایت ۸۴/۶/۱۷

رئیس‌جمهور پرداخت. او که میزبان نخستین حضور رئیس‌جمهور در مجلس بود، با لحنی تند «بایدها» و «نباید»هایی را مطرح ساخت و خواهان «عدم تغییر مدیران دوم‌خردادی» شد! رئیس مجلس در این نطق گام بلندی هم برداشت و رئیس‌جمهور را تهدید کرد که «اگر چنین کاری صورت بگیرد، شخصاً و همگام با مجلس در برابر او خواهد ایستاد»!

بازتاب‌های برخورد مجلس اصول‌گرا با رئیس‌جمهورِ با ویژگی‌های فردی و آرای معجزه‌گونه را می‌توان در نمونه‌های زیر دید. یک روزنامه دوم خردادی در برداشتی یادآور می‌شود:

مخالفت‌های عماد افروغ، محمد خوش‌چهره و الیاس نادران نمایندگان آبادگر مجلس با وزیران آبادگر رئیس جمهور را به‌خاطر بیاورید تا به همه‌جانبه بودن این افتراق بیشتر پی ببرید.[۱]

عدم رأی اعتماد مجلس به چهار وزیر احمدی‌نژاد، استقبال مجلس از رئیس‌جمهور بود! همانگونه که دکتر احمدی‌نژاد خود اشاره داشت چنین امری در مورد دیگر رؤسای جمهور بی‌سابقه بوده است؛ اما مجلس هفتم نه تنها به آن همت گمارد، بلکه به سه وزیر پیشنهادی برای وزارت نفت هم پی در پی رأی عدم اعتماد داد؟!

شکرالله عطارزاده نماینده بوشهر برخورد مجلس با کابینه احمدی‌نژاد را کاملاً سیاسی دانست و گفت:

در جریان رأی اعتماد سه طیف با اتکا به نیروهای خود، بازی پنهان کردند. طیف کارگزاران که نیروهایش تحت مدیریت عسکری نماینده مشهد در نطق‌ها و مخالفت‌هایشان، سعی در سازماندهی رأی اعتماد به شش وزیر داشتند. طیف دوم که بخشی از اکثریت بودند و ترکیبی از آبادگران و ایثارگران بودند.

---

۱. روزنامه مردم‌سالاری ۸۴/۱۱/۱۵

آنها که در دور اول انتخابات از کاندیدای خود یعنی قالیباف حمایت می‌کردند، و انتظار داشتند که در رأس وزارت‌خانه‌هایی قرار بگیرند. عدم به کارگیری آنها در ترکیب کابینه، انگیزه لازم را به آنان داد تا تحت مدیریت احمد توکلی به رأی عدم اعتماد به برخی وزرا اقدام کنند. طیف سوم، اقلیت بودند که در ظاهر هیچ مخالفتی با وزرای پیشنهادی نداشتند، اما تحت مدیریت یکی از اعضای ارشد خود رأی کاملاً منفی به سبد احمدی‌نژاد ریختند.

وی عملکرد مجلس و برخی اصول‌گرایان را نسبت به کابینه احمدی‌نژاد غیر واقع‌بینانه ارزیابی کرد، و افزود:

معتقدم احمدی‌نژاد جواب آزاداندیشی خود را به بدترین شکل ممکن از برخی اصول‌گرایان دریافت کرد.[1]

تذکر «یحیی‌زاده» نماینده مردم تفت و میبد هم گویای بسیاری از اسرار است. او در تذکر خود اعلام کرد:

طبق آمار در پنج ماه گذشته ۲۱۳ سؤال از وزرای آقای احمدی‌نژاد مطرح شده است، درحالی که از دولت خاتمی در پنج ماه اول ۵۳ سؤال که در مجلس پنجم بود، و در دور دوم ۱۲۰ سؤال پرسش شده بود.[2]

دکتر حداد عادل هم در سخنان خود، به این امر عجیب اشاره داشت و بیان کرد که به هیچ روی به‌لحاظ زمانی این پرسش‌ها امکان دریافت پاسخ نخواهند داشت؟!

نخبگان و دانشگاهیان در عرصه سیاسی‌کاری

بی‌گمان در هر جامعه‌ای شمار نخبگان و اندیشمندان خارج از دایره دانشگاه کم نیستند. جامعه اسلامی ایران با ساختار تمدنی ویژه دارای

---

۱. روزنامه آفتاب یزد ۸۴/۶/۷

۲. روزنامه ایران ۸۴/۱۱/۱۷

نخبگان و اندیشمندان بسیاری در خارج از حوزه دانشگاه است. اما فرهنگ و تمدن جدید غرب با دگرگونی فرهنگی به پی‌ریزی نگرش و تفکری خاص پرداخته و ایران اسلامی نیز از این آسیب مصون نمانده است. از این روی در کشور ایران با تمدن غنی اسلامی ایرانی و فرهنگ ریشه‌دار عظیم، به‌مثابه یک کشور و ملت جدیدالولاده، نخبه و اندیشمند و دانشمند در محدوده دیوارهای دانشگاهی محبوس هستند. بدین جهت در بررسی انتخابات نهم، چنین افرادی در رویارویی با ملت مشاهده می‌شوند. بدیهی است این گروه که در میان ملت به‌لحاظ تعارض فکری و نگرشی پایگاهی ندارند، چندان قابل توجه نیستند. از سوی دیگر نخبگان واقعی و دانشگاهیان اصیل با داشتن ریشه مبنایی در اعتقادات و اصول و هویت ثابت مورد قبول و اتکای ملت می‌باشند. نماد بارز و برجسته این طیف «دکتر احمدی‌نژاد» است که در یک رفراندوم ملی، سمبل اراده آگاه و اعتقادات فرهنگی و سیاسی ملت گردید.

موضع‌گیری دانشگاهیان یا نخبگان با تعریف بالا، هرگز مورد توجه جامعه اسلامی نبوده است. افراد و گروه‌هایی با تفکر سکولار یا لیبرال و یا التقاط فکری ـ سیاسی همواره در تقابل و تعارض با ملت بوده و هستند. این گروه‌ها هم در انقلاب اسلامی و هم در انتخابات نهم، که به‌لحاظ شگفتی‌سازی، تکرار شکوهمند انقلاب اسلامی بود، با ملت ستیزی خصمانه داشتند.

نمونه آن اعلامیه‌ای با امضای دویست تن از چهره‌های دانشگاهی است که در مرحله نخست انتخابات با حمایت از «معین» مطالبات خویش را به‌عنوان مطالبات مردم بدین‌سان طرح نمودند:

از عموم شهروندان دعوت می‌کنیم با رأی دادن به معین، به‌عنوان کف مطالبات دمکراسی‌خواهانه مردم، اقتدارگرایی را در دستیابی به مطامع ضد ملی خود ناکام گذارند.

این گروه‌های دانشگاهی یا نخبه که از آغاز پیروزی انقلاب، هرگز با مردم همدلی نداشتند، و در جنگ تحمیلی، و مصائب ناشی از آن کمترین اثری از همدردی سیاسی، حقوقی و... به‌عنوان یک ایرانی از خود به‌یادگار نگذاشتند، در دور دوم انتخابات به «هاشمی» روی آوردند.

«هاشمی رفسنجانی» نیز به گروهی که دانشگاه را مرکز و تریبون فریادهای ضد ملی قرار داده بودند، امید بست. از این روی تنها حضور «هاشمی رفسنجانی» در خارج از دفتر کارش، در دور دوم انتخابات رفتن به دانشکده فنی دانشگاه تهران بود.

به گزارش خبرگزاری «فارس»، عصر ۳۱ خرداد هم برنامه تریبون آزاد دانشجویی با عنوان «صدای پای فاشیسم» به دعوت حزب اراده ملت ایران در دانشگاه علم و صنعت برگزار شد. با وجودی که ۱۵۰ نفر از دانشجویان از ساعت اعلام شده در محوطه چمن جلوی دفتر انجمن اسلامی دانشجویان حاضر شده بودند، اما هیچ‌یک از کسانی که قرار بود در برنامه سخنرانی کنند، در جمع دانشجویان حاضر نشدند. در این برنامه که به‌منظور دفاع از برنامه‌های «هاشمی» برگزار شده بود، افرادی چون احمد حکیمی‌پور، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، محسن آرمین، علی‌اکبر موسوی خوئینی و فاطمه حقیقت‌جو برای سخنرانی دعوت شده

بودند.[۱]

البته جامعه دانشگاهی عموماً چنین موضعی نداشت و بویژه در قشر دانشجویان مسلمان، رفتارها معکوس بود. گرچه تفرقه و تشتت سیاستمداران و دست‌اندرکاران عرصه سیاست به دانشجویان هم سرایت کرده و در مرحله نخست آنان را از موضع ثابت باز داشته بود، اما در مرحله دوم در یک گام نُه تشکل عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل از احمدی‌نژاد حمایت کردند. در اطلاعیه آنها آمده بود:

> در شرایطی که احمدی‌نژاد از حداقل امکانات تبلیغی برخوردار بود توانست به مرحله دوم راه یابد...
>
> اکنون در مرحله دوم احمدی‌نژاد که با رأی و انتخاب شما مردم در بین حیرت مافیای قدرت و ثروت توانست اعتماد مردم را به خود جلب کند، مجدداً دست یاری خویش را به‌سوی احزاب و گروه‌های سیاسی و باندهای اختاپوس اقتصادی و سیاسی، بلکه به‌سوی شما دراز می‌کند... رأی به احمدی‌نژاد اعتراض به مدیریت قبیله‌سالار هزار فامیل است.[۲]

به هر روی، موضع‌گیری برخی دانشگاهیان، نمره منفی بزرگی برای آنها به‌جاگذارد. بدین معنی که دکتر احمدی‌نژاد نماد کامل و برجسته‌ای از اساتید فرهیخته و دانشمند بود. مدیریت او در کلان شهر تهران هم توانمندی فوق‌العاده‌اش را به منصه ظهور رسانید و هم او را که مسؤولی مردم‌گرا بود در بین مردم محبوب کرد. دانشگاهیان سیاسی‌کار در راهکارهای سیاسی، چنین «نماد ویژه‌ای» را نادیده گرفتند، یا به معارضه با او برخاستند.

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۴/۱

۲. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۰

تعدادی دیگر که خود را اصول‌گرا می‌دانستند، با وجود چنین شخصیت برجسته‌ای، گرد یک نظامی سیاسی شده حلقه زدند و تمام وجهه علمی خود را به‌پای او ریختند. در مرحله دوم علاوه بر تشکل‌های دانشگاهی گروه‌هایی رقیب احمدی‌نژاد را سرسختانه حمایت نمودند و تا مرز تخریب احمدی‌نژاد پیش رفتند. رقیبی که به اعتقاد کارشناسان، عالمان و عموم ملت ایران، برنامه‌های سازندگیش، حداقل مسبب گسترش فقر، ایجاد اقلیت سرمایه‌خوار، شکاف طبقاتی و... شده بود!

این دانشگاهیان حتی نخواستند یا نتوانستند مهمترین مطالبات ملی را آنچنان که یک کارشناس سیاسی خارج از ایران، درک کرد، بنگرند.

دکتر محمد سعید ادریس، سردبیر مجله مسایل ایران در مرکز علوم سیاسی و استراتژیک الاهرام مصر، در تلویزیون ماهواره‌ای کویت گفت:

> **پیروزی دکتر احمدی‌نژاد نتیجه سیاست‌های تعدیل و فقیر شدن توده‌های مردم ایران توسط اصلاح‌طلبان بود. به طوری که در مرحله اول کروبی و معین را مردم رد کردند، و در دور دوم سیاستمدار بزرگ جمهوری اسلامی را کنار زدند.**[۱]

هنرمندان و آرایش سیاسی

در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مانا، ادب و هنر، مقوله‌های پاک و عاری از آلودگی هستند. انتظار نسل‌ها آن بوده که در تندبادهای سیاسی و ویرانگری‌های کینه‌توزانه و قدرت‌طلبانه عرصه‌های فوق مصون بمانند. یقیناً «هنر» و «ادب» متعالی به‌گونه طبیعی، مانایی و پویایی را مدیون

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۶

هدف معناگرایانه خویش هستند. از این روی در ایران اسلامی با تمدن بالنده و غنی اسلامی، فرهنگ‌سازی در میادین هنر و ادب، نه تنها دستاویز و مغلوب دگرگونی‌های دنیاگرایانه نگردیده، بلکه هنر و ادبیات اصیل همواره از این تهاجمات سربلند بیرون آمده است. اما اومانیسم مهاجم با معنایی واژگونه از فرهنگ، هنر و ادبیات را با میدان‌داری روشنفکری غرب‌زده، به آلودگی سوق داد. واژگونی مبنایی هنر و ادب ایران اسلامی و بی‌هویتی فرهنگ‌سازان بی‌فرهنگ در سده گذشته، بزرگترین آفت در این حوزه بوده است.

شانزده سال حاکمیت توسعه اقتصادی و سیاسی، هنر و هنرمند را به قهقرا برد و آن دو را در بستر تساهل و تسامح در آتش ارتجاع سوزانید.

از این روی در انزوا و غربت هنر متعالی اسلامی و هنرمندان متعهد، «بازیگران بی‌فرهنگ» ابزار کار سیاسی‌کاران شدند و این مسأله را «هنر» و «هنرمند» نامیدند!

انتخابات نهم، دست تقدیر الهی بود که به افشای ماهیت بسیاری از مسائل پرداخت. «هنرمندان» با تعریف بالا نیز در این تقدیر الهی کارنامه نامطلوبی داشتند.

در حمایت از هاشمی اطلاعیه‌ای صادر شد که افرادی چون حاتمی‌کیا و کمال تبریزی (کارگردان فیلم مارمولک و سازنده فیلم تبلیغاتی هاشمی رفسنجانی) از امضاکنندگان مشهور آن بودند این هنرمندان از مرحله دوم انتخابات از سوی ملت طرد شدند. در اطلاعیه آنان آمده بود:

> ملت رشید ایران... در پرتو توسعه و بلوغ چشم‌گیر سیاسی خود، یقیناً تمام اعمال و رفتار حاکمان را به‌دقت زیر نظر دارند که فرهنگ ساده‌زیستی را رواج دهد، و ایجاد رفاه در پرتو استقرار عدالت اجتماعی را سرلوحه برنامه‌های خویش

قرار دهد و...

جالب است که این اطلاعیه با این لحن عدالتخواهانه در حمایت از «هاشمی رفسنجانی» صادر شده بود![1] جالب‌تر آنکه هنرمندان مذکور با یک «هنرنمایی» به انحراف افکار و اذهان عمومی پرداخته بودند. بدین معنا که از یک سو مطالبات واقعی ملت را که نماد آن در آرای مرحله نخست دکتر احمدی‌نژاد بود، طرح کردند، و از دیگر سوی هاشمی را که به‌لحاظ دیدگاه فردی و برنامه‌هایش در گذشته و حال با این مطالبات تقابل و تعارض آشکار داشت، به‌عنوان نامزد خود معرفی نمودند.

آیا این هنرمندان آنقدر با مردم فاصله داشتند که شعارهایی چون «فقر و فساد و تبعیض، احمدی‌نژاد به پاخیز» و «رأی به احمدی‌نژاد شکستن مافیای قدرت و ثروت است» را بر دیوارهای شهر نمی‌دیدند و فریاد میلیونی ملت را با این شعارها نمی‌شنیدند!

در اعلامیه دیگری که امضای برخی چهره‌های سینما و تلویزیون دوران طاغوت، و افراد بدنام و معلوم الحال را هم داشت، تصریح شده بود:

> به امید شکوفایی هرچه بیشتر سینمای ملی ایران و ارتقاء شرایط برای رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و صنعتی از «هاشمی رفسنجانی» پرچمدار صلاح و اصلاح حمایت می‌کنیم.[2]

جمعی از دست‌اندرکاران تئاتر نیز با صدور اطلاعیه‌ای این‌گونه به حمایت از «هاشمی» برخاستند:

> در صیانت از حریم و حرمت خود و دفاع از آزادی تضمین‌کننده حیات فرزانه ما، در دفاع از عدالت، توسعه پایدار، تولید فرهنگ عقلانی، محرومیت‌زدایی،

---

۱. خبرگزاری ایسنا ۸۴/۳/۳۱
۲. خبرگزاری ایسنا ۸۴/۳/۳۱

رفع هرگونه تبعیض به هاشمی رأی می‌دهیم.[۱]

بدین ترتیب این به اصطلاح هنرمندان روشن کردند که پیام گفتمان اسلام ناب احمدی‌نژاد و اراده یکپارچه ملت هوادار او را شنیده‌اند، اما هم‌چنان هاشمی را به منظور دفاع از تفکر خویش برمی‌گزینند!

ورود سیاسی‌کارانه هنرمندان و آرایش سیاسی آنها، نشان داد که ملت راه و سرنوشت خود را از تحرکات غرضمندانه «روشنفکری» با عناوینی چون نخبه و یا هنرمند و یا... جدا کرده است. رویِ دیگر این سکه ضرب شده توسط ملت، پشت کردن و شکست صف‌آرایی روشنفکرانه به وسیله آرای آگاهانه خویش بود.

چهره‌های سیاسی

چهره‌های سیاسی، در کنار حزب‌ها و جریان‌های سیاسی در انتخابات نهم موضع‌گیری کردند. برخی از آنها که فعالان حزبی و باندی و گروهی بودند، با تغییر رنگ و چهره، گاه در اردوگاه راست و گاه در خیمه چپ حضور می‌یافتند. بعضی دیگر خارج از بازی‌های سیاسی حتی سال‌های طولانی را در سکوت به‌سر برده بودند.

اشخاصی که در این بخش از آنان یاد می‌شود، به این معنا نیست که دارای ارزش و جایگاهی در خور توجه هستند، بلکه بسیاری از آنها اصولاً فاقد ارزش و جایگاه مردمی، سیاسی یا دینی‌اند. ولی از آن‌جا که نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از زوایای مختلف یک امتحان بزرگ الهی بود، و دست خداوند آرای ملت را رقم زد، معرفی این افراد

---

۱. خبرگزاری ایسنا ۸۴/۳/۳۱

در صف‌آرایی واحد علیه «ملت» و «مطالبات واقعی و ارزشمدارانه» او ضروری به‌نظر می‌رسد.

۱ ـ مهدی کروبی: نامزدی که به دور دوم راه نیافت. به همین خاطر پس از اعلام نتایج مرحله اول، تهاجم گسترده‌ای را آغاز کرد. وی که تلاش‌های مجریان وزارت کشور را در تغییر آرای احمدی‌نژاد و رساندن خود به دور دوم بی‌ثمر می‌دید، مسؤولان عالی‌رتبه نظام اسلامی و نهادهای کشوری و آرای ملت را مورد تهمت و افترا قرار داد. کروبی که به تندروی‌های بی‌استدلال عادت داشت، پیش‌تر گفته بود: «چه کسی جرأت می‌کند مرا رد صلاحیت کند؟!» با همین نحوه استدلال، در نامه تهاجمی خود آورد:

اینجانب به وزیر کشور پیشنهاد کردم ساعات رأی‌گیری را بیش از حد ضرورت تمدید نکنند، که ایشان اعلام کرد، ممکن است از برخی مراکز قدرت برای تمدید مکرر ساعات رأی‌گیری فشار وارد شود.[1]

توهم و اتهام زنی کروبی که ناشی از عصبیت ویژه او بود، وزارت اطلاعات دولت خاتمی را ناچار کرد از یک نظرسنجی واقعی که تا آن زمان بر مردم پنهان بود، پرده بردارد. وزارت اطلاعات در نامه‌ای به «کروبی» اعتراف کرد که در نظرسنجی‌های آخرین روزهای باقی مانده به انتخابات، احمدی‌نژاد با آرای بالا در صدر قرار داشته است!

۲ ـ «هاشمی رفسنجانی»: او علاوه بر به‌کارگیری ماهرانه و گسترده تمام ابزارهای سیاسی و هزینه مضاعف تبلیغاتی، در مرحله دوم، شخصاً وارد میدان شد. وی که با «نگاه از بالا»ی همیشگی به ملت، عدم اقبال

---

۱. نامه ۸۴/۳/۳۰

عمومی نسبت به خود را در خواب هم باور نمی‌کرد، برای نخستین بار به میان مردم رفت. اما این «مردم» عبارت بودند از معدود دانشجویانی که در دانشکده فنی دانشگاه تهران تجمع کرده بودند!! حضور «هاشمی»، حضوری اصلاح‌طلبانه بود و محتوای سخنانش نیز تخریب دکتر احمدی‌نژاد را در پوشش تبیین دین شکل داد!

وی اظهار داشت:

باید از تحجر و کوته‌بینی دست برداریم. اعلام می‌کنم آنانی که می‌خواهند با افراط گری، الگوی جامعه شوند، با قرآن غریبه‌اند.[1]

در این مراسم که الهه کولایی، غلامحسین کرباسچی، مهدی هاشمی، عطریانفر، و بیژن زنگنه حضور داشتند، دانشجویان شعار می‌دادند: هاشمی هاشمی برای رفع فاشیسم حمایتت می‌کنیم.[2]

آیا این هاشمی همان کسی نبود که در کتاب‌ها، مقالات و شعارهای اطلاح‌طلبان به‌عنوان سردمدار دیکتاتوری، قتل، استبداد و... متهم شده بود؟ آیا افرادی که اینک او را «ضد فاشیسم» می‌خواندند، شعاردهندگان دیروز نبودند؟ آیا سیاستمدار کهنه‌کاری چون «هاشمی» ذهن فراموش‌کاری داشت؟ یا سعه صدر او این‌چنین وی را مهربان کرده بود؟ یا این‌که کسب قدرت و بر زمین زدن حریف او را به هر بهایی به صحنه می‌کشانید؟ و بالاخره آیا رقیبی چون احمدی‌نژاد که در این بمباران تبلیغاتی حاضر به کمترین میزان عدول از اصول، اخلاق و ارزش‌ها نبود، سزاوار چنین مجازاتی بود؟ آن هم از سوی هاشمی که فقط به لحاظ سنی، سمت پدری وی را داشت؟

---

۱. روزنامه اعتماد ۸۴/۴/۱
۲. روزنامه ایران ۸۴/۴/۱

به‌هرحال «هاشمی» به کمتر از رأی آوردن با هر قیمت و هزینه راضی نبود. او در این راه تخریب احمدی‌نژاد را مدنظر داشت و از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد.

هاشمی، این نامزد مرحله دوم، با صدور بیانیه‌ای با به کارگیری ابزار تخریب رقیب نقش مؤثر خود را در ترور شخصیت و تخریب احمدی‌نژاد اثبات کرده در بیانیه سی خرداد هاشمی آمده بود:

آن‌چه ضرورت داشت که هم‌پای این مشارکت همگانی در نظر گرفته شود، رعایت حسن سلوک انتخاباتی و ادب تبلیغاتی بود، که متأسفانه به‌دلیل پاره‌ای از اقدامات و البته دخالت‌های سازمان‌یافته، منظره با شکوه و امیدبخش انتخابات را آلوده کرد. حضور شکوهمند ملت، این‌بار از ناحیه کج‌سلیقگی‌ها و بددلی‌های برنامه‌ریزی شده به رنج افتاد و طی رقابت‌های انتخاباتی از طریق تخریب نامزدها و زیر سؤال بردن غیرمنصفانه عملکردهای انقلاب اسلامی و مدیران کشور آغاز شد.

در این بیانیه، بر تهدیدهای داخلی و خارجی، پیشگیری از گسترش افراط و تفریط، توسعه اقتصادی، اسلام ناب نه افکار متحجرانه و اعمال ریاکارانه و... تأکید شده بود.

هاشمی در بیانیه‌اش هم‌چنین آورده بود:

متأسفانه همان تفکری که در دوران مبارزه در مقابل امام و همراهان ایستادگی می‌کرد، امروز پوستین اسلام را وارونه پوشیده و ریاکارانه و فریبکارانه مشغول است و اصرار دارد که افکار معیوب خود را به‌جای معارف اصیل اسلام به دیگران تحمیل کند.[1]

مسلّم بود مردم فهیم، دین‌دار، آگاه و باشعور این تخریب و تحریف

---

۱. اطلاعیه ۸۴/۳/۳۰

وسیع را نخواهند بخشید. واقعاً چرا هاشمی با افترا و تهمت آشکارا رقیب و مردم رأی‌دهنده به او را بمباران می‌کرد؟ فهم، آگاهی و شعور ملی این تهاجم هولناک را صبورانه تحمل کرد، اما پاسخ قاطع آن را در مرحله دوم انتخابات به نمایش گذارد.

معجزه سوم تیرماه بیش از هر مسأله پاسخ اعتقادی، فکری و سیاسی مردم به شخص «هاشمی» و نگرش و بینش و روش سابقه‌دار او بود، که در انتخابات نهم به‌گونه ملموسی ظاهر شده بود. رأی‌دهندگان به‌هیچ وجه نتوانستند تخریب علیه دکتر احمدی‌نژاد را در بیانیه هاشمی نادیده بگیرند.

همچنین فضاسازی رعب‌آور و وحشت‌زا از شرایط کشور از سوی هاشمی نیز از منظر ملت، راهکاری صرفاً سیاسی و تبلیغاتی در جهت تضعیف رقیب، و اقتدار شخصی تلقی شد. با این وجود «هاشمی» آن‌گاه که در مرحله دوم تنها با ۱۰ میلیون رأی از سوی مردم رانده شد، باز هم روش خود را ادامه داد. از جمله آن‌که:

الف ـ هاشمی هرگز به آرای ملت یعنی به برگزیده محبوب آنها «احمدی‌نژاد» تبریک نگفت! این حرکت نه برای «هاشمی» بلکه برای هر رقیب دیگر یک «اجبار اخلاقی» بود، و در عرف سیاسی این مرز و بوم هم سابقه داشت. در سال ۷۶ پیش از پایان شمارش آرا، به محض آن‌که مشخص شد «خاتمی» پیروز میدان رقابت گردیده، «ناطق نوری» رقیب اصلی او با ارسال نامه‌ای، پیروزی وی را تبریک گفت، و این حرکت، به‌عنوان یک پیروزی «فرهنگی و اخلاقی» برای «ناطق نوری» در اذهان مردم باقی ماند.

هاشمی نه‌تنها حاضر نشد حداقل همانند شخصیت‌های خارجی به

«اراده ملت» احترام بگذارد، بلکه تلاش کرد به‌گونه دیگری هم‌چنان از موضع بالا با ملت برخورد کند. وی پس از پایان مرحله نخست، اطلاعیه‌ای صادر کرد و با مظلوم‌نمایی بی‌پایه و غیرقابل قبول، تلاش کرد افکار عمومی را نسبت به نتیجه انتخابات بدبین سازد.

ب ـ هاشمی رفسنجانی با داشتن تریبون مقدس نماز جمعه، از این ابزار در جهت خواست‌های شخصی سود برد. نخستین خطبه‌های نماز جمعه پس از انتخابات را به دفاع از خود اختصاص داد. این هم بدعتی دیگر در انتخابات نهم بود. در این خطبه‌ها که مصادف با ایام فاطمیه (س) بود، هیچ اشاره‌ای به این مناسبت نشد، بلکه دو خطبه، به دو مسأله اختصاص یافت:

۱ ـ مظلوم‌نمایی و تلاش در ایجاد تردید نسبت به نتیجه انتخابات.

۲ ـ تلاش در ایجاد مطالبات غیرواقعی، و به‌معنایی کارشکنی علیه رئیس‌جمهور منتخب.

هاشمی در خطبه اول اظهار داشت:

> هر کس احساس می‌کند برخلاف حق اتفاقی افتاده است، به‌خاطر مردم و انقلاب باید همه یکپارچه و همدل و همراه در حمایت از رئیس‌جمهور منتخب وارد عمل شویم!

نکته درخور تأمل آن است که هاشمی در دوره نخست ریاست جمهوری خاتمی، از سوی اصلاح‌طلبان به‌شدت تخریب شد. این تخریب هاشمی را به‌خاطر عملکردهای پیش و پس از انقلاب او، با زشت‌ترین ادبیات و خشن‌ترین شکل‌ها بمباران کرد. اکبر گنجی نویسنده هتاک اصلاح‌طلب حتی به نگارش کتابی با نام «عالی‌جناب سرخ‌پوش» اقدام کرد تا در آن هاشمی را از زوایای مختلف تخریب کند.

توهین، ناسزا، اتهام، دروغ و شایعات در آن دوران سیاه، از هاشمی چهره‌ای ساخت، که حتی چهره‌های ننگین دوران سلطنت پهلوی به پای او نمی‌رسیدند. با این وجود اعتراض، شکایت، انتقاد، گلایه و یا اشاره‌ای از سوی هاشمی، خاندان، حزب و حامیانش به این مهم ملاحظه نشد. در انتخابات مجلس ششم در یک تخلف و تقلب گسترده، هاشمی مانند دیگر نامزدهای خارج از لیست حزب دولتی مشارکت از صندوق‌ها بیرون نیامد. بررسی تقلب و تخلف گسترده وزارت کشور، نشان داد که وی جزء منتخبین تهران بوده است. ولی او در یک حرکت معنادار با اعلام انصراف، مانع رسیدگی بیشتر به قانون‌شکنی‌های وزارت کشور دولت خاتمی شد. در آن زمان حامیان هاشمی این اقدام او را به بزرگواری، سعه صدر و بی‌اعتنایی او به قدرت و سیاست تعبیر کردند. راه طولانی تخریب هاشمی توسط اصلاح‌طلبان در تجمعات اراذل و اوباش حزبی با شعار «آزادی اندیشه با هاشمی نمی‌شه» نمایان بود. باز هم هاشمی بزرگواری و بی‌اعتنایی به قدرت را آن‌چنانکه طرفدارانش مطرح می‌کردند، پی گرفت و سکوتی هشت ساله داشت.

باکمال تعجب در انتخابات نهم اصلاحات و حزب‌های غوغاسالار و چهره‌های مخرب آن، مانند گنجی، باقی، قوچانی، کدیور، ابراهیم نبوی، مهاجرانی، سروش و... بویژه در مرحله دوم حامیان سرسخت هاشمی بودند! شگفت‌آورتر آن‌که تقابل هاشمی با احمدی‌نژاد و مردم رأی‌دهنده به او تحت عنوان دفاع در برابر تخریب‌گری پایان ندارد. مظلوم‌نمایی، تهمت‌زنی، کنایه و تحریک از سوی هاشمی پی در پی ملاحظه می‌شود و ملت را با این پرسش بزرگ مواجه می‌کند که چگونه

هاشمی در برابر سال‌ها تخریب و ترور شخصیت خود توسط اصلاح‌طلبان حتی در یک جمله دفاعی به صحنه نیامد، اما در این انتخابات حاضر نیست، واقعیت‌ها را پذیرفته و با دست برداشتن از ادعاهای واهی بویژه درباره احمدی‌نژاد و حامیانش، صحنه قدرت را ترک کند؟

به‌نظر می‌رسد در تخریب‌گری اصلاح‌طلبان، مسأله اساسی بر محور ویرانگری اصول و آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و حضرت امام(س) بود، از این روی برای هاشمی دغدغه دفاع، توضیح یا توجیه ایجاد نکرد. اثبات این موضوع جمله ننگین اکبر گنجی، حامی هاشمی در دور دوم انتخابات است که گفت: اندیشه و افکار امام؛ به موزه‌های تاریخ سپرده شده است. ولی در انتخابات نهم «هاشمی» با هدف پیروزی و حفظ قدرت روند مظلوم‌نمایی و دفاع را پی‌گیری می‌کند.

همچنین در اصلاح‌طلبی، برخلاف این تخریب‌گری ظاهری، اقتدار هاشمی و حزب و نزدیکان وی همچنان پایدار بود. اما در انتخابات نهم اولاً هاشمی به‌منظور حفاظت از قدرت، و با هدف پیروزی به هر وسیله و شکل، به میدان آمده بود. ثانیاً پیروزی احمدی‌نژاد پایان اشرافی‌گری و قبیله‌سالاری و حاکمیت اسلام ناب را در مدیریت‌ها نوید می‌داد. به این جهت هاشمی در دفاع شخصی، با تمام توان و با بهره‌گیری از هر ابزار غیر مشروع وارد صحنه شد.

ثالثاً آنچه را که هاشمی تحت عنوان تخریب خود قلمداد می‌کند، همان افشاگری پیرامون مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی او، فرزندان و خویشاوندانش است.

رابعاً دکتر احمدی‌نژاد و حامیانش در افشای این مسائل هم کمترین

دخالتی نداشتند.

ـ نکته دیگر این پرسش است که هاشمی از کدام «حق»، و کدام اتفاق خلاف حق سخن می‌گوید؟

در ادامه «هاشمی» گفته است:

من در این روزها با سیلی از تلفن‌ها و پیام‌ها از سوی کسانی مواجهم که در انتخابات با طرح برخی مسایل مرا تخریب کردند و اکنون از کرده خویش پشیمان هستند، و انتظار بخشش دارند که همه را می‌بخشم.

واقعاً چه کسانی و با بیان و افشای چه مطالبی «هاشمی» را تخریب کردند؟ در نامه سرگشاده جمعی از فضلای حوزه علمیه قم خطاب به هاشمی پاسخ این پرسش آمده است. در این پاسخ به گوشه ناچیزی از این واقعیت‌ها اشاره شده است:

خود می‌دانید تقریباً همه بوق‌های تبلیغاتی استکبار جهانی دست نشانده استعمار پیر انگلیس و آمریکای جهانخوار و حتی صداهای وابسته به صهیونیست جهانی، به حمایت از شما و مقابله با رقیب شما در دور دوم انتخابات برخاستند و همه گروه‌هایی که در ایران به نحوی سابقه مقابله با اصل نظام و اسلامی بودن نظام را داشتند و هم اکنون در حال مقابله با نظام و اصول اسلامی آن هستند، حمایت از شما را به مصلحت خود دیدند و با تمام توان نیروهای خود را برای به قدرت رسیدن شما بسیج کردند.[1]

آیا در خطبه‌های نماز جمعه ـ اگر محل ایراد چنین سخنانی بود ـ نباید به تخریب‌گری‌های گسترده علیه احمدی‌نژاد هم، که به‌خصوص در مرحله دوم انتخابات به شیوه کودتای همه‌جانبه انجام گرفت، اشاره می‌شد؟ آیا این موج عظیم تخریب علیه احمدی‌نژاد و در حمایت از

---

۱. هفته‌نامه پرتو سخن ۸۴/۷/۶

«هاشمی» به انجام نرسید؟ آیا بسیاری از آنها را ستادهای حمایتی وی انجام ندادند؟

هاشمی در فرازی دیگر گفت:

همان‌طورکه در برنامه‌های تبلیغاتی خود برای ریاست جمهوری گفتم، براساس بیمه بیکاری باید به مجردها ۸۰ هزار تومان و برای متأهلان ۱۲۰ هزار تومان پرداخت شود.[۱]

نکته اینجاست که:

اولاً «هاشمی» در تبلیغات مرحله دوم این وعده را داد! در همان زمان پرسش مردم این بود که اگر این نامزد به‌گونه واقعی چنین برنامه‌ای را عملی می‌داند، چرا در مرحله اول به آن نپرداخت؟! همچنین نتیجه انتخابات نشان داد که مردم از این وعده هم استقبال ننمودند. بنابراین «هاشمی» هم به‌عنوان خطیب جمعه و هم نامزدی که مورد اقبال عمومی واقع نشده، نباید این مسأله را تکرار می‌کرد.

آیا مردم طرح مجدد مسأله فوق را ساختن «مطالبات مالی القائی» در جهت کارشکنی و ایجاد جو علیه رئیس‌جمهور منتخب ارزیابی نکردند؟ قطعاً چنین بود، همچنان‌که راهکار دیگر هاشمی و طیف و باند سرمایه‌دار و بیت‌المال‌خوار حامی او را در مسائل آتی با همین دید نگریسته و می‌نگرند!

ج ـ هاشمی رفسنجانی به فاصله کمی از آغاز مسؤولیت رئیس‌جمهور منتخب، طی حکمی محمد خاتمی را به عنوان سومین عضو مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب نمود. بدین

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۱۱

ترتیب در این مرکز حساس مثلث هاشمی، حسن روحانی و خاتمی تشکیل شد که به اعتراف کارشناسان دوم خردادی تشکیل آشکار یک جبهه در برابر دولت اسلامی احمدی‌نژاد بود.

د ـ راهکار دیگر هاشمی انجام سفرهای استانی پس از آغاز به کار دولت آقای احمدی‌نژاد است. او در این سفرها با سخنان خود به فضاسازی علیه دولت و نگرش و تصمیمات احمدی‌نژاد می‌پردازد. در سفر به استان قم، دیداری بی‌سابقه با مراجع داشت که در برخی از آنها نسبت به تصمیمات عزت‌مند احمدی‌نژاد پیرامون مسأله انرژی هسته‌ای، ابراز نگرانی کرد.

هاشمی که به نظر می‌رسد به هیچ روی حاضر به کناره گیری از قدرت نیست، هم‌چنین در جمع ائمه جمعه سراسر کشور به کنار گذاشتن مدیران فاسد در دولت جدید اعتراض کرد و گفت:

این جریان به حذف، تصفیه و منزوی کردن برخی افراد دست زده است و حتی قصد دارند نیروهای این نظام را با بدنام کردن منزوی کنند.[۱]

وی در همین مراسم با یک تهدید آشکار گفت:

جریان امروز سعی دارد افراد با ارزش و مدیران شایسته را طرد و منزوی کند. اگر افراد زیادی از عرصه تصمیم‌گیری کنار گذاشته شوند، آنها نیز رفتاری تهاجمی به خود می‌گیرند؟[۲]

تهدیدات هاشمی به کدام طرح و برنامه اشاره دارد؟ پرسشی است که تخریب‌های آینده او و حامیانش علیه دولت احمدی‌نژاد پاسخ آن خواهد بود. مطلب دیگر آن است که آیا هاشمی نمی‌خواهد بپذیرد که آرای ملت در انتخاب احمدی‌نژاد دست رد ملی بر دیدگاه‌ها، برنامه‌ها، و

---

۱. روزنامه شرق ۸۴/۸/۲۶ ۲. روزنامه مردم‌سالاری ۸۴/۸/۲۶

فساد گسترده مدیران مورد نظر وی بود؟ چگونه ملت باید وی را به این امر مهم آگاه نماید؟!

ه: همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد به فکر تدوین آئین‌نامه جدید افتاد. محسن رضایی دبیر مجمع در این باره گفت:

مجمع تشخیص در هشت سال گذشته فعالیتی بر اجرای سیاست‌های کلیّ نظام نداشته است، اما با تصویب آئین‌نامه جدید، فضایی به‌وجود می‌آید که می‌تواند بر اجرای سیاست‌های کلان نظام که ابلاغ شده یا می‌شود نظارت کند و با تهیه گزارش آن را به‌تصویب مجمع برساند، یا به رهبری ارائه دهد.[1]

این مصوبه که در هشت سال گذشته نیازی به تصویب آن دیده نشده و با پیروزی دکتر احمدی‌نژاد، و تشکیل دولت اسلامی او تصویب و اجرای آن ضروری گردید! به‌خاطر تعارض با دیگر قوا برخی از نمایندگان مجلس را به واکنش واداشت. آنها چنین مصوبه عجولانه‌ای را مغایر با قانون اساسی و در جهت تضعیف و تفکیک قوا و مخالف با استقلال مجلس دانستند.

۳ ـ آقای نورمفیدی امام‌جمعه گرگان، در اعلامیه خود، با استفاده از ادبیات ویرانگر اصلاح‌طلبی از هاشمی حمایت کرد. در اعلامیه وی آمده بود:

خطری که از ناحیه بدفهمی و کج‌اندیشی‌ها متوجه پیکره دین و روحانیت شده مسؤولیت امثال بنده را مضاعف نمود. من هرگز باور ندارم آنچه امروز توسط برخی از مخالفان قدیمی امام به نام دین مطرح می‌شود، و توسط بعضی دیگر اجرا می‌گردد، مرضی امام زمان باشد. صریحاً عرض می‌کنم از حاکم شدن این

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۷/۱۰

تفکر بر کشور بیمناکم و آینده انقلاب را در خطر می‌بینم.[1]

۴ـ آقای طاهری اصفهانی اعلام نمود:

این‌جانب اعتلا و نجات کشور را در انتخاب هاشمی می‌بینم، و در مرحله دوم بدون تردید به ایشان رأی می‌دهم. در شرایط فعلی و با وضعیتی که پیش آمده برای کشور و انقلاب احساس خطر جدی می‌کنم و خاموشی راگناه و سکوت را خیانت می‌دانم.[2]

ملّت واقعاً می‌پرسد: آیا این افراد عملکرد دولت‌های حاکم در شانزده سال گذشته را در جهت حفظ اسلام و انقلاب ارزیابی کرده‌اند؟

آیا این اشخاص حامیان سرسخت اصلاح‌طلبی نبودند؟ آیا آنها فرهنگ‌سوزی را، علاوه بر تشکیل و عمق‌گیری و توسعه مافیای قدرت و ثروت خطری برای انقلاب و آرمان‌های امام احساس نکردند؟ و این مسائل را مرضی امام زمان (عج) می‌دیدند؟

اساسی‌ترین پرسش ملت این بود که «احمدی‌نژاد» به کدامین گناه باید چنین مجازات می‌شد؟ البته مردم پاسخ صریح را در برخی از اظهارات شخص «احمدی‌نژاد» دریافت می‌کردند. مثلاً آنجا که می‌گفت:

ـ پانزده سال است که زندگی لذت‌جوی افراطی در کشور ترویج می‌شود، درحالی که مردم ایران اساساً بسیار اجتماعی و غم‌خوار یکدیگرند.

ـ مروّجان فرهنگ و اقتصاد لیبرالی برای اثبات خود به تخریب نیروهای انقلاب روی آورده‌اند.

ـ اقتصاد لیبرالی وحی منزل نیست که بر آن سجده کنیم. در واقع یکی از ریشه‌های مفاسد اقتصادی همین رویکرد لیبرالیستی اقتصاد است.

ـ آیا عزت و اقتدار امیرالمؤمنین علی (ع) و رهبر عزیز انقلاب، به لباس‌های فاخر یا زندگی در کاخ است؟ آن چیزی که مردم رویش حساب می‌کنند، قدرت

---

۱. روزنامه شرق ۸۴/۴/۱

۲. روزنامه شرق ۸۴/۴/۱

روحی، اتکال و توکل انقلابیون است.[۱]

بدین ترتیب باید تحلیل و اعتراف یکی از مخالفان دکتر احمدی‌نژاد را مبنا و هدف چنین موضع‌گیری‌هایی دانست که:

آیا دشمنی با کسانی چون احمدی‌نژاد و نگرانی از پیروزی‌شان موجب نشد که از جاده انصاف و عدالت خارج شویم.[۲]

۵ ـ اسدالله بیات، عضو روحانیون مبارز در حمایت از هاشمی واقعاً مرزهای انصاف را درهم شکست و با یک عصبانیت ویژه گفت:

با روند پیش گرفته شده، جریانی روی کار خواهد آمد که نه‌تنها افراد شناخته شده نیستند، بلکه آن مقدار که عقاید خویش را مطرح کرده‌اند، و سابقه‌شان گواهی می‌دهد، متهم به داشتن افکار و اندیشه‌هایی هستند که تاریخ مصرفشان قرن‌هاست در سراسر عالم و سال‌هاست در ایران سپری شده است.

وی افزود:

شعارهای ایشان، آشنایان به تاریخ اسلام را به‌یاد گروه‌هایی می‌اندازد که بسیار متحجر و واپس‌گرا بودند.[۳]

اما واقعیت این بود که سخنان این فرد اهانت‌های «اکبر گنجی» نسبت به اندیشه‌های حضرت امام(عج) را به‌یاد می‌آورد که گفته بود: باید اندیشه‌های امام را در موزه‌های تاریخ جست!

۶ ـ حسین موسوی تبریزی، عضو دیگری از روحانیون مبارز با تصریح بر حمایت از «هاشمی» اظهار داشت:

«هاشمی» بهترین گزینه پیش روی است. این‌که بخواهیم مملکت را با لباس و کفش مندرس اداره کنیم، توهین به مردم است. افرادی حامی «احمدی‌نژاد» هستند که در زمان جنگ هیچ کاری نکردند، و امام را دوست نداشتند.[۴]

---

۱. روزنامه شرق ۸۴/۳/۳۰
۲. سایت روزنت. نقل از کیهان ۸۴/۴/۱۱
۳. سایت هاتف نیوز ۸۴/۳/۳۰
۴. سایت هاتف نیوز ۸۴/۳/۳۰

مرور مسائلی که منجر به کنار گذاشتن این افراد از مسؤولیت شد، بهترین گزینه در تحلیل سخنان اوست. اما «احمدی‌نژاد» اسلام مورد قبولش را چنین توضیح می‌داد:

ما با برقراری عدالت دنبال این هستیم که ثروت کلانی را که در دست برخی افراد خاص است بین مردم تقسیم کنیم. با شکل گرفتن قله‌های ثروت، قدرت‌مندان اقتصادی با در اختیار گرفتن رسانه‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی، فساد و تبعیض را به دورن نظام نفوذ می‌دهند. حل مشکلات امروز مردم بازگشت به اسلام و تشکیل دولت عدالت‌خواه است.[۱]

۷ ـ «هادی قابل» رئیس جبهه مشارکت قم، پروسه تخریب «احمدی‌نژاد» را چنین پی گرفت:

مردم باید سوابق این افراد را برای رأی دادن در دور دوم بررسی کنند. اینها جزء گروه‌های خشونت‌طلب بودند و خشونت را تقدیس می‌کردند و امروز نمی‌توانند صحبت از آرامش کنند. فضای فکری این مجموعه فضای بسیار محدودی است که شرایط را به‌سوی فضای تفکیک دو جنس سوق می‌دهد. آقایان دغدغه تماس دو جنس را دارند و مأموریت دینی‌شان را این می‌دانند که همه‌جا پرده بکشند و یا دیوار. طرح پارک‌های جداسازی شده و گورستان‌های جداسازی‌شده براساس این اندیشه شکل می‌گیرد.[۲]

۸ ـ آقای صانعی، نیز از چهره‌هایی بود که برای مرحله دوم با صدور اطلاعیه‌ای موضع‌گیری خاص داشت. در این اطلاعیه تصریح شده بود:

خدای نخواسته حضور کم‌رنگ‌مان موجب ضعف دولت و کم بودن آرای رئیس‌جمهور منتخب که پشتوانه مردمی او، یعنی همان پشتوانه الهی که یدالله مع الجماعه می‌باشد، زمینه‌ساز حکومت اختناق و سرنیزه، و حکومت ارتجاع و متحجران و واپس‌گرایان گردد.

---

۱. روزنامه شرق ۸۴/۳/۳۰ ۲. سایت آفتاب نیوز ۸۴/۳/۲۱

ملت هرگز نخواهند گذاشت که عده‌ای متحجر و واپس‌گرا، آرمان‌های انقلاب و امام امت را خدشه‌دار کنند، و زحمات یک صدساله آزادی‌خواهان را در راه تحقق مردم‌سالاری و واگذاری امور مردم به‌دست خودشان، و حاکمیت دین و عقل جمعی بر هواخواهی و استبداد فردی از بین ببرند.[۱]

۹ ـ «محمدجواد حجتی کرمانی» تنها گزینه منجی را «هاشمی» خوانده و با یادداشتی در روزنامه اطلاعات اینگونه «دین» و «شعور» و اراده ملت را به بازی و استهزا گرفت:

اکنون تنها گزینه آقای هاشمی است. این نوشته برحسب احساس شدید مسؤولیت در قبال خطرات قطعی است که ما را و موجودیت ما را و دین و وطن و ناموس و حیثیت و انقلاب و جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند. هواداری از هاشمی بر همه ما فرض است.

وی خود را در جایگاه مرجعیت قرار داده و به صدور فتوا نیز پرداخت:

عقلاً و شرعاً رأی دادن به «احمدی‌نژاد» را حرام می‌دانم؟[۲]

۱۰ ـ «عباس عبدی» در نامه‌ای که ظاهراً در تاریخ ۳۰ خرداد به یکی از نزدیکان «هاشمی» نوشت و در سایت‌های اینترنتی منتشر شد، برای افزایش آرای «هاشمی رفسنجانی» در دور دوم رهنمودهایی ارائه کرد. وی دو شرط را لازمه جذب آرا برای «هاشمی» دانست:

اول این‌که مردم نسبت به احمدی‌نژاد نفرت پیدا کنند، و او را برای جامعه خطری جدی به‌شمار آورند. دوم این‌که حاضر شوند برای خنثی کردن چنین خطری به آقای «هاشمی» که طبعاً مطابق رأی مرحله اول مقبول آنها نیست، رأی بدهند.

---

۱. خبرگزاری ایسنا ۸۴/۳/۳۱ ۲. روزنامه شرق ۸۴/۴/۳۰

«عبدی» در توضیح این مسأله گفته بود: آقای هاشمی تنها در صورتی پیروز میدان خواهد بود که با اطرافیانش بتوانند خطر واقعی حضور «احمدی‌نژاد» را برای کشور از حیث سوء استفاده اقتصادی و سیاسی، بین‌المللی و فرهنگی نمایش دهند، و آن را به جریانی فراگیر تبدیل نمایند. البته پرداختن به مسائل آمریکا و احتمال حمله آمریکا به ایران، در صورت پیروزی احمدی‌نژاد از جمله مسائل مهمی است که ممکن است مردم را به نفع هاشمی پای صندوق‌های رأی بکشاند.

مرور بر پروسه تخریب «احمدی‌نژاد» از سوی چهره‌ها، مطبوعات، سایت‌ها، ستادهای تبلیغاتی و نمایندگان رقیب در برنامه‌های تلویزیونی، حاکی از اجرای راهبرد فوق است.

راه‌کارهای پیش گرفته از سوی شخص «هاشمی» و نمایندگانش نیز دقیقاً عمل به دو شرط عبدی بود که نمی‌توانست بدون پشتوانه فکری و سیاسی خارجی باشد.

برنامه‌های مخرب «مرعشی» و «نوبخت» نمایندگان مستقیم «هاشمی» در سیمای جمهوری اسلامی علیه «احمدی‌نژاد» را هیچ فرد با وجدان و منصفی از یاد نخواهد برد. همچنین هیچ عقل و منطقی، بر کینه‌توزی‌های آنان که هدف آن صرفاً ترور شخصیت احمدی‌نژاد بود صحه نگذارده و نخواهد گذاشت.

تأکیدات هاشمی بر تهدیدهای خارجی، و بزرگ‌نمایی مشکلات و معضلات سیاسی و اقتصادی در داخل و خارج، در بیانیه مکتوب و آخرین برنامه تبلیغاتی او که از تلویزیون پخش شد نیز ادعای فوق را تأیید می‌کند.

با وجود این، آیا از برخی چهره‌ها پذیرفتنی است که در پوشش اسلام، و اسلام‌خواهی؛ منویات خود را در اجرای راهکارهای عباس عبدی دنبال نمایند؟ نویسنده کتاب «نقش آفرینان سوم تیر» می‌نویسد:

هاشمی در آخرین نطق تلویزیونی در مرحله دوم، از همه مردم خواست یا این برنامه را ضبط کنند و یا از حرفهایش یادداشت بردارند تا بعداً از او مطالبه کنند. اما برنامه جدید وی تقریباً در هیچ روزنامه‌ای انعکاس نیافت. روزنامه‌های دوم خردادی با تمام توان مشغول خلق هیولایی بودند که قرار بود پیاده‌روها را دیوار بکشد، آسانسورها را زنانه ـ مردانه کند، موهای بلند مردها را با تیغ بزند و چنان وحشت و خفقانی درست کند که آن سرش ناپیداست.[۱]

به‌راستی «احمدی‌نژاد» چه وعده‌هایی می‌داد که این تهاجم و یورش مغولانه پاسخ آن بود. وی می‌گفت:

آرایش سیاسی به‌هم خواهد خورد. شرایط انتخابات به گونه‌ای تغییر خواهد کرد که دولت اسلامی برپا شود. با اجرای دستورات اسلامی، دستورالعمل‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول باید دور ریخته شود. اگر در جامعه دستورات اسلامی پذیرفته شود، دیگر «ربا» را توجیه اقتصادی نمی‌دانند، و نام حرام‌خواری و تجاوز به اموال عمومی را زرنگی نمی‌دانند.[۲]

۱۱ ـ در نامه همسر شهید رجایی هم آمده بود:

در انتخابات اخیر ریاست جمهوری متأسفانه شخصیت شهید بزرگوار «رجایی» در سطح وسیع به‌شکل‌های گوناگون با آقای احمدی‌نژاد شبیه‌سازی شده، و مورد سوء استفاده انتخاباتی قرار گرفته است، و این خود عین بی‌عدالتی است[!؟] چگونه از ابتدای راه با بی‌عدالتی در رسیدن به قدرت که به فساد نزدیک‌تر است، می‌توان عدالت را پیاده کرد. بنابراین خود را موظف می‌دانم تا از کسی که شهید شده، و در قید حیات نیست که مستقیماً از خود دفاع

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۸۹

۲. سخنرانی در مسجد کاشان

کند، به دفاع از او و از ارزش‌های الهی پرداخته و این‌گونه شگردهای ناعادلانه و ترفندهای غیر خداپسندانه را محکوم کنم.
در این‌جا نگرانی خود را از یک دست شدن حاکمیت ابراز، و اعلام می‌کنم که آقای احمدی‌نژاد سنخیت و نسبتی با شهید رجایی ندارد. خانواده شهید رجایی او را نمی‌شناسند و با احمدی‌نژاد هیچ ارتباطی ندارند.[1]

بدون پرداختن به محتوای این نامه، اشاره می‌شود که همسر شهید «رجایی» در سال‌های نخست ریاست جمهوری «محمد خاتمی» در تأیید او، سخنی داشت که تیتر برخی از روزنامه‌های دوم‌خردادی شد. این سخن عبارت بود از:

«همان عشقی را که به رجایی داشتم به سید محمد خاتمی دارم.»

لذا نگاه به برخی فرازهای مقاله آقای حسن عسکری‌راد پیرامون نامه مذکور که چند روز پس از انتخابات سوم تیرماه در روزنامه کیهان به‌چاپ رسید، کفایت می‌کند. آقای «عسکری‌راد» از یاران نزدیک شهید رجایی و نویسنده چندین کتاب و مقاله درباره این شهید بزرگوار است. وی در مقاله خود که خطاب به همسر شهید رجایی نگاشته، آورده بود:

بیش از یک ساعت با شما درباره مفاد آن نامه گفت‌وگو کردم. شما گفتید اگر آقای احمدی‌نژاد آن‌طور که خود را معرفی و مطرح کردند، در آینده عمل کنند، از ایشان عذر خواهم خواست.

نویسنده در مقاله خود، تشخیص مردم را در تشبیه دکتر احمدی‌نژاد به شهید رجایی، صحیح ارزیابی کرده بود. او استدلال‌های همسر شهید رجایی را در «نفی نسبت خانواده شهید با دکتر احمدی‌نژاد» که به «انحصار رجایی در محدوده خانواده» می‌انجامید، غیرخردمندانه

---

۱. نامه ۸۴/۳/۲۰

خوانده بود. همچنین از همسر شهید رجایی این پرسش را داشت که «گناه احمدی‌نژاد در درک و شعور و آگاهی مردم چیست؟»

به‌طور کلی بسیاری از چهره‌های سیاسی و مذهبی خود را برای حمایت از هاشمی هزینه کردند. بهای پرداخت شده همراه با تخریب احمدی‌نژاد بود، که به آن اشاره شد.

حضور برخی چهره‌های قابل توجه در این میدان، از دید همگان مشکوک بود در کتاب نقش آفرینان سوم تیر آمده است:

در فاصله سی خرداد تا اول تیرماه ۸۴ طیف بسیار گسترده و متنوعی از شخصیت‌های سیاسی، مذهبی و ملی، پشت سر هاشمی تشکیل شد. از آیت‌الله جوادی آملی گرفته تا عزت‌الله سحابی، و از داریوش شایگان تا جمعی از وعاظ تهران. وحدت نظر چنین طیفی بسیار متنوع و متعارض از مردان دین، سیاست، فرهنگ، هنر، ورزش، دیپلماسی، اقتصاد، صنعت، تجارت، قضاوت، وکلات و... بر سر یک موضوع مهم سیاسی از زمان پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ تا آن روز سابقه نداشت.[۱]

پیرامون وحدت این چهره‌ها نکاتی قابل تأمل است:

۱ ـ آیا چهره‌های موجه در انتخاب گزینه خود، بویژه با ملاحظه همسویی با افراد لائیک و ضدانقلاب دچار شبهه و تردید نگردیدند؟!

۲ ـ آیا تشکیل این طیف واحد، دلیلی بر برجستگی هاشمی بود؟ اگر چنین بود چگونه میلیون‌ها نفر از مردم در دور اول و اکثریت قاطع ملت در دور دوم به او «نه» گفت؟

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۷۹

رسانه‌ها

الف ـ صدا و سیما

صدا و سیما به‌عنوان تنها رسانه ملی، در انتخابات نهم، عملکردی ویژه داشت که از نگاه تیزبین ملت مخفی نماند. این رسانه که به بهانه «آزادی» و «بی‌طرفی»، میدان ترکتازی چهره‌های شاخص براندازی اصلاح‌طلبانه شده بود، به‌گونه‌های مختلف حضور احمدی‌نژاد را در انتخابات، حضوری خطرناک منعکس می‌کرد ستاد مردمی حمایت از دکتر احمدی‌نژاد، در اطلاعیه‌ای عملکرد هدفمند صدا و سیما را گوشزد کرد و اظهار داشت:

مراتب تأسف و نگرانی خود را از تداوم روش‌های غیراصولی در برخی از برنامه‌سازی‌های خبری معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما ابراز می‌دارد، و توجه رئیس محترم و مسؤولان خدوم این سازمان را به اهمیت و ضرورت حفظ اعتبار و منزلت رسانه ملی، بویژه، در ارتباط با مسأله حساس انتخابات ریاست جمهوری جلب می‌کند.[1]

بنابر یک ارزیابی، ابتکار معاونت سیاسی صدا و سیما باعث شده بود که افرادی از سران جبهه مشارکت از طریق این رسانه ملی نظراتشان را ابراز کنند؛ کسانی که از سال ۱۳۷۹ در اوج پیروزی‌های دوم خرداد، صدا و سیما را تحریم کرده بودند![2]

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۷
۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۳۷

در این فضا و شرایط آزاد، عملکرد صدا و سیما موجب اعتراض ستاد مردمی دکتر احمدی‌نژاد شد. مردم هم دوگانگی برخوردهای مجریان در زمان پخش برنامه‌های مصاحبه و فیلم و... و همزمانی آنها با پخش برنامه‌های پربیننده در شبکه‌های دیگر را، یک به یک به خاطر دارند. جالب است که در مرحله دوم انتخابات، پخش برنامه‌های دو نامزد در صدا و سیما، به‌گونه‌ای تنظیم شد که آخرین گفت‌وگو مربوط به «هاشمی رفسنجانی» باشد. همان سخنانی که «تهدیدات خارجی» و «وعده ۱۲۰ هزار تومان در ماه به هر فرد» و... در آن اعلام گردید. پخش فیلم نامزدها هم به‌لحاظ برنامه‌ریزی و تنظیم وقت، مورد سؤال مردم واقع شد.

فیلم دوم هاشمی در آخرین ساعات تبلیغات رسمی مرحله اول ـ چهارشنبه شب ۲۵ خرداد ـ از شبکه یک پخش گردید و علاوه بر این، مردم معترض بودند که در ساعت منع تبلیغات، سیمای جمهوری اسلامی، مصاحبه با جوانانی را پخش می‌نمود که اعلام می‌کردند به نامزد ۲۰۰۵ رأی می‌دهند!

شگفتی دیگر در عملکرد صدا و سیما، اطلاع‌رسانی ویژه و سؤال‌برانگیز آن در شمارش آرا بود. مردم به‌خاطر داشتند که در تمام انتخابات گذشته، خبرنگاران و دوربین‌های صدا و سیما در دو مرکز قانونی شورای نگهبان و وزارت کشور مستقر می‌شدند. خبرها و گزارش‌های پی در پی انتخابات از آغاز رأی‌گیری تا آخرین اعلام شمارش آرا از دو مرکز به اطلاع ملت می‌رسید. اما در انتخابات نهم، و زمان شمارش آرا تریبون شورای نگهبان تقریباً خاموش بود. مرحله دوم این مسأله روشن‌تر اجرا شد، به‌طوری که شورای نگهبان نمی‌توانست بر

انجام سالم انتخابات نظارت قانونی داشته باشد و نتایج شمارش آرا را به آگاهی ملت برساند.

یکی از جنجالی‌ترین اقدامات صدا و سیما در مرحله نخست، پخش پیوسته اخبار وزارت کشور به‌صورت زیرنویس و غیره بود. این خبرها یا تخلف و درگیری و... از مراکز رأی‌گیری را گزارش می‌داد و یا شمارش آرا را از سوی یک مرکز اعلام می‌کرد. درحالی که شورای نگهبان نمی‌توانست از طریق صدا و سیما آمار واقعی را گزارش دهد. علت مهمی که مهدی کروبی را در تهاجم به نظام اسلامی، گستاخ‌تر کرد، همین برخورد سؤال برانگیز صدا و سیما در شمارش آرا بود.

در مرحله اول، شمارش آرا و انعکاس آن در تلویزیون به‌صورت یک مسأله اساسی درآمد. به این صورت که تلویزیون در بخش‌های مختلف خبری فقط آمار رسمی وزارت کشور را اعلام می‌کرد که تا ساعت دو بعد از ظهر هم‌چنان هاشمی و کروبی را در صدر نشان می‌داد. ساعت ۱۱ و ۵۷ دقیقه صبح، خبرگزاری فارس از وزارت کشور اطلاع داد که در مجموع ۲۵ میلیون رأی شمارش شده، هاشمی و احمدی‌نژاد در صدر قرار گرفته‌اند. یک ساعت بعد هم خبر داد که در تهران رأی احمدی‌نژاد بیش از ۱۰ برابر کروبی است، و چه‌بسا در مجموع کل کشور، احمدی‌نژاد از هاشمی هم پیشی بگیرد. صدا و سیما از ساعت ۱۴ تا غروب شنبه اعلام می‌کرد که وزارت کشور نتایج جدیدتری از شمارش آرا اعلام نکرده است.[۱]

آیا شورای نگهبان نباید با وظیفه قانونی خود از طریق رسانه ملی به

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۷۴

این جنگ فرسایشی و نابرابر پایان بخشیده و آمار واقعی را به مردم گزارش می‌داد؟

ب : مطبوعات

از جمله معضلات و یکی از ابزارهای تخریب‌گری‌های اصلاح‌طلبی، نشریات فراوان بود که انتشار آنها همچنان ادامه دارد. بی‌گمان «محمد خاتمی» در مسیر نهادینه‌سازی «دمکراسی» به این امر افتخار می‌کند که ده‌ها روزنامه، مجله، هفته‌نامه، ماه‌نامه و... که بدون روشن بودن منابع مالی، اکثراً در جهت و مسیر مخالف ملت حرکت کرده و می‌کنند، در کشور منتشر می‌شوند. می‌توان با مراجعه به افکار عمومی، نارضایتی مردم را از بمباران سیاسی ـ فرهنگی این نشریات دید. دگرگونی فرهنگی، تخریب‌گری سیاسی، و تحمیل و اجبار جهت‌گیری افکار عمومی در مسیری خاص با هدفمندی قدرت‌طلبانه، کارکرد اکثر مطبوعات دوران اصلاح‌طلبی بوده و هست. هم‌چنین بحران‌آفرینی، موج‌سازی و آلوده ساختن فضا از مسائل مهمی است که در کارنامه بسیاری از مطبوعات اصلاح‌طلب درج شده است. اما به‌هرحال اصلاح‌طلبی «پیش به‌سوی دمکراسی» است و در برنامه جابه‌جایی قدرت «مطبوعات» رکن بزرگ و اساسی دمکراسی، همواره «ابزار» پیشبرد اهداف قدرت‌طلبان بوده و هستند.

در انتخابات نهم مطبوعات با کارکرد هدفمند خود، در صف‌بندی جناحی و سیاسی، به مقابله با ملت برخاستند. ابزار مطبوعات که سابقه ناخوشایند برخی دست‌اندرکاران آنها به‌لحاظ اخلاقی، مالی و سیاسی

برای مردم افشا شده بود، در این مقطع عرصه سیاسی عملکردی نامطلوب و ویژه داشت.

نقش آفرینی و تشنج‌زایی، تخریب و تضعیف و حتی ترور شخصیت و اندیشه رقیبان انتخاباتی، تنها مسؤولیت و رسالت بیشتر مطبوعات شده بود. در مرحله اول انتخابات، مطبوعات اصلاح‌طلب با پراکندگی نامزدهای چهارگانه خود؛ یعنی معین، هاشمی، کروبی و مهرعلیزاده، بیشترین همّ خود را در تخریب «اصول‌گرایی» و معیارهای «دینی و انقلابی» مردم صرف کردند. نشریات جناح رقیب هم نامزدهای خود را حمایت کرده، رقیب احتمالی را از صحنه به‌در می‌کرد. در هر دو جناح تخریب مطبوعاتی احمدی‌نژاد امری واجب به‌شمار می‌رفت. این امر با شگفتی تمام در مطبوعات جناح مخالف اصلاح‌طلبان، موسوم به راست واضح‌تر دیده می‌شد.

ـ روزنامه «رسالت» از اردوگاه اصول‌گرایان یا جناح موسوم به راست، در اردیبهشت‌ماه تخریب احمدی‌نژاد را آشکارا چنین آغاز کرد:

با نزدیک شدن انتخابات نهم، وضع دیگری به‌وجود آمده، به‌گونه‌ای که احتمال می‌رود تا حدودی وضع شورا و شهرداری تغییر یابد، و شورای شهر و شهردار، سرگرم امور دیگری شوند. یعنی فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی در جهت انتخابات، و تا حدودی بازماندن از کار اصلی، و خدای نخواسته به سرنوشت شورای شهر دور اول گرفتار شوند و...[1]

در ادامه این نوشته آمده بود:

مردم مدتی است جای شهردار را در نماز جمعه خالی می‌بینند، و سؤال می‌کنند. در مناطق مختلف شهر کمتر حضور شهردار محبوب خود را مشاهده

---

۱. سایت امروز ۸۴/۲/۱۴

می‌کنند. مساجد مانند گذشته در انتظار شهردار برای حل مشکل‌گشایی بیشتر هستند...

پرسش آن بود که کدام مشکل یا کار شهرداری در این مدت بر زمین مانده بود؟ کدام اعتراض یا شکایت مردم تهران از به اصطلاح سرگرم شدن شهردار به امور تبلیغاتی موجب نوشتن مطالب مذکور گردیده بود؟ آیا اگر این امر واقعیت داشت، آرای مردم تهران در مرحله اول برای دکتر احمدی‌نژاد، تعیین کننده می‌شد؟ آرای مرحله دوم تهرانی‌ها نیز که رقیب سرسختی چون هاشمی را تقریباً نادیده گرفته بودند، با چه معیار و ملاکی، شهردار تهران را برگزیده بود؟

آیا نویسنده روزنامه «رسالت» نمی‌دانست دکتر احمدی‌نژاد اعلام کرده بود «برای انتخابات مرخصی می‌گیرم»؟

مسأله دیگر در ابتکار دکتر احمدی‌نژاد در خدمتگزاری و مسؤولیت شهرداری تهران، ملاقات‌های عمومی وی بود. اما این مسأله هرگز جزء «وظایف» شهردار نبود که اگر موقتاً در آن خللی ایجاد می‌شد، مورد شکایت و انتقاد و اعتراض واقع گردد. بهانه عدم حضور شهردار در نماز جمعه، نیز نیازمند توضیح نیست!

یکی از راه‌های تخریب «احمدی‌نژاد» وارد ساختن فشار بر او به‌منظور «انصراف» از نامزدی بود. حزب‌ها، گروه‌ها و افراد ذی‌نفع در این مسیر تلاش بسیاری داشتند. شایعه‌پراکنی در این باره هم به‌صورت گسترده عمل می‌کرد.

روزنامه «رسالت» از این امر هم غافل نماند. و خبری را درج نمود که:

در پی ارسال نامه ۵۰ نماینده مجلس به احمدی‌نژاد و براساس رایزنی صورت

گرفته، قرار است شهردار تهران از صحنه رقابت‌ها کنار رود.[۱]

واقعاً چه ضرورتی داشت درخواست نابجا و نامشروع این تعداد نماینده در یک روزنامه درج شود؟

این روزنامه در مرحله دوم، سکوت سیاسی معناداری اختیار کرد تا به خوانندگانش «بی‌طرفی» نسبت به ۲ نامزد را تفهیم کند؟!

- روزنامه «کیهان» علی‌رغم آن‌که غیرجناحی بودن خود را به اثبات رسانیده بود، در نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری با دکتر احمدی‌نژاد برخوردی مسأله‌ساز داشت.

ممکن است این برخورد به‌لحاظ «کمیت» چشمگیر نباشد، همچنانکه روزنامه «رسالت» انبوه تخریب را به‌کار نگرفت، اما «کیفیت» مطالب، مردم هشیار و مصمم را متوجه خود کرد و البته انتقاد، گلایه و اعتراض آنها را برانگیخت.

یکی از اعضای روزنامه «کیهان» به گلایه طرفداران دکتر احمدی‌نژاد از روزنامه کیهان اشاره کرده و نوشته است:

چند جوان انگار که ما را بشناسند، شروع کردند به حرف زدن. گل حرفشان هم انتقاد از نوع جبهه گیری‌های انتخاباتی کیهان بود. من خودم را زدم به نشنیدن، و با دغدغه درونی‌ام سرگرم شدم.[۲]

نوشته‌ها و سرمقاله‌های شبهه‌ناک روزنامه کیهان را هم در مسیر مخالف احمدی‌نژاد قرار داد. شاید این مخالفت روی مصلحت سنجی‌های سیاسی!! بود که همواره «حق» در میدان آن به مسلخ می‌رود.

به‌عنوان نمونه پس از اعلام استقلال دکتر احمدی‌نژاد از شورای

---

۱. پیشین
۲. بیست و یک ساعت با رئیس‌جمهور، ص ۲۸

هماهنگی، سرمقاله کیهان «پیمان‌شکن» را مورد مؤاخذه قرار داد، و آخرین سرمقاله این روزنامه در مرحله نخست انتخابات، به دو نفر نامزدی که دارای آرای پایین هستند، توصیه انصراف به‌نفع دو نفر دیگر کرد. توجیه دست‌اندرکاران کیهان بویژه نویسنده این مقاله، بعدها این بود که یکی از دو نفر دارای رأی بالا دکتر احمدی‌نژاد بوده است ولی آیا ملت و خوانندگان کیهان از این امر مطلع بودند؟ آیا نظرسنجی‌های ارائه شده، حتی در روزنامه کیهان هرگز از این موضوع نشانی داشت؟[۱]

می‌توان موضع‌گیری‌های نهایی کیهان در مرحله نخست را چنین یافت:

حسین شریعتمداری در سرمقاله چهارشنبه ۲۵ خردادماه کیهان با عنوان «حرف آخر» دست به دامن هوادارن اصولگرایان شد و از آنان خواست به اصول‌گرایی رأی دهند که احتمال بیشتری در پیروزی دارد. اما احتمالاً آن روز خود شریعتمداری هم نمی‌دانست قالیباف بیشترین بخت را دارد یا احمدی‌نژاد. چاپ عکس و مصاحبه این هر دو در شماره چهارشنبه هم، خوانندگان کیهان را در پیروی از پیشنهاد شریعتمداری دچار تردید کرد.

ـ روزنامه جمهوری اسلامی ارگان هاشمی رفسنجانی بوده و هست. گرداننده اصلی آن در حمایت از هاشمی، متأسفانه همپای اصلاح‌طلبان تا تخریب احمدی‌نژاد پیش رفت. بدین معنا که در نوشته‌های حمایتی مدیر مسؤول روزنامه که لباس روحانیت را بر تن دارد، اندیشه اسلام ناب و احیای گفتمان حضرت امام در باور و کلام دکتر احمدی‌نژاد،

---

۱. مسأله نظرسنجی در جای خود کالبدشکافی خواهد شد.

«قشری‌گری»، «تحجر»، «اسلام آمریکایی» و... قلمداد شد.

او در یکی از سرمقاله‌های روزنامه اظهار داشت:

در اسلامی که امام به ما معرفی کرد، جایی برای قشری‌گری و تحجر وجود ندارد، یک جریان قشری تلاش می‌کند، کشور را از اسلام ناب جدا کند. از هم‌اکنون صدای پای اسلام آمریکایی که برپایه تحجر و جمود تکیه دارد به‌گوش می‌رسد.[۱]

نویسنده با ادبیاتی خشن‌تر، راهبرد دوم‌خردادی را در تخریب و ترور اندیشه و شخصیت رقیب هاشمی عیناً دنبال کرد:

اداره کشور به خردورزی متکی بر اندیشه عمیق دینی نیازمند است. این خردورزی با تجربه‌های طولانی مبارزاتی، سیاسی، عملی و علمی حاصل می‌گردد. تکیه بر احساسات و نگرش‌های سطحی و شعاری نه تنها مشکلی را حل نخواهدکرد، بلکه کشور را در برابر تهاجمات، آسیب‌پذیر خواهدکرد.[۲]

در کنار این دیدگاه، ارزیابی روزنامه «نیویورک تایمز» جالب توجه است. روزنامه نیویورک تایمز با نگرانی، وحشت و احساس خطر فوق‌العاده نوشت:

نمایش قدرت احمدی‌نژاد، شوک درست کرده است. نامزدی احمدی‌نژاد نشان می‌دهد که جنبش اصول‌گرایان در تلاشند تا مانع رفتن کشور به سمت لیبرالیسم شوند.

بیداد مطبوعات اصلاح‌طلب خارج از گنجایش این کتاب است. واقعیت آن است که تکرار کودتای مطبوعاتی نهضت ملی نفت، با ابعادی گسترده‌تر شاهکار این زنجیره اجیر شده و مزدور بود. آزادی اندیشه، احترام به اعتقادات دیگران، تحمل مخالف و از همه مهم‌تر پذیرش

---

۱. روزنامه جمهوری اسلامی ۸۴/۴/۳۰

۲. پیشین

دمکـــراســـی و تسـلیم در بـرابـر اراده مـلت از سـوی ایـن بـلندگوهای دوم‌خردادی ماهیت حقیقی تفکر مخرب اصلاح‌طلبی را نمایان ساخت. در مطبوعات اصلاح‌طلب «جمهوریت» از سوی تشنگان قدرت به مصاف گرفته شد، و «اسلامیت» باگلوله‌های زهرآگین آنها بمباران گردید.

البته اکثر نشـریات اصـلاح‌طلب یـا دوم‌خـردادی بـدون خـریدار و مخاطب بوده و هستند. اما عملکرد تخریب‌گر آنها از برون‌مرزی بودن دستور تهاجم علیه احمدی‌نژاد حکایت دارد، که این طیف اجیر عهده‌دار اجرای بخشی از آن شده بودند. آیـا دمکـراسـی جـز «پـول و فـریب» به‌منظور حاکمیت اقلیت «بیت‌المال‌خوار» ماهیت و هدف دیگری دارد؟

بدیهی است عملکرد ویرانگر مـطبوعات اصـلاح‌طلب در انـتخابات نهم، با بـرجسـتگی ویـژه و گسترده در مـرحـله دوم، نـیازمند بـررسی موشکافانه است. این بررسی که باید به صورت خاص و مسـتقل انـجام گیرد، قطعاً موضوعات بی‌شماری را دربرمی‌گیرد. اما نمونه‌های ناچیزی از عملکرد مطبوعاتی این طیف می‌تواند، اشاره‌ای بـه یک پـرونده قـطور باشد.

در هفته‌نامه «اعتدال و توسعه» در مرحله دوم انتخابات چنین آمـده بود:

> **طیف وسیعی از مردم، بوی خطر را احساس نکرده‌اند، و نمی‌دانند با فراگیر شدن تفکر دهه ۶۰ احمدی‌نژاد و همفکران وی، که بیشتر به خـمرهای سـرخ می‌مانند، با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم خواهند کرد. نخبگان جامعه کـه پیش‌تر از مردم به این درک رسیده‌اند که انتخاب احمدی‌نژاد چه تبعاتی دارد، از هم‌اکنون چمدان‌های خود را بسته‌اند، و به زیستن در دیار دیگر می‌اندیشند.**

این نوشته‌های صریح، از «تبعیت» مطبوعات دوم خردادی از مراکز

خارجی، پرده برمی‌داشت.

روزنامه دولتی «ایران» هم با موضع‌گیری مستمر و مخرب، فضای انتخابات را بیش از پیش مسموم می‌کرد. این روزنامه که ارگان رسمی دولت بود، علاوه بر تقابل و تعارض با آرا و اراده ملت آگاه، ستیز با دمکراسی و آزادی ادعایی را با ابزارسازی از «ادبیات» دنبال نمود. قطعه شعری با نام «جمعه روز تعطیلی نیست»، از آخرین تیرهای زهرآگین اما ناکارآمد اصلاح‌طلبان بود که اندیشه و اعتقادات مردم و آرای آزاد آنان را در مرحله دوم هدف قرار داد:

نگذاریم که تابوت شود این صندوق
نگذاریم که آزادی را
پیش روی ما در خاک کنند
نگذاریم به این آسانی
واژه بودن را پاک کنند
نگذاریم هیاهو بکنند
هرچه در چنته پلیدی دارند
همه را رو بکنند
هرچه گل کاشته‌ایم
بکنند از ریشه
پاک جارو بکنند
دوستان این بخدا
آخرین فرصت ماست
نگذاریم که این سنگر آخر را هم فتح کنند.

مافیای قدرت و ثروت تا چه‌میزان جنایت ضدملی در پرونده داشت که این‌گونه از رو شدن و افشا یا از دست دادن آن وحشت داشت؟

به‌طور کلی در مطبوعات و دیگر رسانه‌های دوم‌خردادی در تخریبی همگام، چنین القا می‌شد که:

احمدی‌نژاد قرار بود در حوزه سیاست داخلی اختناق و وحشت ایجاد کند، پیاده‌روها و آسانسورها را از بین زنان و مردان جداسازی کند. ورزش بانوان را تعطیل، و حوزه‌های موسیقی و هنر را نابود کند. بورس سهام را مانند قمارخانه‌ها ببندد و خلاصه این‌که همه مظاهر رفاه و آسایش دنیوی را تعطیل نماید. به‌طور کلی می‌توان گفت روزنامه «شرق» و دیگر مطبوعات دوم خردادی طی سه روز، از احمدی‌نژاد هیولایی ساخته بودند که خودشان هم از آن به‌وحشت افتاده بودند.[1]

عملکرد مطبوعات، احزاب، سیاستمداران و همه ابزارهای دمکراسی‌خواه در تقابل با دکتر احمدی‌نژاد، تنها یک همانند در تاریخ ایران داشته است. واقعیت آن است که تقابل و تعارض و ستیز سلطنت ننگین پهلوی با انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی را می‌توان تنها نمونه مشابه آن دید. ننگ قلم‌زنان مطبوعاتی که با دستور ساواک حرکت می‌کردند، و یاوه‌هایی که در پوشش و عنوان نقد، انتقاد، پرسش و یا تعامل اندیشه از سوی طیف روشنفکری وابسته به دربار علیه اندیشه امام عرضه می‌شد، به‌لحاظ محتوایی و شکلی، با آن‌چه از سوی اصلاح‌طلبان علیه احمدی‌نژاد رخ داد شباهت و نزدیکی بسیار داشت. به‌همین جهت باید ظهور احمدی‌نژاد را در آلوده‌ترین فضا و شرایط ایران پس از انقلاب اسلامی، تکرار معجزه انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام دانست.

ناکارآمدی و فلج شدن ابزارهای ستیز و تقابل و تحریف و تخریب

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۷۹

آمریکا و رژیم وابسته پهلوی در برابر انقلاب الهی مردم، در معجزه سوم تیرماه تکرار شد. از این‌روی ضرورت دارد پژوهشگران حقیقت‌طلب، در ارزیابی مقایسه‌ای یک نکته اساسی را روشن کنند. آن نکته یافتن پاسخ دقیق، صریح و کامل برای این پرسش است که: آیا «ادبیات تروریستی» اصلاح‌طلبانه در مبارزه با احمدی‌نژاد از نظر کمیت و کیفیت ویرانگری بیشتری داشت یا آنچه در عرصه مذکور توسط سلطنت ننگین شاهنشاهی علیه انقلاب اسلامی صورت گرفت؟

تاکنون چنین نکاتی در عملکرد انتخاباتی مطبوعات ثبت شده است:

در تبلیغات روزنامه‌ای هاشمی با فاصله بسیار زیاد از نفر دوم، صدرنشین بود. علاوه بر «شرق» و «جمهوری اسلامی» تعداد کثیری روزنامه، هر روز اخبار و عملکردهای بزرگ هاشمی را به‌همراه تبلیغات مربوط چاپ می‌کردند. شایع بود حامیان هاشمی با بیش از ۲۰ خبرگزاری و روزنامه قرارداد بسته‌اند.[۱]

اظهارات «امامی» رئیس ستاد حمایت از سردار کبیر ایران هاشمی هم درخور توجه و تأمل است:

در رأس جریان رسانه‌ای حذف حامیان غیر همسو با کارگزاران، «مهدی هاشمی» است که تیم مطبوعاتی خاصی را نیز تشکیل داده است.[۲]

دکتر احمدی‌نژاد علت تخریب گسترده مخالفان را که از دو جناح در برخی گام‌ها همراهی داشتند این‌گونه می‌نگریست:

چون اتفاقی که قرار است بیفتد، خیلی مهم است، دشمنی‌ها هم خیلی سنگین است از درون و بیرون. گروه‌های ضدانقلاب که همه برای انتخابات فعالند.

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۵۶

۲. خبرگزاری فارس، مصاحبه با امامی ۸۴/۳/۳۱

> گروه‌های قدرت‌طلب هم که همه مناصب اصلی کشور را بیست سال در اختیار گرفته‌اند، همه تلاششان این است که از دستشان برود.[۱]

برخی عناوین مخرب روزنامه‌های دوم خردادی که عبارت بودند از:

- جمعه روز نبرد افراط و اعتدال.[۲]
- مردم نگذارند واپس‌گرایی برکشور حاکم شود.[۳]
- صدای پای اقتدارطلبان.[۴]
- دانشگاه میلیتاریزه خواهد شد.[۵]
- اقتصاد دلوپولیستی درکمین است.[۶]

درکتاب پدیده انتخاب نهم آمده است:

> گفتنی است سهم روزنامه شرق در تخریب احمدی‌نژاد، از دیگر مطبوعات بیشتر بود. بدان‌سان که حاضر شد شب‌نامه سراپا کذبی با عنوان «ویژگی‌های» احمدی‌نژاد از نگاه حزب‌الله که علیه احمدی‌نژاد نگارش یافته بود، منتشر کند. درحالی که به گزارش روزنامه سیاست‌روز این شب‌نامه توسط ستاد هماهنگی مرکزی آقای هاشمی در اصفهان به مراکز مختلف فاکس شده بود.[۷]

روزنامه شرق ارگان کارگزاران سازندگی است. مواضع این روزنامه پس از پیروزی انتخابات هم تخریب احمدی‌نژاد را از سوی این مرکز خاص ادامه می‌دهد.

ج ـ سایت‌ها

در انتخابات سایت‌ها ابزار دیگر تبلیغات یا تخریب بودند! برخی

---

۱. خبرگزاری فارس مصاحبه ۸۴/۳/۳۱
۲. روزنامه ابتکار ۸۴/۳/۳۱
۳. روزنامه همبستگی ۸۴/۴/۱
۴. روزنامه شرق ۸۴/۳/۳۰
۵. روزنامه شرق ۸۴/۳/۳۰
۶. روزنامه شرق ۸۴/۳/۳۰
۷. پدیده انتخابات نهم ص ۱۵۴

چهره‌های جناحی با استفاده از سایت‌ها، پلیدترین نوع تخریب را انجام دادند. بالأخره تکنولوژی این وجه غالب تمدن غرب که شانزده سال گذشته الگوی نظری و عملی حاکمان جمهوری اسلامی گردیده بود، باید در این مرحله به اربابان خویش خدمت می‌کرد!

به‌عنوان مثال سایت «آفتاب نیوز» وابسته به مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام که بعدها از نظر تندی مواضع به شهرت رسید و «حسن روحانی» از متولیان آن بود[1] نوشت:

> **راستی چطور شده که هنوز احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور نشده، موتورسواران امر به‌معروف راه افتاده و کار خود را شروع کرده‌اند.[2]**

مطلبی هم از «رجبعلی مزروعی» عضو حزب مشارکت در این سایت آمد:

> **برای جلوگیری از ایجاد فاشیسم و دیکتاتوری در جامعه، در دور دوم باید به هاشمی رأی بدهیم. پیدایش خطر فاشیست و دیکتاتوری در جامعه نیروهای اصلاح‌طلب را بر آن داشته تا روی هاشمی سرمایه‌گذاری کنند.[3]**

آیا دست‌های پلید ستادهای رقیب احمدی‌نژاد در اجیر کردن موتورسواران و موارد مشابه شناخته نشد؟ آیا شخص دکتر احمدی‌نژاد از طریق بیانیه و نطق تلویزیونی از مجریان دولت نخواست تا این افراد را تعقیب، دستگیر و نام و وابستگی آنان را افشا کنند؟

آیا ستاد مردمی او در این باره اطلاعیه مشابهی صادر نکرد؟ سایت «هاتف نیوز» نیز تخریب‌گری فزاینده‌ای داشت. از جمله این‌که از قول

---

۱. سایت آفتاب نیوز ۸۴/۴/۳۱
۲. سایت آفتاب نیوز ۸۴/۴/۳۱
۳. سایت هاتف نیوز ۸۴/۴/۳۱

فاضل میبدی نوشت:

مطالبی که در مصاحبه‌های احمدی‌نژاد و حامیانش مشاهده می‌شود، پسندیده نیست. زیرا آن‌چه ایشان از اسلام معرفی می‌کنند، اسلام نجات‌بخش نیست. از رواج تفکر طالبانیسمی در کشور احساس خطر می‌کنم. بنابراین با انتخاب فردی مثل هاشمی از رواج آن جلوگیری می‌شود.[۱]

در این عرصه ضد انقلاب خارج از کشور هم فعالیت گسترده‌ای داشت. مشهورترین سایت خارج از کشور که علیه یکی از نامزدها با شدت و حرارت فوق‌العاده مطلب می‌نوشت «وب سایت» متعلق به ابراهیم نبوی، طنزنویس مشهور روزنامه‌های دوم‌خردادی در سال‌های ۷۷ تا ۸۱[۲] بود که از اروپا کنترل می‌شد، و از طریق سایت بی‌بی‌سی در داخل قابل دسترسی بود.

طی هفته سرنوشت‌ساز ۲۸ خرداد تا ۳ تیر ۸۴، نبوی از هیچ تلاشی برای تخریب احمدی‌نژاد فروگذار نکرد. نویسنده با پوزش از رئیس‌جمهور منتخب، نمونه‌های قابل انتشاری از مطالب این سایت را به کتاب ضمیمه کرده است.[۳]

در یک بررسی دقیق می‌توان میزان تخریب سایت‌های خارجی را در رقابت با سایت‌های داخلی دید. از نکاتی که در کارنامه سایت‌های داخلی در انتخابات نهم درج شده، می‌توان به نمونه ذیل اشاره کرد:

---

۱. سایت هاتف نیوز ۸۴/۴/۳۱

۲. این فرد پس از ارتکاب جرائم بسیار، دستگیر و در دادگاه محکوم شد و سپس با توبه آزاد گردید! نبوی چندی پیش از فرار به خارج از کشور، در روزنامه «جام‌جم» وابسته به صدا و سیمای جمهوری اسلامی قلم می‌زد!؟

۳. نقل آفرینان سوم تیر ص ٦٦

مشهورترین سایت نشان‌دار داخلی که با صراحت کم‌نظیری علیه نامزدها مطلب منتشر می‌کرد، «آفتاب نیوز» وابسته به مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام بود که در مرحله اول انتخابات به‌روشنی تندترین انتقادهای تخریبی را علیه نامزدهای اصول‌گرا منتشر می‌کرد، و در مرحله دوم انتخابات همه توان خود را بر ترور شخصیت احمدی‌نژاد متمرکز کرد.[1]

«احمدی‌نژاد» اصول‌گرایی محض بود که اجرای آرمان‌های قرآنی حضرت امام را مد نظر داشت. البته او مدعی نبود که می‌تواند پس از دو دهه نابسامانی و حاکمیت اختاپوسی بر قدرت و ثروت، معجزه کند و یک شبه، همه مسائل را روبه‌راه کند؛ بلکه می‌گفت:

به‌اندازه کافی نیرو هست که بشود ده‌ها برابر وضع فعلی، کشور را بهتر اداره کنند. و این شدنی است.

- اجرای عدالت سخت است. ویژه‌خواری‌ها را بخواهید قطع کنید، خیلی سخت است ولی شدنی است.

- مناصب که ملک شخصی افراد نیست. عده‌ای هستند که کمترین بازدهی، بیشترین تخلف کاری را دارند. به من می‌گویند در شهرداری به اینها دست نزن! چرا؟ مگر ارث پدرشان است؟ چرا نباید به اینها دست زد؟ عزل این افراد، اتفاقاً عین ارزش است. مناصب مال مردم است. مال حق است. یک عده می‌گویند ارث پدری من است، ارث پدری حزب است که با هزار لطایف الحیل از یک طرف با انحصارهای اقتصادی و رانت‌های اقتصادی و از طرف دیگر

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ٦٥

مناصب قدرت، به‌دست آمده است. اینها به‌سادگی نخواهند گذاشت. جنگ روانی راه می‌اندازند.[۱]

د ـ شب‌نامه‌ها

از دیگر ابزارهای دمکراسی‌ستیز در انتخابات نهم، شب‌نامه‌ها بودند که همراه با سایت‌ها، مطبوعات و دیگر امکانات و وسایل جدید کاندیداها را تخریب می‌کردند.

هاشمی رفسنجانی هم در مرحله نخست و هم پس از مرحله دوم، به‌کرات از کارآمدی شب‌نامه‌ها در تخریب خود سخن گفت؛ اما واقعیت آن بود که: اولاً شب‌نامه‌های مورد بحث وی در مرحله نخست به‌میدان آمد. ثانیاً شب‌نامه‌هایی که شخص هاشمی از آنها سخن می‌گفت، پیرامون ثروت و مسائل اقتصادی کلان و و خانواده‌اش آمار و ارقام می‌داد، که این مسأله مورد سؤال ملت هم بود! ثالثاً شب‌نامه‌هایی که بویژه در مرحله دوم بیداد کردند، نه‌تنها احمدی‌نژاد را نشانه گرفته بودند، بلکه منشأ و منبع مالی و تدارکاتی آن به ستادهای حامی هاشمی برمی‌گشت!

به‌گزارش خبرگزاری «فارس» در بعدازظهر ۳۰ خرداد، یکی از چاپخانه‌های مهم تهران که درحال چاپ میلیون‌ها نسخه شب‌نامه علیه محمود احمدی‌نژاد بود، شناسایی و توقیف شد. این چاپخانه با دریافت مبالغ هنگفتی به‌صورت غیرقانونی درحال چاپ میلیونی نسخه‌های شب‌نامه علیه احمدی‌نژاد بود که با اطلاعات مردمی، شناسایی و توقیف

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۴/۱

شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که دریافت مبالغ هنگفت مالی از حامیان یکی دیگر از کاندیداها دلیل چاپ میلیون‌ها نسخه شب‌نامه فوق بوده است.

به گزارش همین منبع، در همین روز عوامل پخش یک شب‌نامه علیه احمدی‌نژاد در اصفهان، که از اعضای ستاد مخالفان وی بودند، شناسایی شدند.

وسعت چاپ و پخش شب‌نامه علیه «دکتراحمدی‌نژاد» دادستان عمومی و انقلاب در شهر قزوین را به پلمپ یک چاپخانه واداشت. «محمدباقر الفت» دادستان مذکور در گفت‌وگو با خبرنگار «فارس» با بیان این‌که عصر دیروز - ۳۱ خرداد - اطلاعاتی در خصوص چاپ شب‌نامه‌هایی علیه «احمدی‌نژاد» به مسؤولین دادستانی قزوین داده شد، اعلام کرد:

> **طبق این گزارش چاپخانه «تک‌نگار» واقع در خیابان نادری به مدیریت ع.س اقدام به چاپ ۹ هزار شب‌نامه علیه احمدی‌نژاد نموده است. محتوای این شب‌نامه‌ها، همان محتوای سخنان یکی از حامیان رقیب انتخاباتی او در گفت‌وگوی خبری شبکه ۲ سیما است. با این عنوان که در صورت ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، گروه‌هایی به بهانه مبارزه با فساد متعرض مردم می‌شوند، و دختران و پسران را در همه اماکن جدا می‌کنند. «الفت» اظهار داشت: در تحقیقات انجام شده از مدیر چاپخانه به‌نام یکی از مسؤولین حراست دانشگاه قزوین، و عضو ستاد انتخاباتی آقای هاشمی رفسنجانی رسیدیم که دستور چاپ این شب‌نامه را داده است. وی از اقدام صبح امروز نیروی انتظامی قزوین برای دستگیری مسؤول حراست دانشگاه آزاد قزوین خبر داد. در ادامه خبرگزاری فارس آمده است: پیش از این نیز چند چاپخانه در قم، اصفهان و تهران به‌دلیل چاپ گسترده شب‌نامه علیه احمدی‌نژاد شناسایی و**

پلمپ شده بودند.[۱]

شبکه خبر «دانشجو» هم گزارش داد:

بدنبال دستگیری رئیس یکی از شعب دانشگاه آزاد اصفهان، و رئیس حراست آن، معلوم شد نامه‌ای که تحت عنوان میثاق حزب‌الله اصفهان با رئیس‌جمهور مکتبی، برای تخریب یکی ازکاندیداها منتشر شد، در دفتر رئیس این شعبه دانشگاهی طراحی و تهیه شده بود.

دکتر احمدی‌نژاد تخریب هولناک ستادهای حامی هاشمی به‌وسیله شب‌نامه و برخی ابزارهای دیگر را در فرازی از بیانیه‌اش این‌گونه برای ملت بازگو کرد:

بدون تردید انتشار شب‌نامه در تیراژ میلیونی برای تخریب اذهان مردم علیه نیروهای انقلابی و متدین، و نسبت دادن این شب‌نامه‌ها به هوادارن این‌جانب، راه انداختن گروه‌های متعرض موتورسوار برای برخورد با مردم تحت‌عنوان حمایت از اینجانب، شایعه‌پراکنی و دادن نسبت‌های دروغ و بی‌اساس با هدف تشویش اذهان و افکار عمومی و قلب واقعیت‌ها و هتاکی‌ها از سوی نمایندگان ستاد یک نامزد انتخاباتی، با استفاده از رسانه ملی صدا و سیما از یک فرماندهی متمرکز هدایت می‌شود. این‌گونه رفتارها منبعث از ادبیات دیکتاتوری است، و هیچ سنخیتی با آموزه‌های دینی و فرهنگی و اخلاقی ایرانیان ندارد، و بدون تردید، مردم آگاه و هوشیار ایران در لحظه اتخاذ تصمیم، فرصت‌های عطا شده را ازکسانی که هیچ چیز، جز تأمین منافع قبیلگی و باندی وگروهی، آنها را ارضا نمی‌کند، سلب خواهندکرد.

ایجاد دیکتاتوری واقعی، که از شِبه‌کودتایی فراگیر حکایت داشت، شرایط و فضای موجود در مرحله دوم انتخابات بود. صف واحد حامیان هاشمی با هزینه‌گزافی شکل گرفته بود که علاوه بر منابع مالی هنگفت، از

---

۱. مصاحبه با خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۱

کمک‌های ستادهای نامزدهای دیگر هم بهره می‌برد. این فضاسازی فاجعه‌بار در نگاه دکتر احمدی‌نژاد این‌گونه بود:

زد و بندهای سیاسی، صرف هزینه‌های سنگین مالی برای در اختیار گرفتن این یا آن رسانه و توسل به روش‌های تخریبی برای خارج کردن رقیب از صحنه انتخابات، متعلق به ما و فرهنگ و دین ما نیست، و همه ما باید با صراحت و شجاعت مراتب تنفر و بی‌زاری خود را از چنین روش‌های منزجرکننده‌ای اعلام کنیم.

ستاد هاشمی راه‌کارهای دیگری را هم دنبال می‌کرد. توزیع بروشورهای تبلیغاتی وسیع با عنوان «جنبش هوشیاری ملت ایران»؛ که در صفحه‌ای سیاه از آن نوشته شده بود: «برای نجات ایران به صحنه بیایید» نیز یکی دیگر از این موارد بود.

بروشور دیگر، چندرنگی بود و اخطار می‌کرد: هشدار! اگر غفلت کنیم انسداد سیاسی، فرار مغزها، رکود و کسادی، فقر و تورم و بی‌کاری لجام‌گسیخته، انزوای هنرمندان، تبدیل شادابی و نشاط جوانان به نومیدی و یأس حاکم خواهد شد.

چنین بود که دکتر احمدی‌نژاد نماد صبر و تحمل و توکل، در پاسخ به سؤالی مبنی بر برخورد با رسانه‌های تخریب‌گر گفت:

حجمی که به ما تهمت زده‌اند، به اندازه این اتاق است. دو دفعه شکایت کردیم و بعد هم پس گرفتیم.[1]

وی سپس با مرور میدان وسیع تخریب خود اظهار داشت:

ظرف دو سه روز از بیرون، داخل، شبکه‌ها، عناصر اطلاعاتی از بنده یک دیو هفت سر درست کردند، که این آخرِ بدی و زشتی است. برداشت من این است

---

۱. مصاحبه با خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۱

که ظاهراً من وارد محدوده ممنوعه قدرت شده‌ام. عده‌ای عرصه مدیریت‌های کلان کشور را در انحصار خود و هم‌حزبی‌ها، خانواده و عوامل خودشان می‌دانند، و یک استاد دانشگاهی که زندگی او کاملاً معلوم است، و آدمی از متن مردم است و مثل بقیه مردم زندگی می‌کند، و اصولاً آدمی فرهنگی و مردمی است، این جرأت را کرده وارد این عرصه شده، و مردم هم به او اقبال نشان داده‌اند، این یعنی یک گناه بزرگ و نابخشودنی! یک دفعه ما قاتل و آدم‌کش شدیم که اگر این بیاید در پیاده‌روها دیوار می‌کشد، زن‌ها را می‌زند، دست قطع می‌کند و مخالف سرمایه گذاری، کار و تلاش است، و این‌که می‌گوید همه باید گدا شوند.[1]

به‌راستی آیا این همه تخریب‌های مطبوعاتی، سایتی، شب‌نامه‌ای و سخنرانی و مصاحبه و... تکرار پلیدی‌هایی نبود که در مسیر سرکوب انقلاب اسلامی، امام امت را بمباران می‌کرد؟

اما چرا و به کدامین گناه احمدی‌نژاد این چنین مورد یورش مغولانه واقع شده بود؟ او خود با یک روشن‌بینی عمیق پاسخ می‌دهد:

عده‌ای احساس می‌کنند با آمدن من یک سلسله از بهره‌های اختصاصی محدود می‌شود.

سپس «دکتراحمدی‌نژاد» به‌عنوان زبان گویای ملت، فضا و شرایط دیکتاتورمآبانه انتخابات را با شفاف‌ترین تصاویر ترسیم می‌کند:

فعلاً ورود به منطقه ممنوعه تحت بمباران سنگین است و ما پایمان را در آن گذاشته‌ایم، آتش از زمین و هوا می‌بارد.[2]

این واقعیت ویرانگر که از سوی حامیان هاشمی به‌انجام رسید، سبب شد تا سایت ضدانقلابی «روزنت» را که در طول انتخابات به‌شدت در حال ترور شخصیت احمدی‌نژاد بود، پس از انتخابات بنویسد:

---

۱. پیشین
۲. پیشین

سؤالی که همگان، علی‌الخصوص روشنفکران، اصلاح‌طلبان، اصحاب قلم، روزنامه‌نگاران و طنزنویسان در این روزها باید از خود بپرسند، این است که آیا ما در این انتخابات در حق کاندیداهایی که با آنها موافق نبودیم، ظلم نکردیم؟ آیا دشمنی با کسانی چون احمدی‌نژاد و نگرانی از پیروزی‌شان موجب نشد که ما از جاده انصاف و عدالت خارج شویم؟ به اشاره بگویم که بعضی از فرهیختگان پخته و وزین ما در این مدت، چنان سخن گفتند و نوشتند که گویا تا به امروز از تفکر استبدادی و رفتار فاشیستی هیچ اثری نبوده است، و تنها چیزی که موجب ظهور فاشیسم و بازگشت به استبداد است، پیروزی آقای احمدی‌نژاد است، و آقای رفسنجانی می‌تواند و می‌خواهد از ظهور چنین تفکر و رفتاری جلوگیری کند.[1]

وسعت، عمق و حجم تخریب احمدی‌نژاد نیازمند پژوهشی گسترده است. می‌توان فرازهایی از بیانیه ۳۱ تیرماه او را در اشاره به این میدان، چشم‌اندازی هولناک دید:

بنده در برابر موج سنگین و شکننده تهمت‌ها، افتراها و اکاذیب و هجوم‌های ناجوانمردانه رسانه‌ای به خدای سبحان پناه می‌برم و در این لحظات سخت که ملت بزرگ ایران در آستانه اتخاذ تصمیمی سرنوشت‌ساز قرار گرفته است، خاضعانه از قادر متعال مدد می‌جویم تا هدایت و حمایت خود را از ملت ایران و این بنده ناچیز دریغ نفرماید.

اینک که شما مردم عزیز، این خادم و سرباز کوچک خود را راهی مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری کرده‌اید، متأسفانه شاهد به اجرا درآمدن یک فتنه عظیم ضداخلاقی هستیم، که در آن ابتدایی‌ترین مبانی و اصول انسانی و اسلامی زیر پا گذاشته شده است، تا با ایجاد تخم یأس، تردید و ابهام، اذهان مردم را از گرایش به‌سوی کسی که هیچ هدفی جز خدمت به ملت شریف، و سرآمد کردن ایران عزیز در سر نداشته و ندارد، منحرف سازند، و او را از

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۱۱

چشم‌ها و دل‌های مردم ساقط کنند.

هـ: پیش‌بینی‌ها

یکی از رخدادهای عجیب انتخابات نهم، «پیش‌بینی»هایی بود که پی در پی ارائه می‌شد. نقل و درج پیش‌بینی‌های مختلف می‌توانست این پیامدها را داشته باشد:

- افکار عمومی را جهت داده و در تصمیم و رأی ملت تأثیرگذار باشد.
- هواداران نامزدهایی را که احتمال رأی آوردنشان ضعیف است، از هواداری و رأی به نامزد مورد نظر منصرف نماید.
- گروه‌هایی را که پیروزی نامزد مورد نظرشان در پیش‌بینی‌ها منتفی اعلام می‌شود دچار یأس و نگرانی کند.
- پیش‌بینی‌ها در آرای این گروه‌ها تأثیرگذار بوده و آنان را به‌سوی نامزدی که پیروزیش قطعی اعلام می‌شود، سوق دهد. از این روی در نگاه کارشناسان سیاسی، اعلام پیش‌بینی‌ها با هدفمندی خاص سیاسی انجام می‌گرفت.

در راه‌کار پیش‌بینی، دکتر احمدی‌نژاد به‌هیچ روی در گزینه‌های راه یافته به مرحله دوم حضور نداشت. البته پیش‌بینی‌های مورد بحث بر «پیروزی گفتمان اصلاحات» استوار بود. طبیعتاً کسی که در این مسیر پابرجاتر و معتقدتر بوده و تبلیغاتش در جهت گفتمان اصلاح‌طلبی، سرمایه‌گذاری بیشتری داشت، در رده‌های بالاتر قرار داشت. پیش‌بینی‌ها توسط نامزدها و طیف‌های حامی آنان عرضه می‌شد. معین در برابر «دروازه ملل» در تخت جمشید گفت:

انتخابات ۲۷ خرداد یک «آری بزرگ» به آینده اصلاحات است و یک «نه بزرگ» به خرداد ۷۶ نیست.

او در همایش «اصلاح‌طلبان پیشرو» در کرمانشاه نیز اظهار کرد:

ملت متمدن و با فرهنگ و مستعد و جوان اجازه نخواهد داد که تفکرات واپس‌گرا، حتی در زبان شروع، به‌عنوان طالبانیسم، فرصت ظهور مجدد در کشور پیدا کند.

الهه کولایی سخنگوی معین در یک پیش‌بینی ادعا کرد:

رد صلاحیت معین یک اقدام بازدارنده در مقابل وقوع حادثه‌ای مثل دوم خرداد ۷۶ بود.

رئیس ستاد معین اعلام نمود:

انتخابات به دور دوم می‌رود، و معین رأی اول را کسب می‌کند.[۱]

در این جا باید به این نکته اساسی اشاره کرد که حضور دو نامزد با عقبه تبلیغاتی عظیم و فضاسازی گسترده توسط همین عقبه، سبب گردید احتمال دو مرحله‌ای شدن انتخابات کم و بیش نفی شود. هاشمی رفسنجانی با نحوه و روند ورود که ایجاد فضای تهدید و رعب‌آور از مسایل داخلی و خارجی، تحقیر و کوچک شمردن دیگر نامزدها در توانمندی و مدیریت از جمله آن بود، این شبهه را به وجود می‌آورد که «هاشمی رفسنجانی» گزینه برتر و انحصاری برای ملت است. نامزد دیگر قالیباف بود که گاه خود را «مجاهد» و گاه «رضاخان حزب‌اللهی» می‌خواند، و حجم وسیع و پرهزینه تبلیغاتش، مدیریت، توانمندی و درایت او را تبلیغ می‌نمود و گفته می‌شد که حضور وی سرنوشت انتخابات را یک مرحله‌ای خواهد کرد! به‌همین جهت، گذشته از

---

۱. خبرگزاری ایسنا نقل از نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۲۰

اظهارات معین و حامیانش که شوخی و مزاحی بیش نبود، پیش‌بینی‌ها پیرامون هاشمی و قالیباف با چنین هدفی صورت می‌گرفت.

از این روی سخنگوی قالیباف قاطعانه گفت: قالیباف در دور اول برنده است.[۱] خود وی در در روز ۲۷ خرداد تصریح نمود: امروز ملت بزرگ ایران حادثه عظیمی را رقم خواهد زد.

در پیش‌بینی سعید حجاریان، هاشمی و قالیباف یا معین به دور دوم می‌رفتند.[۲]

اما کارگزاران سازندگی به‌هیچ روی همتایی برای هاشمی نمی‌یافتند. مرتضی سجادیان مدیر مسؤول «ندای سازندگی» ارگان رسمی حزب کارگزاران با یک پیش‌بینی آمرانه نامزد خود را تنها گزینه ملت اعلام نمود:

> ملت باید هاشمی رفسنجانی را به‌عنوان پرچمدار توسعه انتخاب کند، تا برنامه‌های توسعه وی ادامه یابد. هاشمی ضرورت امروز ایران است.[۳]

در این میان احمدی‌نژاد هم یک پیش‌بینی داشت. در نگاه او نتیجه انتخابات خلق یک حماسه و شگفتی بود.[۴]

به‌درستی در مرحله نخست انتخابات اراده ملت حماسه‌ای عظیم و شگفت‌آور را خلق کرد.

خلق این شگفتی، سیاستمداران، کارشناسان و تمامی جناح‌ها و باندها را با هر نگاه و هدفی به حیرت وا داشت. به‌همین جهت نتیجه مرحله نخست یک «شوک» یا «سونامی» نام گرفت که در مرحله دوم به «معجزه»

---

۱. خبرگزاری ایلنا نقل از نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۲۲
۲. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۲
۳. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۲
۴. نقل آفرینان سوم تیر ص ۱۲۲

تبدیل شد!

شکست پیش‌بینی‌ها در مرحله نخست انتخابات، تحلیل‌ها و برداشت‌های متفاوتی را در پی داشت. یکی از برداشت‌های اصلاح‌طلبانه، با عنوان «نبرد آبرو برای هاشمی» در ارزیابی از آنچه پیش آمد و البته با کتمان تلاش‌های گسترده پشت پرده نوشت:

هاشمی برای تصدی پست ریاست جمهوری نه فردگمنامی به اسم احمدی‌نژاد، بلکه دو حریف قدر را پیش روی خود می‌دید. قالیباف با محبوبیت بالایی که در آخرین روزهای منتهی به ۲۷ خرداد رو به کاهش گذارد!؟ و معین که به‌دلیل حمایت جبهه مشارکت انتظار پیروزیش می‌رفت. از دیگر سو هاشمی با رایزنی غیرسیاسی، پس ازکسب اطمینان از تمام شدن کار در مرحله اول پا به عرصه گذاشته بود.[۱]

این مقاله به شکست پیش‌بینی توسط یک نامزد دیگر هم اشاره می‌کند:

محمدباقر قالیباف از دیگر ناکامان بزرگ عصر روز ۲۷ خرداد بود. قالیباف که پیش از آن با اطمینان از صعودش به مرحله دوم سخن گفته بود... اما هیچ ناظر سیاسی نمی‌توانست حدسش را هم بزند که کاندیدای جبهه مشارکت با چنین شکستی روبرو شود.

سپس نویسنده آخرین سخن را درباره شکست قاطع پیش‌بینی‌ها بیان می‌کند:

به هر شکل، نتایجی که از صندوق‌ها بیرون آمد، آب یخی بود بر روی پیش‌بینی‌هایی که انجام شده بود. هاشمی آرای خود را به‌دست آورد. اما معین با وجود همه پیش‌بینی‌ها، حتی حمایت اقلیت کرد و اهل‌سنت، نتوانست بین چهار کاندیدای اول باشد.[۲]

---

۱. روزنامه مردم سالاری ۸۴/۴/۱ ۲. روزنامه مردم‌سالاری ۸۴/۴/۱

پس از این شکست فاحش، تمامی ابزارها، امکانات و راه‌کارها در صفی فشرده علیه احمدی‌نژاد وارد عمل شد. میدان وسیع عملکرد حامیان هاشمی در تخریب هولناک از یک سو، و سکوت و بی‌طرفی و عملکرد خنثی از جانب طیف رقیب اصلاح‌طلبان از سوی دیگر، پایه و مایه پیش‌بینی‌های قاطع در مرحله دوم بود.

به‌همین دلیل «نوبخت» سخنگوی ستاد انتخابات هاشمی در تشریح و ترسیم تلویحی نتیجه انتخابات گفت:

احمدی‌نژاد فقط می‌تواند نماینده یک جریان سیاسی و آرای سازمان‌یافته باشد، در حالی که هاشمی با اعتقاد به مشارکت همه جریان‌های سیاسی، نمایانگر همبستگی ملی ایرانیان خواهد بود.[1]

منتجب‌نیا از اعضای مجمع روحانیون مبارز که تشکل او حامیان مرحله دوم هاشمی بودند، احتمال داد که احمدی‌نژاد با آرای بسیار پایین پیروز خواهد شد. اما جلایی‌پور در یک مصاحبه قاطعانه گفت:

من می‌گویم بعید است هاشمی رأی نیاورد شاید جبهه دمکراسی‌خواهی چهار میلیون رأی داشته باشد، اما جبهه ضد اقتدارگرایی حداقل ۱۶ میلیون رأی می‌آورد.[2]

ملاحظه می‌شود ساز و کار پیش‌بینی‌های «زورمدارانه» بیش از پیش بوده است. مطبوعات اصلاح‌طلب در این زورمداری و قلدری تهاجمی‌تر عمل می‌کردند. روزنامه «شرق»، ارگان کارگزاران سازندگی، نتیجه انتخابات مرحله نخست را با این تیتر اعلام داشت:

۱۶ میلیون اصلاح‌طلبان، ۱۱ میلیون اصولگرایان

شوک بزرگ پیروزی احمدی‌نژاد در مرحله اول، دامان خارجی‌ها را

---

۱. روزنامه همبستگی ۸۴/۳/۳۰
۲. روزنامه شرق ۸۴/۳/۳۰

هم گرفت. برخی از عوامل غربی ناچار شدند به بطلان پیش‌بینی‌های خود اعتراف کنند. روزنامه «گاردین» نوشت:

سفارت بریتانیا در پیش‌بینی نتایج دور اول انتخابات ایران و حضور محمود احمدی‌نژاد در دور دوم، کاملاً شکست خورد.

این روزنامه به‌نقل از یک منبع در وزارت خارجه تصریح کرد:

نتیجه مرحله اول انتخابات و حضور احمدی‌نژاد در دور دوم برای سفارت ما غافلگیرکننده بود.[۱]

روزنامه «لیبراسیون» فرانسه هم چنین نوشت:

احمدی‌نژاد درحالی به دور دوم راه یافت که هیچ تحلیل‌گر سیاسی و هیچ تشکلی حتی چنین فکری را نمی‌کرد.[۲]

اما خبرنگار شبکه اول تلویزیون ایتالیا گزارش داد:

برخلاف همه پیش‌بینی‌ها، احتمال دارد امروز ـ جمعه ـ احمدی‌نژاد پیروز میدان باشد.[۳]

«مهدی خزعلی» از هواداران سرسخت هاشمی با امید به تخریب شدید و وسیع علیه احمدی‌نژاد گفت:

امیدوارم با حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رأی و حمایت از هاشمی، شنبه جشن آزادی را در سراسر کشور برگزار کنیم.[۴]

اما اراده خداوند، اراده ملی را جهت داد و پیش‌بینی‌ها را هم در کنار دیگر امکانات و ابزارهای شیطانی از پای درآورد. پیروزی معجزه‌آسای احمدی‌نژاد با بیش از ۱۷ میلیون رأی آگاهانه ملت باندها و جریان‌های معارض با ملت را دچار خشم و کینه بیشتر نمود و دشمنان خارجی نظام اسلامی را هم به اغما فرو برد، این مسأله واقع‌نگری بیشتر برخی از

---

۱. روزنامه همبستگی ۸۴/۳/۳۰
۲. روزنامه کیهان ۸۴/۳/۳۰
۳. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴
۴. روزنامه ایران ۸۴/۴/۱

صاحب‌نظران جهانی را موجب شد. «احمد السیوفی» کارشناس مصری امور ایران ثمره مرحله دوم انتخابات را این‌گونه ارزیابی کرد:

ملت ایران به‌رغم آگاهی از این مسأله که هاشمی رفسنجانی ازکسانی است که خدمات بزرگی به کشور کرده، و از افراد بسیار با تجربه در مسایل سیاسی است، از طریق این انتخابات خواست بگوید که خواهان تغییر و دمیدن خون جدید در کشور است.[1]

تلویزیون «دبی» هم این مطلب را برای بینندگان بیان نمود:

رئیس‌جمهور منتخب ایران فرزند ملت، و کسی است که در شهرداری تهران، حقوق یا دستمزدی دریافت نمی‌کرد.[2]

و: نظرسنجی‌ها

نظرسنجی‌ها ابزار دیگر تخریب احمدی‌نژاد در انتخابات نهم بود. نظرسنجی‌ها همان‌گونه که می‌توانند کاربردی اثباتی داشته باشند، می‌توانند اثراتی منفی نیز داشته باشند و هدفمند عمل کنند. به همین دلیل در میدان سیاست، نظرسنجی به ابزار کار اغراض سیاسی گروه‌ها و جریان‌های مختلف تبدیل می‌شود.

جهت‌دهی و ایجاد انحراف در تصمیم‌گیری رأی‌دهندگان، از کارکردهای منفی نظرسنجی است. از این روی در انتخابات نهم، نظرسنجی به «نظرسازی» بدل شد و از آغاز فعالیت انتخاباتی گروه‌ها و جناح‌ها در راستای تقابل با احمدی‌نژاد به کار رفت.

حزب‌ها، تشکل‌ها، و مراکز علمی (!؟) در انتخابات نظرسنجی را با این توجیه مورد استفاده قرار می‌دادند که این ابزار آمار و ارقام و علمی،

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۷

۲. خبرگزاری مهر ۸۴/۴/۸

دقیق را ارائه می‌کند.

جالب است که در استفاده از نظرسنجی، اصلاح‌طلبان و جناح رقیب آنان، در مورد دکتر احمدی‌نژاد عملکرد واحدی داشتند! شیوه‌های ذیل نمونه‌ای از کارکرد نظرسنجی‌های جریان‌های مختلف درباره احمدی‌نژاد بود:

الف) در پرسش «به کدام نامزد رأی می‌دهید» در مواردی نام احمدی‌نژاد حذف شده بود!

ب) در پرسش به «کدام نامزد رأی نمی‌دهید» نام دکتر احمدی‌نژاد حضور داشت! در پاسخ به این پرسش درصد بالایی مقابل نام وی علامت می‌زدند!

ج) در نظرسنجی‌هایی که روال معمول را می‌پیمود، درصد رأی‌دهندگان به دکتر احمدی‌نژاد پایین بود، و در بسیاری از آنها حتی به رتبه سوم نمی‌رسید!!

آقای ناطق نوری، در مصاحبه خود با روزنامه شرق، ناخواسته به پشت پرده نظرسنجی‌ها اشاره نموده است. وی می‌گوید:

نظرسنجی‌ها همیشه قابل اعتماد نیستند. آقای هاشمی تا آخرین لحظات بالا بود. مردم نظر می‌دهند، اما نظرشان به هر حال عوض می‌شود. یک نکته که برخی غافل بودند. در نظرسنجی ها دو تا سؤال معمولاً مطرح می‌شد. اول به چه کسی رأی می‌دهی، دوم به چه کسی رأی نمی‌دهی.

به نظر اطرافیان آقای هاشمی از این موضوع غافل بودند. اگرچه در اغلب نظرسنجی‌ها ایشان نفر اول بودند و مثلاً ۳۵ درصد می‌گفتند به آقای هاشمی رأی می‌دهند، اما در پاسخ به سؤال دوم نیز مثلاً ۴۹ درصد می‌گفتند به هاشمی رأی نمی‌دهیم. به همین خاطر ما نظرسنجی‌ها را مدنظر داشتیم و اتفاقاً مطابق

> تحلیل‌ها نیز پیش رفت. تصور ما این بود که چون آرای منفی ایشان بالا است، خیلی موفق نباشند.[۱]

مـــی‌توان در یک پــژوهش اخــتصاصی مـجموعه نـظرسنجی‌های انتخابات نهم را بررسی و ارزیابی نمود.

اگر بتوان نظرسنجی‌های دوران انتخابات را دارای سلامت و واقعیت آماری دانست، باید اعتراف نمود که این ابزار عـلمی هـم در انـتخابات ناکارآمد بود و معجزه ۲۷ خرداد و سوم تیر آن را هم فلج کرد.

مقاله‌ای که پس از پیروزی احمدی‌نژاد به ارزیابی انتخابات پرداخت، نمونه‌هایی از نظرسنجی‌ها را بدین نحو ارائه کرد:

در نظرسنجی اوایل سال ۸۴ سایت «بازتاب» آمده بود:

> هاشمی، معین، احمدی‌نژاد.

پنج روز مانده به انتخابات در نظرسنجی «بسیج» هاشمی با ۲۴/۹۵، قالیباف ۲۰/۴۷ و احمدی‌نژاد ۱۲/۸۲ نشان داده شد.

در روزهای پایانی، نتایج نظرسنجی نهادهای مختلف، همه بر پیروزی «هاشمی» متفق‌القول بودند. چنانکه براساس آمار صدا و سیما ۲۸٪، ایرنا ۲۷/۱، خبرگزاری «مـهر» وابسـته بـه سـازمان تـبلیغات و نـزدیک بـه «محمدباقر قالیباف» ۲۵/۵، خبرگزاری «فارس» ۲۲/۵ آرا به هاشمی اختصاص داشت.

جالب است که در این نظرسنجی‌ها نفر دوم صحیح پیش‌بینی نشـده بود. بدین‌نحو که «مهر» معین را بـا ۲۲/۱، «صـدا و سـیما» و «فـارس» قالیباف را با ۲۳/۴ و «ایرنا» معین را با ۲۷/۱ و بسیار نزدیک به هاشمی

---

۱. روزنامه شرق ۸۵/۱/۱۶

اعلام کردند.

در نظرسنجی خبرگزاری دانشگاه آزاد هم هاشمی اول، معین و قالیباف دوم بودند.[۱]

براساس یک نظرسنجی معتبر، در ۲۰ خرداد قالیباف در صدر فهرست نامزدهای اصول‌گرا قرار داشت.[۲]

سایت «آفتاب نیوز» وابسته به هاشمی، با انتشار نظرسنجی فراگیر «ایرنا» در ۲۱ خرداد، بیش از ۲۷/۱ درصد آرا را به هاشمی اختصاص داد. در این نظرسنجی پس از هاشمی، معین با ۱۸/۹ لاریجانی با ۱۷/۳، قالیباف با ۱٦/۵، کروبی با ۱۳/۱ و احمدی‌نژاد با ۷/۷ قرار داشتند.[۳]

نوبخت سخنگوی ستاد هاشمی در ۱۳ خرداد اعلام کرد که براساس آخرین نظرسنجی‌ها، هاشمی با دو برابر آرا نسبت به نفر دوم در مقام اول ایستاده است.[۴]

در یکی از آخرین نظرسنجی‌ها توسط مراکز مختلف، نامزدها آرای ذیل را داشتند:

خبرگزرای «مهر»: هاشمی ۲۵/۵، معین، ۲۲/۱۰، قالیباف، ۱۶/۸۶
«صدا و سیما»: هاشمی ۲۸٪، قالیباف ۲۳/۴، کروبی ۱۲٪
خبرگزاری «فارس»: هاشمی ۲۲/۵، قالیباف ۱۸/۵۴، احمدی‌نژاد ۱۵/۴
خبرگزاری «ایرنا»: هاشمی ۲۷/۱، معین ۲۷/۱، قالیباف ۱۶/۵[۵]

آخرین نظرسنجی سراسری خبرگزاری «فارس» اعلام می‌داشت

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۱۸
۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۱۵
۳. ماهنامه همشهری تیر ماه ۸۴
۴. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۱۰
۵. ماهنامه همشهری تیرماه ۸۴

انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود.

۳ نفر حائز بیشترین آرا در این نظرسنجی عبارت بودند از:

هاشمی ۲۲٪، قالیباف ۱۸٪، و احمدی‌نژاد ۱۵٪[۱]

در مرحله دوم، یک روز مانده به انتخابات، نظرسنجی‌های پنج‌گانه توسط مراکز بسیج، جهاد دانشگاهی، صدا و سیما، وزارت ارشاد و وزارت اطلاعات، احمدی‌نژاد را با اختلاف ۲٪ تا ۵٪ از هاشمی جلوتر نشان می‌داد. لیکن این‌بار هم مردم با حضور میلیونی خود، احمدی‌نژاد را با کسب ۶۰٪ آرا رئیس‌جمهور کردند.[۲]

برخی از رسانه‌ها و جراید با ارائه نظرسنجی‌هایی، هاشمی را برنده قاطع نشان می‌دادند و هیچ شانسی برای رقبای او قایل نبودند.[۳]

با مرور تلاش‌های صورت گرفته از سوی مراکز مختلف در نظرسنجی یا نظرسازی، می‌توان به این راز پی‌برد که تخلفات و قانون‌ستیزی‌های مجریان دولت در دور اول، و مبارزه گسترده دولتی در دور دوم علیه احمدی‌نژاد، به‌منظور اثبات و قطعیت علمی نظرسنجی‌ها بوده است!!

به طور کلی موج تخریب دکتر احمدی‌نژاد که به گوشه‌هایی از آن اشاره شد، بویژه برخورداری این موج از پشتوانه مالی و سیاسی و تئوریک دولتی و دیگر مراکز قدرت، احمدی‌نژاد را به صدور اطلاعیه‌ای در مرحله دوم واداشت. در این اطلاعیه آمده بود:

> بنده به پشتوانه آرای میلیون‌ها تن از مردم خوب و گرانقدر ایران از رئیس‌جمهور و وزرای اطلاعات و کشور و نیروی انتظامی می‌خواهم که دست‌های ناپاک بداندیش و برهم زننده نظامات فکری و روانی جامعه را

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ماه ص ۱۲۱ ۲. مجله همشهری تیر ماه ۸۴

۳. نقش آفرینان سوم تیر ص ۲۷

شناسایی کرده و صحنه‌گردانان اصلی این وقایع را به مردم معرفی کنند. با استفاده از این فرصت، مردم عزیز و همه علاقه‌مندان بویژه جوانان پرشور را به خویشتن‌داری و حفظ متانت و بردباری در قبال فعالیت‌های گسترده تخریبی علیه اینجانب، سفارش می‌کنم و تأکید می‌کنم که ما منادی و هواخواه همه خوبی‌ها و ارزش‌های نیک اسلامی و انسانی هستیم، و هرگونه رفتار زننده و افراطی را که موجب زایل شدن حقوق فردی و جمعی دیگران شود، مردود و مذموم می‌دانم.[۱]

در این فراز اطلاعیه چند نکته اساسی وجود دارد:

۱ ـ رئیس‌جمهور و وزرایی که از آنان درخواست شده تا با عوامل تخریب و توطئه مقابله کنند کمترین اقدامی در پیشگیری تخریب و ترور شخصیت احمدی‌نژاد ننمودند. بلکه شواهد و قرائن بسیاری ـ که برخی از آنها در همین کتاب اشاره شده ـ حاکی از آن بود که دولتیان خود به حمایت از رقیب احمدی‌نژاد و تخریب وی (احمدی‌نژاد) پرداخته بودند و این کار را نیز ادامه دادند.

۲ ـ حامیان احمدی‌نژاد از صلابت و صبر احمدی‌نژاد درس گرفته و وفاداری به او را در پذیرش درخواست صبوری و متانت پذیرفتند.

۳ ـ هاشمی، رقیب احمدی‌نژاد، که تخریب ضدانسانی مرحله دوم، یا به حمایت از او بود و یا از سوی نمایندگان ویژه و ستادهای حمایتی وی صورت می‌گرفت، حتی یک بار سخنی در منع یا مذمت حامیان خود نگفت.

لازم به ذکر است که بنا بر گزارش خبرنگار روزنامه سیاست‌روز، ستاد انتخاباتی هاشمی از اعضای برخی ستادها و نزدیکان نامزدهای دیگر

---

۱. اطلاعیه ۸۴/۳/۳۱

شکایت‌های متعددی را مطرح کرده و بشدت خواستار تعقیب این افراد شد. این گزارش حاکی است: تاکنون از اعضای ستادهای انتخاباتی هر چهار نامزد اصولگرا شکایت‌هایی مبنی بر تخریب آقای هاشمی طرح گردیده است. دو تن از کسانی که به اتهام تخریب آقای هاشمی تحت پیگرد قرار گرفته‌اند به سیاست روز گفتند: در این شکایات انتشار پوسترهایی که حاوی شعارهای ضد فساد بوده، به‌عنوان نادیده گرفتن دستاوردهای انقلاب اسلامی مطرح شده است!!

در یک تحلیل پیرامون ادعای «تخریب علیه هاشمی» خطاب به وی آمده است:

نوع تبلیغاتی که علیه شما انجام شد با آنچه رقیب شما با آن روبه‌رو بود تفاوت بسیاری داشت! تبلیغاتی که علیه شما صورت گرفت، عمدتاً در دو دسته می‌گنجید: یک دسته در باب سوء استفاده‌های خاندان و نزدیکان شما از بیت‌المال مسلمین و ویژه‌طلبی آنان بود. تفاوت فاحش زندگی برخی از نزدیکان شما با زندگی عموم مردم ایران مورد اعتراف شما است. اما ادعا دارید که اینان با هوش فوق‌العاده و نبوغ فکری خود در مسائل اقتصادی به این جا رسیده‌اند! آیا نمی‌توان پرسید چه شده است که در دوران ریاست جمهوری شما و در هنگام خصوصی سازی به این جا رسیده‌اند! آیا نمی‌توان پرسید چه شده است که در دوران ریاست جمهوری شما و در هنگام خصوصی‌سازی اموال دولتی در زمان شما و در زمان نوسانات فوق‌العاده قیمت دلار که به دست شما انجام پذیرفت، تنها استعدادهای این فرد به فعالیت رسیده و سایر مردم در آن دوران دچار کند ذهنی شده بودند؟[1]

بد نیست یک تحلیل هم از بی‌بی‌سی حسن ختام این بخش شود:

در انتخابات اخیر، جنگ روانی، فشار بر مردم و شایعات تأثیری نداشت، و

---

۱. نامه پرتو سخن ۸۴/۷/۶

تحریک خارجی نتیجه‌ای معکوس گذارد.[۱]

تخریب با ابزار فشار بر انصراف!

وارد کردن فشار به‌منظور انصراف، یکی از راه‌های به‌کار گرفته شده در نهمین انتخابات ریاست جمهوری بود. این راه که به‌معنای خارج ساختن رقیب از صحنه انجام می‌گرفت، گرچه در ظاهر با استدلال به «عدم مقبولیت»، «نبود آرای بالا و... مطرح می‌شد، ولی «اصرار» و گستردگی آن در مورد «دکتر احمدی‌نژاد» در همان زمان هم از واقعیتی دیگر حکایت می‌کرد.

مشهورترین شایعه از توافق حداد عادل با هاشمی خبر می‌داد؛ مبنی بر این‌که اصول‌گرایان توکلی و احمدی‌نژاد را از صحنه خارج کنند، و در مقابل هاشمی هم نیاید. شایعه‌ای که احتمالاً صحت و سقم آن به عنوان یکی از رازهای انتخابات سال ۸۴ باقی خواهد ماند.[۲]

این مسأله گام‌های آغازین بود که سیر طولانی و فرسایشی را به‌منظور حذف احمدی‌نژاد، طی کرد. شایعات منصرف شدن دکتر احمدی‌نژاد، هم در مطبوعات درج می‌شد و هم از طریق پیام‌های تلفنی و نقل‌قول‌ها منتشر می‌گردید. به‌همین دلیل در گردهمایی‌هایی این موضوع از دکتر احمدی‌نژاد سؤال می‌شد و او از مردم می‌خواست نسبت به انجام آن نظر دهند. البته واکنش مردم به انصراف احمدی‌نژاد «نه» صریح و قاطع بود.

افرادی از شورای هماهنگی اصول‌گرایان در مصاحبه‌های مکرر تأکید می‌کردند که خواهان انصراف احمدی‌نژاد هستند.

---

۱. روزنامه سیاست‌روز ۸۴/۴/۷

۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۳۰

«آژینی» قائم مقام رئیس ستاد لاریجانی در نامه‌ای سرگشاده به احمدی‌نژاد نوشت:

اگر شما به‌نفع نامزد شورای هماهنگی کناره‌گیری کنید، پیروزی نامزد اصول‌گرایان قطعی است.[1]

پیش‌تر مریم بهروزی در گفت‌وگو با ایسنا گفته بود:

با توجه به اخلاصی که در احمدی‌نژاد می‌بینم فکر می‌کنم وی در جهت ایجاد وحدت میان اصول‌گرایان انصراف دهد. او به‌دنبال خدمت است و خدمت در شهرداری نیز وظیفه مهمی است، و ان‌شاءالله در دولت مسؤولیت کلیدی اگر خود تمایل داشته باشد می‌تواند بگیرد.[2]

برخورد قیم‌مآبانه و حزب‌گرایانه که هیچ پیوندی با ملت و افکار و مطالبات او نداشت، علت اصلی چنین سخنان مخربی شده بود. این فرد و دیگر افراد و چهره‌های جناح مخالف رقیب اصلاح‌طلبان، ذره‌ای به خود اجازه تفکر و تأمل نمی‌دادند. آیا آنان که نقش تأثیرگذار احمدی‌نژاد را برای اصولگرایان به‌خوبی درک کرده و از ارتباط و اشتراک عمیق باورها، اصول و ارزش‌های او و ملت آگاهی داشتند و علاوه بر آن، محبوبیت بیش از پیش او را حداقل در تهران بزرگ به‌خوبی شاهد بودند، بهتر نبود از این فشار مخرب دست برمی‌داشتند؟ دیگر آن‌که چگونه این گروه درصدد بودند تا با «حذف محبوب‌ترین و مقبول‌ترین نامزد»، آرای او را برای نامزد خود جذب نمایند؟

کار به‌جایی رسید که مهندس «چمران» اعلام کرد:

فشارهای گسترده‌ای برای انصراف احمدی‌نژاد وارد می‌شود. همه دوست

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۱۹ ۲. خبرگزاری ایسنا ۸۴/۲/۱۶

دارند احمدی‌نژاد کنار برود، ولی خودشان حاضر نیستند کنار بروند.[۱]

حزب‌گرایان غیر مقبول از این حرکت تخریب‌گرانه دست‌بردار نبودند و تا آخرین روزهای مانده به انتخابات هم پی‌گیر آن شدند. از این روی در ۲۳ خردادماه، دکتر احمدی‌نژاد از فشارها برای انصرافش گلایه کرد و آن را نوعی بداخلاقی دانست.[۲]

به‌طور کلی ابزار فشار آشکار و پنهان و با ترفندهای گوناگون انصراف اجباری را از احمدی‌نژاد می‌خواست. گروه‌ها و باندهای حامی نامزدهای موسوم به اصول‌گرا، به یقین می‌دانستند که با وجود احمدی‌نژاد، هیچ شانسی برای پیروزی نخواهند داشت. اما پرسش آن است که چرا گروه‌ها و باندها و نامزدهای مورد حمایت آنها به‌جای طی کردن مسیر مشروع و معقول کسب «مقبولیت» در این مسیر خلاف اخلاق هدف خود را دنبال می‌نمودند؟ و آیا اساساً در چنین راهکاری انگیزه و هدف الهی نهفته بود؟ و اگر نبود که قطعاً نبود، چگونه عاملان آن به پایانی خوشایند امید داشتند؟ فرازی از بیانیه دکتر احمدی‌نژاد که در فاصله دو مرحله انتخابات صادر شد، راه‌کارهای مخرب را که قطعاً ابزار فشار برای انصراف یکی از آنها بود، چنین ارزیابی کرد:

تردیدی نیست که با انگیزه‌های غیر الهی، امکان پیشرفت در مسیر الهی فراهم نخواهد شد، و با بی‌تقوایی، تقوا گسترش نمی‌یابد.

به منظور یافتن پرسش‌های بسیار در مورد علت کوشش برای حذف احمدی‌نژاد می‌توان نمونه‌های ذیل را مورد توجه قرار داد.

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر به نقل از خبرگزاری ایرنا ص ۱۰۴
۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۵۱

تبلیغات انتخاباتی

یکی از مهمترین شاخصه‌های انتخابات نهم، تبلیغات این دوره بود که به‌لحاظ محتوا، شیوه و هزینه، در تاریخ انقلاب اسلامی سابقه نداشت.

پیش از پرداختن به مصداق‌ها در زمینه‌های فوق، ذکر چند نکته ضرورت دارد.

الف ـ سازوکار انتخاباتی نامزدها در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، علاوه بر رقابت سیاسی و عرضه برنامه‌ها و ارائه اهداف و چشم‌اندازهای آتی، نماد کامل مسابقه در اصلاح‌طلبی یا دنیاگرایی محض «اومانیستی» بود. در این میدان به‌استثنای دکتر احمدی‌نژاد، دیگر نامزدها کم و بیش مرزهای دینداری، ارزش‌گرایی و اصول‌مداری را درنوردیدند.

ب ـ نکته مهم دیگر که در تبلیغات این دوره برجستگی داشت، باور نامزدهای غیراصلاح‌طلب نسبت به ماندگاری گفتمان اصلاحات بود. از این روی نامزدها در کاربرد مفاهیم، واژگان و شعارهای اصلاح‌طلبی از یکدیگر پیشی می‌گرفتند. در بحث شکست «گفتمان اصلاح‌طلبی» برخی از این موارد اشاره شد. اعتقاد به نهادینه شدن گفتمان و فرهنگ اصلاح‌طلبی برای برخی از نامزدها به‌صورت یک «اصل» درآمده بود. به‌همین جهت «قالیباف» که در همه زمینه‌ها پیشرو بود، خود را یک حزب‌اللهی اصلاح‌طلب نامید.

ج ـ وجه اشتراک بین نامزدهای غیراصلاح‌طلب در «نقد، انتقاد، و اعتراض به اقتصاد دوران سازندگی» خلاصه می‌شد. گرچه اصل موضوع بیش از پیش قابل نقد و ارزیابی بود و ارزش به چالش کشیده شدن را

داشته و دارد، اما به‌روشنی پیدا بود که هدف اصلی نامزدهای منتقد و معترض شکست نامزد کارگزاران سازندگی است! به‌همین جهت «قالیباف» که خود را تنها رقیب «هاشمی» می‌دانست، بیش از دیگران با حالتی تهاجمی در این میدان گام برمی‌داشت.

این نامزد و نمایندگان او در بحث‌های تبلیغاتی، حمله به برنامه اقتصادی توسعه یا سازندگی را چنان دنبال می‌کردند که در بیشتر موارد از ارائه برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آینده خود غافل شدند یا خود را به تغافل زدند؟!

ویرانگری اقتصادی شانزده سال گذشته امری ملموس بود. به‌همین جهت «کروبی» در یک راهکار کاملاً نتیجه‌بخش محور تبلیغات خود را بر «وعده پنجاه هزار تومان برای هر نفر در ماه» گذارد. اگرچه از دیدگاه حقوقدانانی همچون «دکتر محمود کاشانی»، این ابزار تبلیغاتی غیرقانونی و قابل پی‌گیری بود، اما به‌هرحال آرای کروبی شدت و عمق فقر ناشی از شانزده سال حاکمیت توسعه اقتصادی را به تصویر کشید.

مردم این تهاجم به اقتصاد سازندگی را یک «ابزار تبلیغاتی» می‌دانستند. آنها به‌درستی می‌دیدند نامزدی چون «قالیباف» بدون سابقه و لاحقه کارشناسی تئوریک یا مدیریت اجرایی، به‌مثابه یک عالم علم اقتصاد وارد میدان شده است. البته در رأس حامیان این نامزد افرادی چون «نادران» و «توکلی» قرار داشتند، که دو نکته را در ذهن ملت ایجاد می‌کرد:

ـ از مخالفان سرسخت «هاشمی» بودند، و از طرفی «توکلی» در گذشته رقیب انتخاباتی وی بود.

ـ تحصیلات اقتصادی داشتند و نقدها و ارزیابی‌های آنان از زبان «قالیباف» بیان می‌شد.

اما «قالیباف» گویی این امر را باور نداشت. او در عرصه اقتصاددانی چنان پیش رفت که خواهان «مناظره» با هاشمی رفسنجانی شد.

مردم که پیش از کارشناسان برنامه‌های ویرانگر توسعه اقتصادی یا سازندگی را لمس کرده بودند بدون توجه به ابزارهای تبلیغاتی در ۲۷ خرداد و پس از آن در سوم تیرماه عملاً آن را به نمایش گذاردند. بنابراین شیوه تبلیغات «قالیباف» از سوی مردم در محدوده یک ابزار تبلیغاتی صرف تلقی شد. از آنجا که تبلیغات پرهزینه این نامزد، یک «سؤال بزرگ» و یک «امر منفی عظیم» بود، بنابراین ملت اعتراض و انتقادات او و حامیانش را به اقتصاد سرمایه سالارانه توسعه و سازندگی، صادقانه نمی‌دید!

د ـ نکته اساسی دیگر غفلت یا تغافل از مسائل فرهنگی و سیاسی توسط نامزدها و نمایندگان آنان بود. عدم درک صحیح نامزدها و حامیان کارشناس آنان از «مطالبات مردم» سبب شده بود تا تنها مسأله «اقتصاد» آن هم با سیری که اشاره شد، محور کار قرار گیرد.

به این ترتیب دین‌مداری، ارزش‌خواهی، اصول‌گرایی و عدالت به‌معنای اصیل، یا در تبلیغات نامزدها وجود نداشت و یا در رنگ و لعاب مسائل دیگر، قابل مشاهده نبود. آرای پایین لاریجانی نشان داد که مسأله «فرهنگ» از مطالبات جدی و قطعی مردم است. لاریجانی ده سال ریاست سازمان صدا و سیما را برعهده داشت و آرای مردم به او، نمایانگر دو مطلب اساسی بود:

- اساسی بودن مسأله فرهنگ در مطالبات ملی.
- نارضایتی مردم از عملکرد فرهنگی صدا و سیما با ریاست ده ساله لاریجانی. علاوه بر آن‌که او و دیگر نامزدها در تبلیغات انتخاباتی، رویکردی همه‌جانبه به «فرهنگ و گفتمان اصلاح‌طلبی» داشتند.

بدیهی بود که گسیختگی اقتصاد کشور، فاصله بسیار غنی و فقیر، بهداشت، بیکاری و فساد اقتصادی در شانزده سال گذشته با هر نگاه ابتدایی ملموس باشد. اما در میان نامزدها، «معین» و احزاب حامی او که دولتمردان و زیر مجموعه‌های دولت اصلاح‌طلب بودند، این امر واقعی را نادیده انگاشتند. از این روی درد اصلی مردم و مطالبات واقعی و اساسی ملت از دید آنان، دمکراسی، آزادی، حقوق‌بشر، حمله به نهادهای برآمده از نظام اسلامی همچون شورای نگهبان بود!!

«دکتر محمود احمدی‌نژاد» باز هم در مسابقه تبلیغاتی یک استثنا بود. او با روند ثابت خود، به مسائل اقتصادی نگاهی واقع‌گرایانه داشت. مطالبات ملت را «حق‌بینانه» کندوکاو می‌کرد، و با خلوص و صداقت تمام تنها «عدالت‌محوری» و «اصول‌گرایی» را در سیر «ارزش‌گرای» خود مدنظر قرار می‌داد. اهداف و برنامه‌های احمدی‌نژاد نگاه به آینده بود، تهاجم و ستیز را ابزار تبلیغات قرار نداد، و با تخریب دیگران، مسیر خویش را هموار نکرد.

باور نظری و عملی سبب شده بود تا احمدی‌نژاد تنها فردی باشد که «دینمداری» و «عدالت‌خواهی» مبتنی بر اسلام ناب حضرت امام خمینی(س) را «مطالبات اساسی» مردم بداند. بدین جهت گویی او مفاهیم، واژگان و شعارهای اصلاح‌طلبانه را نشنیده یا این‌که با راهکار

سیاسی تبلیغات آشنایی ندارد!

احمدی‌نژاد، آنچه را که «درد مردم» می‌دانست «صادقانه» بیان می‌کرد، و برنامه و هدف خود را «خالصانه» ارائه می‌نمود. ثبات عقیده، اصول‌گرایی حقیقی، صداقت عمل، دین‌مداری و مردم‌گرایی احمدی‌نژاد، در عدم تغییر محتوا و شیوه تبلیغات او رخ نمود.

احمدی‌نژاد منتقدی متدین و کارشناسی دردمند بود که بی‌عدالتی‌های شانزده سال گذشته را در پایه‌ها و اساس‌ها می‌دید. در این نگاه هرگز از جاده انصاف بیرون نرفت، و به بهای جلب آرا به شعارهای عوامفریبانه سازندگی یا اصلاح‌طلبی روی نیاورد.

سازوکارهای تبلیغاتی

ارمغان انتخابات هفتم ریاست جمهوری در خرداد ۷۶، سازوکار غرب‌گرایانه و سودپرستانه بود.

این امر در انتخابات نهم به گونه عجیبی اوج گرفت و آینده هولناکی را در عرصه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی ترسیم کرد. علاوه بر چاپ عکس و پوستر و تراکت و پارچه نوشته، فیلم‌ها و سفرهای انتخاباتی یادگارهایی از خرداد ۷۶ بود که در انتخابات نهم هم تکرار شد.

سیاسیون به‌درستی دریافته بودند که یکی از عوامل تعیین‌کننده پیروزی «خاتمی» در دو عامل «شیوه» و «هزینه» بالای تبلیغاتی او بود. از طرف دیگر چشمگیر نبودن و کم‌هزینگی تبلیغات «ری‌شهری» در آن دوره، سبب کاهش آرای او شد. با درک این واقعیت سیاسی، جناح‌ها و جریان‌ها و نامزدهای دو طیف به تقلید گسترده از «خاتمی» تبلیغات خود

را برنامه‌ریزی نمودند. اما همه آنها در یک غفلت یا تغافل از واقعیت فکری و سیاسی جامعه عمل می‌کردند. این غفلت یا تغافل و یا... نشان از جدایی، بریدگی و حتی «قیومیت» نگاه و روش حزبی و گروهی به ملت و مطالبات و باورها و ارزش‌های او بود.

سه بحث محتوایی، هزینه‌ای و شیوه تبلیغاتی در انتخابات نهم، موضوع این بخش است. بدیهی است در هر سه مورد به اشاره‌ای کوتاه بسنده خواهد شد؛ زیرا بررسی گسترده آن نیازمند پژوهش و گردآوری مطالب بی‌شمار است.

محتوای تبلیغات نهم

مروری گذرا بر تبلیغات نهمین انتخابات ریاست جمهوری، نشان می‌دهد که دستور و برنامه کار نامزدها به استثنای دکتر احمدی‌نژاد، یکسان بوده است. محتوا، هزینه، شیوه و ابزارهای به‌کار گرفته شده «مشروع» بودن تبلیغات بسیاری از نامزدها را در نگاه ملت زیر سؤال برد و مواردی از آن صریحاً مغایر با شرع قلمداد شد.

همان‌گونه که پیش‌تر آمد، نهادینه بودن اصلاحات، باور عمیق جریان‌ها، گروه‌ها و نامزدهای آنان در انتخابات بود. همین نکته، ابزارهای فرهنگی این گفتمان را علاوه بر اصلاح‌طلبان در جناح رقیب هم به‌کار انداخت.

«زن» یکی از ابزارهای نمادین تبلیغاتی انتخابات نهم بود که به‌لحاظ تئوریک و عملی از سوی نامزدها به‌کار گرفته شد، و جامعه اسلامی را نسبت به آینده کشور در حاکمیت آنها متعجب و متوحش کرد.

«جوانان» یا نسل سومی‌ها ابزار دیگری بودند که باز هم به تقلید از «خاتمی» دستاویز واقع شدند.

در این میان آن‌چه در تفکر صرفاً سیاسی جناح رقیب اصلاح‌طلبان جای نداشت «شعور ملی» و «حافظه ملت» بود. آنان نتوانستند این نکته مهم و برجسته را درک کنند که برای یک ملت فهیم و با شعور که از حافظه قوی هم برخوردار است دوران هشت ساله حاکمیت «خاتمی» کافی بود تا ابزارهای تبلیغاتی را بشناسند. آیا ملت نفهمیده بود اصلاح‌طلبان و شخص «خاتمی» در دو دوره حاکمیت «کرامت انسانی» را با دو مقوله «زن» و «جوان» به بازی گرفته بودند؟ سیاسیون در انتخابات نهم، تا آن حد «قدرت» را هدف قرار داده بودند که می‌پنداشتند ملت مسلمان و آگاه با همان ابزارها، بار دیگر به «سراب» کشانده خواهد شد!

متأسفانه این مهم در پروسه تبلیغات کاندیداها عملی شد. فاصله گرفتن از اصول، ارزش‌ها و باورهای دینی مردم، توجیه و عقب‌نشینی از فرهنگ اسلامی و آرمان‌های حضرت امام(س)، محل مناقشه دانستن جهاد و شهادت و... مشخصه‌های تبلیغات نهم بود.

به‌سخن دیگر، پیمودن مسیر «تساهل» و «تسامح» اصلاح‌طلبان، نقطه عطف تبلیغات در این دوره بود. در چنین میدانی «هاشمی رفسنجانی» با بر تن داشتن لباس روحانیت، و قالیباف از صف رزمندگان سابق، بیشترین و بلندترین قدم‌ها را برداشتند، و بالاترین قهر ملی را متوجه خود نمودند.

گرچه «توسعه اقتصادی» میدان دگرگونی وسیع و عمیق فرهنگی بود، که در اصلاح‌طلبی اوج گرفت، اما تا پیش از تبلیغات انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری، اکثر مردم نسبت به عقاید شخص هاشمی

رفسنجانی خوش‌بین بودند، و شاید برخی افراد حساب او را از خانواده، خویشان و مدیرانش ـ حداقل در بعد فرهنگی ـ جدا می‌کردند. عرصه انتخابات سبب شد تا عموم ملت باورها و رفتار «هاشمی» را با حیرت ملاحظه کنند. این رخداد باور ملت را در این نکته جهت داد که دگرگونی‌های فرهنگی در توسعه اقتصادی و تضعیف ارزش‌ها از عقب‌نشینی از اصول و آرمان‌ها، در بینش و اعتقاد عملی شخص هاشمی ریشه داشته است. از این روی عملکرد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خانواده او، بویژه مواضع فائزه هاشمی به هیچ وجه مخالف دیدگاه‌های هاشمی پدر، نبوده است!

هاشمی در تبلیغات خود از یک سو به حضور زن در کابینه تأکید داشت، و از دیگر سوی انتقادها و اعتراضات چندساله عموم ملت نسبت به فائزه هاشمی را چنین پاسخ داد:

> فائزه یک زن مسلمان انقلابی است!! او برای ورزش بانون فداکاری بسیار کرده است.

فیلم‌های تبلیغاتی هاشمی که با اراده آگاهانه و حضور وی تهیه و پخش گردید، بیش از پیش باورهای اعتقادی و عملی او را نمایان ساخت. قبول این مهم با توجه به جایگاه امامت جمعه او، برای ملت بسیار سنگین، اما واقعی بود.

حذف شعائر اسلامی در برنامه‌های تبلیغاتی هاشمی و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های او از دیگر اشکالات او بود. علاوه بر اینها، محتوای نخستین فیلم تبلیغاتی او بود که هم مشروعیت آن در نگاه عموم مقبول واقع نشد و هم ملت را به اتخاذ یک تصمیم بزرگ ملی در مورد وی مصمم‌تر کرد.

تأکید هاشمی بر اصلاحات و برنامه‌های آن، چه صریح و چه تلویحی، عزم ملت را برای اجرای این تصمیم نهائی بیشتر جزم کرد.

آنچه بر ملت آشکار گردید، از نگاه دوستداران تلاشگر «هاشمی» نیز مخفی نماند.

محمدمهدی امامی رئیس ستاد مرکزی حمایت مردمی از «سردار ایران»، از این افراد بود که در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی فارس گفت:

متأسفانه دور کردن هاشمی از جریان‌های مذهبی و اصول‌گرا، نیز یکی از استراتژی‌های موفق کارگزاران بود.

وی با یادآوری حضور بستگان نزدیک و فرزندان هاشمی در حزب کارگزاران افزود:

به این ترتیب کارگزاران آن‌چنان ایشان را دوره کرده‌اند، که برائت جستن از آنها، انگیزه‌ای خاص می‌خواهد، که در شرایط فعلی محال است. برای یک فرد سیاسی درکسوت روحانیت بهترین راه این است که بیت خود را از عرصه‌های سیاسی و ورود به جبهه قدرت دور کند، همان‌طوری که امام و مقام معظم رهبری این کار را کردند.[1]

اما هاشمی در این دوره به مثابه یک اصلاح‌طلب کامل وارد میدان شده بود. به همین دلیل علاوه بر مسأله فوق او در تالار شهید چمران دانشگاه تهران در پاسخ به این پرسش که: اگر شورای نگهبان یا نهاد دیگری بخواهد نتیجه آرا را در دور دوم تغییر دهد چه می‌کنید؟ پاسخ داد:

اگر چنین اتفاقی بیفتد من برای جلوگیری از چنین تجاوزی اقدام می‌کنم، و از

---

۱. خبرگزاری فارس مصاحبه ۸۴/۳/۳۱

هر امکانی در این مسیر استفاده خواهم کرد.[۱]

سخنان اصلاح‌طلبانه هاشمی رفسنجانی علیه برجسته‌ترین نهاد قانونی کشور که پاسدار اسلامیت نظام است، با دست زدن و سوت و هورا کشیدن حضار استقبال شد. ولی پس از آشکار شدن تلاش فزاینده هواداران هاشمی و مجریان وزارت کشور در تغییر آرای ملت که علیه احمدی‌نژاد و به نفع هاشمی و درگیری با قانون‌مداری شورای نگهبان بود، وی هیچ‌گونه واکنشی از خود نشان نداد!!

قالیباف، سردار مستعفی که شتابان به عرصه انتخابات وارد شده بود، تلاش داشت به هر شکل شده از رقیبان خود، پیشی گیرد. در این رقابت، او نه در جایگاه یک رزمنده دفاع مقدس به میدان آمد، و نه به‌مثابه یک اصول‌گرای ارزش‌خواه ظاهر شد. حضور قالیباف آن‌چنان که اصرار می‌ورزید ملت پذیرای او باشند، حضور یک اندیشه‌گر متمایل به اصلاح‌طلبی بود.[۲]

دکترای او آن‌گونه که اعلام شد، دکترای جغرافیای سیاسی بود، ولی وی بیش از پیش بر جامعه مدنی و ترویج «ان.جی.او»ها تأکید می‌کرد. وی در دانشکده فنی دانشگاه تهران با بیان این‌که در فرماندهی نیروی انتظامی به تشکیل بیش از ۱۰۰۰ NGO کمک کرده است؟! وعده داد اگر رئیس‌جمهور شوم برای شکل‌گیری این تشکل‌ها لوایحی به مجلس خواهم برد. پیشروی شتابنده قالیباف، توقف و تأمل نداشت. او در مرحله‌ای دیگر به منظور جذب آرای دانشجویان گفت:

دانشجو و دانشگاه باید به مجموعه دولت فشار بیاورد که دولت به سازمان‌های

---

۱. روزنامه آفتاب یزد ۸۴/۴/۱ ۲. سخنرانی ۸۴/۲/۱۴

اجتماعی و نهادهای مدنی بها داده و بستر حضور آنها را فراهم کند؟![۱]

زیر سؤال بردن و تخطئه شورای نگهبان هم که یک اصل ثابت در اصلاح‌طلبی بود، قالیباف را نیز غافل نکرد؛ بلکه وی به گونه‌های ناخوشایندی به آن پرداخت. او به پیروی از یورش اصلاح‌طلبان به نظارت استصوابی شورای نگهبان، در دیدار با دانشجویان اظهار داشت:

انتخابات مجلس هفتم را عادلانه می‌دانم، اما معتقدم آزادانه نبود، و شورای نگهبان رفتار خوبی نداشت؟[۲]

نگاه قالیباف به شورای نگهبان در ستیز رقابتی او با دکتر احمدی‌نژاد، آشکارتر شد.

ماجرا چنین بود که نظامی بودن قالیباف بحث‌های بسیاری را پیرامون تأیید صلاحیت وی به‌عنوان یک رجل سیاسی به‌وجود آورد. استدلال‌های حقوقی، فرهنگی و سیاسی فراوانی مبنی بر عدم صلاحیت او ارائه می‌شد. حتی در میان مردم شایع بود شورای نگهبان در شناختن قالیباف به‌عنوان رجل سیاسی متفق‌القول نیست. اما در یک حرکت ناموزون، ستاد انتخاباتی وی با صدور بیانیه‌ای اصلاح‌طلبانه، با پرخاشگری غیرمنطقی و غیرعقلانی، ستیز خصمانه علیه دکتر احمدی‌نژاد را حربه حمله به شورای نگهبان نمود. در این بیانه که به حمایت صریح از معین صادر شد، آمده بود:

شورای نگهبان براساس کدامین تحلیل، معین را رد صلاحیت، و براساس کدام دیدگاه و بینش احمدی‌نژاد را قابل صلاحیت برای حضور در انتخابات دانسته است!!![۳]

---

۱. روزنامه همبستگی ۸۴/۲/۲۸
۲. رادیو فردا
۳. نقش آفرینان سوم تیر ص ۴۲

به‌طور کلی موضع‌گیری در برابر شورای نگهبان یک ژست تبلیغاتی مبتنی بر گفتمان و راه‌کارهای اصلاح‌طلبی بود. تأیید معین این امکان را فراهم‌تر ساخت. سخنگوی لاریجانی هم از قافله عقب نماند و گفت:

ای کاش کاندیداهای بیشتری تأیید صلاحیت می‌شدند.

سخنگوی رضایی هم چنین اظهارنظر کرد:

اقدام شورای نگهبان در این دوره نشان داد که معیارهای لازم برای تشخیص رجل سیاسی و مذهبی دارای ابهام جدی است. و باید زودتر از اینها، قانون انتخابات اصلاح می‌شد.

از میان شش نامزد تأیید صلاحیت شده، تنها کسی که درباره نتیجه بررسی صلاحیت نامزدها توسط شورای نگهبان موضع نگرفت، محمود احمدی‌نژاد بود.[۱]

به‌طور کلی تبلیغات قالیباف به لحاظ ارزشی تشابه بسیاری با هاشمی داشت. این دو، گرایش و تمایل بیشتر به اصلاح‌طلبی را مبنا و محتوای کار قرار داده بودند. با این وجود، گویی قالیباف در شکستن مرزها مُصرتر بود. از این روی محتوای ملی‌گرایانه تبلیغاتش از نگاه مردم مخفی نماند. در یکی از بنرهای خوش‌رنگ و لعاب او شعار «ایرانی، ایرانی همیشه قهرمانی» با امضای کوچک محمدباقر قالیباف نوشته شده بود.[۲]

حرکت شتابزای قالیباف، گرچه با سکوت مردم روبه‌رو شد، اما ملت این سکوت را در صندوق‌های رأی شکست. برخی اصلاح‌طلبان این نمودها را مسکوت نگذاردند، و یک روزنامه دوم‌خردادی در مطلب ذیل به توصیف و تأیید ملی‌گرا بودن قالیباف پرداخت:

---

۱. همان

۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۵۳

قالیباف نخستین نامزد ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی است که دم از ایرانی بودن می‌زند. او در نظامی که همه یک‌جور سعی دارند از اسلام برای حل تمام مشکلات خرج کنند، از بحران افتخار حرف می‌زند. قالیباف مردی است که با شعار ملی‌گرایی وارد عرصه انتخابات شده است. او می‌گوید باید وطن‌دوستی و عشق به میهن در بین همه ایرانیان ترویج شود.[۱]

روزنامه گاردین، محتوای تبلیغاتی قالیباف را بیش از پیش ترسیم کرد و نوشت:

سید امیرحسین مکابری، مدیر دفتر نظارت و برنامه‌ریزی ستاد مبارزات انتخاباتی قالیباف در تهران می‌گوید: ما بیانیه انتخابات اخیر حزب کارگر انگلیس را مو به مو مطالعه کردیم، و ترکیبی از آن، و بیانیه خودمان را به‌وجود آوردیم. از نقطه‌نظر کمی طرح‌های بلر به‌گونه‌ای هستند که پس از چهار سال می‌توان موفقیت ایشان را ارزیابی کرد، و اندازه گرفت. ما سعی داریم همان ساختار و استراتژی را برای قالیباف پیاده کنیم. بی‌شک برای نخست‌وزیر بریتانیا تعجب‌آور خواهد بود که موفقیت پایدار انتخاباتی او، الگوی فرمانده اسبق و محافظه‌کار نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفته است.

در گزارش گاردین هم چنین آمده است:

ستاد انتخاباتی قالیباف، یک ساختمان هفت طبقه اداری مجهز به تازه‌ترین تکنولوژی کامپیوتری است، که در منطقه‌ای لوکس در شمال شهر تهران واقع شده است. دستگاه تبلیغاتی قالیباف با وقوف از تمایل شدید اکثر جوانان ایرانی به زندگی اجتماعی راحت‌تر، کمتر به اعتقادات شدید مذهبی قالیباف اشاره می‌کند. عملکردهای انتخاباتی نیز با نمایش آقای قالیباف بدون ریش، و یگانه در میان کاندیداهای اصلی صورت می‌گیرد. متن پوسترها به پیام‌هایی اختصاص داده شده که این نامزد را حامی جهانی شدن، خصوصی‌سازی و

---

۱. روزنامه مردم‌سالاری ۸۴/۲/۱۲

دولت کوچک نشان می‌دهد که به حداقل محدودیت‌ها علاقه دارد. همان که دستور کار اصلاح‌طلبانه رئیس جمهور خاتمی بود.

تبلیغات قالیباف به‌دلیل محتوای خارج از دایره اصول و ارزش‌ها، افواه و افکار عمومی را متوجه خود کرده بود. این مهم که در نگاه ارزشمدارانه و آگاه مردم مطلوب نبود، پس از مرحله نخست انتخابات در یک روزنامه دوم خردادی این‌گونه تحلیل شد:

از دیگر ناکامان عصر ۲۷ خرداد، محمدباقر قالیباف بود که پیش از آن با اطمینان از صعودش به مرحله دوم سخن گفته بود. هرچند که از تبدیل شدن تبلیغات قالیباف به ضد تبلیغ، در روزهای آخر می‌شد حدس زد که محبوبیت او کاهش یافته است.[۱]

محور اصلی تبلیغات کروبی، دیگر نامزد روحانی انتخابات نهم، بیش از هر چیز وعده پنجاه هزار تومانی بود. اما در شعارهای اصلی او آشتی تمدن‌ها، تشکیل دولت مقتدر، و دفاع از حقوق اقوام نیز اعلام شد.[۲]

به‌طور کلی از دید اکثریت ملت، وعده صرفاً مادی کروبی، شعور و کرامت انسانی مردم را به چالش گرفته بود. این برداشت ملت، آنگاه عمق بیشتری یافت، که ستاد کروبی با چاپ کارت‌های تبلیغاتی شبیه چک پول‌های پنجاه هزار تومانی، سعی داشت از ویژگی متمایزکننده برنامه کاندیدای محبوب خود، حداکثر بهره را ببرد. برنامه‌ای که دستمایه چند لطیفه انتخاباتی هم شده بود.[۳]

ناگفته نماند که کروبی در تبلیغات خود از حضرت امام (س) هم مایه می‌گذاشت. اما این امر تنها در دو مورد خلاصه می‌شد. یکی استفاده از

---

۱. روزنامه مردم سالاری ۸۴/۴/۱ — ۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۵۲

۳. نقش آفرینان سوم تیر ص ۵۲

تمثال مبارک آن حضرت در فیلم، و دیگری تأکید و تصریح بر احکامی که وی از امام دریافت کرده بود!!

کروبی قوم‌گرایی را هم با شدت دنبال می‌کرد، و در شهرهای استان لرستان، لر بودن خود را مطرح نموده، از مردم لرستان می‌خواست پای صندوق‌های رأی او را فراموش نکنند!

در هفته آخر تبلیغات، کروبی مهندس موسوی را به‌عنوان معاون اول خود معرفی کرد تا آخرین تیرش را هم شلیک کرده باشد. هم‌چنین آمادگی مناظره زنده تلویزیونی با هاشمی را نیز اعلام نمود. انتقاد از هاشمی به یکی از ترجیع‌بندهای کروبی و دیگر سران مجمع روحانیون مبارز، تبدیل شده بود. آنان در سخنرانی‌هایشان پیوسته هاشمی را به نقد می‌کشیدند.[۱]

حمله به شورای نگهبان، دفاع از خاطیان و مجریان محکوم و وعده به رد صلاحیت شدگان برای احقاق حق آنان، از دیگر راهکارهای تبلیغاتی کروبی بود.

لاریجانی نامزد شورای هماهنگی اصول‌گرایان بود و قطعاً انتظار می‌رفت به‌عنوان نماد اصول‌گرایی مطرح شود، اما متأسفانه او نیز با هویتی واژگونه در تبلیغات انتخاباتی حضور یافت.

وی که در آذربایجان، ترک‌ها را عامل وحدت ایران می‌خواند، و در فارس، شیراز را پایتخت فرهنگی ایران می‌نامید[۲]، نمی‌توانست برای ملت اصول‌مدار، نقطه امید باشد.

در یکی از بزرگترین تجمعات این نامزد، حضور زنان و مردان با وضع

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۵۲

۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۲۵

نامطلوب ملت را به مبانی فرهنگی مورد اعتقاد او مردد ساخت، و هنرنمایی یک خواننده پاپ در آن محفل، اراده مردم را در طرد وی قوی‌تر نمود.

از دیگر مسائل تبلیغاتی لاریجانی مطرح کردن غیرضرور، سؤال‌برانگیز و جهت‌دار شیرین عبادی بود. این امر بی‌ارزش یا ارزش‌زدا در فیلم تبلیغاتی او توسط مجری مطرح شد، و تجلیل لاریجانی از این فرد را در پی داشت. بنابراین تردید در اصول‌گرا بودن وی به یقین تبدیل شد.

معین تنها نامزدی بود که درگیری دمکراسی‌خواهی و حقوق بشرطلبی، او را با عرصه فرهنگ، اقتصاد و مطالبات ملت به‌گونه ویژه‌ای نه تنها بیگانه کرده بود که وی را به تقابل با مردم کشانده بود.

معین در شکستن مرز خودی و غیرخودی، خیانتکاران را حمایت نمود. گستره پذیرش غیرخودی‌ها در تبلیغات معین به‌گونه‌ای پیش می‌رفت که وی مواضع صریح و شفاف حضرت امام (س) را در این زمینه اهانت‌بار دانست و آن را نفی کرد. موضع‌گیری پرخاشگرانه و توهین‌آمیز او نسبت به نامه مبارک حضرت امام (س) واکنش‌هایی را دربر داشت.

دکتر احمدی‌نژاد نامزد منحصر به‌فردی بود که دعای فرج زینت‌بخش تبلیغاتش بود. وی بی‌پروا با افتخار و بالندگی در برنامه‌ها و سخنرانی‌های خود بر شعائر اسلام ناب با محوریت عدالت‌گستری تأکید می‌کرد.

سیر ثابت و عزت‌مندی که احمدی‌نژاد از آغاز تا پایان انتخابات دنبال کرد، نشان داد که باور نظری و عملی او به اسلام ناب و آرمان‌های حضرت امام (س) تحت تأثیر شرایط و فضا قرار نمی‌گیرد. هم‌چنین

پایداری، دین‌مداری و عظمت‌خواهی وی، عرصه سیاست را بهانه دگرگونی و یا واژگونی شعارها و برنامه‌ها قرار نمی‌دهد. از این روی او با هیچ یک از ابزارهای انتخاباتی در رسیدن به هدف فریب نخورد و با هیچ بهایی، خریدار قدرت‌طلبی نشد. این ویژگی منحصر به‌فرد احمدی‌نژاد، که در کارنامه گذشته‌اش سابقه داشت. دو رویکرد را موجب شد:

الف) احزاب، گروه‌ها، رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی‌کار و قدرت‌طلب، او را در انزوا و فشار برای انصراف قرار دادند. برخی چون ایثارگران قالیباف را بر وی ترجیح دادند.

ب) ملت عدالت‌خواه و عزت‌جو، روز به روز بیشتر به وی گرایش یافته، در نهایت معجزه سوم تیرماه را آفریدند.

ستادهای دکتر احمدی‌نژاد هم بواقع مردمی و خودجوش بود. محتوای کاری این ستادها نیز برمبنای اعتقادات طرفداران دکتر قرار داشت. در هیچ‌یک از آنها نشانی از گفتمان اصلاح‌طلبی دیده نمی‌شد؛ بلکه به‌روشنی عکس آن، یعنی پافشاری بر اصول، کاملاً مشهود بود. مثلاً شعارهای مردم برای احمدی‌نژاد به صورت مکتوب یا شفاهی، درخواست مبارزه با فقر و فساد و تبعیض بود، یا این‌که او از سوی مردم مالک اشترِ علی و رجایی دیگر خوانده می‌شد.

زیباترین شعار محتوایی و انحصاری در تبلیغات احمدی‌نژاد، شعار «تا دولت کریمه یک یا حسین (ع) دیگر» بود.

در یادداشتی از یک سفر احمدی‌نژاد، نوشته شده، شخص دکتر در صحبت تلفنی به شنونده چنین گفت:

ان‌شاءالله با یک یا حسین (ع) دیگر کار تمام است.[۱]

مرور گوشه‌هایی از یک مراسم تبلیغاتی دکتر احمدی‌نژاد که با ولادت حضرت زینب (س) مصادف بود، مؤید مطلب است:

قرآن تلاوت شد. عطر و بویی از نام مبارک حضرت زینب علیه‌السلام بر فضای سالن حکمفرما بود. تعداد پارچه نوشته‌هایی که بر دیوارهای سالن نصب می‌شد، لحظه به لحظه افزایش می‌یافت.

دو نوشته عبارت بودند از «تاریخ تکرار رجایی را خواهد دید، با رأی من و تو» و «آقای احمدی‌نژاد دعای خیر چهارده هزار مادر شهید منطقه ۱۷ بدرقه راهتان.»

بازار صلوات هم خیلی داغ بود. چند مداح در مدح زینب کبری خواندند. شعر معروفی که درباره حضرت علی (ع) است، قرائت شد. انگار به دل مردم این امید نشسته بود که مردی از شیعیان ناب علی (ع) در راه است. احمدی‌نژاد آمد پشت تریبون، شعارهای مردم هم آغاز شد. «صل علی محمد، بوی رجایی آمد» و «برای رفع تبعیض، احمدی‌نژاد به‌پا خیز» شعارهای اصلی مردم بود.

عنان از کف دادم و به دریای جمعیت پیوستم. جمعیت شعار می‌داد: «ابوالفضل (ع) علمدار، احمدی‌نژاد نگه‌دار.»

دکتر مرتبه اول گوش کرد. اما بار دوم، مصرع دوم را اصلاح کرد: خامنه‌ای نگهدار. جمعیت از این ابتکار دکتر بیشتر به‌جوش آمد. احمدی‌نژاد شروع کرد به سخن. اول هم تولد حضرت زینب (س) را تبریک گفت... در پایان مراسم مردم فوج فوج از سالن بیرون می‌آمدند و شعار می‌دادند: «تا دولت کریمه یک یا حسین دیگر.»[۲]

---

۱. بیست و یک ساعت با رئیس جمهوری ص ۷۳

۲. همان ص ۱۵ تا ۱۹

ثبات نظر و قدم احمدی‌نژاد در تبلیغات انتخاباتی از هر نظر جلب توجه می‌کرد. نکته‌ای که بیش از پیش مورد توجه و تدبر واقع می‌شد، تغییرناپذیری و عدم تأثیرپذیری محتوای تبلیغات او از فضا و شرایط سیاسی و گفتمان رایج بود. این مسأله توجه شیرین عبادی، اصلاح‌طلب سرسخت را هم جلب کرد. وی در تحلیل پیروزی مرحله نخست احمدی‌نژاد در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی گفت:

احمدی‌نژاد تنها کاندیدایی بود که حرف خود را هیچ‌گاه عوض نکرد. او از ابتدا بر اصولی که به آنها اعتقاد داشت پافشاری کرد.[۱]

فیلم‌های تبلیغاتی او هم از شعارها و اصول سیاسی جذب آرا خالی بود. ژست‌ها، دکورها و راه‌کارهای تبلیغاتی به‌هیچ روی در ساحت پاک احمدی‌نژاد راه نداشت.

او حتی در فیلم‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها و... به تقدس‌مآبی هم روی نیاورد. از عکس‌ها و نام‌ها و عناوین برخلاف دیگر نامزدها سود نجست. درحالی که وی سابقه حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را داشت، دانشجوی فعال سیاسی پیش و پس از انقلاب اسلامی بود، دوستان شهید بسیاری داشت و بسیاری از مسائل دستاویز شده برای دیگر نامزدها را دارا بود.

احمدی‌نژاد حتی نخواست موارد زیادی از مدیریت مردمی و توانمند خود در شهرداری تهران را به رخ رأی‌دهندگان بکشد. شاید اگر تخریب بی‌امان و هولناک مرحله دوم از سوی مهاجمین حامی هاشمی علیه او صورت نمی‌گرفت، او حاضر نبود خود را در مقام استادی یکی از

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۲۹

بزرگترین دانشگاه‌های کشور در رشته مهندسی، به مردم معرفی کند. احمدی‌نژاد با تمام اعتقاد به کلام و مرام و راه حضرت امام(س)، هیچ‌گونه استفاده تبلیغاتی از این مهم به‌عمل نیاورد.

او حتی ولایتمداری بی‌چون و چرایش را در عرصه پیروی از مقام معظم رهبری وسیله جذب رأی بی‌شمار ولایتمداران قرار نداد. احمدی‌نژاد سالم‌ترین و صادقانه‌ترین محتوای انتخابات را در آلوده‌ترین و سیاسی‌ترین فضا و شرایط انتخاباتی، پیش گرفت. البته فرهنگ پذیرفته شده احمدی‌نژاد که در تبلیغات او زوایایش نمودار شد، سیاسی‌کاران حرفه‌ای و قدرت‌طلبان را به یکی از روش‌های زیر در رویارویی با وی سوق داد:

ـ منزوی ساختن و حذف و نادیده انگاشتن او.

ـ ایجاد سؤال و وارد ساختن خدشه در توانمندی‌ها و سیاستمدار بودن او.

ـ تخریب گسترده افکار، عقاید و ارزش‌های پذیرفته شده او؛ که در اینجا، راست و چپ و اصلاح‌طلب و محافظه‌کار، بویژه در مرحله دوم توأمان حرکت کردند، اما نگاه‌های کنجکاو، واقعیت‌ها را دید و حتی با اکراه به آنها اشاره‌هایی کرد. رویترز در نخستین تحلیل پس از انتخابات ایران نوشت:

> **سبک زندگی فروتنانه احمدی‌نژاد و وعده‌هایش در خصوص مهار فساد و توزیع مجدد ثروت حاصل از نفت کشور، اقشار مردم روستاها و شهرها را جذب کرد.[1]**

واشنگتن پست هم شاید با شگفتی از واقعیات عرصه سیاسی انتخابات

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۲۹

نهم نوشت:

احمدی‌نژاد با وفاداری به آرمان‌های مذهبی، وارد عرصه رقابت شده است. وی برای تبدیل ایران به کشوری نمونه مطابق دیدگاه شیعه عمل می‌کند و خواستار خدمت به فقراست.

واقعیت آن است که احمدی‌نژاد برخلاف دیگر نامزدها تأکید می‌کرد: انقلاب اسلامی بزرگترین حادثه تاریخ ملت ایران بعد از صدر اسلام است که آینده عزت و استقلال و همه‌چیز ملت به آن بستگی دارد. انقلاب اسلامی یک شورش و طغیان برای کسب قدرت، و نیز محصور در زمان و جغرافیای خاص نیست. بلکه دنباله راه و نهضت انبیاست.

اما ارزیابی گری‌سیک، مشاور امنیت ملی در زمان کارتر هم از پیروزی احمدی‌نژاد به‌لحاظ نگاه مبنایی، قابل تأمل است. او گفت:

اشتباه است اگر حمایت‌های ملت ایران از احمدی‌نژاد را به‌حساب تقلب بگذاریم. احمدی‌نژاد خیل عظیمی از هواداران را گرد خود جمع کرده است که به ارزش‌های مذهبی و سنتی بهای خاصی می‌دهند. احمدی‌نژاد با اطمینان، خود را فردی صریح و مردی ساده از جنس مردم نشان می‌دهد. وی روحانی نیست، اما خیلی بیش از اکثر روحانیون سیاسی که در طی ۲۵ سال گذشته کشور را رهبری کرده‌اند، تمایلات و اعتقادات مذهبی خود را بروز می‌دهد.[۱]

حرکت اصول‌گرایانه و ارزشمدارانه احمدی‌نژاد در انتخابات، بیانگر دین‌مداری عملی او بود. این مسأله بنیادین سبب شد تا آیت‌الله مکارم شیرازی، این گونه به پیروزی احمدی‌نژاد اشاره نمایند:

یک شخصیتی که امید به حفظ ارزش‌ها و تأمین معیشت مردم از وی می‌رفت، مردم او را یک سره بالا بردند، و این خواسته اصلی مردم را نشان می‌دهد.[۲]

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۲۹ ۲. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۸

شیوه تبلیغات

بی‌گمان تبلیغات، هم پیام محتوایی را به مخاطبان ابلاغ می‌کند، و هم شخصیت نامزد را با انگیزه و هدف او معرفی می‌نماید. از این روی می‌توان از شیوه‌های تبلیغاتی، باورهای نامزدها را در اصول و ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مشاهده کرد.

در نهمین انتخابات ریاست جمهوری شیوه تبلیغاتی مهمترین «بازتعریف» و معرّف شخصیت نامزدها بود. گونه‌های مختلف تبلیغی از فیلم گرفته تا عکس و پوستر و پارچه نوشته، مصاحبه، سخنرانی و... مجموعه تعریف شده‌ای از دیدگاه‌های آشکار و نهان و گفته و ناگفته نامزدها را به نمایش گذارد.

در این عرصه هم هاشمی رفسنجانی اقدامات هولناکی انجام داد. پخش فیلم‌های تبلیغاتی وی، آخرین خوش‌بینی‌ها و تردیدها را در مورد شخص او به بدبینی و یقین تبدیل کرد. در یکی از تحلیل‌های انتخابات نهم آمده است:

بحث‌انگیزترین فیلم تبلیغاتی، متعلق به بحث‌انگیزترین نامزد انتخابات، یعنی هاشمی رفسنجانی بود. این فیلم در واقع پرسش و پاسخ حدود بیست جوان از تیپ‌های بسیار متفاوت با هاشمی بود. سؤالات گاه شوخی و گاه جدی می‌شد. این فیلم بخشی از طرفداران هاشمی، یعنی اقشار روحانی و مذهبی را تاحدودی رنجاند. روزنامه جمهوری اسلامی به‌عنوان تریبون این بخش از طرفداران هاشمی به‌سختی از آن انتقاد کرد. بویژه از نوع پوشش و ظاهر برخی جوانان، و به‌خصوص برخی سؤالات درباره اکبر گنجی، عاشق شدن هاشمی و...

واقعیت آن بود که فیلم هاشمی رفسنجانی، با اختلاط دختران و پسران به گونه غیر شرعی، حجاب نامطلوب دختران و گریستن هاشمی برای دختری که

اعتراف می‌کرد خانواده‌اش نسبت به ورود دیرهنگامش به منزل معترضند و... مسائلی نبود که در فرهنگ ایرانی قابل قبول باشد، چه رسد که مسلمان با فرهنگ قرآنی و شیعه، آن را بپذیرد.

کسوت روحانی و مسؤولیت امامت جمعه هاشمی سبب شد تا فیلم تبلیغاتی وی از منظر مردم یک فاجعه تلقی شود.

فیلم دوم او شوک عاطفی نام گرفت، و در آن قابلیت‌ها، توانایی‌ها، سوابق و خدمات و بسیاری دیگر از برجستگی‌های هاشمی به رأی‌دهندگان ایرانی یادآور می‌شد. صدای هاشمی در بخشی از روایت بغض‌آلود گردیده و می‌لرزید.[۱]

صدا و سیما که در تقسیم‌بندی وقت و طراحی برنامه تبلیغات نامزدها نگاهی جانبدارانه داشت، فیلم دوم هاشمی را چهارشنبه از شبکه یک پخش کرد. این کار آخرین فرصت باقی‌مانده تبلیغات را از آن هاشمی نمود، که می‌توانست بیشترین بهره‌ها را به او برساند. پوستر، عکس، پارچه نوشته‌های تبلیغاتی او نیز در همه جا بیداد می‌نمود. بنابر نوشته کتاب مذکور:

پدیده منحصر به فرد تبلیغاتی این دوره، برچسب‌های HASHEMI2005 بود که در دو رنگ سفید و نارنجی و ابعاد تقریب ۱۰ × ۵۰ سانتی‌متر برای نصب خودروها و... طراحی شده بود. از حدود دهم خرداد ماه تعداد قابل ملاحظه‌ای خودرو مدل بالا حاوی برچسب‌های فوق در سطح شهرها، بویژه مناطق شمالی و مرفه‌نشین تهران به حرکت درآمدند. شایع بود که به هر جوان نصب‌کننده این برچسب‌ها، وجوهی پرداخت شده است. این اولین بار در طول ۲۷ سال انتخابات در جمهوری اسلامی بود که از حروف غیر فارسی برای تبلیغات انتخاباتی استفاده می‌شد.[۲]

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۶۰

۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۵۵.

دخترها و پسرهای شمال شهر تهران با پوشش و آرایش زننده، پیشانی و دهان خود را با برچسب‌های هاشمی ۲۰۰۵ زینت داده و کارناوال حمایت از هاشمی به‌راه می‌انداختند. مانور ماشین‌های مدل بالا درحالی که سرنشینان آن با ظاهری بسیار زننده تصاویر هاشمی را حمل می‌کردند، و یا عکس‌های او را بر شیشه‌ها و درهای ماشین نصب کرده بودند، نمی‌توانست برای جامعه قابل هضم باشد. ساز و کار دیگر تبلیغات ستادهای هاشمی، گسیل دخترانی با لباس و کفش اسکیت به خیابان‌های تهران بود. این دختران عکس‌های هاشمی را در دست داشتند و یا بر سینه چسبانده بودند. پذیرایی رایگان در رستوران‌های گران‌قیمت مراکز مختلف تهران، مشروع بودن تبلیغات را علاوه بر منابع مالی آن زیر سؤال می‌برد.

عدم استقبال گسترده مردم نسبت به هاشمی، در مرحله نخست معدودی از دوستداران واقعیش را به توجیه واداشت. محمدمهدی امامی از این افراد بود که به خبرنگار سیاسی فارس گفت:

> کارگزاران سعی دارد هاشمی را از اصول‌گرایان دور و به اصلاح‌طلبان نزدیک کند. تا زمانی که کارگزاران با هاشمی هستند و او نمی‌تواند آنها را از خود دور کند، نمی‌شود از اصول‌گرایان انتظار داشت از هاشمی حمایت کنند، و تضمینی هم در مقابل حمایت از هاشمی نمی‌شود به آنها داد.

وی افزود:

> سعی شد تا در فیلم تبلیغاتی ایشان با چهره‌ای بغض‌آلود مظلوم‌نمایی شود، و نیز فضایی ارائه شد که مورد تأیید اصول‌گرایان نبود.

این شخص، تأثیر سازوکار تبلیغات هاشمی را در انتخابات چنین ارزیابی کرد:

پیش از آغاز تبلیغات و برنامه‌های وی در صدا و سیما، اقبال ۳۰ درصدی داشت، ولی پس از تبلیغات این میزان به حدود ۲۰ درصد رسید.[1]

جالب توجه آن‌که هاشمی رفسنجانی انتقادها، پرسش‌ها و اعتراضات مردم را نسبت به شیوه‌های انحصاری و دور از شأن تبلیغات خود به‌هیچ وجه پاسخ نگفت. اما پاسخ ستاد انتخاباتی و دفتر وی به مردم این بود که: مانور ماشین‌ها، دختران و پسران اسکیت‌باز و... حرکت‌های خودجوش مردمی است!!

قالیباف نیز که خود را رقیب جدی هاشمی می‌دانست شیوه تبلیغاتی تعجب‌برانگیزی را پیشه کرد. پوشش و آرایش قالیباف بیش از هر چیز تعجب همگان را برانگیخت. وی بی‌توجه به ارزش‌های اسلامی از لباس‌های گران‌قیمت استفاده می‌کرد. یک نویسنده در بررسی فیلم تبلیغاتی قالیباف نوشته است:

در این فیلم قالیباف طبق معمول، بسیار شیک‌پوش ظاهر شده بود.[2]

نحوه پوشش قالیباف به‌لحاظ اقتصادی و فرهنگی چنان سؤال‌برانگیز بود که خبرنگاران با پرسش‌های پی در پی او را محاصره می‌کردند. یکی از گزارشگران، در توصیف یک جلسه تبلیغاتی قالیباف، از یک رنگی لباس، کفش، موی سر، تریبون و... خبر داد. چنین مسائلی را مردم در سیمای جمهوری اسلامی هم شاهد بودند.

پوسترها، عکس‌ها و دیگر ابزارهای تبلیغاتی این نامزد نشانی از سادگی، مردمی بودن و تا حدی ایرانیت نداشت. تزلزل و چرخش وی در تبلیغات، گاه او را خلبان، گاه جغرافی‌دان و زمانی اندیشمند و اقتصاددان

---

۱. مصاحبه با خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۱

۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۵۸

معرفی می‌کرد. گفته شده:

چیزی که تبلیغات قالیباف و کنفرانس خبری‌اش را متمایز می‌کرد، طراحی بسیار دقیق هنری این کنفرانس بود. خبرنگاران بی‌طرفی که از نزدیک با قالیباف برخورد می‌کردند، او را مردی فوق‌العاده باکلاس و شیک‌پوش تصور می‌کردند که سعی می‌کند لهجه مشهدی‌اش را بروز ندهد. عکس‌های قالیباف با لباس خلبانی و یا درحالی که حلقه نامزدی‌اش را به دوربین نشان می‌داد هم، او را از سایر نامزدها متمایزتر می‌کرد.[۱]

لاریجانی که در برخی از عکس‌ها در حال ثبت امضای یادگاری برای دختران جوان بود، در فیلم تبلیغاتی علاوه بر آن‌که آزادی اصلاح‌طلبانه را تأیید کرد، خود را پیشگام ترویج موسیقی پاپ معرفی نمود. او با لحنی غیردوستانه به معترضان و منتقدان پاسخ داد، و بر این سلیقه و نظر خویش پافشاری کرد. فیلم دوم وی گرچه پخش نشد، اما شایعاتی پیرامون محتوای آن در میان مردم انتشار یافت. به‌طور کلی لاریجانی هم از ابزارهای رایج در تبلیغات استفاده کرد، ولی به‌پای دو رقیب یاد شده خویش نرسید.

پخش تصاویری از لاریجانی در کنار چند هنرمند نسبتاً مشهور در همایش انتخاباتی شورای هماهنگی از دیگر شیوه‌های تبلیغی این نامزد برای جذب آرا بود.[۲]

معین همراه رضا خاتمی به اتفاق همسرانشان در میتینگ‌های انتخاباتی شرکت می‌کردند. معین به بانوان و اهل‌سنت وعده‌هایی می‌داد. حتی وعده داد پست معاونت حقوق بشر هم ایجاد کند، و این را به شیرین

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۲۴
۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۲۸

عبادی بسپارد.[۱]

احمدی‌نژاد در شیوه تبلیغات هم روشی بی‌نظیر داشت. او که از کمترین حجم تبلیغات برخوردار بود، نگرش و باورها و ارزش‌های مورد قبول خود را صادقانه ترسیم می‌کرد.

کاغذهای ارزان‌قیمتی که عکس‌های ساده احمدی‌نژاد به‌دور از ژست و آرایش، و هزینه اقتصادی و فرهنگی بر آن نقش بسته بود، نماد عالی مبارزه وی با هر نوع فساد بود. یکی از همسفران احمدی‌نژاد در سفر تبلیغی به استان گیلان نوشته است:

به آستانه اشرفیه نزدیک می‌شویم. موتورهای همراه ما دوباره سازمان گرفته و جمع شده‌اند. اتومبیل‌های مستقبل هم درکنار موتورهای جلو اتوبوس قراول می‌روند و بوق می‌زنند. دکتر احمدی‌نژاد از داخل اتوبوس می‌گوید: پیغام بدهید به این بچه‌ها که بوق نزنند. شب اول ایام فاطمیه علیهاالسلام است.[۲]

البته مردمی که با هزینه خود برای احمدی‌نژاد تبلیغ می‌کردند، در تهران و شهرها، با موتور یا ماشین‌های شخصی که تصاویر او را بر آنها نصب کرده بودند، از این نامزد استقبال می‌کردند. واقعیت آن است که تبلیغات احمدی‌نژاد از حیث پرهیز عمدی او از ژست تبلیغاتی و شیک‌پوشی، و دوری از زرق و برق تبلیغاتی، همراه با ادبیات انقلابی خاصی که وی به‌کار می‌برد، وجه کاملاً متمایز از دیگر نامزدها بود.[۳]

شیوه تبلیغاتی احمدی‌نژاد بر باورهای او استوار بود. هیچ روزنه‌ای از راه‌کار تبلیغاتی در جذب آرا از سوی او مشاهده نمی‌شد. شاید یکی از

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۲۶
۲. بیست و یک ساعت با رئیس جمهور ص ۹۴
۳. نقش آفرینان سوم تیر ص ۴۹

دلایل مهمی که جناح رقیب اصلاح‌طلبان را نسبت به او بی‌رغبت کرد، همین شیوه ثابت و اصول‌مدارانه او بود.

رویترز این مشخصه مهم احمدی‌نژاد را با کنجکاوی دنبال کرد، و پس از پایان انتخابات این‌گونه به آن اعتراف نمود:

احمدی‌نژاد دل فقرا و محرومین را برده است. درحالی که دیگر رقبای او برای کسب رأی مردم به شیوه‌های تبلیغاتی غربی برای جذب جوانان روی آوردند، و یا مسائلی از قبیل برقراری رابطه با آمریکا را مطرح کردند، احمدی‌نژاد با طرح مسائلی از جمله خدمت به مردم و پیاده کردن اهداف اولیه انقلاب از جمله عدالت، رئیس‌جمهور ایران شد.[۱]

هزینه تبلیغات

سازوکار تبلیغات با تقلید غربی، طبیعتاً هزینه‌گزافی را بر نامزدها تحمیل می‌کند. رقابت یا مسابقه برای پیروزی با هر شیوه و وسیله‌ای هزینه‌های هنگفت انتخابات نهم را به معضلی هولناک تبدیل کرد. گرچه راه‌کار تبلیغاتی این دوره تقلید و تکرار انتخابات هفتم بود، اما برخی از نامزدها به‌گونه‌ای دور از انتظار هدف رسیدن به ریاست جمهوری را با هزینه فوق تصور دنبال نمودند.

در این میدان هاشمی رفسنجانی و قالیباف گوی سبقت را از دیگر نامزدها ربوده بودند. البته پرسش مکرر خبرنگاران درباره هزینه بالای تبلیغات قالیباف، و برآورد گروه‌های مردم از نحوه، تنوع و گرانی ابزارهای تبلیغاتی وی، او را حتی از هاشمی هم پرخرج‌تر نشان داد.

صرف بودجه کلان برخی نامزدها برای تبلیغات به‌حدی سرسام‌آور

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۵

شد که یکی از نمایندگان مجلس را به چنین اعتراضی واداشت:

حساب‌رسی و هزینه‌های تبلیغات بعضی کاندیداها و محل تأمین منابع مالی آنان یک ضرورت است. مردم باید از کاندیداها سؤال کنند که هدف آنها از نماینده یا رئیس جمهور شدن چیست؟ اگر خدمت‌رسانی به مردم است، با کدام توجیه صدها میلیون و یا ده‌ها میلیارد تومان برای تبلیغات خود هزینه می‌کنند، و اساساً پاسخ دهند از کجا آورده‌اند.[1]

این نماینده پیش و پس از پیروزی احمدی‌نژاد، در صف مخالفان وی قرار داشت، و شاید به این جهت هرگز پی‌گیر سخنان خود نشد، اما برای عموم مردم دو مطلب اساسی درباره هزینه تبلیغات نامزدها کماکان مطرح است:

۱ ـ چه منابع عظیمی این هزینه‌های کلان را تأمین کرد.

۲ ـ هدف آنها از ریاست جمهوری نامزد مورد حمایتشان چه بود؟

سخنان بهزاد نبوی پس از شکست معین نامزد ویژه اصلاح‌طلبان، می‌تواند معیار مناسبی برای تخمین هزینه تبلیغات نامزدها باشد. وی اظهار داشت:

برای هر ستاد آقای کروبی ۱۰ میلیون تومان درنظرگرفته شده بود، و فقط برای ستاد تهران او ۱۰۰ میلیون خرج کردند. همه می‌دانند که رأی کروبی ناشی از وعده ۵۰ هزار تومانی بود، و این درحالی بود که اعضای ستاد کروبی ۳ روز قبل از انتخابات، از رئیس جمهور شدن او ناامید شده بودند. حتی خود ستاد کروبی هم رأی بالای کروبی را پیش‌بینی نکرده بود.[2]

مردم بین هزینه تبلیغاتی کروبی با قالیباف و هاشمی فاصله زیادی می‌دیدند. بنابراین با یک ارزیابی نه چندان دقیق همان‌گونه که اکثریت

---

۱. روزنامه شرق ۸۴/۳/۳۱

۲. روزنامه کیهان ۸۴/۵/۴

ملت برآورد کردند، می‌توان گفت هزینه تبلیغات هاشمی و قالیباف به ده‌ها میلیارد تومان می‌رسید. لاریجانی هم با پشتوانه حزبی و گروهی، حجم بالایی از تبلیغات را داشت که قطعاً بودجه گزافی هم صرف آن شده بود.

در انتخابات نهم، محسن رضایی نیز هزینه بسیاری را برای تبلیغات صرف نمود. او که در انتخابات گذشته مجلس هم به همین شیوه حرکت کرده بود، پرسش جدی درباره منابع مالی خود را بی‌پاسخ باقی گذارد.

بمباران گسترده تبلیغات قالیباف و پس از او هاشمی در جهت‌دهی تصمیم‌گیری مردم، یک امر سرنوشت‌ساز شد. ملت هزینه تبلیغات قالیباف را مبلغی از ۴۰ تا ۷۰ میلیارد تومان تخمین می‌زد، و هاشمی را در ردیف پس از او قرار می‌داد. برای ملت این نکته اساسی قابل هضم نبود که قالیباف به‌عنوان یک نظامی مستعفی، با رویکرد عملی سریع به اشرافی‌گریِ شگفت‌آور، چگونه از این منبع بی‌پایان مالی بهره‌مند است؟! پرسش تعیین کننده دیگر متوجه ایثارگران و دیگر حامیان شاخص قالیباف بود. جمعیت ایثارگران با ورود قالیباف به صحنه انتخابات، و آغاز تبلیغات پرهزینه و سؤال‌برانگیزش، معیارها و ارزش‌های خود را در او خلاصه دیدند. چرخش این گروه از احمدی‌نژاد به قالیباف با چنین ادعائی همراه بود. از آبادگران و ایثارگران چهره‌هایی چون دارابی، فدایی، شاکری، زاکانی، نادران، خوش‌چهره، کوچک‌زاده، افروغ و توکلی چه در مجلس و چه خارج از مجلس با شعارهای عدالت‌خواهانه تهاجم به اقتصاد فقیرساز و سرمایه‌سالار سازندگی، حمله به ثروت‌اندوزی و رانت‌خواری و... در رأس حامیان قالیباف قرار گرفتند.

این تضاد شعار و عمل، گرچه برای سیاست‌پیشگان امری عادی به‌شمار می‌رفت؛ اما برای توده‌های اصول‌گرا و نسل جوان و آینده‌ساز کشور سؤال بزرگی بود!

هزینه‌های سرسام‌آور تبلیغات قالیباف علاوه بر محتوا و شیوه تبلیغاتی او، شگفت‌آور و پرسش برانگیز بود. خبرنگاران پی در پی معرفی منابع هنگفت این هزینه‌ها را از قالیباف می‌خواستند. مردم نیز در کمال ناباوری یک نظامی تازه مستعفی را با درآمد شخصی حیرت‌آور یا پشتیبانی عظیم مالی پنهان می‌نگریستند. بالاخره خبرنگاران توانستند در چند نوبت پاسخ پرسش بسیار مردم را در این زمینه با یک وعده از سوی قالیباف دریافت کنند. این وعده که هم بینندگان سیمای جمهوری اسلامی و هم خوانندگان مطبوعات آن را به خاطر دارند، این بود که: پس از پایان انتخابات، منابع مالی تبلیغاتی خود را معرفی خواهم کرد.

اما متأسفانه، مسأله فوق همچنان در پرده پوشیده ماند، و ذهن جست‌وجوگر ملت را نیز کماکان در کندوکاو باقی گذارد. در یکی از مکتوبات انتخابات آمده است:

> تبلیغات خیابانی و ژست‌های قالیباف در عکس‌های تبلیغاتیش، از نظر شیک و امروزی بودن مثال‌زدنی شده بود، در اوایل خردادماه اعلام حمایت توکلی و جمعیت ایثارگران از قالیباف، شتاب انتخاباتی جوان‌ترین نامزد هشت‌گانه را دوچندان کرد.[1]

کروبی، لاریجانی، معین و محسن رضایی نیز هزینه‌های بالایی را برای تبلیغات متقبل شدند. البته چنانکه پیشتر گفته شد، هیچ‌یک از آنان در

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۴۸

محاسبه هزینه تبلیغات، با قالیباف و هاشمی قابل مقایسه نبودند. هاشمی با داشتن پشتوانه‌های مالی بزرگ که هم مردم از آن بی‌اطلاع نبودند، و هم آن را نقطه ضعف بزرگ او می‌دانستند، به صحنه آمده بود. گرچه شهرت فراگیر او باید سبب بی‌نیازی وی از تبلیغات می‌شد، ولی دومین رقم تبلیغاتی را از منظر مردم به خود اختصاص داد.

یکی از نکته‌های تعیین‌کننده در آرای هاشمی، حمایت‌های مراکز و محافل مالی از او بود. نمونه کوچک و ناچیز آن را می‌توان نمایشگاه‌های بزرگ اتومبیل در شهرستان‌ها دید که به ستاد آقای هاشمی تبدیل شده بودند.[1]

تقریباً مردم یقین داشتند مانور ماشین‌های مدل بالا، گسیل دختران اسکیت‌باز در خیابان‌ها، پذیرایی رایگان و فراگیر در مراکز گران‌قیمت، هزینه‌های بالایی دارد، که به آسانی و در سطحی وسیع پرداخت می‌شد.[2] معین هم در صرف هزینه‌های تبلیغاتی در رتبه بعد قرار می‌گرفت.

در بین نامزدهای هشت‌گانه، دکتر احمدی‌نژاد کمترین تبلیغات را داشت به گونه‌ای که هر بیننده‌ای هزینه پایین و سادگی آن را تأیید می‌کرد. مردمی بودن ستادهای او، واقعیتی بود که همان هزینه پایین را به عهده طرفداران مردمی او می‌گذارد. در یادداشت‌های «۲۱ ساعت با رئیس‌جمهور» می‌توان این نمونه‌ها را مرور کرد:

عسکری‌راد، برایم می‌گوید که راننده اتوبوس هم از علاقه‌مندان دکتر است، و اتوبوس و خودش را وقف خدمت به احمدی‌نژاد کرده است. بعد از سفر، عسکری‌راد باز هم از ارادت عاشقانه این راننده اتوبوس به دکتر، برایم می‌گوید

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۷۲ ۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۸۵

و از اشک‌های شوق او، که بالاخره مردی از جنس مردم پیدا شده و می‌خواهد حکومت مردم بر مردم را تداوم بهتری ببخشد.[۱]

این اتوبوس در برخی سفرهای تبلیغی در اختیار دکتر احمدی‌نژاد و همراهان وی بود. هم‌چنین در همانجا نوشته است:

هیأت عاشقان اهل‌بیت: مستقر در گلزار شهدای رشت که رسماً به ستاد تبلیغات دکتر در دارالشفای آزادگان رشت تبدیل شده، روی تکه‌ای مقوا به دکتر خیرمقدم گفته است. دلم برای دکتر می‌سوزد. ستادهای انتخاباتی دیگر کاندیداها را با ستاد تبلیغاتی او در گلزار شهدا مقایسه می‌کنم و آب دهانم را به‌سختی قورت می‌دهم. تفاوت از زمین تا آسمان است.[۲]

در نوشته‌ای دیگر مربوط به انتخابات نهم آمده است:

روی همه اقلام تبلیغاتی احمدی‌نژاد، یک جمله ثابت خودنمایی می‌کرد: این... با استفاده از کمک‌های مردمی تهیه شده است، لطفاً پس از استفاده آن را در اختیار دیگران قرار دهید.[۳]

مردم این واقعیت‌های عینی را می‌دیدند. به همین دلیل بسیاری از آنها خود مجریان تبلیغات احمدی‌نژاد بودند. قلک‌های نوجوانان، طلاهای دختران و بانوان و خانه‌های مردمی از طبقه متوسط، هزینه تبلیغات احمدی‌نژاد را تأمین می‌کرد. در یکی از شماره‌های نشریه پرتو سخن، دختر جوانی پیغام گذارده بود:

ما طلاهایمان را برای کمک به تبلیغات احمدی‌نژاد هدیه کرده‌ایم، اما آقای احمدی‌نژاد به‌محض اطلاع از این کار، آنها را نپذیرفت و به ما بازگردانید. مشارکت مردمی واقعی در هزینه تبلیغات احمدی‌نژاد نقطه اشتراک دیگر او با

---

۱. بیست و یک ساعت با رئیس جمهور ص ۷۳
۲. بیست و یک ساعت با رئیس جمهور ص ۷۳
۳. نقش آفرینان سوم تیر ص ۵۴

انقلاب اسلامی ایران است.

موضوع تبلیغات دکتر احمدی‌نژاد، دوست و دشمن، مخالف و موافق و عوام و خواص را در این نکات به اشتراک نظر رسانید:

۱ ـ کم‌هزینگی.

۲ ـ واقعیت مردمی داشتن.

۳ ـ دین‌مدار بودن.

۴ ـ ثبات عقیده در نظر و عمل.

پس از شگفت‌آفرینی احمدی‌نژاد در مرحله نخست که سونامی نام گرفت، و همه سیاسیون را از جناح‌های مختلف در خود فرو برد، در مقاله یک روزنامه اصلاح‌طلب، پیرامون تبلیغات احمدی‌نژاد چنین آمد:

> **شهردار گمنام تهران از چهره‌هایی است که می‌تواند شائبه بازگشت به دوران قبل از اصلاحات را به‌وجود آورد. او حتی در تبلیغات انتخاباتیش هم ثابت کرد که هیچ تفاوتی با شخصیت‌های نخستین سال‌های پیروزی انقلاب نکرده است. او مردی است که با شعار قدیمی عدالت وارد میدان مبارزه انتخاباتی شده است. از طرف دیگر، سابقه احمدی‌نژاد و عملکرد تبلیغاتیش بدون هیچ‌گونه تلاش، نوع تفکر و عملکردش را نشان می‌دهد. بدیهی است که احمدی‌نژاد مثل سال‌های اول پیروزی انقلاب، معتقد به شرایط خاصی است که لزوم تجدید فعالیت‌های سیاسی ـ فرهنگی بخش وسیعی از جامعه را ایجاب می‌کند.[1]**

بیانیه ۹ تشکل عضو اتحادیه انجمن‌های مستقل هم که در مرحله دوم به حمایت از دکتر احمدی‌نژاد برخاستند، قابل توجه است. در این بیانیه آمده بود:

---

۱. روزنامه مردم‌سالاری ۸۴/۴/۱

در شرایطی که دکتر احمدی‌نژاد از حداقل امکانات تبلیغی برخوردار بود، توانست به مرحله دوم صعود کند. احمدی‌نژاد اکنون که با رأی و انتخاب شما مردم در بین حیرت مافیای قدرت و ثروت توانست اعتماد مردم را به خود جلب کند، مجدداً دست یاری خویش را نه به‌سوی احزاب و گروه‌های سیاسی و باندهای اختاپوس اقتصادی و سیاسی، بلکه به‌سوی شما دراز می‌کند.[1]

سخنان حجت‌الاسلام ماندگاری، مسؤول امور روحانیون ستاد قالیباف در مرحله دوم هم در خور تأمل است. وی در گفت‌وگوی اختصاصی با پایگاه اطلاع‌رسانی رسا گفت:

پیام جالب این انتخابات آن است که تبلیغات و هزینه‌های گزاف نمی‌تواند حرف نخست را بزند. این‌گونه نیست که هرکس صاحب قدرت و هزینه بیشتری باشد، بتواند نظر مردم را جلب کند. سیستم بسیار ساده و در عین‌حال مردمی آقای احمدی‌نژاد توانست زیباترین شگفتی را بیافریند. مردم مقهور تبلیغات و برخی صحنه‌سازی‌های انتخاباتی نیستند.[2]

مواردی از کمک‌های مردمی در تبلیغات خودجوش برای احمدی‌نژاد تحت عنوان دفتر مشق منتشر شده است. در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

- راننده مینی‌بوس که با چسباندن تصویر دکتر احمدی‌نژاد، و برگه اعلامِ «تبدیل کرایه ۲۵۰ ریال به ۱۵۰ ریال» تبلیغات‌چی سیار احمدی‌نژاد شده بود![3]

- خانمی که مهریه یک میلیون تومانیش را با رضایت همسر مطالبه کرد و آن را به ستاد احمدی‌نژاد پرداخت.

---

۱. ۸۴/۳/۳۰

۲. ویژه‌نامه پرتو سخن خرداد ۸۴

۳. دفتر مشق، خورشیدی، احمد ص ۱۸

ـ یک جانباز هفتاد درصدی که داوطلب اهدای یکی از دو کلیه خود شد.
ـ مسؤول کنترل بلیت یک سینما که هنگام کنترل هر یک از مراجعین با صدای بلند می‌گفت: احمدی‌نژاد یادت نره.
ـ هزار و پانصد تومان بخشش پیرزنی در ورامین به ستاد دکتر احمدی‌نژاد در این شهر.
ـ استقبال گسترده روحانیون قم به‌منظور اعزام به نقاط کشور با هدف تبلیغ برای احمدی‌نژاد. جالب‌تر آن که اکثر آنها هم هزینه سفر را شخصاً پرداختند، و هم بدون کبر و غرور، عکس به در و دیوار چسبانده و زندگی‌نامه‌دکتر را پخش می‌کردند.
ـ دانشجویانی که نفری هزار تومان برای تبلیغات روی هم گذاردند، و چون این مقدار بسیار ناچیز بود، بن‌های تکثیرشان را هم به انتشارات دانشگاه برده و با آن تراکت‌های تبلیغاتی قابل توجهی تهیه کردند.
ـ دختری که جهیزیه مهیا شده‌اش را برای تبلیغات احمدی‌نژاد به‌فروش گذارد.[1]

بی‌بی‌سی با درک و مشاهده این واقعیتِ فوق تصور اظهار داشت:

در انتخابات اخیر ایران، پول و ثروت جایی پیدا نکرد و تبلیغات رایج و معمول دنیا برای تأثیرگذاری بر حافظه مردم، تأثیری نداشت.[2]

بنابر این واقعیت بود که حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در دیدار با دکتر احمدی‌نژاد، پس از پیروزی نهایی وی، اظهار داشتند:

شاید کسانی در ایران باشند که هزینه‌های هنگفتی صرف کردند تا دل‌ها را متوجه خود کنند، و موفق نشدند، ولی شما بی‌آنکه هزینه‌ای صرف کرده باشید، دل‌های مردم پروانه‌وار متوجه شمع وجودتان شد و عاشقانه برای

---

۱. روزنامه سیاست‌روز ۸۴/۴/۷ ۲. روزنامه سیاست‌روز ۸۴/۴/۱۳

پیروزی‌تان کار کردند.[۱]

مبارزه گسترده دولتی

مبارزه گسترده دولتی علیه دکتر محمود احمدی‌نژاد شاید بی‌سابقه‌ترین روش در تاریخ دمکراسی!! باشد. در انتخابات نهم دولت به معنای کامل اعم از دولتمردان و دستگاه‌های دولتی، آشکارا به تقابل با ملت و گزینش مطلوب آنان برخاست.

از روزنامه دولتی ایران که پیشتر اشاره‌ای ناچیز بدان شد گرفته تا میدان دانشگاه و ادارات و وزارت‌خانه‌ها به انحای گوناگون در جنگ علیه ملت وارد عمل شدند. واقعیت آن است که دولت و طیف و جریان وابسته به آن با تخریب احمدی‌نژاد، ملت را به مصاف طلبید. تاریخ در آینده، این رفتار ننگین را هر چه بیشتر خواهد نمایاند.

از آنجا که محمد خاتمی رئیس‌جمهور و رئیس دولت، وزیر و وزارت کشور، و برخی وزرا و مسؤولین بالای دولتی، در دو مرحله آشکارا به ستیز تئوریک و قانون‌ستیزی و قانون‌شکنی عملی پرداختند، ضرورت دارد هر یک از دو مرحله جداگانه بررسی شود.

ـ مرحله اول: در این مرحله ابتدا باید سیر حرکت محمد خاتمی رئیس‌جمهور و مسؤول مستقیم و عالی‌رتبه برگزاری انتخابات را از نظر گذرانید.

موضع‌گیری محمد خاتمی در این مرحله از انتخابات، وحشت او از شکست کامل و فاحش تفکر و گفتمان اصلاح‌طلبی را نمایان می‌کرد. وی

---

۱. روزنامه سیاست روز ۸۴/۴/۱۳

که هشت سال بمباران همه‌جانبه‌ای را در تلقین این گفتمان دنبال کرده بود، اینک با قطعی دیدن شکست و موهوم بودن تصور نهادینه شدن آن، در یک مبارزه عملی وارد میدان شد.

خاتمی در روز ۲۷ خرداد، با ناباوری این واقعیت را دریافت که مردم اندیشه برون‌مرزی اصلاح‌طلبی را از صحنه به در خواهند کرد. این واقعیت وی را بر آن داشت تا در یک صف‌آرایی عملی‌تر، حاکمیت اجباری تئوری و گفتمان شکست خورده اصلاح‌طلبی را همچنان پابرجا دارد. از این روی قانون‌شکنانه وارد میدان شد.

خاتمی که مانند بسیاری از چهره‌های دیگر سیاسی احمدی‌نژاد را با گفتمان اسلام ناب و رویکرد عظیم مردمی می‌دید، حتی پیش از مرحله نخست انتخابات با او به ستیز برخاست.

وی ۳۵ دقیقه تأخیر خود را در مراسم گرفتن دکترای افتخاری بهانه کرد و به دور از هر منطق و انصاف، شهردار تهران را که در آن زمان گفته می‌شد یکی از نامزدهای نهمین انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود مزورانه مورد حمله قرار داد. این حمله که آشکارا تخریب و ستیز انتخاباتی بود، از چشم تیزبین ملت دور نماند، و نمره‌های منفی دیگری را به کارنامه خاتمی اضافه نمود. علاوه برآن‌که یکی دیگر از آخرین قانون‌شکنی‌هایش را هم ثبت می‌کرد!

احمدی‌نژاد شهردار تهران در پاسخ به تهاجم بی‌منطق و کاملاً سیاسی‌کارانه و خلاف قانون رئیس قوه مجریه، چند نکته اساسی و خردمندانه را مطرح کرد. این نکات عبارت بودند از:

ـ عدم پرداخت بدهی دولت به شهرداری، که مانعی در رفع مشکل

ترافیک شده بود.

ـ عدم همیاری دولت با شهرداری در خرید اتوبوس و حل مشکلات حمل و نقل و پاسخگو نبودن دولت نسبت به آن.

ـ حضور مستمر محمد خاتمی در کاخ سعدآباد و داشتن مسیر ویژه او، که سبب گردیده تا رئیس‌جمهور پس از هشت سال از مشکلات ترافیک تهران آگاهی یابد!

این پاسخ منصفانه و کارشناسانه احمدی‌نژاد، خشم و کینه تمام‌عیار دولتیان را برانگیخت.

حملات مسؤولان دولتی به شهردار تهران به‌صورت گسترده و مخرب، روند یک مبارزه کامل دولتی را نشان می‌داد که آغازگر آن شخص محمد خاتمی، رئیس جمهور بود.

در ستیز دولت با احمدی‌نژاد به عنوان یکی از نامزدهای ریاست جمهوری، ملت دریافت:

۱ ـ دولت قانون‌ستیزانه وارد کارزار انتخابات شده است.

۲ ـ دولت با مسؤولیت اجرایی در انتخابات به قانون‌شکنی پرداخته و به‌مثابه رقیب سرسخت انتخاباتی، تخریب یکی از نامزدها را در پیش گرفته است.

مجید انصاری معاون حقوقی و پارلمانی خاتمی در یک تهاجم غیراصولی و غیر مؤدبانه دکتر احمدی‌نژاد را این‌گونه مورد تهاجم قرار داد:

یک کاندیدای اصول‌گرا، گفتار و ادب سیاسی خود را در یک فضای طبیعی رو کرد. در چنین مواردی، خواص راحت‌تر می‌توانند با توجه به ادب و گفتار سیاسی افراد، تشخیص دهند که آیا این فرد می‌تواند به‌عنوان یک کاندیدای

ریاست‌جمهوری مطرح باشد یا نه؟[1]

خشونت اصلاح‌طلبانه و ادبیات تروریستی آن در سخنان مجید انصاری، در ذهن ملت چنین پرسش‌هایی را مطرح کرد:

- براستی در سخنان شهردار محبوب و متواضع تهران که از سیمای جمهوری اسلامی پخش گردید، کدام کلمه یا واژه خارج از نزاکت وجود داشت که باعث تهاجم و تخریب معاون رئیس‌جمهور گردید؟
- برای اصلاح‌طلبانی که همه قداست‌ها را در هشت سال حاکمیت خود زیر پا نهادند، و هیچ حریم و مرز مقدسی را از تهاجم مصون نداشتند، شخص خاتمی، چه تافته جدابافته‌ای است؟
- آیا حتی اگر رئیس‌جمهور هم مورد مؤاخذه پیرامون مشکلات ملت قرار بگیرد، قداست او!! شکسته شده و مجازات عامل آن باید چنین ویرانگری تروریستی باشد؟
- آیا حمله مخرب رئیس‌جمهور علیه شهردار تهران که نامزد انتخابات بود، باید بدون پاسخ می‌ماند؟ و آیا...

البته ملت به‌خوبی دریافت که در پایان عمر اصلاح‌طلبی، شهردار تهران گوشه‌ای ناچیز از عملکرد غیرمسؤولانه رئیس‌جمهور و دولت او را به زیباترین و ملایم‌ترین شکل افشا کرد. کاخ‌نشینی محمد خاتمی در سعدآباد، و عدم حضور در ساختمان خیابان پاستور واقعیتی بود که اشاره احمدی‌نژاد به آن خشم و کینه دولتیان را برانگیخت. عدم آگاهی و توجه به مسائل شهری نیز از بارزترین ویژگی‌های دولت اصلاح‌طلب بود و... اما نکته اساسی حمله و تخریب احمدی‌نژاد در این بود که از پیروزی حتمی

---

۱. روزنامه ایران ۸۴/۲/۱۲

وی وحشت‌زده شده بودند!

به‌طور کلی تفکر و عملکرد اصول‌گرایانه احمدی‌نژاد در شهرداری برای اصلاح‌طلبان و دیگر سیاسیون قدرت‌طلب زنگ خطری قطعی بود. از این روی در همان ابتدای کار، مبارزه دولتی با او آغاز شد.

رمضان‌زاده سخنگوی دولت خاتمی، اقدامات رفاهی و مردم‌گرای احمدی‌نژاد را از ملاقات‌های مردمی تا نصب پله‌های برقی، پل‌های عابر پیاده و... فاجعه آمیز خواند. چنین تخریب‌های دولتی که از چند ماه پیش از انتخابات صورت می‌گرفت، صندوق‌های رأی را نشانه گرفته بود.

دکتر احمدی‌نژاد با سکوت و تحمل، کار خود را ادامه داد؛ اما در مرحله دوم انتخابات که به گفته وی از هوا و زمین آتش می‌بارید، لب به اعتراض گشود. او در یک مصاحبه گفت:

تلاش برای تخریب شهردار بسیار زیاد است. پلی که همیشه سه ساله ساخته می‌شد، ما آمدیم گفتیم یک ساله می‌سازیم. آقای وزیری که آمده بود کلنگ بزند، فکر کرد نقطه ضعفی از ما پیدا کرده، رفت پشت تریبون و گفت چرا می‌گویید یک ساله. چرا چیزی می‌گویید که نشود، و مردم مأیوس شوند. آن پل ۱۱ ماهه ساخته شد، ولی انعکاس نیافت.[1]

دکتر احمدی‌نژاد به خاطر داشت که دولت اصلاح‌طلب دشمنی‌های بسیار با وی داشته است. از این روی در این مصاحبه افزود:

وقتی آمدیم شهرداری، بودجه کم شده بود. شهرداری از صبح تا شب ۳ میلیارد تومان هزینه دارد. یک دفعه بودجه شهرداری شد ۶ میلیارد در هفته! کمیته ویژه شبانه‌روزی راه‌های کسب درآمد تشکیل داده بودیم؛ ما نه می‌خواستیم تراکم بفروشیم، نه برج‌های تقلبی بسازیم. نه تخلف بکنیم و نه به مردم فشار بیاوریم و

---

۱. مصاحبه با خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۱

عوارض را گران کنیم. قبول نداشتیم این روش‌ها را؛ چه باید می‌کردیم؟ دنبال قرض کردن بودیم. در چنین شرایطی مطلع شدیم در گذشته در شهرداری طلب‌هایی از مردم را تقسیط می‌کردند و سالانه ۱۲ درصد سود رویش می‌کشیدند. ما مطمئن بودیم این کار حرام است. جلسه گذاشتیم و گفتیم این سود را حذف می‌کنیم. کارشناس‌ها گفتند همینطوری هم شما بودجه ندارید و این کار وضع شما را بدتر خواهد کرد. می‌گفتند لااقل از این طریق ماهی ۱ تا ۵ میلیارد تومان به شما می‌رسد. ولی نگاه ما متفاوت بود و نمی‌خواستیم اسلام را با کار حرام جلو ببریم.[1]

ناگفته پیداست که دولت خاتمی شهرداری تهران را با مدیریت اصول‌گرایانه احمدی‌نژاد به شعب‌ابی‌طالب تبدیل کرده بود. محاصره اقتصادی و تحریم احمدی‌نژاد مبارزه‌ای علیه ملت بود، ولی این مسأله در طول دو سال انجام شد و در انتخابات استمراری جدی‌تر یافت.

خانجانی سخنگوی وزارت کشور، یک دیگر از دولتی‌ها بود که با احمدی‌نژاد به ستیز برخاست. او یکی از مجریان انتخابات نهم بود و طبق قانون می‌بایست بی‌طرفی را حتی در ظاهر هم که شده نسبت به نامزدها رعایت کند. اما در مبارزه دولتی با احمدی‌نژاد، به هیچ یک از قوانین عمل نشد.

بنابر خبر سایت نهم، با بیشتر شدن احتمال نامزدی رسمی احمدی‌نژاد در انتخابات، سخنگوی وزارت کشور تهدید کرد که آمار تخلفات شهرداری تهران منتشر می‌شود. او در نشست با خبرنگاران تأکید کرد که مردم درباره عملکرد شهرداری تهران قضاوت می‌کنند. وی افزود:

خدمتگزاری را باید با کار ثابت کرد. زیرا مردم تفاوت خادم و افرادی را که زیاد

---

۱. مصاحبه با خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۱

حرف می‌زنند، تشخیص می‌دهند.[۱]

ـ تخلفات مورد نظر این جنگجوی دولتی، همان مسأله مورد تأکید مرعشی در برنامه تلویزیونی بود. مرعشی که علاوه بر نمایندگی هاشمی رفسنجانی و عضویت در شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، معاونت رئیس‌جمهور ـ خاتمی ـ و رئیس سازمان گردشگری را هم برعهده داشت، در پروژه تخریب تلویزیونی احمدی‌نژاد، از تخلفات شهردار تهران پرده برداشت. این تخلفات پرداخت هزینه برای آذین‌بندی شهر تهران در مراسم جشن‌ها و سوگواری‌های دینی و کمک به هیأت‌های مذهبی بود، که از بخش بودجه فرهنگی شهرداری پرداخت شده بود!!

ـ همان‌گونه که خانجانی حدس می‌زد، ملت خادم را تشخیص داد، و اتفاقاً جریان تخریب احمدی‌نژاد از سوی دولتیان محکی بزرگ برای این تشخیص شد.

خانجانی در انتخابات نهم اقداماتی انجام داد که با اعتراض و مقاومت شورای نگهبان بی‌نتیجه ماند. او در مصاحبه‌ای به ناکام ماندن تلاش‌های دولتی در مرحله نخست انتخابات اعتراف کرد و گفت:

امیدواریم در مرحله دوم انتخابات مردم نشان دهند که نخواهند گذاشت عده‌ای با آرای آنها بازی کنند، و با جهت‌دهی و استفاده از بیت‌المال، بعضی از آرا را به‌سمت دیگری سوق دهند.[۲]

البته این امید عملی گردید و حضور چشم‌گیر ملت خاطیان و سوء استفاده کنندگان از امکانات و اموال و جایگاه‌های دولتی را مجبور به

---

۱. ۸۴/۲/۱۴

۲. روزنامه شرق ۸۴/۴/۱

تسلیم کرد!

به‌هر ترتیب روز ۲۷ خرداد فرا رسید، و ملت آگاه ایران در پای صندوق‌های رأی حاضر شد. بنابر آنچه روی داده بود مردمی که دکتر احمدی‌نژاد انتخابشان بود، نمی‌توانستند نسبت به سرنوشت سالم انتخابات خوش‌بین باشند.

حدس و نگرانی ملت در شمارش آرا به‌طور گسترده و آشکار نمایان شد. نخستین دوره ستیز دولت علیه دکتر احمدی‌نژاد این‌گونه آغاز شد. طبق گزارش خبرگزاری فارس:

در حالی که تمام صندوق‌های رأی و حوزه‌های شمارش آرا در سراسر کشور در اختیار نیروهای اجرایی وزارت کشور است، افرادی در ستاد انتخابات کشور امروز به‌دنبال پخش شایعه تقلب در شمارش آرا در انتخابات ریاست جمهوری هستند. خبرنگار سیاسی فارس مستقر در ستاد انتخابات وزارت کشور گزارش داد که این افراد، پس از شمارش آرای شهرهای کشور و پیشی گرفتن کامل محمود احمدی‌نژاد بر مهدی‌کروبی، و نزدیک شدن این آرا به هاشمی رفسنجانی پخش این شایعه که در شمارش آرا برای بالا بردن رأی احمدی‌نژاد به جای مهدی کروبی تلاش می‌شود، مشغول هستند. این تلاش‌ها درحالی است که رئیس‌جمهور در حاشیه سومین بازدید خود از ستاد انتخابات گفت: انتخابات خوب و سالم برگزار شد.[۱]

پافشاری مجریان دولت در وزارت کشور، برای تغییر آرای دکتر احمدی‌نژاد ادامه یافت. خبرگزرای فارس در گزارش دیگری از ستاد انتخابات اعلام کرد:

درحالی که نتایج ۲۵ میلیون آرای شمارش شده، تا این لحظه حکایت از برتری اکبر هاشمی رفسنجانی و محمود احمدی‌نژاد بر دیگر رقیبان دارد، وزارت

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۸

کشور از ارائه آخرین آمار شمارش شده، خودداری می‌کند.

براساس آمار ارائه شده وزارت کشور از ۲۳ میلیون رأی شمارش شده هاشمی رفسنجانی و مهدی کروبی و احمدی‌نژاد جایگاه اول تا سوم را دارند، اما جمع آخرین آرای شمارش شده از برتری هاشمی و احمدی‌نژاد در ۲۵ میلیون رأی مأخوذه حکایت دارد. صبح امروز پس از آن که وزارت کشور از ارائه اطلاعات مربوط به آخرین آرای شمارش شده خودداری کرد.[1]

دکتر غلام‌حسین الهام سخنگوی شورای نگهبان در یک مصاحبه از طریق صدا و سیما، آخرین نتایج آرا را اعلام نمود. این اعلام نشان داد که دکتر احمدی‌نژاد دومین نفر راه یافته به مرحله دوم است. اما این موضوع مورد اعتراض و واکنش جبهه گیرانه رئیس‌جمهور و مجریان وزارت کشور واقع شد. خاتمی با چهره‌ای گرفته، اعلام نتیجه واقعی شمارش آرا از سوی سخنگوی شورای نگهبان را غیرمسؤولانه خواند. رئیس‌جمهور با چند نوبت حضور در وزارت کشور گام عملی مبارزه با احمدی‌نژاد را برداشت. خبرنگار فارس گزارش داد:

حضور غیرمنتظره سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور در ستاد انتخابات وزارت کشور که سومین حضور وی در چند روز اخیر است، سؤالات بی‌پاسخ متعددی را در ذهن‌ها ایجاد کرده است. به گفته یک مقام مسؤول انتخابات، اختلاف در آمار ارائه شده از سوی وزارت کشور و شورای نگهبان به این دلیل است که مسؤولان وزارت کشور آرای حوزه‌های انتخابیه‌ای را، که کروبی در آنها اکثریت آرا را دارد، زودتر تجمیع کرده و در شمار آرای شمارش شده اعلام می‌کنند.

این درحالی است که آرای شمارش شده حوزه‌های انتخابیه شهرهای بزرگ که احمدی‌نژاد برتری محسوسی نسبت به دیگران دارد، هنوز در ردیف آرای

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۸

جمع‌شده وزارت کشور قرار نگرفته است. یک منبع آگاه در ستاد انتخابات کشور که شاهد شمارش و تجمیع آرا است، لحظاتی قبل به خبرگزاری فارس گفت که مسؤولان وزارت کشور به دلایل خاص از وارد کردن آرای شهرهای بزرگی که احمدی‌نژاد حائز اکثریت آرا است، به جمع شمارش شده، خودداری می‌کنند. وی این اقدام وزارت کشور را هدفمند خواند و گفت: جنگ روانی ظریف و حساب‌شده‌ای برای مخدوش نشان دادن نتیجه آرا آغاز شده است.[۱]

گروه‌هایی از مردم تهران که از نحوه گزارش‌های وزارت کشور و حضورهای غیرمتعارف خاتمی در ستاد انتخابات نگران شده بودند، دربرابر فرمانداری تهران تجمع کردند. آنها نگرانی خود را در امانت‌داری وزارت کشور نسبت به آرای ملت برای احمدی‌نژاد ابراز نموده، و خواهان اعلام هرچه زودتر نتایج صحیح شمارش آرا شدند.

روند کار دولت در انتخابات مرحله اول، بویژه شمارش آرا، افکار عمومی را متشنج کرد، و عدم اعتماد ملی نسبت به مسؤولان را به‌وجود آورد. سماجت دولتی‌ها در دخل و تصرف انتخاباتی، و گزارش‌های مشکوک آنان بر نگرانی و بی‌اعتمادی ملت افزود. این نگرانی و عدم اطمینان از عملکرد وزارت کشور ناشی می‌شد؛ به‌عنوان مثال، ابوالحسن فقیه قائم مقام ستاد انتخاباتی دکتر احمدی‌نژاد به خبرنگار خبرگزاری فارس گفت:

سه تن از مسؤولان ستاد انتخاباتی دکتر احمدی‌نژاد که قصد داشتند جهت رسیدگی به دلایل تعلل مسؤولان وزارت کشور در بیان برتری احمدی‌نژاد، در ستاد انتخابات وزارت کشور حضور پیدا کنند، به‌دلیل ممانعت صورت گرفته، امکان حضور نیافتند. وی با تأکید بر این‌که براساس اخبار قطعی، احمدی‌نژاد

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۸

منتخب اول مردم ایران شده است، تصریح کرد وزارت کشور با انگیزه‌های خاص در اعلام نتایج، اقدام به جنگ روانی کرده، که امیدواریم مسؤولان این وزارت‌خانه با ترجیح منافع ملی بر اعتقادات حزبی، به صیانت کامل از آرای مردم بپردازند.[۱]

هم‌چنین در شرایطی که آخرین نتایج اعلام شده از سوی وزارت کشور در ساعت ٦ و ۵۹ دقیقه هاشمی و کروبی را پیشتاز اعلام کرد، شورای نگهبان در ۷ و ۴۰ دقیقه هاشمی، احمدی‌نژاد و کروبی را در صدر آرای شمارش شده معرفی کرد![۲]

سخنگوی وزارت کشور با یک دستاویز بی‌منطق بر آن شد تا بر این تضاد سرپوش گذارد. وی اعلام آرا توسط شورای نگهبان را خلاف عرف و قانون اعلام نمود. ولی آیا این مسأله عدم امانت‌داری وزارت کشور را نسبت به آرای مردم توجیه می‌کرد.[۳]

بالأخره در ساعت ۱۱ و ۵۷ دقیقه خبرگزاری فارس پس از شمارش ۲۵ میلیون رأی، هاشمی و احمدی‌نژاد را دارای بالاترین آرا خواند؛[۴] اما وزارت کشور هم‌چنان بر آرای کروبی به‌عنوان نفر دوم، اصرار می‌ورزید.

مقاومت مجریان دولتی مبنی بر عدم اعلام نتایج واقعی شمارش شده، ادامه یافت و درحالی که بیش از چهار ساعت از آخرین اعلام رسمی نتایج انتخابات ریاست جمهوری می‌گذشت، مسؤولان این ستاد برخلاف تعهد خود، از اعلام نتایج قطعی انتخابات در روز یک‌شنبه سخن گفتند. در پی این اعلام تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌صورتی

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۸
۲. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۲۳
۳. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۲۳
۴. نقش آفرینان سوم تیر ص ۱۲۳

غیرمنتظره به ستاد انتخابات آمدند. عشرت شایق نماینده تبریز درباره علت حضور خود گفت:

ما به ستاد انتخابات کشور آمده‌ایم تا ببینیم جریان شمارش آرا چگونه است؟ و جلوی ضایع شدن حق آقای احمدی‌نژاد را بگیریم.

وی خاطرنشان کرد:

متأسفانه دست‌هایی در کار است تا تلاش کنند رأی منتخب مردم مخدوش شود، و در این میان ستاد انتخابات کشور که امانت‌دار مردم بود، از اعلام نتیجه قطعی آرا خودداری می‌کند، و این در راستای حفظ حقوق مردم نمی‌باشد.

شایق افزود:

به‌نظر من محمود احمدی‌نژاد رأی فراتر از رقیب خود دارد، و ما آمده‌ایم تا حق او را باز پس بگیریم.[۱]

از شگردهای وزارت کشور در اعلام نتایج آرای ملت، تأخیر در ارائه آرای شهرهای بزرگ، بویژه تهران و اصفهان بود. درحالی که پی در پی نتیجه آرا به‌نفع مهدی کروبی به عنوان حائز رتبه دوم از سیمای جمهوری اسلامی، اعلام می‌گردید!

به‌تدریج ملت به یک امر ناخوشایند اما واقعی پی‌برد، و آن این‌که دولت اصلاح‌طلب بر آن است تا از رسیدن احمدی‌نژاد به دور دوم پیشگیری کند. قطعاً ملت علت این امر را بهتر و عمیق‌تر از روزنامه شرق الاوسط می‌دانست. این روزنامه در فاصله دو مرحله انتخابات نوشت:

اصلاح‌طلبان و برخی محافظه‌کاران میانه‌رو در ایران، از آن نگران هستند که شهردار تهران با پیروزی در انتخابات، به حکومت اصلاح‌طلبان درکشور پایان داده، و اقدام به پالایش دستگاه‌های دولتی کند.[۲]

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۸ ۲. خبرگزاری فارس ۸۴/۴/۲

به هرحال عملکرد محمد خاتمی در اقدامات ستاد انتخابات علیه احمدی‌نژاد تأثیر فزاینده‌ای داشت. خبرگزاری فارس ضمن اعلام حضور چندباره خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور در ستاد انتخابات کشور که پس از پیشی گرفتن احمدی‌نژاد صورت گرفته است، این امر را در نوع خود بی‌سابقه خواند.[1]

طبیعی بود که ملت از رئیس جمهور حفظ قانون و حراست از حق ملت و حق منتخب او را انتظار داشته باشد. این انتظار، ابتدایی‌ترین حق مردم و وظیفه ریاست‌جمهوری در اجرای قانون اساسی بود. اما کارنامه خاتمی در آخرین ماه‌های عمر دولتش در این مورد، با بدترین شکل قانون‌شکنی و حق‌کشی و مبارزه علیه ملت، سیاه‌تر شد.

سایت خدمت، بعد از ظهر ۲۸ خرداد، از پیشی گرفتن احمدی‌نژاد بر هاشمی رفسنجانی خبر می‌داد. این سایت عدم شمارش ده‌ها هزار رأی احمدی‌نژاد توسط وزارت کشور را به اطلاع عموم رساند. توقع مردم آن بود که رئیس‌جمهورخاتمی با حضور چند نوبته در ستاد انتخابات، با تقلب و تخلف و قانون‌ستیزی برخورد کند، تا شائبه همراهی وی با خاطیان از ذهن مردم پاک شود. بویژه آن‌که ملت نسبت به رفتار رئیس‌جمهور در تخریب احمدی‌نژاد بدبینی خاصی پیدا کرده بود. احمدی‌نژاد این مبارزه طاقت‌فرسای دولتی را خردمندانه، با سعه صدر و زیبا این‌گونه توصیف کرد:

حرف من این است که اگر نکات مثبتی در کاندیدای خود می‌دانید، آن را مطرح کنید، و ما که تا به‌حال علیه هیچ کاندیدایی حرف نزدیم. قبول نداریم.

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۸

چون قانون اجازه نمی‌دهد. اخلاق اجازه نمی‌دهد. شما یک سره تهمت‌هایی می‌زنید. بعد به‌کسی که متهم است می‌گویید دفاع کن، و هیچ سندی هم ندارید. متأسفانه دستگاه دولتی ما آزمایش بسیار بدی داد. رئیس‌جمهور ما آزمایش بسیار بدی داد. الان متأسفانه وزارت کشور و اطلاعات هم حزبی هستند، و امنیتی برای من نیست.

وی در پاسخ به این سؤال که رئیس‌جمهور چه باید کند؟ اظهار داشت:

الآن آقای رئیس‌جمهور نباید از آبروی یک شهروند صیانت کند؟ به این گستردگی در کشور دارند تهمت می‌زنند، رئیس‌جمهور نباید از آزادی عمل من صیانت کند؟ الآن بنده را از حقم محروم می‌کنند، فقط به‌خاطر این‌که وارد محدوده ممنوعه یک عده‌ای شده‌ام، انواع تهمت‌ها و چیزهایی که بعضی اوقات خنده‌ام می‌گیرد.[۱]

در واقع خاتمی رئیس جمهور میدان تخلف و تقلب علیه احمدی‌نژاد را در وزارت کشور بازگذارده و یا با نگاهی محبت‌آمیز به آن می‌نگریست.

حرکت وزارت کشور علیه احمدی‌نژاد به‌گونه‌ای پیش رفت که سرانجام ستاد مردمی حمایت از احمدی‌نژاد با ارسال نامه‌ای به هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان، نسبت به محاسبه نشدن صدها هزار رأی متعلق به وی اعتراض کرد.

در این نامه آمده بود:

حسب اطلاعات موثق، برگه‌هایی که بر روی آنها نام‌هایی مانند «احمدی‌نجاد» «احمدنجات» یا «احمدی» نوشته شده بود، جزو آرای باطله منظور شده است، درحالی که این‌گونه آرا باید به‌نام احمدی‌نژاد ثبت می‌شد.

---

۱. مصاحبه خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۸

در این نامه تصریح شده بود:

چنین تخلفاتی عمدتاً متأثر از اخراج نمایندگان این ستاد در زمان شمارش آرا از شعب اخذ رأی بوده است. درصورتی که چنین تخلفاتی به‌وقوع نمی‌پیوست و آرای مزبور به‌نفع دکتر احمدی‌نژاد منظور می‌شد، آرای ایشان به‌طور چشم‌گیر افزایش می‌یافت، و موقعیت نامزد این ستاد به‌طور جدی تغییر پیدا می‌کرد.[1]

دکتر احمدی‌نژاد مظهر صبر و گذشت، شخصاً گوشه‌ای از قانون‌ستیزی فاحش دولت را بدین‌سان بازگو نمود:

من هشدار می‌دهم. الان احساس خطر می‌کنم. شما [دولتیان] فضا را رها کرده‌اید. شما مگر قرار نبود از آبرو و امنیت شهروندان ایرانی دفاع کنید؟ من یک نفر مستقل، هیچ حزبی وگروهی، و هیچ دسته‌ای از من حمایت نکرد و من خودم را به این ملت معرفی کردم و ملت هم استقبال کرد. آیا این‌گونه باید مورد هجوم باندهای قدرت و ثروت قرار بگیرم، و شما هم تماشا کنید؟ آرای من را از صبح نگه داشتند و نمی‌خواندند. من که در وزارت کشور و مجریان انتخابات هیچ دخالتی نداشتم. من مردمی بودم. آقایان آرای من را نگه داشتند، و نمی‌خواندند. می‌گفتند تقلب شده است. اصلاً خیلی عجیب است، بعد جوسازی و بیانیه و آی حقوق بشر بدو بیا! اگر قرار باشد کسی داد بزند، منم که باید داد بزنم. رأی من اول بود. آقایان این‌قدر نگه داشتند، بالا و پایین کردند. مردم نوشتند شهردار تهران، احمدزاده، احمدی‌پور و احمدی، آنها نخواندند. تمام زور من زبان، فکر و منطقم مردم است. اگر درمقابل این مردم نمی‌توانید حرفی بزنید، این بازی‌ها چیست؟[2]

در تحلیل روزنامه خارجی الشرق الاوسط می‌توان علت ستیز و تخلف و کارشکنی دولتی علیه احمدی‌نژاد را دریافت. این روزنامه نوشت:

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۰

۲. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۸

احمدی‌نژاد در نشست خود با نمایندگان پارلمان با اشاره به این مسأله که وزارت‌خانه‌ها را اصلاح‌طلبان در دست دارند گفت: امروز با وجود شبکه‌های سازمان یافته گسترش فساد اخلاقی در کشور مواجه هستیم و نمی‌دانم وزارت‌خانه‌های اطلاعات، کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی چه می‌کنند.

الشرق‌الاوسط نوشت:

تحلیل‌گران معتقدند بخش اعظم فقرای متدین معتقد هستند احمدی‌نژاد منافع بخش سرمایه‌داران را که رفسنجانی آن را نمایندگی می‌کند، به چالش خواهد کشید.

به نوشته این روزنامه:

تأیید و حمایت گسترده از احمدی‌نژاد در دور اول یک شگفتی بود.[1]

بالأخره وزارت کشور که تلاش‌های خود را نقش بر آب می‌دید، ناگهان به یک شوک بزرگ دچار شد. به‌گزارش خبرگزاری فارس:

از صبح ۲۸ خرداد هیچ‌یک از مسؤولان ستاد انتخابات و وزارت کشور با رسانه‌های مختلف، حتی صدا و سیما مصاحبه نداشته، و نتایج انتخابات را از طریق کارمندان خود به اطلاع خبرنگاران می‌رسانند. هم‌چنین از صبح امروز مسؤولان ستاد انتخابات کشور، حتی یک بار در این ستاد دیده نشده، و به‌عبارتی از اتاق خود خارج نمی‌شوند. مسؤولان ستاد با مشخص شدن نتایج انتخابات در سکوتی مطلق فرو رفته‌اند.[2]

به هر روی سرانجام دولت در مبارزه تئوریک و عملی با مردم، از پا درآمد. پیروزی دکتر احمدی‌نژاد در مرحله اول، وی را به میدان رقابت مرحله دوم وارد کرد. اختلاف آرای هاشمی با احمدی‌نژاد فقط ۳۷۶ هزار رأی اعلام شد. اگر این رقم با صدها هزار رأی شمارش نشده احمدی‌نژاد محاسبه می‌شد، احمدی‌نژاد با ۴۰۰ هزار رأی بیشتر، نفر

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۴/۲ ۲. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۲۸

اول در مرحله نخست انتخابات بود. به‌هرحال از ۲۸/۸۳۰/۰۰۰ رأی مأخوذه در سراسر کشور، اکبر هاشمی با ۶/۰۲۰/۰۰۰ رأی ۲۰/۹ درصد، و محمود احمدی‌نژاد با ۵/۶۴۴/۰۰۰ رأی - ۱۹/۵۹ درصد رتبه‌های اول و دوم راکسب کردند.

مرحله دوم، گام بلندتر تهاجم دولت خاتمی

الف - مبارزه و تخریب تئوریک

مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری در واقع هفته تخریب، تشنج، قانون‌ستیزی و ترور شخصیت و اندیشه احمدی‌نژاد بود. دولت با ابزارها و امکانات مادی و نیروی انسانی در این راه پیشگام بود.

خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور و سردمدار اصلاح‌طلبی، که هشت سال بار نهادینه‌سازی گفتمان و اندیشه این جبهه برون‌مرزی را بردوش می‌کشید، این بار دیگر شخصاً وارد عمل شد. او با صدور یک اطلاعیه، هم آشکارا قانون شکنی کرد، و هم به تحریک و تخریب ملت و منتخب مرحله نخست او پرداخت. این اطلاعیه که حمایت از هاشمی بود با مضامین و واژگان تروریستیِ اصلاح‌طلبانه، اندیشه، اعتقاد و شخصیت احمدی‌نژاد و آرای ملت به او را تخریب می‌کرد. بخشی از اطلاعیه خاتمی خطاب به ملت چنین بود:

> مبادا شادمانی تاریخی شما که در انقلاب اسلامی به اوج خود رسید، به تلخ‌کامی نشیند. مبادا که از حرکت پویا برای فتح قله‌های شرف و آزادگی و پیشرفت بازمانید، و امیدها به ناامیدی گراید. بیائید همت بلند داریم و از میان طوفان سهمگین استبدادزدگی و استیلاطلبی بیگانگان و کژاندیشی‌های رنگ تقدس گرفته، بار دیگر اثبات کنیم که این موج، جز بر ساحل مردم‌سالاری

سازگار با دین، آرام نخواهد گرفت.

خاتمی در جملاتی دیگر، با درخشان خواندن دوران حاکمیت خود حمایت از هاشمی را علنی کرد:

بیایید به حرمت عهدی که از هشت سال پیش باهم بستیم، در ماه‌های پایانی این دوران درخشان و سخت، منصب پرافتخار خدمتگزاری را به آن‌کس واگذاریم که آزادی را صادقانه پاس بدارد، و در پی پیشرفت و سازندگی و عدالت مبتنی بر توسعه، و قادر به دفاع از عزت و حیثیت و منافع کشور باشد. جمعه سوم تیرماه در پای صندوق‌های رأی سرنوشت کشور را به‌دست کسی خواهیم داد که آزادی را صادقانه پاس بدارد.[۱]

در این جملات خاتمی چند نکته وجود داشت:

۱ ـ خاتمی نمی‌توانست یا نمی‌خواست بپذیرد که آرای مردم در دور اول خیزش آنها علیه هشت سال حاکمیت اصلاح‌طلبی بود.

۲ ـ خاتمی بر این مهم چشم فرو می‌بست که انتخابات خرداد ۷٦ قهر ملی علیه برنامه و راهکار توسعه سازندگی را به نمایش گزارد.

۳ ـ خاتمی در فاصله کوتاهی ریاست جمهوری را از «کلاه بزرگی که بر سرش رفته بود،» به منصب پرافتخار تغییر داد، و باور نداشت که شعور ملی به این تزلزل و تغییر و یا... پی خواهد برد.

برخورد خاتمی با احمدی‌نژادِ منتخب ملت، تقابل آشکار با یک ملت بود که قانون‌شکنانه «حقوق ملت» را پایمال می‌کرد. این مسأله سبب گردید تا احمدی‌نژاد به دفاع از حقوق ملت قد علم کرده و در یک بیانیه به رئیس جمهور اخطار دهد:

حمایت جنابعالی از نامزد خاص در مقام ریاست جمهوری، و رئیس دولتی که

---

۱. ۸۴/۴/۳

انتخابات را برگزار می‌کند، توجیه و مجوزی به‌دست بدخواهان می‌دهد که اعمال نظر قانونی کنند، و خدای ناکرده به آرای مردم دست‌اندازی نمایند، بدیهی است در صورت بروز چنین تخلفاتی از تمام ظرفیت‌های قانونی، جهت اعاده حق ملت استفاده خواهم کرد.[۱]

به گزارش اداره اخبار مجلس شورای اسلامی، در پی انعکاس برخی نگرانی‌ها به رئیس مجلس از سوی نمایندگان، و یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری نسبت به برگزاری سالم انتخابات غلامعلی حداد عادل در نامه‌ای به سید محمد خاتمی از او خواست ضمن رعایت همه حقوق دو کاندیدای حاضر در مرحله دوم، ترتیباتی اندیشیده شود تا امکان حضور نمایندگان این دو نامزد، در شعب اخذ رأی و هنگام شمارش آرا فراهم گردد.[۲]

اما همانگونه که انتظار می‌رفت، اطلاعیه خاتمی، مجوز قانون‌شکنی و تخلف را برای دولتیان صادر کرد. وزارت کشور در مرحله دوم بی‌پرواتر و گسترده‌تر از مرحله نخست در مبارزه با احمدی‌نژاد وارد عمل شد. اعضای هیأت دولت نیز در روزهای پیش از رأی‌گیری بر اقدامات مخرّب و علنی علیه احمدی‌نژاد افزودند.

بر اساس گزارش خبرنگار سیاسی «فارس»: برخی وزرای دولت خاتمی با هدف کمک به رأی آوردن یکی از نامزدهای دور دوم و جلوگیری از پیروزی نامزد دیگر، به تقسیم استان‌های مختلف بین خود پرداخته و با مستقر شدن در این استان‌ها، از نزدیک تبلیغات انتخاباتی این کاندیدا را هدایت می‌کنند.

---

۱. ۸۴/۴/۳

۲. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

بر اساس این گزارش صفدر حسینی وزیر کار و امور اجتماعی در چهارمحال و بختیاری، اسحاق جهانگیری وزیر صنایع و معادن در استان اصفهان، بیژن زنگنه وزیر نفت در استان تهران، عبدالله رمضان‌زاده دبیر و سخنگوی دولت در استان‌های کرد زبان، محسن علیزاده معاون رئیس‌جمهور در استان‌های آذری زبان و برخی دیگر از وزرا در استان‌های دیگر برای کمک به پیروزی این نامزد در دور دوم انتخابات فعالیت می‌کنند. از چند ماه قبل کارشناسان درباره دخالت دولت در انتخابات و مخدوش شدن مردم‌سالاری هشدار داده بودند.[۱]

پس از خاتمی، نوبت به افراد دیگر از دولت رسید. عبدالله رمضان‌زاده سخنگوی دولت و از اعضای فعال حزب دولتی مشارکت، پایگاه خود را در شهر سنندج قرار داد. او در نشستی با حضور ۹۰ نفر از سراسر استان‌های غربی کشور که در ۳۱ خرداد برپا شد، گفت:

در حمایت از آقای هاشمی هیچ تردید نکنید. تحت هیچ شرایطی نباید احمدی‌نژاد رئیس جمهور شود. اگر او رئیس‌جمهور شود اسلام طالبانی و فضایی از ترور و خشونت بر کشور حاکم می‌گردد. در چنین شرایطی ما هیچ چاره‌ای جز حمایت از هاشمی نداریم.[۲]

ترور و خشونت مطروحه در کلام رمضان‌زاده، مصداق‌های بارز و عملی خود را در دولت اصلاح‌طلب خاتمی نشان داده بود. قتل‌های زنجیره‌ای، شکنجه و قتل مشکوک در زندان و... مسائلی بود که وزارت اطلاعات اصلاح‌طلبان در انجام آن دست داشت، ولی پس از بحران‌سازی علیه اسلام و نظام، چون افشای اسرار قتل‌های زنجیره‌ای به

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۴/۲ ۲. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

زیان اصلاح‌طلبان بود، دولت از پی‌گیری آن خودداری کرد.

ـ مجید انصاری معاون پارلمانی و حقوقی رئیس‌جمهور خصومت دور اول را در مرحله دوم هم ادامه داد. او باز هم با فرهنگ خشونت بار و ادبیات تروریستی اصلاح‌طلبانه، احمدی‌نژاد و رأی‌دهندگان به او را مورد حمله قرار داد:

این خیلی خطرناک است. چون تفکر این جریان بر مبنای تحجر و بر ضد تفکرات امام است. این جریان افراطی و متحجر، احتمال دارد به اعمال تروریستی هم دست بزنند، که البته ما پیش‌تر و در ابتدای انقلاب هم دیدیم که گروه‌هایی مثل فرقان چنین تفکری داشتند.[۱]

مجید انصاری که با اظهاراتش میزان دانش و بینش و اعتقادات خود را بازگو می‌کرد، نمی‌دانست که ملت به‌خوبی می‌داند گروه فرقان براساس اندیشه شریعتی شکل گرفت، که این اندیشه به مکتب اصلاح‌طلبی غربزدگان نزدیک است!

دکتر احمدی‌نژاد دربرابر این شبه کودتای دولتی، گاه گوشه‌ای از انگیزه‌ها و اهداف عاملان آن را برای مردم بیان می‌کرد. به‌عنوان مثال در یک مصاحبه گفت:

بعضی‌ها می‌خواهند با مطرح کردن مسائلی که بنده آدم‌کش یا تروریست هستم، من را از صحنه بیرون کنند. ولی من حتماً خواهم ماند و با این اکاذیب از صحنه بیرون نخواهم رفت. افرادی را که چنین شایعاتی را برای تخریب بنده مطرح می‌کنند شناسایی کرده‌ام، و معتقدم اگر در حوزه نفتی شفاف‌سازی شود، مشخص خواهد شد پول این تبلیغات از کجاست؟

ـ میرحسین موسوی مشاور رئیس‌جمهور و رئیس فرهنگستان هنر هم با

---

۱. سایت هاتف نیوز ۸۴/۴/۱

صدور یک اطلاعیه به حمایت از هاشمی برخاست. او در اطلاعیه‌اش اعلام نمود:

این آرا می‌تواند کمک نماید دولت آینده به دور از تحجر و جمود، به‌دنبال توسعه‌ای عدالت‌محور و توأم با آزادی و نواندیشی باشد، و بر هرگونه واپس‌گرایی و فقر و فساد که آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی را می‌تواند به‌خطر اندازد، غلبه کند.

موسوی شانزده سال گذشته در برابر حملات تئوریک و عملی مجریان دولت‌های سازندگی و اصلاحات سکوت کرده بود. او به‌عنوان چهره محبوب وفادار به اصول و ارزش‌های حضرت امام(س) و ناراضی از روند دولت‌های این دوران شناخته می‌شد. اما حضور نابجای وی، با محتوای اصلاح‌طلبانه اطلاعیه‌اش چند نکته را اثبات کرد:

ـ وحدت صف روشنفکری چپ و راست و محافظه‌کار و تندرو علیه گفتمان اسلام ناب احمدی‌نژاد.

ـ حقانیت هر چه بیشتر و مظلومیت فزاینده و استقلال احمدی‌نژاد در مسیر مورد حمایت ملت.

ـ ثبت شدن نام موسوی به‌عنوان بازنده اصلی در معجزه سوم تیرماه.

ـ معجزه‌گونه بودن پیروزی احمدی‌نژاد که منزوی‌ها و بی‌طرف‌ها و... را هم علیه او به فعالیت واداشت، اما لشکر الهی مردم، همه این تلاش‌ها را ناکام گذارد!

ـ مرعشی هم با داشتن سمت معاونت رئیس جمهور، به نمایندگی از هاشمی رفسنجانی در تلویزیون حاضر شد و تخریب احمدی‌نژاد را برای عموم ملت به‌نمایش درآورد.

ب ـ دولت در جنگ عملیاتی تمام عیار

۱ ـ قطع برق

سیر مبارزه دولتی توقف نداشت. به همین جهت پس از تخریب‌های تئوریک، دولت عملاً وارد میدان شد. قطع برق در چند استان هنگام پخش سخنان دکتر احمدی‌نژاد از سیمای جمهوری اسلامی، ستیز دولت با ملت را عمیق‌تر و وسیع‌تر کرد. دکتر احمدی‌نژاد با اطلاع از این امر، به‌طور مستقیم و زنده آن را به‌اطلاع عموم مردم رسانید. البته او با همان آرامش و طمأنینه الهی، به دشمنان دولتی و نامزد مورد حمایتشان اطمینان داد که مردمِ مصمم به انتخاب وی، کلامش را قطعاً به آنان که از شنیدنش محروم شده‌اند، خواهند رسانید.

شهرهایی که برق آنها خاموش شد

خبرگزاری فارس گزارش داد:

رئیس کمیته استان‌های ستاد مردمی حمایت از احمدی‌نژاد با اعلام اسامی برخی شهرهای کشور که شب گذشته دچار قطع برق شده‌اند، از رفتار مسؤولان دولتی در این زمینه ابراز تأسف کرد. علی ذبیحی با بیان این مطلب، اظهارات برخی از مقامات دولتی را مبتنی بر تکذیب موضوع قطع برق به‌هنگام پخش برنامه تلویزیونی سه‌شنبه شب دکتر احمدی‌نژاد را، نشان از بی‌اطلاعی آنها و عدم اشرافشان بر حوزه مدیریتی خود خواند. او اظهار داشت: براساس بررسی‌های اولیه، شهر آب گرم در استان قزوین، شاهین‌دژ و تکاب در آذربایجان غربی، آستارا در استان اردبیل مناطقی از شهر یزد، زابل در استان سیستان و بلوچستان، تربت جام، تربت حیدریه، و بخش بای در استان خراسان، مناطقی چون طلاب و قاسم‌آباد در شهر مشهد، مناطقی از شهر ساوه در استان مرکزی، و هم‌چنین مناطقی از دزفول، تفرش و نیز تهران، هنگام مصاحبه دکتر

احمدی‌نژاد با قطع برق روبه‌رو شده‌اند.

خبرگزاری فارس افزود:

به گفته رئیس کمیته استان‌های ستاد مردمی حمایت از دکتر احمدی‌نژاد، خالدنژاد مدیر روابط عمومی شرکت توانیر، در ساعت ۱/۳۰ دقیقه بامداد چهارشنبه در گفت‌وگو با واحد مرکزی خبر، ضمن تأیید خبر وقوع خاموشی در مناطقی از کشور و شهر تهران، از این موضوع ابراز تأسف کرد.[۱]

۲ ـ تخلفات وزارت کشور پیش از انتخابات

با شدت گرفتن بیش از پیش مبارزات دولت علیه احمدی‌نژاد، برخی از نمایندگان مجلس که در مرحله نخست حامی نامزدهای دیگر بودند، نگرانی ملت را بازگو کردند. میرتاج‌الدینی نماینده تبریز در گفت‌وگو با فارس گفت:

براساس اخبار، تعداد زیادی از اعضای ستاد وابسته به یکی از نامزدهای دور دوم، به‌عنوان بازرسان ویژه انتخابات به کارگرفته شده، و احکام فعالیت برای آنان صادر شده است. این نگرانی وجود دارد که در پی گزارشات جهت‌دار این دسته از بازرسان، که در شعب خاص حضور خواهند داشت، امکان عدم امضای صورت‌جلسات از سوی عوامل اجرایی و نهایتاً در ابطال برخی از صندوق‌هایی که نامزد رقیب حائز اکثریت آرا است، فراهم شود.[۲]

تعدادی از این افراد با داشتن دو کارت از وزارت کشور و ستاد انتخابات هاشمی! از سوی ناظرین شورای نگهبان شناخته شده و به وزارت کشور معرفی گردیدند. ناسالم بودن انتخابات برای گروه‌های مردم، به‌صورت جدی نگران‌کننده بود.

---

۱. خبرگزاری فارس ۸۴/۴/۱   ۲. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

مهدی بلوکات عضو شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل اعلام کرد:

در صورت مخدوش شدن آرای مردم، دانشجویان ساکت نخواهند نشست. تشکیک در آرای مردم و سازمان یافته و تشکیلاتی خواندن آن، مشکلی را حل نمی‌کند. دانشجویان و مردم از تشکیل ستادهایی در وزارت کشور برای حمایت از یک کاندیدای خاص به وسیله افراد دارای نفوذ نگران هستند.[۱]

خانجانی از جمله مجریان اصلی انتخابات وزارت کشور بود که با ادعای واهی سازمان‌یافته بودن و تشکیلاتی خواندن آرای احمدی‌نژاد، درصدد بسترسازی تخلفات و تقلبات آتی برآمده بود.

به‌هر روی روز سوم تیرماه فرا رسید و مردم با همه دل‌نگرانی‌ها و عدم اعتماد به دولتیان، آرای خود را به صندوق‌ها ریختند. چهارم تیرماه موعد تقابل اصلی، عملی و نهایی دولت با ملت بود. سوم تیر روزی بود که از یک سو در تاریخ اصلاح‌طلبی و دمکراسی‌خواهی، عدم احترام به اراده ملت و تحمل نکردن رقیب و مخالف را توسط اصلاح‌طلبان ثبت کرد، و از سوی دیگر، چهره زشت اقتدارگرایی و اقتدارگرایان واقعی را که برای حفظ مافیای قدرت و ثروت به جنگ با ملت برخاسته بودند، به مردم و تاریخ نمایاند. در روی دیگر این صفحه سیاه، حقانیت و نورانیت احمدی‌نژاد و اکثریت قاطع ملتی حک شد که تصمیم داشت پس از نزدیک به دو دهه، مافیای قدرت و ثروت را از چنگال اختاپوسان مسلط بر کشور خارج کند.

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

اوج‌گیری عملیات دولت در سوم تیرماه

روزنامه کیهان ماجرای آن روز ستاد انتخابات وزارت کشور را با عنوان گزارش کیهان از کشمکش نافرجام ستاد انتخابات با آرای مردم بدین شرح درج کرد:

خبرنگار ما که در محل ستاد انتخابات حضور داشت ساعت ۱۶ دیروز به‌نقل از یک منبع مطلع گزارش داد. ع م ۲۰۴ عضو هیأت مرکزی بازرسی انتخابات، مستقر در وزارت کشور، عصر دیروز درصدد متوقف کردن برگزاری انتخابات در چند شعبه تهران، از جمله مسجد نارمک بود، که این اقدام با دخالت شورای نگهبان به‌جایی نرسید.[1]

مسجد جامع نارمک تهران یکی از مراکز عمده آرای متراکم احمدی‌نژاد بود. زیرنویس‌های خبری سیمای جمهوری اسلامی هم به کمک وزارت کشور آمد و مکرر تعطیلی احتمالی برخی شعب را از قول ستاد انتخابات، خبر می‌داد. اما این رسانه ملی به‌هیچ روی اخبار شورای نگهبان را ارائه نمی‌کرد. این درحالی بود که شورای نگهبان به‌عنوان نهاد قانونی ناظر بر صحت انتخابات فعالانه و به‌طور همه‌جانبه در عرصه انتخابات حضور داشت.

گزارش کیهان می‌افزود:

وزیر کشور [حین برگزاری انتخابات در روز سوم تیرماه] در نامه‌ای به فرمانداران سراسر کشور نوشت: نظر به این‌که گزارشات متعددی از حضور عناصر غیر مسؤول (مسؤول!) در محل اخذ رأی تحت عناوین فعالیت پایگاه‌های بسیج، کانون‌های فرهنگی، صندوق‌های قرض‌الحسنه یا کلاس‌های آموزشی و عناوین مشابه واصل شده است. ضروری است در

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

صورت مشاهده این‌گونه موارد با هماهنگی دستگاه‌های نظارت، تا رفع مشکل، موقتاً از رأی‌گیری در شعبه یاد شده، خودداری کنند، و سپس به رأی‌گیری ادامه دهند.

ادامه ماجرای وزارت کشور در انتخابات سوم تیر ۸۴ در این گزارش چنین بود:

خانجانی عضو مرکزیت حزب کارگزاران سازندگی به‌دنبال تلاش وزارت کشور برای ابطال یا توقف انتخابات در چند شعبه تهران و بخشنامه وزیر کشور در جمع خبرنگاران گفت: در تعداد بسیاری از صندوق‌ها افراد غیرمسؤول حضور یافته‌اند، و برای کاندیدایی خاص تبلیغ کرده‌اند. تا جایی که سر بازرس انتخابات در شهر تهران ـ رباطی ـ درخواست توقف رأی‌گیری در چند شعبه را کرده است، که این درخواست باید با شورای نگهبان و فرمانداری هماهنگ شود. سخنگوی وزارت کشور در پاسخ به این سؤال که چرا مراجع مسؤول در سر صندوق‌ها، با این موارد ادعایی برخورد نمی‌کنند، تا مسأله توقف رأی‌گیری پیش نیاید، پاسخ قانع‌کننده‌ای نداد، و گفت: حتماً نمی‌دانسته‌اند![1]

برخلاف گفته‌های سخنگوی وزارت کشور که برای اثبات ادعایش هیچ‌گونه سند و مدرکی ارائه نمی‌داد! می‌توان این نمونه را ارائه داد که محمود واعظی معاون ارتباطات و حقوقی ستاد مرکزی هاشمی رفسنجانی در اطلاعیه‌ای به رابطان کلیه استان‌ها تأکید کرده بود حضور فیزیکی درمیان رأی‌دهندگان برای تنویر افکار و توجیه آنها ضروری است. در دستور شماره ۱۸۳ وی تصریح شده بود:

تبلیغات و گفت‌وگوی چهره به چهره و حضور فیزیکی در میان رأی‌دهندگان برای تنویر افکار و توجیه آنها بیش از هر زمان دیگر اهمیت یافته است.[2]

به‌هرحال، تحرکات وزارت کشور علیه آرای احمدی‌نژاد با واکنش

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴
۲. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

قانونی شورای نگهبان روبه‌رو شد.

بنا به گزارش کیهان آقایان دکتر الهام سخنگو و سید محمد جهرمی، معاون انتخابات شورای نگهبان در گفت‌وگوهای جداگانه با خبرگزاری‌های ایسنا و ایلنا تصریح کردند:

این شورا گزارشی از تخلفات مورد ادعای وزارت کشور را دریافت نکرده، و هیچ مقامی نمی‌تواند توقف عملیات رأی‌گیری در شعب اخذ رأی، یا ابطال آرا را اعلام کند. در غیر این صورت اقدام خارج از چارچوب ماده ۸۱ قانون انتخابات و ماده ۷ قانون نظارت شورای نگهبان قابل تعقیب کیفری است.

دکتر الهام به خبرنگار فارس گفت:

برخی درصدد اخلال در روند پرشور انتخابات هستند.

یکی از نمایندگان سپاه پاسداران در کمیته امنیت ستاد انتخابات کشور هم، گوشه‌ای از اقدامات خلاف قانون مسؤولین وزارت کشور را برای خبرنگاران بازگو کرد. وی گفت:

خانجانی سخنگوی وزارت کشور پیش از این که به کار تبلیغات بپردازد، می‌بایست استنادات خود را به کمیته امنیت ارجاع می‌داد.

وی افزود:

از بازرسی انتخابات تاکنون گزارشی درباره دخالت نیروهای بسیجی، در روند برگزاری انتخابات به ما ارجاع نشده است.[1]

با این وجود وزارت کشور حاضر به عقب‌نشینی از تقابل قانونی و مبارزه علیه احمدی‌نژاد نبود. در تمام مدتی که در وزارت کشور شبه کودتایی علیه آرای مردم شکل می‌گرفت، سیمای جمهوری اسلامی به پخش مداوم سخنان وزیر کشور و دیگر دست‌اندرکاران وزارت کشور

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

می‌پرداخت. این رسانه در تمام ساعات سوم تیر از هرگونه پوشش خبری، اخبار صادر شده از سوی شورای نگهبان، خودداری نمود!

با استمرار حرکت وزارت کشور، دکتر کدخدایی قائم مقام هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات، عصر سوم تیرماه، با صدور یک بخش‌نامه خطاب به هیأت‌های نظارت سراسر کشور اعلام داشت:

با توجه به ماده ۷ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری، توقف انتخابات فقط با تأیید شورای نگهبان ممکن است، و بازرسان وزارت کشور طبق تبصره ۵ ماده ۸۰ قانون انتخابات، گزارش‌های خود را به مراجع ذی‌صلاح ارائه دهند، و حق مداخله در روند اخذ رأی ندارند. باتوجه به مراتب فوق، نامه مورخ ۸۴/۴/۳ وزیر محترم کشور نمی‌تواند ملاک عمل قرار گیرد، و هرگونه توقف در شعب اخذ رأی به استناد نامه وزیر محترم کشور، تخلف محسوب شده، و قابل پیگرد قضایی و قانونی است.

حوالی ساعت ۱۸ عصر سوم تیرماه، آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان هم در نامه‌ای به وزیر کشور متذکر شد:

توقف انتخابات ولو به‌صورت موقت در شعب خاص خلاف قانون بوده، و اعلام نمائید هیچ شعبه‌ای روند رأی‌گیری را متوقف ننماید. لازم به ذکر است گزارش تخلفات رأگیری به هیأت‌های اجرایی ارسال، و پس از بررسی در هیأت مذکور، طبق ماده ۸۱ قانون انتخابات موضوع به شورای نگهبان اعلام گردد، و از هرگونه تصمیم‌گیری مستقل به‌وسیله وزارت‌خانه، در توقف رأی‌گیری جداً خودداری نمائید. درضمن با توجه به ماده ۷ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری، هیچ مرجعی به‌جز شورای نگهبان، حق توقف یا ابطال شعب اخذ رأی را ندارد، و هرگونه توقف بدون مجوز فوق، اخلال در روند انتخابات بوده، و قابل پی‌گیری است.[۱]

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

مبارزه نفس‌گیر وزارت کشور علیه احمدی‌نژاد که به تدریج به یک شِبه کودتای دولتی تبدیل می‌شد با حضور پرتلاش شورای نگهبان در حفظ حقوق ملت و حراست از قانون به شکست انجامید. مجریان انتخاباتی وزارت کشور که از ارائه حتی یک مورد تخلف ادعایی مربوط به آرای دکتر احمدی‌نژاد، درمانده بودند، بناچار شکست از قانون و ملت را پذیرفتند.

به این ترتیب حدود ساعت ۱۸/۳۰ علی‌اکبر رحمانی استاندار تهران به خبرنگار فارس گفت:

تاکنون تخلفی در شعبات اخذ رأی به‌صورت عمده انجام نگرفته است. فقط چند تخلف جزئی بوده که مشکل حادی ایجاد نکرده است.

وی با اعلام این‌که توقف رأی‌گیری تبعات حقوقی دارد، در توجیه آن‌چه که در حوزه اختیارات عوامل اجرایی انتخابات اتفاق افتاده، افزود:

قطع رأی‌گیری، آن هم برای چند لحظه، به‌دلیل خستگی عوامل برگزاری انتخابات بوده است، نه به‌دلیل درگیری.

خانجانی نیز به خبرنگاران اعلام کرد:

سربازرس تهران درخواست توقف در چند صندوق را به فرمانداری داده که این توقف باید با همکاری فرمانداری و شورای محترم نگهبان صورت گیرد، و تا زمانی که توقف رأی‌گیری مورد موافقت شورای نگهبان قرار نگیرد، این کار انجام نخواهد شد.[۱]

در سخنان مسؤولان برگزاری قانونی و سالم انتخابات وزارت کشور چند نکته روشن شد:

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۴

۱ ـ تخلفات ادعایی در شعب اخذ رأی، بی‌پایه و اساس بود!
۲ ـ تخلفات، تقلب‌ها و ستیز عملی دولتی علیه احمدی‌نژاد توجیه شد.
۳ ـ مسؤولان دولتی ناچار به عقب‌نشینی و تسلیم در برابر قانون‌گرایی شورای نگهبان شدند.

بدین ترتیب اراده آگاه و اصول‌گرایانه ملت، با مقاومت هشیارانه به‌ثمر نشست.

صبح ۴ تیرماه ۸۴ مردمی که برای گرفتن خبر از نتیجه انتخابات، تلویزیون‌های خود را روشن می‌کردند، می‌توانستند به‌طور زنده تصویر LCD بزرگ نصب شده در ستاد انتخابات وزارت کشور را ببینند که در آن یک نمودار با دو ستون نقش بسته بود، و روی هر ستون عکس یکی از نامزدها قرار داشت. ارتفاع ستون احمدی‌نژاد نزدیک به دو برابر ستون هاشمی بود.[۱]

بدین‌سان در سوم تیر ماه ۱۳۸۴ معجزه هزاره‌ی سوم در ایران اسلامی به‌وقوع پیوست و دکتر محمود احمدی‌نژاد باگفتمان عملی اسلام ناب محمدی (ص) رئیس جمهوری اسلامی ایران شد و دمکراسی و ابزارهای پول و فریب آن مفتضحانه شکست خوردند. غرب سلطه‌گر به این شکست اعتراف کرد و اصلاح‌طلبان تا مدت طولانی به اغما رفتند.

خاتمی رئیس‌جمهور که تمامی ترفندهای سیاسی و کارشکنانه را در تخلفات قانونی به‌کار گرفته بود، نه‌تنها نتوانست شعار تحمل مخالف را، دست‌کم در ظاهر اجرا کند، بلکه حتی به اراده ملت احترام نگذاشت و

---

۱. نقش آفرینان سوم تیر ص ۹۶

انتخاب گزینه استثنائی مردم را به آنان تبریک نگفت! این واکنش زشت و مردم‌ستیزانه تاریخی، ماهیت خشونت‌گرا و قدرت‌طلب اصلاح‌طلبان را بیش از پیش افشا نمود.

احمدی‌نژاد معجزه هزاره‌ی سوم

یقیناً پیروزی احمدی‌نژاد در میدان سیاستی که از حیث آلودگی و پلیدی‌های مخرب شاید در جهان کم مانند باشد. معجزه‌ای عظیم بود. این معجزه به لحاظ داخلی معجزه سوم تیرماه ۸۴ بود و از بُعد تبعات و تأثیرات خارجی آن معجزه هزاره‌ی سوم است.

ابزارهایی که برای خنثی‌سازی تخریب دنیاگرایان قدرت پرست، از سوی طرفداران احمدی‌نژاد به‌کار رفت و بارزه‌هایی که همگان به عینه دیدند، این انتخابات را به یک معجزه تمام عیار بدل کرد.

به‌کارگیری ابزارهای دعا، مناجات، روزه و نمازهای توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام از سوی گروه‌های بی‌شمار مردم برای خنثی شدن حربه‌ها، حیله‌ها و تخریب مخالفان و دشمنان احمدی‌نژاد در انتخابات نهم امری بدیع و بی‌نظیر بود. علاوه بر آن برگزاری مراسم احیا در مساجد و حسینیه‌های شهرهای مختلف و استغاثه به درگاه خداوند، از یک سو نشان از دینمداری ویژه احمدی‌نژاد داشت، و از سوی دیگر ماهیت «احزاب شیطانی» را که در تقابل با او بودند، بیش از پیش افشا می‌کرد. این همه دعا و توسل برای برآورده شدن حاجتی سیاسی و اجتماعی حتی در تاریخ انقلاب اسلامی کم سابقه بود. گویی ملت پیروزی در برابر صف هولناک شیاطین را که با همه توان با دولت اسلام

خواه احمدی‌نژاد به جنگ برخاسته بودند، تنها با یاری جستن از امدادهای غیبی عملی می‌دانستند. در میان توسلات و نذرها و دعاها، توسل به حضرت صدیقه کبری، حجم بیشتری داشت. تقارن انتخابات مرحله نخست با ایام فاطمه (ع) اول این متوسلان را امیدوارتر کرد. بنابراین آن‌گاه‌که تمام تقابل و مبارزه و ترفند دولتی و برخی رقیب‌ها در مرحله نخست بی‌نتیجه ماند و احمدی‌نژاد بی‌هیچ تکیه‌گاه و ابزار سیاسی و مادی به اراده ملت به مرحله دوم رسید، همگان امدادها و توجهات زهرای مرضیه (ع) را در این آرای مطهر آشکارا دیدند.

مبارک باد رأی فاطمیون

تقارن ایام فاطمیه ـ علیهاالسلام ـ با انتخابات نهم، محتوا و پیامی ویژه داشت. هم زمانی انتخابات نهم با ایام فاطمیه ـ علیهاالسلام ـ با توجه به آرایش سیاسی دور از انتظار، پیام‌ها و تبلیغات خارج از دایره اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، نمی‌توانست فارغ از خشم و مهر فاطمی (ع) باشد.

چگونه خشم فاطمی ـ که خشم خداوند سبحان است ـ بر قدرت‌طلبان که اصول و ارزش‌های متعالی را به منظور جذب آرای «بی‌مقداران» زیر پا نهادند، نازل نمی‌شد؟ از چه رو قهر فاطمی بر کسانی که به آرای فاسدان، ملحدان، اباحه‌گران، و در یک کلمه «فاطمه ستیز» دل بسته بودند، نمی‌بارید؟ چگونه می‌شد تصور کرد پیروز میدان انتخابات در کشور امام زمان علیه‌السلام کسانی باشند که با درجات متفاوت به جلب آرای دشمنان فرهنگ فاطمی از سرمایه‌داران زالو صفت، تا خارجه

نشینان سلطنت طلب، و از شب پرستان مفسد داخلی تا مزدوران بیگانه (قلم به مزدان آمریکایی، نهضت خائن آزادی، سازمان‌ها و حزب‌های فاسد، منافقین شماره دو و...) پرداخته بودند؟

سخن در کیفیت تبلیغات، انگیزه و هدف کاندیداهای انتخابات نهم بسیار است که باید به عنوان یک واجب شرعی به آن پرداخت. کالبد شکافی این مهم و بررسی پلیدی‌های باندها و جناح‌ها و افراد در این امتحان بزرگ الهی، نه امری دشوار است و نه مستحب!

اما اکنون مسأله اساسی، «آرای فاطمیون» است که به صندوق‌ها ریخته شد. آرای «احمدی‌نژاد» به حقیقت «آرای فاطمی» بود و یک فریاد برائت آشکار!

آرای «احمدی‌نژاد» عمل به رهنمود حضرت امام (ره) بود؛ یعنی فریاد برائت ملت بود که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمان‌ها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم، نشانه رفته‌اند. و هیهات که امت محمد (ص) و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق، تن در دهند.

به‌راستی آرای «احمدی‌نژاد» فریاد برائت فاطمیونی بود که شانزده سال گذشته شاهد بر باد رفتن اصول و ارزش‌های الهی بوده‌اند. این آرا بیانگر تپش قلب‌های فاطمی بود که «عدالت علوی» و «حقیقت نبوی» را در شانزده سال گذشته لگدکوب چکمه‌های سرمایه‌داری و اباحه گری و سکولاریسم مرگبار، نظاره گر بودند.

آرای «احمدی‌نژاد» فریاد برائت آنان بود که چفیه‌های خونین و رمز

«یا زهرا» را در مسلخ کف و سوت و زر و زور و تزویر حاکمان ناصالح به یغما رفته می‌دیدند.

این آرا، فریاد برائت از تفرعن، تکبر و فریب دمکرات منشان و توسعه‌خواهان حزبی و باندی و دشمنان فرهنگ علوی و اسلام ناب محمدی بود. فریاد برائت از همه کج‌اندیشان سیاسی کار و تسلیم پذیران مدعی اندیشمندی در برابر آمریکای ددمنش و غرب استیلاگر بود.

در یک سخن، آرای «احمدی‌نژاد» آرای فاطمیون بود. آرای الله‌اکبر گویان بود. و آرای سربدارانی بود که برای احیای فرهنگ فاطمی و بازگرداندن نورانیت انقلاب اسلامی در صندوق‌ها ریخته شد.

پس مبارک باد رأی فاطمیون که عظمت ایران را در پرتو حاکمیت قرآن کریم می‌طلبند، و عزت ایرانی را در برافراشتن پرچم اجرای شریعت می‌دانند، و قدرت و افتخار ایران اسلامی را در عرصه‌های سیاست و اقتصاد و فرهنگ در جهاد و شهادت می‌شناسند. مبارک باد رأی فاطمیون که «دولت فاطمی» را دولتی مقتدر و تعالی دهنده دین و دنیای مردم می‌داند، و بر تعالیم فاطمی بنیانگذار عظیم این دولت فاطمی ـ حضرت روح الله ـ پایبندند.[۱]

آن‌چه در ۲۷ خرداد ۸۴ روی داد، به خودی خود خلق یک شگفتی عظیم بود. این شگفتی برای رقیبان و مخالفان اندیشه و روش احمدی‌نژاد، سونامی یا شوکی بود که نتوانستند در سوم تیرماه از آن رهایی یابند. اما از ۲۷ خرداد تا سوم تیر، فضا و شرایط کشور با دستورها و حمایت‌های خارجی به گونه‌ای درآمد که اکثر مردم آن را چیزی جز

---

۱. ویژه‌نامه پرتو سخن خرداد ۸۴، فاطمه رجبی

یک شبه کودتا نمی‌دانستند.

دیکتاتوری و استیلای محض جبهه اصلاح‌طلبی، که جناح شکست خورده مقابل آن هم تا حدودی با آن هم‌سو و هم‌صدا شده بود، در جنگ قدرت یک پارچه وارد عمل شد. بی‌گمان بررسی دقیق انتخابات نهم و تخریب و توطئه و مبارزه پنهان و آشکار علیه احمدی‌نژاد، نیازمند تحقیقات فراوانی است. اما آیا این کار هم می‌تواند بیانگر میزان تخریب و ضربات وارده بر احمدی‌نژاد و ملت انتخاب کننده او باشد؟

در فاصله زمانی یک هفته، به اندازه بیش از گذشت ده‌ها سال علیه احمدی‌نژاد تخریب صورت گرفت. می‌توان از تعبیر احمدی‌نژاد به فضای هولناک کشور که دولت خاتمی با تئوری و عمل پیشقراول آن بود، پی برد. آن‌جا که گفت:

آتش از زمین و هوا می‌بارد.

معجزه‌ای که احمدی‌نژاد با آرای خود جهانیان را به تسلیم درآورد، هم به پیروزی انقلاب اسلامی شبیه بود و هم در شکل، تفاوت‌هائی با آن داشت. شباهت این دو اعجاز در هم‌خوانی با شعارها و برنامه‌های احمدی‌نژاد باگفتمان و پیام حضرت امام (س) نهفته بود، و تفاوت آن در صف‌آرایی مخالفان و دشمنان سرکوب‌گر خودنمایی می‌کرد.

واقعیت آن است که در انقلاب اسلامی، ملت برپا خاسته علیه سلطنت ننگین، قیامی دینی را با رهبری حضرت امام (س) آغاز نمود و سرنگونی سلطنت و حاکمیت نظام اسلامی را خواستار شد. بدیهی بود که مردم هرگونه رفتار وحشیانه را از حافظان رژیم پلید سلطنت انتظار داشته باشند، و از آن استقبال کنند. اما در انتخابات نهم، مصاف یکپارچه اصلاح‌طلبان

و رقیبان دنیاطلب احمدی‌نژاد با وی برای مردم دور از انتظار بود. مردم ناباورانه می‌دیدند که پرستش قدرت یا حفظ مافیای قدرت و ثروت طیف‌هایی از خودی‌ها را تا مرزشکنی‌های فوق تصور سوق داد. این واقعیت که علاوه بر ثبت تاریخ، سینه به سینه نسل‌های آتی را نیز آگاه خواهد کرد، با هدف حراست از منافع گروهی، شخصی، حزبی و... صورت گرفت. این منافع سال‌ها سرنوشت کشور و ملت و اسلام و تشیع و انقلاب اسلامی را بازیچه قرار داده بود.

احمدی‌نژاد، مستقل و بی‌پشتوانه مالی و سیاسی با توکل به خداوند سبحان، اهداف انقلاب اسلامی و آرمان‌های امام (س) را اصل قرار داد و برای احیا و حاکمیت آن به میدان آمد. در برابر او گروه‌ها و جناح‌ها و باندها با منابع عظیم مالی و کارکشتگی سیاسی قد علم کردند. یک صف واحد از سکولار و ملحد، برخی روحانیون، معاندان و فراریان خارج‌نشین، به ترور اندیشه و شخصیت او همت گماشت. خارج ساختن احمدی‌نژاد از صحنه انتخابات در واقعیت امر، قلع و قمع افکار و آرمان‌های امام (س) بود که در شعارها و عملکرد احمدی‌نژاد احیا شده بود.

در این صف از انقلابیون سابقه‌دار و نشان‌دار تا هنرپیشه و نویسنده طاغوتی، و بدنامان عرصه سیاسی و غیره حضور داشتند. این صف در مرحله دوم انتخابات با حمایت از هاشمی رفسنجانی، تخریب بی‌امان و هولناک احمدی‌نژاد را دامن زد.

همان‌گونه که گذشت، تمام ابزارهای تمدن جدید و برخی از راه‌کارهای سنتی توأمان به‌کار گرفته شد. منبرها و تریبون‌ها، تجمعات و

مانورها، و... یک امر را مدنظر داشت و آن شکست و اخراج احمدی‌نژاد از میدان انتخابات بود. راه‌حل نهایی در مبارزه دولتی دنبال شد. انجام تخلف و تقلب تا مرز دستگیری خبرنگار افشاگر خبرگزاری فارس در وزارت کشور از این موارد بود.

به‌راستی احمدی‌نژاد غیر از کمک الهی و اراده ایمانی مردم از هیچ وسیله دفاعی بهره نداشت! هیچ بلندگوی رسایی وی را حمایت نکرد. هیچ پشتوانه مالی یا سیاسی نداشت. به همین دلیل هزینه سنگین مالی و سیاسی پرداخت شده در راستای تخریب احمدی‌نژاد، قطعیت پیروزی هاشمی را در دور دوم حامیانش نوید می‌داد. از این روی حسین محلوجی وزیر دارایی دوران سازندگی و رئیس کنونی بنیاد فرهنگ کاشان گفت:

روز جمعه در واقع رفراندوم میان اعتدال و افراطی‌گری است، و مردم باید در سوم تیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در یک جبهه موضعی واحد را انتخاب کنند.

او تأکید کرد که در پایان روز رأی‌گیری، روشن خواهد شد که بین جریان اعتدال و افراط، جریان اعتدال قاطعانه پیروز خواهد شد. وی با اشاره به حامیان هاشمی که شامل همه طیف‌ها حتی تحریم‌کنندگان هم می‌شد، گفت:

این عزم ناشی از اراده ملت برای نجات کشور از تحجرگرایی است.[۱]

اما احمدی‌نژاد با نگاه بنیادین به تخریب‌ها اظهار داشت:

به ما می‌گویند رادیکال، ما رادیکال نیستیم. مدافع حقوق مردم هستیم و به آن افتخار می‌کنیم. اگر تضییع حقوق مردم، اسمش میانه‌روی و اعتدال و مترقی

---

۱. روزنامه همبستگی ۸۴/۴/۱

بودن است، ما از آن بیزاریم.

یکی از روزنامه‌ها در مقاله‌ای تخریبی، به منظور پیشگیری از پیروزی احمدی‌نژاد نوشت:

هاشمی که در شرایط عادی شاید بهترین گزینه انتخاب برای بسیاری نبود، درحال حاضر تبدیل به چهره‌ای شده که حضورش برای دفع خطر ورود به قدرت جناح احمدی‌نژاد، لازم است.

مسلماً رأی‌دهندگان به اصلاح‌طلبانی چون کروبی، مهرعلیزاده و معین، هزار بار هاشمی را به احمدی‌نژاد ترجیح می‌دهند.[1]

اکبر رضایی مسؤول ستاد هاشمی در مراغه گوشه‌ای از تلاش فوق تصور را اینگونه ترسیم کرد:

با پیوستن ستادهای مهرعلیزاده، معین، کروبی و قالیباف در این شهرستان به ستادهای هاشمی، درحال حاضر ۳۰۰ دفتر تبلیغاتی شهری و روستایی در این شهرستان در دور دوم برای هاشمی فعالیت می‌کنند.[2]

احمدی‌نژاد در فاصله مرحله دوم یک یا دو نطق انتخاباتی بیشتر درمیان مردم نداشت. فیلم‌های تبلیغاتیش تکرار مرحله نخست بود. او تنها توانست با مصاحبه زنده از طریق سیمای جمهوری اسلامی نکاتی را با مردم در میان بگذارد. در این مسأله هم دولت با قطع برق از گستره کلام او ممانعت کرد. اما ثبات گفتار و رفتار او و مقاومت در برابر یک شِبه کودتای همه‌جانبه، بدون داشتن ابزارهای دفاعی رایج، وی را در منظر مردم، به یک کاریزما تبدیل نمود.

مردم حق داشتند احمدی‌نژاد را با تحمل و ایمان و صبر اسطوره‌ایش، یک فرد عادی تلقی نکنند. اعتقاد و ایمان ملت به او علی‌رغم دیکتاتوری

---

۱. روزنامه مردم‌سالاری ۸۴/۴/۱

۲. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۰

دمکراسی‌خواهان در مرحله دوم، اعجاز آفرید. معجزه سوم تیرماه با اراده الهی و به دست مردم به وقوع پیوست و برای دنیای شرک و الحاد و استکبار غرب، معجزه هزاره‌ی سوم را خلق کرد. روزنامه استار ترکیه این معجزه را چنین به نمایش گذارد:

> به‌رغم تبلیغات مسموم کشورهای بزرگ و شگردهای تبلیغاتی ایادی آنان، محمود احمدی‌نژاد با اکثریت قاطع آرای مردم ایران به ریاست جمهوری ایران انتخاب شد.[۱]

مرکز مطالعاتی نیکسون هم اعلام کرد:

> این انتخابات نشان داد که مردم به کاندیدای سرسخت در مقابل آمریکا، یعنی احمدی‌نژاد رأی دادند، و آمریکا و اصلاح‌طلبان بی‌اعتبار شدند.[۲]

احمدی‌نژاد خود در بیانیه‌ای اظهار داشت:

> با تمام ترفندهای تخریبی به‌کارگرفته شده از سوی افراد و گروه‌های معلوم الحال، این‌جانب با دلی روشن و امیدوار، و با ایمانی راسخ به حقانیت اسلام ناب و با اعتماد به اراده و خواست ملت رشید و آگاه ایران، در برابر جو سنگین تبلیغات مسموم بدخواهان و کینه‌ورزان، تسلیم نخواهم شد و با استقامت و مداومت در این راه اجازه نخواهم داد امیدهای فراوان ایجاد شده در دل‌های پاک مردم کشورم به یأس و سرخوردگی تبدیل شود.[۳]

در معجزه هزاره‌ی سوم نکات ذیل نمایان شد:

- گفتمان اصلاح‌طلبی که دین‌ستیزی و ارزش‌زدایی را نوآوری و نواندیشی می‌خواند، با شکست کامل از سوی ملت از صحنه «اخراج» شد.
- چهره‌های متفرعن و مستکبر که خود را قیم‌مآبانه بر ملت و اراده ملت تحمیل کرده بودند، توسط اراده آگاه مردم از نردبان قدرت پایین کشیده

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۸
۲. روزنامه کیهان ۸۴/۹/۲۰
۳. ۸۴/۳/۳۱

شدند.

ـ گفتمان اسلام ناب محمدی (ص) و اصول و ارزش‌ها و آرمان‌های حضرت امام (س)، پس از نزدیک به دو دهه حذف و انزوا توسط دولت مردان، دوباره پیروز شد و توسط رئیس جمهور احمدی‌نژاد به اجرا درآمد.

عدالت علوی برای نخستین‌بار با نظر و عمل احمدی‌نژاد به صحنه سیاست آمد و مقام معظم رهبری بر این ویژگی احمدی‌نژاد چنین صحه گذاردند:

ایشان ساده‌زیستی را افتخارآمیز دنبال نمود.

آرای مطهر که برخلاف شیوه‌های دین‌ستیز سیاسی، به ادعیه و راز و نیاز و توسلات مؤمنانه مردم متکی بود، بر شگردها و ترفندهای مکاران میدان سیاست غلبه نمود. فضای مسموم اومانیستی و سکولاریستی رایج با عطر اراده عدالت‌خواهانه و ارزش‌مدارانه مردم، معطر شد.

پیش‌بینی‌های علمی، نظرسنجی‌های آماری و تلاش‌های مخرب همه جانبه در راستای منافع بیگانگان نقش برآب شد.

زر و زور و تزویر یا مافیای قدرت و ثروت با هزینه کردن ده‌ها میلیارد تومان به شکست محکوم گردید، و نامزدهایش از سوی مردم طرد شدند.

آیت‌الله مصباح در ملاقات باخانم‌ها معین‌الاسلام، شایق، آلیا و احمدی‌نژاد، انتخاب معجزه گونه احمدی‌نژاد را چنین توصیف نمودند:

این انتخابات با هیچ عامل ظاهری قابل محاسبه نیست جز آنکه عنایت الهی بود و عامل اصلی برای این پدیده دعای حضرت ولی‌عصر (عج)، دعای مقام معظم رهبری، دعای خانواده شهدا و دعای دل‌سوختگان بود.

ایشان حیرت خود را از تأثیر اراده الهی در جهت‌گیری آرای مردم چنین بیان داشتند:

> من باور نمی‌کردم مردم با این کیفیت و کمیت به دین باور داشته باشند. تنها کسی که دم از اسلام می‌زد، احمدی‌نژاد بود. خداوند ایشان را ذخیره قرار داد. حتی کاندیداهای روحانی حرفی از دین نزدند. آقای احمدی‌نژاد طرحی نو در انداخت و دین را احیا کرد. هر چه خداوند را شکر کنیم کم است.[1]

ملت ایران توسلات، رازها و نیازها و نمازها و روزه‌هایی را که در انتخابات نهم انجام داد، هرگز از یاد نخواهد برد. علاوه بر آنچه که مردم تا ۲۷ خرداد در این مسیر دنبال کردند، طی یک هفته فاصله میان دو مرحله انتخابات، شدت بیشتری داشت. یک هفته‌ای که در مساجد و حسینیه‌ها و تکایای بسیاری از شهرهای ایران احیا گرفته شد. هفته‌ای که در گرمای روزهای پایانی خرداد عده زیادی از زنان و مردان و نوجوانان مسلمان روزه‌دار بودند و... واقعیت آن است که یورش کودتاگرانه صف واحد راست و چپ و معاند و مخالف و... علیه دکتر احمدی‌نژاد، به گونه‌ای رعب‌آور، مأیوس کننده و تروریستی بود، که ملت به سلامت آرای خود به نفع احمدی‌نژاد، هیچ امیدی نداشت. از این روی شکستن فضای وحشتناک انتخابات و یکدست شدن قدرت‌طلبان، دولتمردان، حزب‌گرایان و سیاسی‌کاران حرفه‌ای تنها راه نجات ملت، «توسل» و «استغاثه» به درگاه خداوند ترسیم شده بود. چنین بود که آرای مبارک، مطهر و مقدس ملت، به لحاظ کمیت نیرو شگفتی‌ساز شد. اراده خداوند مکر و خدعه‌های جهانیان را درهم شکست و ملت اراده خود را در

---

۱. ۸۴/۴/۶

گزینش احمدی‌نژاد رقم زد.

چشم طمع و امید بیگانگان در استمرار اصلاح‌طلبی به کوری گرائید احمدی‌نژاد معجزه هزاره‌ی سوم، در سوم تیرماه ۸۴ شگفتی آفرید و منتخب ملت ایران گردید.

دیدگاه حضرت آیت‌الله مشکینی به این شگفت‌آفرینی گویاتر است. ایشان در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان قم اظهار داشتند:

> به‌نظر بنده روی کار آمدن دولت نهم مانند یک معجزه است. از روزی که سر کار آمده تاکنون هر گامی که برداشته، در راستای خدمت‌رسانی به مردم بوده است، و حرف دیگری در میان نیست.

حضرت آیت‌الله مصباح یزدی هم با دریافت عمق مسأله، این نعمت الهی را در ملاقات با دکتر احمدی‌نژاد، چنین سپاس گفتند:

> خدای متعال را شاکریم که زمینه انتخاب چنین شخصی را برای این دوره خاص از انقلاب فراهم کرد، و آیندگان به این نتیجه خواهند رسید که این انتخاب مشحون به کرامات و معجزات بود. شاید کسانی در ایران باشند که هزینه‌های هنگفتی صرف کردند تا دل‌ها را متوجه خود کنند و موفق نشدند. ولی شما بی‌آنکه هزینه‌ای صرف کرده باشید، دل‌های مردم پروانه‌وار متوجه شمع وجودتان شد و عاشقانه برای پیروزی شما کار کرد.[۱]

معجزه هزاره‌ی سوم، احمدی‌نژاد را در جهان معاصر نماد موضوعات مختلف کرد:

الف ـ مایهٔ سرور همه مسلمانان

انتخاب احمدی‌نژاد از منظر مسلمانان جهان نیز شادمانی فزاینده و

---

۱. روزنامه سیاست‌روز ۸۴/۳/۷

افتخارآفرینی داشت. هانی السعودی، در روزنامه الحیات چاپ اردن، در مقاله‌ای با عنوان «مایه سرور همه مسلمانان» از پیروزی دکتر احمدی‌نژاد چنین تجلیل کرد:

ما عرب‌ها بایستی از پیروزی احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران که یک فرد معتقد به اصول اسلامی است، و به دین اعراب و کتاب خدا، یعنی قرآن کریم، و نیز به محبت نسبت به خاندان پیامبر(ص) پایبند بوده، و در زندگی، مقتصدانه رفتار می‌کند، و همچون پیامبر بزرگ اسلام، فقرا و بی‌نوایان را دوست می‌دارد، شاد و مسرور باشیم.[1]

خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس هم در مصاحبه با خبرنگاران سیاست‌روز و قدسنا گفت:

امروز ایران به شکر خدا از رهبر، رئیس‌جمهور و ملتی شجاع برخوردار است. رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد، حقیقتی را بیان کرد که این حقیقت، ناخوشایند برخی از محافل و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود. اما این حقیقت مورد قبول و خوشایند ملت‌ها و مؤمنین، مجاهدین و آزاداندیشان و آزادگان جهان قرارگرفت. ما به این موضوع افتخار می‌کنیم.[2]

سخنان خالد مشعل اشاره به مسأله عالمانه، مدبرانه، و سیاستمدارانه احمدی‌نژاد مبنی بر افسانه‌ای بودن واقعه «هولوکاست» و ارائه پیشنهاد حل آن است.

دکتر احمدی‌نژاد پس از قرار گرفتن در منصب ریاست جمهوری، بیش از پیش افتخارآفرین شد. سخنان بی‌نظیر او در ۲۲ بهمن ۸۴ سبب اعجاب جهانیان شد و به جهان اسلام عظمت و افتخار بخشید. آقای خلیفه نویسنده روزنامه الجزایری «الاوسط» در تجلیل از مواضع دکتر

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۱۱

۲. روزنامه سیاست روز ۸۴/۹/۲۶

احمدی‌نژاد مقاله‌ای با عنوان «فاروق زمان» نوشت. بخشی از این مقاله چنین است:

این خطاب «الله مولانا و لا مولی لکم» رئیس جمهور ایران احمدی‌نژاد است که صلیبیون را در سالگرد پیروزی انقلاب مورد خطاب قرار می‌دهد و این سخنان است که طنین آن را مسلمانان پس از جنگ بدر تاکنون نشنیده بودند. اگرچه خوشبختانه خداوند مسلمانان را از نعمت فردی برخوردار کرده است که از متاع دنیا جز یک خانه حقیرانه و یک خودرو ۵۰۴ قدیمی برخوردار نیست، و در عین حال به نام مسلمانان سخنانی را بر زبان می‌آورد که این سخنان سال‌ها و قرن‌ها در سینه‌های آنان حبس شده بود. از زمان جنگ بدر تاکنون چنین سخنانی به گوش نرسیده بود. اگر اعراب انتظار مردی با جرأت و تلاش احمدی‌نژاد از قوم عرب را می‌کشند بایستی دعا کنند که خداوند اول جان همه حکام ذلیل و فرومایه را بگیرد.

ب ـ سیاستمدار جهان سوم و جهان اسلام

معجزه پیروزی احمدی‌نژاد به انتخابات محدود نشد. حضور او در سازمان ملل حضوری چشمگیر، افتخار آفرین و سرنوشت‌ساز بود، و افکار عمومی جهان، سیاستمداران و دولتمردان آزاده جهان را به تحسین واداشت. احمدی‌نژاد با حضور و سخنرانی بی‌مانند خود در سازمان ملل، پرچم عزت و افتخار اسلام و تشیع را در دل کفر و استکبار جهان برافراشت. میشائیل لودرس کارشناس علوم سیاسی و خاورمیانه آلمانی از نگاه خود این واقعه بزرگ را در جملات زیر تحلیل کرد:

محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری ایران از زمان حضور خودآگاهانه در مجمع عمومی سازمان ملل، از بهترین شرایط برای ارتقاء به مقام رهبری در جهان سوم برخوردار شده است.

وی افزوده است:

درحالی که ایران تا یک سال پیش یک منفور سیاسی در محور شرارت بوش رئیس‌جمهور آمریکا محسوب می‌شد، با پافشاری احمدی‌نژاد بر احداث نیروگاه اتمی، و تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم بدون توجه به انتقادها و تهدیدهای غرب، باعث حمایت‌های زیاد کشورهای جهان سوم از ایران شده است.[۱]

موضع‌گیری‌های افتخارآفرین احمدی‌نژاد، پی در پی شگفتی‌ساز می‌شود. این افتخار و شگفتی بیش از پیش اراده الهی را در اعجاز انتخاب او می‌نمایاند. جهان اسلام در وجود احمدی‌نژاد، عناصر عزت و افتخار اسلامی را می‌نگرد و آشکارا به آن اعتراف کرده و آن را تحسین می‌کند.

روزنامه اکسپرس پاکستان درباره دکتر احمدی‌نژاد نوشت:

سلام ما به جسارت و شهامت عظیم رئیس‌جمهور ایران، امیدواریم که او کماکان در موضع خود مقاومت نشان دهد، و امت اسلامی را با افتخار سربلند نگه‌دارد.[۲]

رئیس مجلس تاجیکستان نیز گفت:

احمدی‌نژاد سیاستمدار بزرگ جهان اسلام است.[۳]

ادهم ابراهیم نویسنده عرب هم در روزنامه قطری الوطن این مطالب را نگاشت:

احمدی‌نژاد از اولین روز تصدی ریاست جمهوری در ایران، با کنارگذاشتن تشریفات این پست، نشان داد که از خود مردم است، و از جایگاه ویژه‌ای میان آنان برخوردار است. ویژگی‌های شخصیتی آقای احمدی‌نژاد زمانی آشکارتر شد که وی نه‌تنها از طرف مردم ایران، بلکه به‌نمایندگی از بسیاری از مسلمانان،

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۷/۱۸

۲. روزنامه کیهان ۸۴/۱۰/۱۳

۳. روزنامه کیهان ۸۴/۱۰/۵

از مسایل مهم جهان اسلام و مسلمین سخن گفت.

وی افزود:

اهمیت سخنان احمدی‌نژاد در این است که او می‌تواند مطالبی را بیان کند که دیگران قادر به بیان آن نیستند. سخنان احمدی‌نژاد از ایمان قوی او نسبت به بازگشت حق به صاحبان آن، سرچشمه می‌گیرد.[۱]

روزنامه نیویورک تایمز احمدی‌نژاد را درحال حاضر یکی از مطرح‌ترین رؤسای جمهور جهان دانست و نوشت:

گذشت زمان نشان داده که رئیس جمهوری ایران سیاستمدار باهوشی است، و توانسته از فشار علیه تهران برای ایجاد یک جبهه واحد در مقابل سیاست‌های غرب استفاده کند. سیاست‌های نادرست غرب علیه وی باعث شده که حتی مخالفان و مردمی که در زمان انتخابات به او رأی نداده‌اند، به طرفدارانش تبدیل شوند.[۲]

واقعیت آن است که دکتر احمدی‌نژاد با حضور در نیویورک پرچم اسلام و تشیع را بر فراز سازمان ملل به اهتزاز درآورد. وی با خواندن دعای فرج افتخار شیعه بودن و پیام منجی‌گرایانه مهدویت را به جهان بشریت اعلام کرد. در این اعلام که با عزت، اقتدار و افتخار توأم بود و تا آن روز هرگز شبیه و نظیری نداشت، نام مقدس زهرای مرضیه (ع) را زینت‌بخش متن سخنان کرد، و عدالت مورد نظر وی با استفاده از کلام گهربار فاطمه (ع) تعریف و تبیین گردید. احمدی‌نژاد با ذکر نام پیامبر خاتم ـ صلی الله علیه و آله ـ در چند نوبت فضای سازمان ملل را معطر کرد، و با تلاوت آیات قرآن کریم آزادی و رهایی بشریتِ در بند را نوید داد.

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۹/۲۱ ۲. هفته‌نامه پرتو سخن ۸۴/۱۱/۱۹

رئیس جمهوری ایران که اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ را در مرکز تجمع سران جهانی صلا داد، و پایان کلامش را به دعا برای ظهور موعود امم اختصاص داد. این امر عظیم متن پوشالی حقوق بشر را که بزرگترین افتخار زبونانه اصلاح‌طلبان گردیده، و خاتمی در طرح گفت‌وگوی تمدن‌هایش تنها بر آن تأکید داشت، با دعوت بشریت به شناختن مهدی موعود به مصاف گرفت.

ج ـ نماد شجاعت، عظمت و افتخار ایرانیان

به‌درستی احمدی‌نژاد در جایگاه ریاست دولت جمهوری اسلامی، نماد عظمت‌خواهی ایرانیان گردیده است. نشریه ایتالیایی لااستامپا نوشت:

> احمدی‌نژاد ایران را از حالت ژلاتینی خارج کرد.

اسکات ریتر کارشناس برجسته آمریکایی اعتراف نمود:

> اکنون اعتماد به‌نفس دولت ایران بالا رفته است و این قضیه به‌خصوص درمیان سران جدید کشور، بویژه احمدی‌نژاد مشهود است. این شخص به این باور رسیده که ایران باید بدون توجه به گفته‌های اطرافیان، راه خود را دنبال کند.

روزنامه نیویورک تایمز نوشت:

> مردم ایران واقعاً به گفته‌های احمدی‌نژاد ایمان دارند و به این باور رسیده‌اند که بزرگترین هدف وی تبدیل ایران به کشوری قدرتمند است.

یک دیپلمات غربی در این باره گفته است:

> در خیابان‌های تهران این احساس به شما دست می‌دهد که هرچند احتمال تحریم‌های احتمالی اقتصادی وجود دارد، ولی از آن‌جاکه مردم به احمدی‌نژاد عشق می‌ورزند، اعتراضی در این باره ندارند.

نیویورک تایمز با بیان این‌که احمدی‌نژاد در بین جوانان ایران به‌عنوان

چهره‌ای شجاع شناخته شده که از رویارویی با غرب ترس ندارد، افزوده است:

مردم ایران معتقدند پس از سال‌ها کسی روی کار آمده که به حرف‌هایش عمل می‌کند. درحال حاضر او را یک پیرو خط امام می‌شناسند، زیرا مثل امام خمینی به مبارزه با استکبار جهانی اعتقاد دارد.

اما نیویورک تایمز این هشدار را هم به جنایت‌پیشگان غربی می‌دهد که:

غرب باید مراقب چنین رئیس‌جمهور محبوبی باشد، چراکه روز به‌روز در ایران محبوب‌تر می‌شود.[1]

آقای خلیفه نویسنده الجزایری که پیشتر به مقاله وی اشاره شد. پیرامون افتخارآفرینی‌های احمدی‌نژاد برای اسلام و ایران می‌نویسد:

از بدشانسی اعراب، این مرد از اعراب نبوده، و فردی ایرانی و شیعه است. دکتر احمدی‌نژاد با مواضع اصولی و شجاعانه خود، به عنوان مظهر شهامت و پایداری شناخته شده است نگاه او به صهیونیسم و طرح افسانه‌ای بودن هولوکاست به تنهایی او را نماد شجاعت در میان همه سیاستمداران و دولتمردان برجسته جهان ساخت. بنا به خبر روزنامه «قدس» جمعی از سرمایه‌داران و هتلداران ایرانی که در ضیافت شام صدراعظم سابق آلمان شرکت کرده بودند، به نقل از «هلموت کهل» گفته‌اند: حرف احمدی‌نژاد درباره هولوکاست، حرف دل ما بود. این حرف سال‌ها در دل ما مانده بود، اما جرأت بیان آن را نداشتیم. احمدی‌نژاد مردی نترس و شجاع است.

دکتر «فردریک توبن» تاریخ دان آلمانی الاصل مقیم استرالیا هم در گفت‌وگو با روزنامه قدس اظهار داشت:

امروز حتی شخصی که می‌رود خرید روزانه کند روزنامه‌ها را می‌بیند که یک

---

۱. هفته‌نامه پرتو سخن ۸۴/۱۱/۱۹

رئیس جمهور می‌گوید هولوکاست واقعیت ندارد و این بزرگترین تحولی است که در عرصه باورهای ضد هولوکاست رخ داده است. احمدی‌نژاد اولین مسؤول دولتی جهان است که به صورت اصولی، هولوکاست را زیر سؤال می‌برد و این بسیار حائز اهمیت است. اگر می‌خواهید بدانید حرف‌های رئیس‌جمهور شما تا چه اندازه در جامعه غربی تأثیر گذاشته، باید بگویم این حرف‌ها اعتبار تازه‌ای به گفته‌های تجدیدنظر طلب‌ها (درباره هولوکاست) بخشید.

خبرنگار قدس می‌افزاید:

وی در پایان انگشتان دست خود را بر روی لب‌ها به نشانه بوسیدن گذاشت، و گفت: با این حرکت می‌خواهم اندازه استقبال اندیشمندان جهان را از سخنان دکتر احمدی‌نژاد بیان کنم.[1]

احمدی‌نژاد منادی اسلام ناب محمدی (ص)

ملاحظه شد که پافشاری بر تضعیف، حذف و تخریب گسترده احمدی‌نژاد، اندیشه او را نشانه گرفته بود. در این جریان تروریستی حزب‌های راست و چپ، چهره‌های سیاسی، رسانه‌های خبری و مطبوعاتی، شبنامه‌ها دیگر ابزارها همکاری مشابه، نزدیک و یا نسبی داشتند. افرادی از روحانیون، برخی مذهبی‌ها، لائیک‌ها، براندازان نظام اسلامی، هنرپیشگان و تمامی تشنگان قدرت و ثروت در صف واحد، از بیم رأی مردم به احمدی‌نژاد ملت را بمباران تبلیغاتی کردند.

این تخریب بی‌سابقه و بی‌امان، هرگونه اخلاق و قانون، انسانیت و دین را لگدمال کرد و احمدی‌نژاد و رأی‌دهندگانش را گلوله‌باران نمود.

---

۱. روزنامه قدس ۸۴/۱۲/۱۴

احمدی‌نژاد مظهر پاکی‌های عملی بود که از باور او به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله نشأت می‌گرفت. به همین جهت وی در بحرانی‌ترین شرایط فرهنگی و سیاسی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی، منادی اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ شد، و ملت به او لبیک معجزه‌آسا گفت. این ویژگی انحصاری در احمدی‌نژاد کارنامه زندگیش را پیش روی ملت گشود و آنها به‌روشنی دیدند از امتیازات ویژه سیاست پیشگان، و مدیران حتی رده‌های سوم و چهارم در این کارنامه اثری نیست. فسادها و ضعف‌های مالی، سیاسی و اخلاقی، وابستگی‌های حزبی و رانت‌خواری‌های چندبعدی و... که در دو دهه گذشته، به عنوان امری عادی و حقی ویژه برای مدیران ثبت شده بود، در مسؤولیت‌های احمدی‌نژاد جای پایی نداشتند. این سیره درخشان اگرچه از سوی ملت با بی‌نظیرترین اقبال‌ها روبه‌رو شد، اما خشم و کینه رقیبان، مخالفان، دشمنان و قدرت‌طلبان جناحی را هم چنان زنده نگه داشت. احمدی‌نژاد خود به صراحت اعلام کرد:

> **مطمئن باشید اگر کوچکترین ضعفی درکار و زندگی من وجود داشت، اکنون در بام جهان نواخته شده بود، و در آغاز پذیرش مسؤولیتم در شهرداری روی این موضوع مانور می‌دادند.[۱]**

رویترز این واقعیت را دید که سبک زندگی فروتنانه احمدی‌نژاد و وعده‌هایش درخصوص فساد و توزیع مجدد حاصل از نفت، اقشار مردم روستاها و شهرها را جذب کرد.[۲]

واقعیت آن است که کروبی با وعده ۵۰ هزار تومانی، و قالیباف با

---

۱. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۲۸

۲. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۵

تهاجم علیه توسعه اقتصادی، می‌توانستند بلندگوی رساتری برای محرومین باشند. اما آیا کارنامه درخشانی از گذشته و حال زندگی شخصی را هم دارا بودند؟ آیا آنها در تبلیغات خود رویکرد کوچکی به گفتمان اسلام ناب داشتند؟ دیگر نامزدها نیز به‌مراتب دورتر بودند. گاردین با مشاهده گوشه‌هایی از اندیشه عملی احمدی‌نژاد، نوشت:

محمود احمدی‌نژاد به پرهیزکاری، مردمی بودن و شایستگی شناخته می‌شود. او قهرمان محرومین شناخته شده است. مردی است که با خودروی خود سر کار می‌رود، و علی‌رغم دشواری‌های دو سال گذشته، تهران را اداره کرده است.[۱]

محمد حسینی یکی از ساکنان تهران علت انتخاب احمدی‌نژاد را از بین همه نامزدهای روحانی و غیر روحانی با این تعریف بازگو می‌کند:

خانه احمدی‌نژاد را در تلویزیون دیدم. او آدم بسیار ساده‌ای است. خانه‌اش هیچ شباهتی به خانه کرباسچی شهردار سابق نداشت. احمدی‌نژاد فاسد نیست و تاکنون هیچ حقوقی از شهرداری نگرفته است، و فقط به حقوق خود در دانشگاه اکتفا می‌کند.[۲]

باور ملت به پاکی احمدی‌نژاد در گفتار و کردار، باوری مبتنی بر حقیقت بود. واقعاً چرا هیچ‌یک از دیگر نامزدها دوربین تبلیغاتی را به خانه خود نبردند؟ کدامیک از آنها وارث کاخ کرباسچی بودند، اما به کاخ‌نشینی که یک حق و امتیاز شناخته می‌شد، اعتنا نکردند؟

کدام‌یک از این افراد که یا سابقه نظامی داشتند، و یا چپ‌گرا بودند، و یا لباس روحانیت بر تن داشتند، قابلیت و لیاقت دریافت این توصیف و تجلیل مقام معظم رهبری را داشتند که:

---

۱. همان

۲. خبرگزاری فارس ۸۴/۳/۳۰

آقای احمدی‌نژاد ساده زیستی را افتخارآمیز دنبال کرد، و مطرح نمود.

اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ در مدیریت احمدی‌نژاد

دکتر احمدی‌نژاد در شرایطی شهردار تهران شد که غارتگری بیت‌المال در آن‌جا یک نظر و باور ملی بود. وی نمونه‌های ناچیزی از این فساد را گوشزد می‌کند:

زمانی که به شهرداری رفتم، دریافتم پذیرایی دفتر شهردار در هر ماه ۱۵ میلیون تومان بوده است. حتی یکی از معاونان وقت شهرداری حدود ۳۰ میلیون فاکتور پذیرایی برای من آورد، که تنها خرج یک مراسم شده بود. وقتی ریز فاکتور وی را مشاهده کردم، دیدم فقط ۱۰۰ هزار تومان از این فاکتور هزینه خرید زیتون شده که خوشبختانه هم‌اکنون بسیاری از این موارد دیگر دیده نمی‌شود.[۱]

در طول شانزده سال گذشته مدیریت‌های هزینه‌زا و به تعبیر ملت غارتگری به عنوان امری بدیهی و طبیعی سنت شده بود. از این‌روی هیچ‌یک از نامزدها به لحاظ اندیشه‌ای و عملی نمی‌توانستند در تعارض با آن کلامی بگویند، یا گامی بردارند! اما احمدی‌نژاد معتقد است در دولت اسلامی طبقه ممتازی به عنوان مدیران نداریم. چون میان مردم و مدیران فاصله‌ای نباید وجود داشته باشد. اولویت‌های مدیران دولت اسلامی باید اولویت‌های جامعه باشد و مدیران برای تأمین نیازهای مردم تلاش کنند.

بیم اوتول گزارشگر بی‌بی‌سی هم به اسلام‌گرایی استثنایی احمدی‌نژاد اشاره دارد، چراکه این ویژگی او را منادی اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ نمود، و آرای جهت‌دار ملت را برایش رقم زد. این گزارشگر

---

۱. روزنامه رسالت ۸۴/۸/۱۱

در گزارش خود نوشت:

احمدی‌نژاد برای حامیانش یک مرد ساده و درستکار است که با فساد به مبارزه برخاسته است. آقای احمدی‌نژاد که فرزند یک آهنگر است بر ارزش‌های اسلامی متمرکز بود و با مبارزات پر زرق و برق برخی دیگر از نامزدها فاصله زیادی داشت.[۱]

اسلام ناب مورد اعتقاد احمدی‌نژاد که در عمل او نمادین می‌شود عبارت از این فرازهاست:

مدیریت جز خدمتگزاری و نوکری مردم چیز دیگری نیست. آیا عزت و اقتدار امیرالمؤمنین (ع) و رهبر عزیز انقلاب به لباس‌های فاخر یا زندگی در کاخ است؟ آن چیزی که مردم رویش حساب می‌کنند، قدرت روحی، اتکال و توکل انقلابیون است. کسی در دنیا روی آنهایی که مسابقه دکورها را گذاشته‌اند، حساب باز نمی‌کند. قدرت انقلاب ما در ویژگی انقلابی است که اگر از آن فاصله بگیریم و کاخ‌ها روی هم درست بشود ما زمین می‌خوریم.[۲]

بدین علت است که هم او دولتش را دولت اسلامی نام نهاده بود، و هم آن را خارج از ادبیات و گفتمان انحرافی، التقاطی و اسلام تجددگرا ترسیم و عرضه می‌کرد:

دولت اسلامی نسیم رحمت است و هدایت، پاکی و سلامت و دلسوزی و عقلانیت است. با تشکیل این دولت، فضای کشور آکنده از امید، نشاط، حرکت و پویایی خواهد شد.[۳]

چنین بود که چند ماه پس از روی کار آمدن احمدی‌نژاد، حضرت آیت‌الله مشکینی تصریح کرد:

با آمدن دولت آقای احمدی‌نژاد، نسیم رحمت در کشور وزیدن گرفته است.[۴]

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۵
۲. روزنامه شرق ۸۴/۳/۳۰
۳. خبرگزاری مهر ۸۴/۳/۹
۴. روزنامه کیهان ۸۴/۲/۲۸

احمدی‌نژاد فریادگر جنگ فقر و غنا

اسلام نابی که احمدی‌نژاد منادی آن شد، دارای همان مبنا و انگیزه و هدف در گفتمان و سیره حضرت امام (س) است.

شمس‌الواعظین از طیف اصلاح‌طلبان نهضت آزادی ناخواسته و ناامید، این واقعیت را چنین بازگو کرده است:

متغیری به‌نام شکل‌گیری طبقه جدید اجتماعی وجود دارد که قرار است طبقه حامل پروژه انقلاب اسلامی شود، و یکی از مشخصات اصلی این طبقه نوظهور، وفاداری به سیستم سیاسی تا آخرین مرحله است. نیروهای محروم، سربازان این طبقه جدید هستند. این طبقه که احمدی‌نژاد منادی دفاع از حقوق آنهاست، موفق شد جنگ فقر و غنا را از روی گسل بی‌عدالتی، به‌جای انتخابات سیاسی راه‌اندازد. در واقع انتخاباتی به‌نام ریاست جمهوری داشتیم، اما در واقع این جنگ میان فقر و غنا بود.[1]

شمس الواعظین که در دور دوم از حامیان هاشمی بود، احمدی‌نژاد را منادی جنگ فقر و غنا می‌خواند. جنگ فقر و غنا و واقعیت مورد اشاره او، نقطه عطف اسلام ناب محمدی (ص) مورد تأکید حضرت امام خمینی (س) است. آن حضرت در سال پایانی حیات خود، جنگ فقر و غنا را معیار بزرگ ماندگاری، تحرک و پویایی اسلام ناب اعلام داشتند. جنگی که مرز جغرافیایی و تاریخی ندارد و از محدوده زمان و مکان خارج است. از آنجا که حضرت امام (س) پایان جنگ تحمیلی را آغاز جنگ فقر و غنا مطرح کردند، این مسأله به صورت یک راز درآمد. اما این رمز و راز بزرگ در دوره آسایش و رکود و رویکردهای منحرفانه با ظهور احمدی‌نژاد احیا و عملی شد.

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۲۳

احمدی‌نژاد فریادگر اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ تأکید دارد که:

اگر ابتذال به‌درستی ریشه‌یابی و بازکاوی شود، مشکل به‌راحتی حل خواهد شد. برخی از مدیران غیر انقلابی، جای آرمان‌ها را عوض کرده لذت‌جویی و فردگرایی افراطی و بهره‌مندی‌های شخصی را جایگزین کرده‌اند. وقتی آرمان‌های بلند الهی را به یک مسأله دست دوم تبدیل کردند، بدیهی است در چنین فضایی زمینه تأثیر هجوم فرهنگی دشمن فراهم می‌شود. دشمن تلاش زیادی به‌عمل آورده تا رابطه جوانان را با گذشته قطع کند، و آرمان‌های بلند را از پیش چشم جوانان ما دور سازد. اگر آرمان‌خواهی در فضای جامعه حاکم شود، خواهیم دید که فوج فوج به سمت انقلاب حرکت می‌کنند. ایادی دشمن که نمی‌خواهند ضعف‌ها و بی‌عرضگی‌هایشان رو شود، موج انقلاب و روحیه انقلابی را به خشونت‌طلبی، بی‌منطقی و ناکارآمدی تفسیر می‌کنند. اما این یک خیانت بزرگ و یک دروغ بزرگ است.[۱]

روزنامه اشپیگل اعتراف کرد:

با روی کار آمدن احمدی‌نژاد و تکرار سخنان آیت‌الله خمینی، گویی دوباره خمینی آمده است. یکی از نکاتی که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که احمدی‌نژاد دقیقاً از مسائلی در سخنان خود استفاده می‌کرد که سال‌های اول انقلاب، آیت‌الله خمینی بیان می‌نمود. اکنون دور از انتظار نیست اگر بگوییم که خمینی دیگری در یکی از رؤوس قدرت ایران قرارگرفته است.

نکته دیگری که از بزرگترین شاخص‌های اسلام ناب در سیره نظری و عملی حضرت امام (س) به پیروی از سیره امیرمؤمنان ـ علیه‌السلام ـ است، هم‌گامی و هم‌کلامی مسؤولان با طبقات پایین جامعه است.

این شاخص در احمدی‌نژاد نیز زبانزد است، به‌گونه‌ای که حتی

---

۱. روزنامه شرق ۸۴/۳/۳۰

گروهک غیرقانونی نهضت آزادی ناچار شد به آن اعتراف کند. در تحلیل این گروهک از انتخابات نهم آمده است:

به‌نظر می‌رسد آنچه شاید درکامیابی دکتر احمدی‌نژاد مؤثر افتاد، نحوه تعامل او با بخش قابل توجهی از آحاد رنج‌دیده و زحمت‌کش جامعه بود. او زبان آنها را به‌درستی تکلم می‌کرد، و با نفی وابستگی به احزاب و گروه‌های اجتماعی و پشتیبانی آنها، خود را تنها از جنس توده مردم معرفی می‌کرد.

او در تبلیغات خود با بیانی مؤثر بر وجود فساد، تبعیض و شکاف عمیق طبقاتی تأکید داشت. شکافی که در نتیجه سیاست‌های نادرست اقتصادی و تکاثر بسیاری از مدیران گذشته، که یک سوی آن ثروت بادآورده نوکیسه‌ها و در سوی دیگر آن انبوهی از کارگران و کارمندانی هستند، که به زحمت از عهده تأمین هزینه‌های خود برمی‌آیند، و عملاً در خط فقر زندگی می‌کنند.[۱]

بیگانه‌ستیزی در سیره نظری و عملی احمدی‌نژاد

شاخص دیگر اسلام ناب محمدی (ص) بیگانه‌ستیزی است، که در این اینجا نیز احمدی‌نژاد سرآمد بوده است. روزنامه گاردین نوشت:

وزارت خارجه معتقد است بخشی از دلیل شکست پیش‌بینی سفارت درخصوص ظهور احمدی‌نژاد، این است که او طی دو سال حضور در شهرداری تهران، مصرانه تقاضای ملاقات ریچارد استون سفیر انگلیس را رد کرد.[۲]

شیخ نعیم قاسم معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان هم پیروزی احمدی‌نژاد را به این صورت تحلیل کرد:

پیروزی رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد در انتخابات اخیر ایران، سیلی دیگری به صورت آمریکاست.[۳]

---

۱. روزنامه کیهان ۸۴/۱۴/۱۲
۲. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۷
۳. روزنامه کیهان ۸۴/۴/۷

بی‌گمان نحوه تعامل با آمریکا، شیطان بزرگ شاخص نمادین اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ است. هر گام عقب‌نشینی، تسلیم، سازش و دوستی با این تروریست بالذات نماد کامل فاصله گیری، تقابل، مخالفت و ستیز با اسلام ناب است. این معیار بارز برای دوستان و دشمنان یک امر طبیعی و بدیهی است. بر همین اساس عملکرد احمدی‌نژاد در چند ماه مسؤولیتش بسیاری از دولتمردان و سیاستمداران جهانی را علاوه بر ملت‌های آزاداندیش به تحسین واداشته است.

این مشخصه برجسته البته در منظر بیگانه‌پرستان داخلی، امری نامطلوب بوده و هست. به همین دلیل هنگام تخریب‌های بی‌مانند دوران انتخابات که علیه احمدی‌نژاد صورت می‌گرفت، یکی از نشریات اصلاح‌طلب نوشت:

> احمدی‌نژاد هم‌چنان آمریکا را جنایتکار و شیطان می‌خواند. رفسنجانی بارها از سیاست تنش‌زدایی و جذب سرمایه‌های خارجی برای بهبود وضع اقتصادی ایران صحبت کرده است. این درحالی است که احمدی‌نژاد با سیاست‌های خود باعث فراری دادن بسیاری از شرکت‌های اروپایی و بعضاً آمریکایی از ایران و از دست رفتن سرمایه‌های آنها و...[1]

درحالی این دیدگاه مرعوب و ذلیل اصلاح‌طلبانه ابراز شد، که یک روزنامه فرانسوی ثمره پیروزی احمدی‌نژاد را چنین تحلیل کرد:

> پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ایران قبل از هر چیز ضربه‌ای سخت بر جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ او وارد کرد.[2]

با ارزیابی عمیق از زوایای اسلام ناب در گفتار و رفتار احمدی‌نژاد

---

۱. هفته‌نامه اعتدال و توسعه ۸۴/۴/۱۵ ۲. روزنامه سیاست‌روز ۸۴/۴/۷

حضرت آیت‌الله مصباح پس از پیروزی در دیدار با وی، اظهار داشتند:

آنچه مسؤولیت شما را سنگین‌تر می‌کند، این است که در طول سال‌های بعد از رحلت امام خمینی - رحمه الله علیه - بی‌مهری‌هایی نسبت به ارزش‌ها و قوانین اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی شده، که دل مؤمنین و خانواده شهدا را به‌درد آورده است. امید است که با اتکای به خداوند و ادعیه امام زمان بتوانید بعضی از آب‌های رفته را به جوی بازگردانید، و احکام تعطیل شده را اجرا، و ارزش‌های کم‌رنگ شده را احیا نمایید.

احمدی‌نژاد در منصب ریاست جمهوری

دکتر احمدی‌نژاد پس از استقرار در ریاست جمهوری، انقلاب عظیم‌تری ایجاد کرد. انقلاب رفتاری او در جایگاه بالاترین مقام اجرایی کشور، پس از سال‌ها، نمونه‌ای از سیره علوی را به اجرا درآورد. عملکرد احمدی‌نژاد در این جایگاه سبب شد به شعارهای پیشین ملت در تشبیه او به رجایی «منادی عدل علی» هم اضافه شود. به‌واقع احمدی‌نژاد در حد توان، توانست مجری برخی سنت‌های امیرمؤمنان (ع) گردد. این واقعیت به‌گونه‌ای آشکار است که یکی از امامان جمعه اهل‌سنت در سفر رئیس جمهور به استان سیستان و بلوچستان در سخنانی گفت:

ساده‌زیستی احمدی‌نژاد در ریاست جمهوری یادآور ساده‌زیستی امیرالمؤمنین (ع) است.

برخی از اقدامات انبوه انقلاب فرهنگ‌ساز احمدی‌نژاد در ریاست جمهوری در ذیل اشاره می‌شود:

الف - صدور بخشنامه مبنی بر ممنوعیت چاپ و نصب عکس خود در ادارات و سازمان‌های دولتی. این موضوع در طول حاکمیت

جمهوری اسلامی بی‌سابقه است.

ب ـ پرهیز از کاخ‌نشینی که در شانزده سال گذشته، امری معمول و پیش پا افتاده گردیده بود.

احمدی‌نژاد هم محل کار و هم منزل خود را در خیابان پاستور قرار داد در حالی که خاتمی تا ماه‌ها پس از ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد در کاخ سعدآباد باقی ماند و گردهمایی‌های حزبی و گروهی و نشست‌های محفلی و سیاسی خود را برگزار کرد!!

ج ـ تغییر محل استقبال و بدرقه مهمانان خارجی از کاخ سعدآباد به مرکز پاستور، و برداشتن فرش‌ها و تشریفات پرهزینه و طاغوتی از آن. این حرکت اسلامی گرچه سبب تخریب بیشتر وی توسط طاغوت‌زدگان داخلی شد، اما مهمانان خارجی را به تحسین واداشت.

د ـ حذف تشریفات و هزینه‌های زاید از دستگاه ریاست جمهوری و کنترل مخارج آن.

ه ـ عدم دریافت حقوق ریاست‌جمهوری و حق مأموریت سفرهای خارجی.

و ـ استفاده از هواپیماهای عمومی در چند سفر داخلی، که همراهان زیادی نداشت همچنین ورود و خروج از سالن‌های عادی فرودگاه. این کار در شرایطی انجام می‌شد که خاتمی پس از پایان ریاست جمهوری با هواپیمای اختصاصی به سفر دوره‌ای رفت و هاشمی رفسنجانی نیز با هیأت ۶۰ نفره! با یک هواپیمای اختصاصی به عربستان، سوریه و کویت سفر نمود.

ز ـ ممنوعیت وزرا در استفاده از تشریفات زاید و هزینه‌بر، و عدم

سکونت در ویلاها و خانه‌های اشرافی. این مسأله در دولت‌های قبل حتی برای مدیران رده‌های پایین یک امر بدیهی بود، چنانکه هنوز بسیاری از آنان علاوه بر اموال شخصی!! از چنین اموال دولتی سوءاستفاده می‌کنند.

ح ـ عدم استفاده از اتومبیل‌های گران‌قیمت ویژه ریاست جمهوری درحالی که برخی اعضای دولت سابق با وجود نداشتن مقام دولتی، بهره‌مندی از این اتومبیل‌ها و اسکورت‌ها را با هزینه دولت حق خود می‌دانند.

ط ـ استفاده نکردن از خط ویژه و تحمل ترافیک، و عبور از مسیر عادی. این مسأله به‌خصوص برای نسل جوان یک نوآوری و احیای فرهنگ علوی است.

ی ـ اقامت در محل‌های غیر تشریفاتی و ویژه در سفرهای استانی، و استفاده از اتوبوس و مینی‌بوس و حرکت‌های دسته‌جمعی با هیأت دولت در این سفرها.

ک ـ حضورهای سرزده و غیرمنتظره در مراکز حساس و بررسی مسائل، تا فرصت ظاهرسازی‌ها و فریب‌کاری‌های احتمالی را از ریاکاران سلب کند.

ل ـ مهم‌تر از همه ثبات نظر و قدم در راهبردهای تعیین‌کننده به‌منظور حراست و حفظ حقوق و منافع ملی براساس اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ است. مسأله انرژی هسته‌ای، مسأله فلسطین و... نمونه‌های آن است. گویاترین و پرمعناترین تحلیل را مقام معظم رهبری از این راهبرد احمدی‌نژاد در ۲۲ بهمن به‌عمل آوردند و سخنان رئیس‌جمهور را حرف دل ملت ایران اعلام داشتند. این کلام یعنی ملت در

اسلام‌خواهی همچنان احمدی‌نژاد را سمبل عملی خود می‌داند.

احمدی‌نژاد در راستای عمل به اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ وزرای کابینه‌اش را پیش از انتخاب قطعی، به امضای یک تعهدنامه مخیر کرد. به‌منظور آگاهی و داوری خوانندگان عین متن این تعهدنامه درج می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلّذین مَکناهم فی الارض اقاموا الصلوة وآتواالزکوة وامروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ولله عاقبة الامور (حج/۴۱)

اَللّهم عجل لولیک الفرج و النصر واجعلنا من انصاره واعوانه والمستشهدین بین یدیه واحفظ قائدنا.

میثاق‌نامه دولت اسلامی

اینجانب با امضای این میثاق‌نامه در پیشگاه الهی و در محضر حضرت ولیعصر(عج) به قرآن مجید سوگند یاد می‌کنم تا زمانی که در دولت اسلامی مسؤولیت دارم پاسدار و مجری تعهدات ذیل باشم و به همه توان در تحقق آن بکوشم:

۱ ـ همه توان خود را صرف تحقق اهداف و برنامه‌های دولت اسلامی بویژه اصول عدالت‌گستری، مهرورزی، خدمت به بندگان خدا و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی کشور که برخاسته از اصول انقلاب اسلامی است، نمایم.

۲ ـ با همه توان از ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی از جمله ولایت مطلقه فقیه، دین‌مداری، ایثارگری، شهادت‌طلبی، جانبازی در راه خدا، آزادی و آزادگی، ساده‌زیستی، پاکدستی، پاکدامنی، صداقت در گفتار و سلامت در عمل و رعایت شعائر اسلامی دفاع کرده و در راه ترویج آن بکوشم.

۳ ـ مدت زمانی را که در دولت اسلامی حضور دارم، وقف خدمت صادقانه و متواضعانه به مردم و رفع مشکلات آنان و پیشرفت کشور کرده و از حقوق مردم دفاع نمایم و در مقابل بدخواهان ملت و متجاوزان به حقوق عمومی با

قدرت بایستم.

۴ ـ در گزینش همکاران، شایسته‌سالاری و معیار تقوا، مجاهدت در راه خدا، شجاعت، مردم‌داری، کاردانی، کارآمدی، ساده‌زیستی، روحیه خدمت‌گزاری و عشق به مردم را بر هر معیار دیگری ترجیح دهم و از هر نوع رابطه‌بازی، گروه‌گرایی و جناح‌بازی به شدت خودداری نمایم.

۵ ـ با همه توان در جهت موفقیت دولت تلاش نمایم، موفقیت خود را در موفقیت و پیروزی دولت بدانم، از تصمیمات دولت به‌طور کامل تبعیت نمایم و در اجرای آنها بکوشم و از هر اقدام ناهماهنگ جداً خودداری نمایم.

۶ ـ همراهی و همدلی و وحدت اعضای دولت و کار جمعی را یک اصل خدشه‌ناپذیر دانسته و از هر اقدامی که این اصل را خدشه‌دار کند، خودداری نمایم. با شجاعت نظرات خود را در دولت مطرح کنم، همه امور را در درون مجموعه دولت بررسی کرده و تصمیم نهایی را ولو مغایر با نظر خودم باشد با جدیت و صداقت اجرا نمایم، و از طرح مسائلی که موجب وهن دولت در اذهان مردم گردد، اجتناب کنم.

۷ ـ در مدتی که در دولت حضور دارم از هر نوع فعالیت اقتصادی شخصی و تلاش برای جمع‌آوری ثروت بپرهیزم و به دریافتی از دولت در زندگی شخصی اکتفا نمایم.

۸ ـ در حفظ بیت‌المال و کاهش هزینه‌های دولت و جلوگیری از ریخت و پاش‌ها و مصارف غیر ضرور و اسراف با همه توان بکوشم.

۹ ـ در ارتقای کیفیت کار و تحقق برنامه‌های دولت در افزایش بهره‌وری تلاش نمایم.

۱۰ ـ با همه توان با اشرافی‌گری دولتی، تجمل‌گرایی، فقر، فساد و تبعیض مبارزه نمایم.

۱۱ ـ خدمت به محرومین و مناطق محروم را در سرلوحه اقدامات خود قرار داده و آن را یک ارزش بی‌بدیل بدانم.

۱۲ ـ همه‌جای ایران عزیز و همه ایرانیان گرامی را شایسته خدمتگزاری دانسته

و در راه آبادنی و رفع محرومیت از همه آنان با تمام توان بکوشم.
این میثاق یک تعهد الهی است و عدول از آن به هر ترتیب به‌منزله نقض تعهدات اسلامی است.

از آن‌جا که برای جناح‌ها، سیاسی‌کاران، قدرت‌طلبان و کینه‌توزان در هر لباس و نام، هیچ روزنه اسلام‌خواهی در عرصه سیاست معنا ندارد، این تعهدنامه الهی، که ویژگی‌های منحصر به‌فرد احمدی‌نژاد را در اسلام‌خواهی بیش از پیش آشکار و اثبات کرد، مورد انتقاد و اتهام و تخریب واقع شد. باز هم در این زمینه راست و چپ به ناراستی و پلیدی گرویدند، و فاصله و تضاد با اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ را استمرار بخشیدند.



رهبر معظم انقلاب اسلامی:
ملت ما با اکثریت قاطع شخصیتی انقلابی و دانشمند و مدیری شایسته و کارآزموده و دارای سوابق مجاهدت صادقانه در صحنه‌های گوناگون را به ریاست جمهوری برگزیده است. سخن صریح وقاطع و صادقانه ایشان در تعهد به خدمتگزاری و رفع محرومیت و مبارزه با فساد، و لحن افتخارآمیز ایشان در پایبندی به اسلام و آرمانهای انقلاب، که با منش مردمی و ساده زیستی همراه بود، دلها و آراء مردم را متوجه ایشان کرد و مسئولیت مهم ریاست جمهوری را بر دوش ایشان نهاد.

بخشی از متن حکم تنفیذ دکتر احمدی‌نژاد



نشر دانش آموز

تهران، خیابان جمهوری اسلامی، کوچه اسماعیل مراغه‌ای
کوچه یاس غربی، شماره ۶۶ تلفن و نمابر: ۳۳۱۱۸۴۱۳

964-6316-41-7

